

ایة الله منتظری و قیام خودجوش مسلحانه

مردم عراق

هفت ویزگی تداوم عملیات در جبههها

سنت پیامبر (ص) و خودجوشی مردم عراق

فَاتَمَعَ الْمَسْتَرِيغُ
إِذْ مَعَ الْمَسْتَرِيغِ

راه مجاهد

در راه خدا بپوشید که در جبهه بپوشید
نشریه نهضت مجاهدین خلق ایران

سال پنجم - شماره ۴۰ - بهار ۱۰۰۰ ریال

بهمن و اسفند ۱۳۶۵

شیوه اصولی استمرار جنگ و ریشه های اختلافات

رابطه حفظ نظام و ادامه جنگ

بازداشت های اخیر و نظرات موجود

ویژگیهای

مقاومت

و عقب نشینی غرب

بسم الله الرحمن الرحيم

انگیزه و هدف از این تلاش این است که نشان دهیم: اولاً امر مذاکره از موضع مقاومت بوده و عملیاتی باشد چیزی جز تداوم مقاومت، ننگاندن مقاومت دشمن و تسریع پیروزی نیست. ثانیاً "رابطه مقاومت و مذاکره مکتبی نیست و چه ثوابتی بر مذاکره حکم فرماید. ثالثاً "انقلاب در چه مرحله است؟ ویژگیهای مقاومت ما و علائم اضطراب و عقب نشینی غرب چه می باشد؟ رابعاً "در صورت صالح بودن مذاکره با سستی رهبر مقاومت رهبری و ابتکار مذاکره را بپذیرند. ضمن تحقق اهداف فوق، بمناسبت هشتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، گوشه ای از مذاکرات تاریخ معاصر را نیز بیان میکنیم.

مقدمه:

در مقدمه این مقاله محورهای زیر را بررسی میکنیم:

مکتب و مذاکره

آنچه مسلم است در سیره انبیا و پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) و در انقلابات معاصر و انقلاب اسلامی به نوعی مذاکره مستقیم و یا غیرمستقیم وجود داشته است که بنظر میرسد بررسی فواید آن به لحاظ مکتب اسلام بسیار ضروری است.

رابطه حرکت در جوهر و حرکت در عرض

در کتاب مکتب راهنمای عمل از انتشارات نهضت معاصرین صفحه ۲ در توضیح حرکت جوهری چنین آمده است: ماده ۱۶: قبول حرکت ذاتی جوهری به منزله نفی حرکت در عرض نبوده بلکه: الف- جوهر و عرض لازم و ملزوم و قرین یکدیگر بود. و از هم جدا نیستند.

ب- حرکت در عرض تابع حرکت در جوهر میباشد.

دوام و ثبات در عرض تابع دوام و ثبات در جوهر، و با تحدود و حدوث در عرض تابع تحدود و حدوث در جوهر میباشد.

پیرامون مسئله القاتل

محکمت انقلاب

یا

مبانی لازم برای تحلیل شرایط

تجدیل

اسلام رویاروی غرب

به

اسلام مکتول غرب

اساس خوشبینی به غرب

نامه ای به
سید مهدی هاشمی

نامه ای به

سید احمد کاشانی



بمناسبت هشتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و امید تداوم این پیروزی و تحقق شعار توده های ۲۲ بهمن که میگفتند: امروز ایران فردا فلسطین.



اهداف آمریکا

از نزدیکی به ایران

عربستان سعودی

پایگاه آمریکا و برخورد مناسب با آن

کام بگام

حجت الاسلام رفیعی

در قفسه یک فارلین

- ۱۵ ص * خط امام در کلام آیت... منتظری
- * اخبار آید شولوزیک و ولایت فقیه
- ۱۹ ص - فطرت انسانها خدا جوست
- ۱۹ ص - مرز ملی و ملت پرست
- * اخبار جنگ اسلام و کفر
- ۲۰ ص - ادامه جنگ متضمن صدور انقلاب نیز هست
- نقطه عطف در نظریات مخالفین تداوم جنگ
- ۲۰ ص - ۴ سناریوی غرب در رابطه با ایران
- * اخبار داخلی
- ۲۱ ص - بحث های مجلس پیرامون دستگیریهای اخیر
- اظهارات سران امپریالیسم پیرامون سفر مک فارلین به ایران
- سرگزیده ای از سومین کنگره دانشجویان مسلمان دانشگاه های کشور
- * اخبار منطقه
- حزبا... لبنان حرکتی نظامی سیاسی؟ یادینی؟
- جریانها و سازمانهای فلسطینی
- ۲۸ ص

ملت ما رابطه با آمریکا را نمیخواهد امام خمینی

رسالت ۶۵/۶/۹

امام خمینی به مناسبت هفته دولت طی دیداری با اعضای هیئت دولت سخنانی ایراد کردند که مختصری از این سخنان در راه مجاهد شماره ۲۹ آورده شد و بنا بود مجموعه صحبت‌های امام از هفته دولت به بعد در یک ویژه نامه به مناسبت راه مجاهد ۳۸ آورده شود که فرصت نشد و حالا بقیه قسمت‌های آن را به لحاظ اهمیت آن می‌آوریم. تا زکری باشد برای اسلامی کردن برخورد ها و انتقاد اتان. امام خمینی پس از قدردانی از زحمات شهید باهنر، شهید رجایی و شهید عراقی و قدردانی از دولت خدمتگزار فرمودند:

لسان نصیحت غیر از لسان لجن کردن و ضایع کردن است

«... لسان نصیحت غیر از لسان لجن کردن و ضایع کردن است. من راجع به افراد هم عقیده‌ام هست که یعنی شارع هم همینطور است مابعد او هستیم که اگر انسان یک مسلمانی را برای خاطر هوای نفس لگد مال کند این در آن دنیا شاید مجازاتش بد تسریعین مجازات باشد و در این دنیا هم موفق نخواهد شد. مالسانمان باید لسان نصیحت باشد. انسان می‌بیند که گاهی وقتها لسانها، لسان نصیحت نیست. قلمها قلمهای نصیحت نیست. مطرح دولت نیست، مطرح جمهوری اسلامی است.»

بعضی‌ها که از روی ادراک میخواهند لطمه بزنند ممکن است شناسایی هم شده باشند

«... اگر چنانچه یک وقت اقتضا بکند مصلحت اسلام، یک وقت انسان ببیند که میخواهد یک کسی اسلام را تضعیف کند و لیسو نمی‌فهمد خودش یا خدای ناخواسته از روی فهم که بعضی نادره است الان که از روی ادراک میخواهند لطمه بزنند و شناسایی هم ممکن است شده باشند»

راه مجاهد:

بنظر میرسد دستگیری سید احمد کاشانی نماینده مردم نطنز و ده‌ای از افسران ارتش مصداق بارز این سخنان باشد.

اگر چنانچه خدای ناخواسته تعقیب بکنند آقایان ممکن است من یک وضع دیگری پیش بیاید برایم

«... خوب ما وچی ما و هر چه دستمان آمد گفتیم. حالا اقتصاد ما اینطور نیست، بوم‌ورشکسته هستیم. خوب ما و رشکسته جنابعالسی که می‌فرمائید که ما و رشکسته شد. ایم این برای اسلام مضراست و برای دولت مضراست. این برای جمهوری اسلامی مضراست. اما تویی که بر می‌داری من نویسی که ما و رشکسته هستیم تویی که مینویسی ما هیچی دیگرند ایم، تویی که این حرفها را می‌نویسی این برای اسلام مضراست نه برای دولت... من ممکن است یک روزی اگر چنانچه خدای ناخواسته تعقیب بکنند آقایان ممکن است من یک وضع دیگری پیش بیاید برایم»

قلم باید از روی انصاف چیز بنویسد

«... قلم انسانی است آنی است که از روی انصاف چیز بنویسد از روی انصاف صحبت کند آنهم توجه کند که در یک وقتی که ما الان اینطور گرفتاریم»

باید تجدید نظر بکنند، رکاره‌هایشان

باید تجدید نظر بکنند در کارهایشان توجه بکنند که یک وقت خدای ناخواسته یک ورق دیگری پیش نیاید. وقتی انسان تکلیف بفهمد دیگر نمیتواند بگوید این دوست من

سخن امام،

راهنمای

مستضعفین

است این رفیق من است، این برادر من است این پسر من است، من از خدای تبارک و تعالی استدعا میکنم که یک همچو مسائلی را پیش نیآورد.

تحت تاثیر نفس اماره واقع نشوید

«... از آقایان از همه نویسندگان از همه گویندگان تقاضا میکنم که شما یک قدری تعدیل کنید کارهایتان را تحت تاثیر نفس اماره واقع نشوید دولت موفق بوده است»

اینجور نباشد که همه‌اش هی عیب بگویند

«... اینجور نباشد که همه‌اش هی عیب بگویند، خوب یک قدری از چیزهایی از خدمت‌های که کرده‌اند چطور گفته نمیشود در بعضی قلم‌های کله راجع به اینکه فسلان خدمت هم شده است نمیشود. از اول شروع میشود عیب، عیب، کجاست؟ کجاست؟ کجاست؟ همه آنوقت بعضی‌ها پیش ضرر میزنند به حیثیت اسلام، بعضی‌ها ضرر میزنند به نظام، بعضی‌ها ضرر میزنند به حتی در قوای نظامی تاثیر میکنند. و امید وارم که دیگر این امور تکرار نشود»

خداوند شمارا و ما را و همه ملت ما را از لفت‌زنها نجات بدهد و ما را کاری کند که در حضور خودش روسیاه وارد نشویم»

اطلاعات ۶۵/۸/۱۸

امام خمینی در ملاقات با جمعی از اقتشار مختلف نیروهای مسلح و نیروهای رزمنده بسیج:

امام در این صحبت مختصر که چند روز پس از ۱۳ آبان و توضیح قضیه مک فارلین توسط

آقای رفسنجانی انجام شد، روی یک مطلب بطور محکم تاکید نمودند که همانا ادامه جنگ تا حذف صدام است.

جنگ، تکلیف است، صدام چه رفتی باشد چه نباشد

کوشش کنید عن خودتان را خالص کنید برای خدا. چه کشته شوید و چه بکشید اهل نجاتید. و این موقعی است که کوشش کنید قصد شما الهی باشد که الحمدا... هست. صدام رفتی است. انشا... به همین



زودی برود. علی‌ای حال چه رفتی باشد چه رفتی بشد یک تکلیف داریم ادا می‌کنیم ملت ما را ترش ما، سپاه ما و همه قوای مسلح ما یک تکلیف ادا می‌کنند. این مثل این است که گفته شود، اگر فلانی رفت مردم نماز نمی‌خوانند تکلیف است، به رفتن کسی مردم دست از نماز بر نمیدارند.

راه مجاهد:

امام در این جا جنگ را یک تکلیف الهی دانسته و از طریق برهان رب وارد شده‌اند که در آن قطعیت و حتمیت وجود دارد و اگر مردم هم جنگ را نخواهند بایستی با صبر و حوصله و استدلال توحیدی آنها ربه تدام این جنگ دفاعی تشویق نمائیم. چنانکه حضرت علی (ع) امام حسن (ع) یا امام حسین (ع) جنگ با بسنی امیه را عمل صالح و تکلیف الهی می‌دانستند که در این رابطه با وعظ و خطابه و از طرق دیگر مردم را بسیج می‌نمودند ولی برخی مسئولین ادامه جنگ را تکلیف الهی ندانستند و آنها را تاویل مردم استخراج می‌نمایند. آنها می‌گویند از آنجا که مردم تدام جنگ را می‌خواهند جنگ را ادامه می‌دهیم. اینها از طریق برهان ناس به ادامه یا توقف جنگ رسیده و ملاکشان رای اکثریت مردم است. که این ملاک در همه جا اعمال ندارد. رادیوهای بیگانه برای منفعل کردن مردم نسبت به جنگ شبانه روز برنامه‌ریزی می‌کنند تا از این طریق تاویل

اهمیت جنگ، برای ما از فروع دین بیشتر است

قضیه جنگ امروز ما برای ما اهمیتش بیشتر از فروع دین است. اینطور نیست که جنگ، مثل هر جنگی باشد که دیگران دارند میکنند جنگی است که اسلام دارد میکند در برابر کفر و نفاق. این جنگ یک تکلیف شرعی است که مردم ادا میکنند، من باشم ادا میکنند من هم نباشم ادا میکنند.

اینجور نباشد که همه‌اش هی عیب بگویند، خوب یک قدری از چیزهایی، از خدمت‌هایی که کرده‌اند چطور گفته نمیشود.

راه مجاهد:

قبلاً امام حفظ نظام را بالاتر از احکام دانستند و برخی گفتند که چون تدام جنگ موجب قطع نفت می‌شود و این نظام ساقط می‌گردد لذا بایستی جنگ (جهاد) را که خودش از احکام است متوقف سازیم تا نظام حفظ شود. امام با حکم فقهی فوق راه توجیه را بستند.

کیهان ۱۵/۶/۱

سخنان امام در سالروز میلاد حضرت محمد (ص):

عجز و ناله آمریکا برای رابطه با ایران بالاترین پیروزی است

آنها تیک می‌گفتند ما چه می‌کنیم و قطع رابطه می‌کنیم و از این مسائل می‌گفتند، امروز معلوم شد با عجز ناله در پیشگاه این ملت آمدند و می‌خواهند که رابطه برقرار کنند، می‌خواهند عذر تقصیر بخواهند و ملت ما قبول نمی‌کند این یک مسئله است، مسئله ایست که از تمام پیروزیهای شما بالاتر است.

جوهر این پیروزی ایمان جوانان است

الان تسابق می‌کنند تمام کشورهای بزرگ بقیه در صفحه ۲۰

لسان نصیحت کردن غیر از لسان لجن کردن و ضایع کردن است امام خمینی

هفت ویژگی

نداوم عملیات

در جبهه

این مقاله قبل از شروع عملیات کربلای ۵ نوشته شده است.

سال‌ها که ماههای آخر آن را می‌گذرانیم - سالی پرازابتلا و مخاطره برای امت اسلامی ما بوده است - فشارها و صدماتی که در این سال بر ملت ما وارد شد هرگز ام به تنهایی برای شکست خوردن یک کشورگانی بود. حملات وحشیانه عراق به شهرها و مناطق مسکونی و کشتار وسیع مردم در شهرهای اهواز، ماهشهر، اندیشک، باختران، ایلام و

گاهش شدیدی قیمت نفت و ضررهای که از این طریق به بودجه اقتصادی کشور وارد شد. حمله سنگین عراق به ترمینال‌های نفتی سیری، لارک و خارک.

حمله سنگین عراق به صنایع اساسی و مادر به تاسیسات فولاد مبارکه، کارخانجات سیمان، پالایشگاه‌ها و حمله به نیروگاه‌های برق که باعث صدمه خوردن به تولید کارخانجات و قطع طولانی مدت برق شهرها شد.

کمیون سوخت در سرتاسر کشور ویرانی ناشی از سیل در چند استان ولطمه‌ای که در این جهت به کشاورزان وارد شد.

در وجه سیاسی، مساله ارتباط و مذاکره و خرید سلاح از آمریکا، و دستگیری اطرافیان و هواداران سید مهدی هاشمی ... که باعث ایجاد شک و شبهه‌های فراوانی در میان مردم شد.

آنچه که در برابر همه این معضلات مردم ما مقاومت نگه داشته و ثبات کشور را حفظ کرده است انگیزه قوی و مکتبی مردم در ادامه جنگ تا پیروزی نهایی است، ایمان مستضعفین ما به خط مشی آزادی‌قدس و کربلا و اعتماد به امام و ولایت اسلامی باعث آن شده است که در رنج‌ها و این فشارها بیشترین حد اعزاز بسوی جبهه‌های نبرد را داشته باشیم.

حلت وجود چنین بسیجی را میبایست در روحیه مکتبی مردم یافت که همه انحرافات و مشکلات را با درایت و با شیطان بزرگ و عامل معطیان یعنی حزب صهیونیستی باعث عراق به شکست رساندن آن، قابل حل میدانند. شاهد بودیم که مردم سیل زد در حالیکه زندگی‌شان روی موج آب ازین رفته بود برای کمک به جبهه اعانه جمع کرده بودند.

این روحیه بزرگان و روشنفکران را حل مشکلات اصلی و فوری در دل حل تضاد عد ۲۰ خوانده میشود. بیایم از مکتب مردم مکتبی‌مان درس بگیریم و بیشترین هم خود را در جهت نیل به پیروزی در جنگ اسلام و کفر بکار گیریم.

مهمترین شیوه تسادوم عملیات در جبهه‌های جنگ

به چند دلیل صحیح بنظر می‌رسد:
اولاً: عمل بزرگ میبایست نتیجه سری عملیاتهای کوچکی باشد که هم تجربه نظامی لازم را به ما داده باشد و هم شناسائی کافی از تغییرات شیوه‌ها و موقعیت جبهه دشمن را به ما داده باشد.

اگر عملیات والفجر به نسبت زیادی موفق بود بدلیل وجود سری عملیات کوچکی بود که در سیر و ماهه قبل از آن داشتیم.

ثانیاً: مردم عراق هنوز آمادگی عمل از خود نشان نداده‌اند و ورود ماهه شهرها و مناطق مسکونی عراق هم زمان با قیام آنها نیست. ما حتی المقدور میبایست جنگ دفاعی مان را که در جهت قصاص حزب بعث عراق است با قیام عمومی مردم عراق هماهنگ کنیم. تا خدای ناگردد ما ولایت عراق را در پیروزی هم در بگر قرار نگیریم.

آه! ... العظمی منتظری همه اعضای کفرانگس همیاری مردم عراق چنین رهنمودی دادند و گفتند که جنگ با قیام مردم مسلمان عراق میبایست دنبال شود.

ثالثاً: این گونه عملیات از در صد کم‌کم سازش برای نیروها بر خورد اراست زیر بار زنده در مدت حضور خود در جبهه احتمالاً فقط در یک عملیات میتواند شرکت کند، آنها بعد از مدت‌ها حرکتی و سکون طولانی جبهه‌ها، این شیوه عملیات همچنین نیروهای رزمند را از درک چگونگی شکل گیری عملیات شناخت شیوه‌های دشمن، زندگی در جبهه و فعال شدن دشمن آنها برای حل مشکلات درونی جبهه و چگونگی مقابله با خطرهای احتمالی از سوی دشمن و محروم میکند.

جبهه‌های ماهه این دلیل را نشکافه فرمانده ساز است که در سپاه‌های عملی را در صحنه مبارزه رزمند می‌آموزد. لیکن شیوه عملیات گسترده در شرایط فعلی ایجاب میکند که بخش اصلی نیروی رزمی در یادگانه‌های پشت جبهه و در راز خط مقدم بمانند. و فقط روزهای حمله در عملیات شرکت کنند. این نیروها به دلیل اینکه در سیر شکل گیری عملیات نیستند قادر به جمع بندی علل موفقیت و شکست عملیات نبوده و ما از نعمت استفاده از ذهن خلاق جمع بندی آنها محروم هستیم. پراز طی کردن مرحله کارسازی و نیروسازی، قادر خواهیم بود عمل موفقیت بدون ضعف‌های فوق انجام دهیم.

رابعاً: تلفات نیروهای انسانی در این گونه عملیات بدلیل کثرت نیروهای بکارگرفته شده و بکارگیری سلاح شیمیایی اگرچنین عملیاتی با تعداد زیاد شهید و مجروحین به موفقیت برسد. باز هم منافع دراز مدت جنگ را تا مین نکرده است. زیرا خط مشی دراز مدت آزادی‌قدس از طریق کربلا نیاز به هزاران فرمانده مجرب و صد ها هزار رزمند به تجربه دارد و از دست دادن بدون لزوم کارهای با کیفیت و نیروهای رزمند ضرر به مصالح دراز مدت این خط مشی است.

وقتی اندک توان کیفی نظامی نیروهای ما کاهش یابد، صلح اجباراً به ماتمیل خواهد شد. در شرایط فعلی نیازمند شیوه عملیاتی هستیم که ما را در مقابل بیماریا شیمیایی مصونیت بدهد. با کسب تجربه در نحوه مقابله با بیماریا شیمیایی قادر خواهیم بود در صورت لزوم به عملیات بزرگ دست بزنیم.

خامساً: این شیوه عملیات ما را مجبوره خرید سلاحهای پیشرفته میکند، زیرا برای تضمین موفقیت عمل نیاز به تجهیزات پیشرفته جهت بداند زمین و هوایی پیدا میکنیم و مجبور میشویم که به خرید انواع سلاحها از هر طریق ممکن اقدام کنیم و این امر

مشکلات سیاسی برای ما بار خواهد آورد. گمان اینکه در جریان اخیر سلاح از آمریکا این مساله به بارزترین وجهی بروز کرد. قابل ذکر است که بگفته آقای هاشمی رفسنجانی، سازمان سیا، فروش سلاحهای خود را تعقیب میکند یعنی خواه ناخواه ناچار خواهیم بود به پرداخت نوعی امتیاز متقابل دست بزنیم. عملی که سلامت انقلاب را به خطر می‌اندازد و هنگام فاش شدن قضیه، از در صد بسیج بسوی جبهه‌ها و میزان اعتماد مستضعفین به مسئولین نظام، خواهد کاست.

در شرایط حاضر نیازمند شیوه‌ای هستیم که اولاً به سلاحهای پیشرفته متکی نباشد و ثانیاً بتواند نیازهای تسلیحاتی ما را از انبارهای ارتش عراق تا مین کند.

ثالثاً در سایه آن قادر باشیم در صورت لزوم نیازهای تسلیحاتی یک عمل گسترده را پاسخ گویا باشیم.

سادساً: عملیات گسترده بدلیل هزینه‌های بالای و دلاری - فراوان، بشدت به در آمد حاصله از فروش نفت وابسته است و دشمن بر اکتیو می‌تواند روی آن اثر بگذارد. هزینه بالای این گونه عملیات فشاری بر بخشهای دیگر جمهوری اسلامی و نارضایتیهای را بر اثر نتیجه تمام‌اندن بر نامه‌های عمرانی اقتصادی بدنیال دارد، بخصوص در شرایط اخیر که سیل و زلزله و خرابیهای ناشی از بمباران مشکلات زیادی را بر سر مسئولین گذاشته است.

سابعاً: بدلیل متمرکز بودن عمل دشمن میتواند اکثر نیروهای خود را در جبهه مقابل متمرکز کند و این امر موفقیت عمل ما را مورد مخاطره قرار میدهد همچنین امکان لورفتن عملیات و ضرر خوردن آن بالاست گمان اینکه چند بار شاهد این مسئله بوده ایم.

ب: ممکن است اجرای عملیات سراسری وسیع - امان در آینده مد نظر باشد. در این صورت هم سکون فطری جبهه‌ها با این خط مشی مغایرت دارد.

زیرا اولاً در مدت سکون در جبهه‌های ما ابتکار عمل بدست صدام می‌افتد، ثانیاً در این مدت دشمن با بمباران شهرها و اجرای تکه‌ها و توطئه‌های سیاسی ما را به اضطراب می‌اندازد که برای قطع حملات هوایی فشاری را در جبهه بر او وارد کنیم، و یا ممکن است مجبور شویم بدون آمادگی وارد عمل شویم. و یا اینکه در مقابل توطئه‌های خبری استکبار جهانی در بالا بردن موضع سیاسی صدام، دست به عملی بزرگ برای تثبیت سیاسی خود بزنیم.

اگر واقعاً چنین خطی مد نظر است، بهتر است از هم اکنون این شیوه را شروع کنیم و اجازه دهیم رزمندگان در سراسر جبهه عملیاتیهای محدود، سیر تکوینی خود را بطور ذاتی و عملی طی کنند. و انشاء الله در همین عملیاتی کوچک و با مجموع ضربه‌ها پیروزیها حاصلیت واقعی عملیات بزرگ را کسب کنیم. و یا ارائه شیوه‌های مناسب به رزمندگان عراقی در جهت هماهنگ کردن عملیات با قیام مردم عراق راه قدس از طریق کربلا راه‌ماور کنیم.

ج: ممکن است هدف از این بسیج نیرو و اعزامها و بخش اخبار آن در جبهه ترساندن دشمن و رساندن نش به این تحلیل باشد که جمهوری اسلامی در عزم خود مصمم است و خواهیم کشورهای غربی و حامیان منطقه‌ای عراق را وادار کنیم که خود صدام را قبل از بدتر شدن اوضاع از سرکار بر دارند. و یا کشورهای عربی حامی صدام در ترازوی قدرت منطق پشتیبانی از صدام را بنبذند که سنگین ترک کنند.

قابل توجه است که این تهدیدها و مانورها تا حدی کارآیی دارد و بعد از مدت‌ها هم رزمندگان را به انفعال می‌اندازد و هم دشمن به توخالی بودن آن پی میبرد و حملات خود را تشدید میکند آن وقت است که ما از موضع اضطراب و فشار مجبوره حمله می‌شویم که عواقب آن توضیح داده شد.

قابل ذکر است که برخی از آیه‌های قرآنی و آیه‌ها استطغتم بن قوّه و من زباط الخیل تزهیون به عدّ واللّه چندین استنتاج میکنند که بسیج نیرو و امکانات همواره برای ترساندن دشمن است و وقت ندانند که در رگیری حق و باطل امری واقعی و انکارناپذیر است و باطل برای حفظ خود با تمام قوا به میدان خواهد آمد. و از توپ و تشرهای ماهم جانمی‌خورد و عقب نشینی نمی‌کند.

لازم تذکر است که جمله ترهیبون به عدّ واللّه و کلمه در رابطه با جریانی است که هنوز حمله واقعی را به نیروهای اسلام شروع -

شیوه عملیات نفوذی، محدود، بی‌امان، سراسر، ذاتی، دراز مدت، هماهنگ و کم تبلیغ راه گشای جبهه‌ها می‌باشد.

نگردند و مشمول بعثیونی که شش سال است باماد رحال نیروی هستند نمی شود

با توجه به مسائل فوق بنظر میرسد در مرحله فعلی جنگ شیوه عملیات نفوذی محدود، بی امان، سراسری، ذاتی جبهه ها در رازمدت، هماهنگ و کم تبلیغات راه گشایند. به این معنا که ماسراسر جبهه جنگ را با تکیه بر نیروهای هر جبهه و هماهنگی جبهه های دیگر فعال کرده و با حداقل تبلیغات جهانی بی رویه دشمن ضربه وارد کنیم. در مراحل اول بصورت رفت و برگشت نفوذی و در مراحل بعدی کسب صلاحیت، با اجرای تکبای محدود و پدافندی و در آخر هم تک گسترده پدافندی که انشاء الله مقارن با قیام عمومی مردم عراق خواهد بود.

چرا نفوذی محدود؟

این سؤال مطرح است که تحلیل ما از رژیم مردم، ثبات و اوضاع داخل عراق چیست. اگر مردم عراق علیه صدام موضع دارند و ناراضی اند فقط فشار پلیسی و نظامی حزب بعث و ارتش عراق آنها را به سکون واداشته است. در این صورت مشکل ما فقط منهدم کردن نیروهای ارتش عراق و تضعیف آن است. و این امر هم با وارد کردن ضربه های بی رویه به ارتش عراق در سراسر جبهه امکان پذیر است مهمترین شیوه برای نیل به این هدف، عملیات نفوذی محدود است. زیرا ما نیاز چندانی به تصرف مواضع دشمن نداریم. مگر گلوگاه های سوق الجیشی که تصرف آن برای ادامه عملیات لازم باشد.

با اینکه مردم عراق هنوز صدام و حزب بعث را قبول دارند و با اصطلاح حزب بعث یا یگامرد می دارند که در این صورت هم تصرف مناطق سکونی عراق عمل صحیح و موقعی نیست. زیرا اگر هم بتوانیم این مناطق را فتح کنیم، با مقاومت مردمی روبرو شده و نقش ارتش اشغالگر را پیدا خواهیم کرد.

باهر و تحلیل فوق الذکر عملیات نفوذی محدود و بمعنای وارد کردن ضربه به دشمن، انهدام نیرو و تجهیزات، اسیرگیری بخش اطلاعاتی و اطلاعیه برخورد با مردم شهرها و روستاهای عراق عمل صحیح میباشد.

بعد از فتح فاو، رزمند های پرسیده بود: چرا هیچ تظاهراتی نفع ما را هیچیک از شهرهای عراق نزارش نشد آیا ما اشغالگر نبوده ایم؟

این چنین سئوالاتی انسجام رونی نیروهای ما را خدشه دار میکند.

... در تمام جبهه های عملیاتی افراد مجرب و آزموده ای برای فردای عملیات تهاجمی بزرگتر و بارهبری در جبهه ها و جانشینی فرماندهان خوب در صورت شهادتشان ساخته خواهند شد.

این شیوه به بهترین وجهی مشکل بیماران شیمیائی را حل میکند زیرا بدلیل نفوذی بودن عملیات و نزدیکی سکون نیروهای ما و نیروهای دشمن در رخنه کارزار، آنها قادر نخواهند بود که بیماران شیمیائی دست بزنند. زیرا نیروهای خودشان هم قربانی این بیماران خواهند بود.

با یکاگرگیری این شیوه عملیاتی، ناچار نخواهیم بود که برای جلوگیری از بیماران شیمیائی دشمن، ما هم به این شیوه غیر اسلامی و غیر انسانی دست بزنیم، بلکه هم ارزشهای انقلاب را حفظ کرده و هم حمله دشمن را نقش بر آب مینمائیم چرا که در همین اینکه حالت جنگی حفظ میشود. فشار سنگین اقتصادی روی ما وارد نمیشود و میتوانیم نیروی خود را در امکان روی مسائل اقتصادی بازگانی، بازسازی و... بگذاریم. این امر باعث میشود که توان ادامه دراز مدت جنگ خود کفار پیدا کنیم.

این شیوه اگر ضربه هم بخورد، بعثت محدود و بدون تحولی در سرنویشت ایجاد نمی کند و چون عمده نیروهای عمل کننده در سریشکل پذیری عملیات نقش فعال دارند. میتوانستند علت ضربه را کشف، بجای انفعال نقش فعال گرفته و در حمله بعد این ضعف را جبران کنند.

عملیات نفوذی محدود عملیاتی است که نه جنگ و گریز بمعنای عملیات خیلی کوچک است و نه عملی بزرگ بلکه عملی است که میتواند چند روز و یا چند صد نفر را برود داشته باشد این عده به داخل مواضع عراق حمله برده ضربه میزنند، و برخی جاها را موقتاً تصرف میکنند. غنیمت و اسیر گرفته و برمی گردند و در صورت لزوم در برخی مناطق مستقر میشوند. سیرتکوین این عملیات به این معنی که ماسراسر جبهه ای جنگ را از بالا تا پایین فعال کنیم و در همین اینکه

مستقل هستند ولی با هماهنگی یکدیگر برای جلوگیری از بهم ریختن کارها، بی رویه به دشمن حمله کنیم. توشه ای که مردم عراق از این شیوه عملیاتی میگیرند آنکه با عده کم و سلاح معدود هم میشوند مبارزه باعث عراق برخاست و کاری انجام داد.

چرا بی امان؟

زیرا که دشمن بعثت کثرت درگیری توان جمع بندی را از دست داده و قدرت طرح ضد حمله های سنگین و ایجاد موانع را از دست میدهد.

زیرا بعثت آماده بهش مستمر نیروهای دشمن روحیه ارتش بعثت بیش از پیش خرد میشود. بخصوص که رفاه طلبی از ویژگیهای ارتش دشمن است. یکی از اسرا که در جریان تکبای محدود قبل از عملیات فاو با سارت درآمد می گفت: از زمانی که عملیات چریکی شما در جبهه آغاز شد موج فرار از جبهه خیلی بیشتر شد بخاطر اینکه در حال حاضر که یکماه از حرکت های شما میگذرد ما بطور مستمر آماده باش هستیم که باعث خستگی شدیدی در ارتش بعثت شده ولی عملیات کلاسیکی که قبلاً داشتید، حد اکثر ۱ روز برای ما آماده باش داشت و بعد از این مدت همه بحالت استراحت برمی گشتند.

اشتیاق رزمندگان به ماندن در جبهه همچون اوایل جنگ افزایش مییابد و بدین ترتیب کارهای با کیفیتی ساخته خواهند شد. این شیوه به شهرها هم گسترش یافته و باعث بسیج نیروهای جبهه میگردد و مسئله اهزام نیرو را حل و روحیه مردم را برای تحمل مشکلات سختیها بالا میرود.

تداوم عملیات محدود بودن آن از یکطرف این اجازه را به فرماندهان میدهد تا از افراد یک شناخت نسبتاً خوبی پیدا کند و از طرف دیگر رخنه های مکرر خون و شهادت، امکان کمتری برای فعالیت افراد نفوذی وجود دارد، چون معمولاً منافق انگیزه خون دادن ندارد.

در این شیوه چون مستمراً با توده های ارتش عراق درگیر هستیم بهتر میتوانیم با یکاگرگیری شیوه های اسلامی زمینیه جذب آنها به لشکر اسلام را فراهم کنیم



به امید فتح قدس از طریق کربلا

چرا ذاتی جبهه؟

بدلیل اینکه نیروی عمل کننده از متن جبهه جوشیده و در سریشکل گیری عملیات قرار میگیرد و از منظره عمل شناسائی داشته باشد و عمل خارج از حد و توان آن جبهه او واگد ارتشود.

چنین نیروی توان جمع بندی عملیات را در است و در برابر ضربات و بی امانی ها به موضع چپ و راست نمی افتد. معمولاً عملیاتی که نیروهای رزمند از محل حمله شناسائی خوب داشته اند موفق بوده و برعکس در عملیاتی که رزمند ها خود شناسائی نداشته و نسبت به جبهه دشمن و موانع و معابر توجه نشده بودند ضربه های زیادی خوردیم ذاتی بودن همچنین به این معناست که رزمند جوان ماقبل از شرکت در عمل مدتی در جبهه بوده و نسبت به شرایط واقعی جبهه عینی شده باشد. نه اینکه هیچگاه میدان واقعی رزم را ندیده و با مدتی اولی تو از آن در روزه باشد و هنگام درگیر شدن با دشمن و در نتیجه انفجار توپ و خمپاره و رگبار مسلسلها، مات و میبهوش زمین گیر شده و با حداقل کارائی واقعی خود را از دست بدهد.

چرا سراسری؟

این هم یکی از وجوه مهم و اصلی ویژگیهای این شیوه

عملیات است. درگیری، محدود و بی امان در سراسر جبهه، عراق را مجبور میکند تا نیروهایش را در طول ۱۲۰۰ کیلومتر مرزها کند مسازد و بدین ترتیب هم امکان تمرکز نیروی حمله های ما از دشمن سلب شده و احتمال موفقیت عملیات ما افزایش مییابد و هم بعثت کم بودن نیروی دشمن در هر منطقه ضربه پذیری اش افزایش مییابد.

درگیری سراسری این فرصت را بماند هد تا از کلیه شگرد های دشمن در سراسر مرزها خبر شد و با انتقال به ترتیب آنها به دیگر جبهه ها از ضربه پذیری جبهه ها با کاهیم. از طرف دیگر بعثت مشغولیت زیاد هر جبهه دشمن توان کمک رسانی به دیگر جبهه هایش را از دست خواهد داد. با یکاگرگیری این شیوه حزب بعثت، برای پاسخگویی به حملات ماهه نیروهای فکری و عملی خود را معطوف به امر جبهه میکند و بدین ترتیب فشار روی مبارزین عراقی کمتر شده و زمینه تعالیات بیشتری برای آنها فراهم میشود.

درگیری نامحدود و بی امان در سراسر جبهه، عراق را مجبور میکند تا نیروهایش را در طول ۱۲۰۰ کیلومتر مرزها بپراکنده سازد و بدین ترتیب امکان تمرکز نیروی حمله های ما، از دشمن سلب میشود.

چرا هماهنگی؟

در حین عمل به ضرورت هماهنگی کردن جبهه ها بهترین میبریم. در همین حال که هر جبهه مستقل عمل میکند ولی باید رابطه اش با سراسر جبهه ها از لحاظ پشتیبانی عدم تداخل و... مشخص شده و از خود سوری و بی توجهی پرهیز کرد.

همچنین هماهنگی به این معناست که با یکدیگر عمل نکنیم که عملیات جبهه دیگر لو رفته و مخدوش شود.

چرا دراز مدت؟

درازمدت بودن یعنی اینکه مبارزه را دراز مدت ببینیم شیوه هایمان را از دل اضطراب روین بستاند و رنیاوریم و فقط پیروزی در فلان عملیات و فلان برد سیاسی را مدنظر نداشته باشیم.

بدانیم که جنگ درازمدت، اقتصادی می خواهد که در مقابل جنگ سدی نباشد.

سرداران می خواهند که این جنگ را هر چند طول بکشد و هر چند رشهید بدیم، هدایت کنند. یعنی اینکه در مراحل مختلف بدنیال تحقق استراتژی مان باشیم و از تابع شدن پرهیز نمائیم.

چرا کم تبلیغ؟

باید دانست که تبلیغ روی این شیوه عملیات دشمن را هوشیار کرده و آرامش مورد نیاز برای طی طبیعی مراحل مختلف این شیوه عملیاتی را از ما میگیرد.

تبلیغات زیاد روی این شیوه عملیاتی باعث بسیج ارتجاع عرب و محافل صهیونیستی علیه ما میشود و دشمن دست باجری عملیاتی میزند تا ما را از یکاگرگیری این شیوه عملیاتی باز دارد.

شاهد بودیم که پس از شروع سری عملیات های محدود بعد از عملیات بدر فشار هوایی عراق روی تو مینال نفوس خارک بشکل حدی بالا رفت.

شیوه تبلیغ رونی این گونه عملیات نقل سینه به سینه حماسه ها و تجربیات و صحبت برادران رزمنده در مساجد و مراکز و نماز جمعه های می باشد.

لازم بتذکر است که شکل یکاگرگیری شیوه عملیات نفوذی محدود بی امان، سراسری ذاتی جبهه، دراز مدت است و کم تبلیغ، بمعنای اجرای چند عملیات در هر شبانه روز می باشد و اهداف فوق الذکر را بدست می آورد.

۱- بنا قیام مردم عراق است .

در رابطه با تشدید حرکتهای انقلابی مردم عراق چند خط مشی وجود دارد که عبارتند از:
الف - جریان بالیغ با الهام از حرکت جوهری معتقد است که باید با نیروهای مبارز و فعال انقلاب عراق برخورد همه جانبه شود و با رشد و تعمیق آنها زمینه را برای انقلاب عراق فراهم کرد . به نظر این جریان باید با اهمیت دادن به استقلال مبارزاتی و سیاسی نیروهای فعال عراقی آنها را در انتخابات شویوهای انقلابی و کمیونی یاری کرد .
ب - جریان دیگری بر این عقیده است که صالح ترین عمل در رابطه با انقلاب عراق این است که به ابتکار جمهوری اسلامی شکل های مبارزات تشویق به حرکت کنیم که هسته اصلی انقلاب عراق شوند . این جریان معتقد است که بدون ارائه خطوط سیاسی - نظامی از طرف جمهوری اسلامی نیروهای مبارز عراقی قادر به ارائه یک جنبه مبارزاتی نخواهند بود .

ج - تفکر دیگری نیز وجود دارد که معتقد است باید گروههای عراقی را بر حول محور جمهوری اسلامی به ایران آوریم و از اینجا با دادن امکانات تسلیحاتی و مالی و ارائه خط فکری ، رابطه تشکیلاتی محکم بسازیم انقلابیون عراق بوجود آوریم و سپس با گسیل این نیروها به جبهه ها و یا خاک عراق ، موجبات انقلاب اسلامی عراق را فراهم کنیم .
د - جریان فکری چهارم مطرح میکند که اصولاً به شیوه سلححانه و چریکی رژیم صدام سرنگون نخواهد شد . بلکه با بستن باب نیروی ازالگوی انقلاب ایران ، تظاهرات وسیع مردمی و حرکت همه جانبه روحانیت عراق را بسرا ه انداختن و چون در حال حاضر انجام چنین حرکت گسترده ای را در عراق ممکن نمیدانند از این رو جریانه این شیوه روی می آورد که رزمندگان ایرانی از جبهه های خودمان عمل کنند و بدین طریق صدام را سرنگون و انقلاب عراق را برپا نمایند . برای حل این اختلاف نظرها ما بهترین راه را با الهام از قرآن و سنت پیامبر (ص) و رهنمود های امام و آیتها . . . منتظری گامی در جهت دست یابی به ملاکهای اصولی و وحدت تحلیلی نیروها برداشته باشیم و بر آنم نشان دهیم تا مردم مستضعف عراق جوهرش پیدا نکنند و به تحول و حرکت روی نیاورند به صدق آیه ۱۱ سوره رعد "إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْتَرَمُ بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ" . . . همانا خدا احدی هیچ قوم را در گرو نخواهد کرد تا زمانی که خود را تغییر ندهند . هیچکس نخواهد توانست انقلابی را در عراق پدید آورد و این اصل قرآنی و بدیهی را باید پذیرفت که مبنای تحول هر ملتی در مصق وجود انسانهای همان جامعه نهفته میباشد و کسی نمی تواند انقلاب را به درون یک جامعه تزریق کند .

البته این اصل نیایستی این طرز تفکر را در امن بزند که ما دست روی دست بگذاریم تا ملت های مظلوم خودشان دست به قیام بزنند . بلکه صحبت بر روی این است که ما چگونه باید به تناسب رشد حرکت مردم عراق شیوه های را ارائه دهیم تا این حرکت ها

راغنا و استحکام بخشند .

۲- رابطه نظام جمهوری اسلامی با نهفت های آزادی بخش

با توجه به اینکه در دل انقلاب ما یک نظام تشکیل شده و از سوی این نظام به دنبال ایجاد رابطه با نهفت های پیرامون خویش است ، ما نیاز داریم که با بهره گیری از یک الگو ، چگونگی رابطه صحیح نظام

وسپله نظام اسلامی پیامبر (ص) تقویت می شد و ایشان می توانستند با اقتدار بیشتری با قریش مبارزه کنند . ولی چرا پیامبر (ص) این کار را نکردند و به استسرا در پناهندگان رضایت دادند ؟ مواردی در این رابطه وجود دارد که نشان می دهد رسول خدا (ص) در اجرای این ماده قاطعیت کامل به خرج می دادند . نمونه بارز آن ابوعبیر است که پس از ناهنده شدن به مدینه توسط پیامبر (ص) به قریش تحویل

سنت قرآنی پیامبر (ص) پیام خود جوش عراق

می گرد . هر چند که ابوعبیر محافظین خود را می کشد و با اطراف در منطقه ای که سیر کاروانهای قریش به شام بود یک گروه چریکی تشکیل می دهد که بسیجی از کاروانهای قریش مورد هجوم آن گروه قرار

می گردد . هر چند که ابوعبیر محافظین خود را می کشد و با اطراف در منطقه ای که سیر کاروانهای قریش به شام بود یک گروه چریکی تشکیل می دهد که بسیجی از کاروانهای قریش مورد هجوم آن گروه قرار

می گردد . هر چند که ابوعبیر محافظین خود را می کشد و با اطراف در منطقه ای که سیر کاروانهای قریش به شام بود یک گروه چریکی تشکیل می دهد که بسیجی از کاروانهای قریش مورد هجوم آن گروه قرار

می گردد . هر چند که ابوعبیر محافظین خود را می کشد و با اطراف در منطقه ای که سیر کاروانهای قریش به شام بود یک گروه چریکی تشکیل می دهد که بسیجی از کاروانهای قریش مورد هجوم آن گروه قرار

میکردند ، هنگام بازگرداندن و استرداد آنها می فرمودند که خداوند متعال بسزوی برای شما گشایشی بوجود خواهد آورد . به نظر رسمی رسد این برخورد پیامبر (ص) بیانگر وحدت خطی بین ایشان و افرادی چون ابوعبیر بوده است . علیرغم اینکه پیامبر (ص) پیمان عدم تعرض با سران قریش به امضا رسانیده بودند ، ولی نهفت ابوعبیر را قربانی این پیمان نکردند بلکه راه رانجوی هموار ساختند که عملاً نهفت اسلامی در مکه از گزند سران قریش معصوم بماند .

سؤال ما این است که مکانیسم این گشایش چه بوده و در چه مراحل تحقق پیدا کرده است ؟

الف - رشد نهفت اسلامی در قلوب مشرکین

به نظر میرسد که پیامبر (ص) در نظر داشته اند که کانونهای انقلابی و مستقل از نظام اسلامی مدینه در دیگر نقاط جزیره العرب بوجود آید . اگر به اعزاز مبلغین آن حضرت ، به قبایل عرب باریده بصیرت نگاه کنیم متوجه می شویم که هدف پیامبر (ص) این نبود که همه جریانهای معتقد به اسلام را در مدینه گردآوری کنند بلکه تلاش میکردند که هر کدام از این کانونهای نوپا مستقلاً به رشد و تعمیق خود ادامه دهند . این قانونمندی حرکت پیامبر را در رابطه با استرداد مسلمانان فراری از مکه ، بخوبی تبیین می کند و متوجه میشویم که بازگرداندن و استرداد مسلمانان در راستای همین خط مشی میباشد . به عبارت دیگر رسول خدا (ص) تلاش داشتند که نهفت اسلامی در مکه قویتر شود و افرادی که در آنجا مسلمان می شوند استقامت کنند و ریشه های این نهفت را در آنجا تقویت نمایند . البته امکان دارد که از این خط مشی ، هلاکت و زجر مسلمانان را تعبیر کنیم ولی به واقع امر اینطور نبود ، چرا که نظام اسلامی مدینه به عنوان حامی قدرتمند آنها در معادلات سران قریش مورد نظر بود و آنها نمی توانستند بیش از حد معمول فشار وارد کنند و مجبور بودند به رشد تدریجی نهفت اسلامی در مکه تن بدهند . با توجه به اینکه در مواد قرارداد حدیبیه قید شده بود که مشرکین مکه حق آزار و اذیت مسلمانان را ندارند .

ب - سیر کسب صلاحیت کانونهای انقلابی

اصولاً کلیه جریانهای که به نهفت اسلامی ملحق میشوند با بستن در یک سیر مبارزه با دشمنان آید پدید شوند و به اصطلاح کسب صلاحیت کنند . در غیر این صورت بدون اینکه کیفیت نیروهای مورد نظر زیاد شود ، صرفاً ملحق شدن آنها به نهفت اسلامی افزوده شدن سیاهی لشکر است . در استرداد مسلمانان فراری از مکه ، پیامبر (ص) این مطلب را مد نظر داشتند و می دانستند که در برگرداندن مسلمانان در شرایط فشار مکه رحمتی بزرگ نهفته است و آنها هم آید به شدن و کسب صلاحیت نیروهای مسلمان بود . این نیروها میبایست در گوران ابتلاها قرار گرفته و در عمل ایمان خود به خدا و رسول او را به مرحله آزمایش میگذراشتند

خط سرخ انقلاب از کربلا به قدس است

ادامه سنت پیامبر (ص) ...

و چنین کسانی میتوانند بعنوان صاحبی پیامبر قلمداد گردند. البته ناگفته نماند که در این سیرکسب صلاحیت، آنهايي که قدرت مقاومت در ربه دارند، ناگزیر بطور مستقل به مبارزه علیه قریش دست میزنند و میسبوان گفت که سیرکسب صلاحیت در رابطه با آنهاست بدین گونه تحقق پیدا میکند.

"مقاومت" یا "مبارزه در هجرت"

برخی بر این عقیده بوده هستند که در سرزمینهای تحت سلطه طاغوت بایستی مقاومت کرد و با تشکیل سازماندهی مبارزه را عمق بخشید. در کنار این جریان فکری، عقیده دیگری وجود دارد که معتقد است با وجود فشار و اختناق دشمن ایستادن و مقاومت کردن، هرگز ادن نیروهاست. بایستی هجرت نمود و مبارزه را در خارج از سرزمینهای تحت سلطه شکل داد. بنظر میرسد که این دو عقیده با هم تعارض بنیادی نداشته باشند و هر کدام مرحله ای از رشد و تعمیق یک نهفت اسلامی است. آنچه مسلم است اساس بر مقاومت و مبارزه درونی است و این حکمی است که بایستی در درجه اول مورد نظر باشد، ولی در صورتیکه یک سری از نیروها تاب و توان فشارها و تهاجمات دشمن را نداشته باشند و در معرض از هم پاشیدگی و پرییدن از مبارزه قرار گیرند، می توانند هجرت کنند و در خارج از مرزهای تحت سلطه، به مبارزه ادامه دهند. با توجه به اینکه همیشه باید در نظر داشته باشیم که در اولیین

حد بیه این ماندن و مقاومت آنها بود که به پیامبر (ص) اجازه میداد ریشه های نهفت اسلامی را در ربه قوت بخشید. در عین حال عده ای هم که قادر به مقاومت نبودند و به مدینه هم نمی توانستند بروند در نقطه ای بر سر راه کاروانهای قریش تشکل مسلحی پیدا آوردند که لرزه بر اندام قریش انداخت و می توان گفت که این عده در مدار دیگری از عمل صالح انجام وظیفه کردند.

برکت کانونهای " متعدد " جلوگیری از ازشکار بر جوهره انقلاب

نکته قابل توجهی که در سنت مکئی و انقلابی پیامبر (ص) به چشم می خورد این است که در جهت رشد و گسترش نهفت اسلامی، کانونهای متعدد از مسلمانان دیگر قیام کرد و سراسر جزیره العرب پیدا آوردند که یکی از برکتها وجود چنین کانونهایی این شد که اجازه نهد دشمن با خیال آسوده نیروهايش را بسیج کند و به مدینه هجوم برد چرا که پیامبر (ص) در جهت حرکت کرده بودند که همه " عرستان مبدل به مدینه شود. استرداد مسلمانان فراری به مکه هم در این راستا بخوبی قابل درک است که چگونه پیامبر (ص) با برگرداندن مسلمانان در واقع مد و را انقلاب میکردند و به دستخورد دشمن ریشه نهفت اسلامی را موثرترین نمودند نکته قابل توجه اینکه در رابطه با مد و را انقلاب

کنلیه جریا نیایی که به نهفت اسلامی ملحق میشوند بایستی در یک سیر مبارزه با دشمنان آبدیده شوند و با صطلح کسب صلاحیت کنند.

فرصت برگردند و مبارزه را از درون دنبال کنند. در رابطه با استرداد مسلمانان فراری از مکه میتوان بوضوح مشاهده کرد که پیامبر خواهان این امر بود که مسلمانان در مکه باقی مانده و نهفت اسلامی را در آنجا تقویت کنند. ولی در عین حال میبینیم که افرادی همانند ابوسریخ، خروج از مکه و مبارزه مسلحانه را ترجیح می دادند که در اینجا پیامبر (ص) نهی آشکار نکردند، بلکه با آن بعنوان مرتبه ای از مقاومت برخورد نمودند.

ج- آیا همه در مداری یکسان عمل صالح انجام میدهند؟

در اینکه جوهره حرکتها و اعمال هر مؤمنی رشد اسلام و مبارزه با ظلم و کفر است شکسی نیست ولی بحث بر سر این است که در این رابطه وظیفه هر نیرویی چه می باشد؟ بطور مثال، آیا همه مسلمانان عرستان میبایست به مدینه می آمدند و با اینکه عمل صالح هر کانون انقلابی این بود که در حوزه خود به مقاومت و مبارزه ادامه دهد؟ در پاسخ به این سؤال است که با توجه به سنت قرآنی پیامبر (ص) در میبایست که افراد در مسداری یکسان عمل صالح انجام نمی دهند، بلکه وظیفه هر مؤمنی است که در موضع و جایگاه واقعیش به انجام وظیفه ادامه دهد. بر این اساس عمل صالح مسلمانان مکی مقاومت و مبارزه در مکه بود و بعد از قرار داد

و تفکرو وجود دارد. جریانی میگوید مد و را انقلاب سبب فشار بیشتر بر خود انقلاب می شود و استقلال آنرا با خطر می اندازد و جریان دیگر همانطور که در بالا مطرح شد معتقد است مد و را انقلاب سبب کم شدن فشار دشمن بر انقلابی شو و دشمنین کنند استقلال آن می باشد.

حوشه گیری از سنت پیامبر در رابطه با انقلاب عراق

با توجه به برداشتهایی که از حرکت پیامبر در استرداد مسلمانان مهاجره مکه ارائه شد می خواهیم بدون قیاس شراییست استزمان و شرایط فعلی و سنت نبی (ص) را الگوی برخورد با انقلاب عراق قرار دهیم آنچه که بر آن تأکید داریم این است که سه به منطق قرآنی پیامبر (ص) در این رابطه مایند توجه کرد نه اینکه خدای ناکرده با یک قیاس نابجا! بنظر برداشته شود که منظور ما پهن فرستادن مبارزین عراقی می باشد.

۱- خود جوشی نهفت اسلامی عراق

آنچه که به قاطعیت میتوان بعنوان یک اصل مورد بحث قرار داد این است که انقلاب عراق جز با تحول و جوش فرازون پشش سر نخواهد رسید و اگر نخواهیم گامی در این جهت برداریم بایستی به این تحول درونی توجه کنیم و با اتخاذ شیوه های صحیح در رشد و هدایت مبارزین عراقی راه انقلاب بر آن سرزمین هموارتر کنیم. بدیهی است که اگر در جهت حرکت خود جوش جریانهای مبارز عراقی گام بر ننداریم فرد ابرای تشکیل نظام مردمی و اسلامی در عراق قادرهای همه جانبه و مورد نظری پیدا نخواهیم کرد. این خط سیر همیشه وجود دارد که در صورت وقوع توطئه های نظیر شهادت کاد رهای انقلاب در ۷ تیر ۸۰ و شهر یور ۰۰۰ (در صورت نداشتن کاد رهای جایگزین) به کمبود کاد رها مبتلا شده که موجب سقوط نظام میگردد و باز زمینه حاکم شدن جریانهای مرموز و فرصت طلب فراهم میشود.

این اصل بایستی برای کلیه جریانهای عراقی تثبیت گردد که در مبارزه خود به هیچ نیرویی حتی انقلابی وابسته نشوند و حتی جمهوری اسلامی را هم بعنوان حامی خود محسوب ننمایند چرا که در غیر این صورت یکسری حرکت های متکی بر خارج از عراق صورت خواهد گرفت که متناسب با نیاز مرحله ای انقلاب و درجه شدت ملت عراق نخواهد بود. البته همانطور که در مقدمه بحث گفته شد ما اعتقاد بر این نداریم که دست و پا بستگی ارتباط ملت های مظلوم خودشان دست به قیام بزنند، بلکه صحبت روی این است که مسا چگونه تناسب بر شد و حرکت مردم عراق ارائه طریق کنیم. در این رابطه انتقال دستاوردها و تجارب مبارزانه انقلاب ایران و با آموزشهای نظامی مورد نیاز و کمک تسلیحاتی به انقلابیون عراقی نه تنها نمی گردد بلکه حتی خسرو می باشد. جوهر اسلام این است که کانون انقلاب عراق بصورت خود کفانه رشد خود ادامه دهد، نه اینکه ما برای آنها تصمیم بگیریم و آنها جبری تصمیمات ما باشند.

باتوجه گیری از حرکت کاروانی امام حسین (ع) این سؤال مطرح میشود که امام حسین (ع) با مردم کوفه که امیک سبنازند و کد امیک بعنوان شرط محسوب میشوند؟ آیا میتوان مردم کوفه را منسای قیام امام حسین را شرط قیام گرفت؟ بنظر میرسد اما امام حسین (ع) در رابطه با مردم کوفه سبناستند داشته اند اما وظیفه سبنا در رابطه با

مردم کوفه این بود که بعنوان شرط عمل کند تا مردم کوفه از تربیت و رشد خود جوش برخوردار شوند. مثلاً پدر خوب نسبت به یک فرزند خوب ارزش بیشتری برخوردار بود و با سبناست دارد ولی در رابطه با تربیت فرزند خود موظف است که به عنوان شرط عمل کند چرا که این یک تکلیف بود ستور قرآنی است.

۲- روند کسب صلاحیت نیروهای مبارز عراقی

با توجه به سنت نبی (ص) باید توجه داشت که نیروهای مبارز عراقی در جهت کسب صلاحیت حرکت کنند. تنها مد و را اعلامیه و نشریه نمیتواند در این رابطه راه را کند و باشد. حتی عمل کردن ایثارگران مجاهدین

ملت عراق نیاز به نیرویی دارد که از متن آنها جوشیده و در کنارشان سختیها و مصائب را تحمل کرده باشد و با مبارزه مستمر راه انقلاب را هموار نماید.

عراقی در جنبه های ما هم آن چیزی نیست که مورد نیاز انقلاب اسلامی عراق باشد. ملت عراق نیاز به نیرویی دارد که از متن آنها جوشیده و در کنارشان سختیها و مصائب را تحمل کرده باشد و با مبارزه مستمر راه انقلاب را هموار نماید. روند کسب صلاحیت نیروهای مبارز عراقی در این رابطه است که تحقیق پیدا میکند و الا یک نیرو هر چند هم که مبارز باشد اگر با ملت خود در یک بستری مبارزه نکند نمیتواند در آن ملت ریشه های پش را محکم کند بر این اساس مبارزین عراقی بایستی به این فکر باشند که چگونه در رابطه با درون عراق فعال شوند و سعی کنند با فعالیت هر چه بیشتر در جامعه مظلوم عراق کسب صلاحیت نمایند تا در آیند میتوانند انقلاب عراق را به پیش ببرند.

۳- عمل صالح انقلابیون عراق چیست؟

همانطور که در محو و مقاومتها مبارزه در هجرت گفته شد اختلاف نظری در بین مبارزین وجود دارد که منجر به اتخاذ شیوه های متفاوتی شده است. در رابطه با انقلاب عراق برخی عقیده شان بر این است که در خود عراق نمیتوان کاری کرد و بایستی نیروهای مبارز از خارج عراق بقیه در ص ۴۳

تبدیل اسلام رویاروی غرب به اسلام مکمل غرب

هدف و انگیزه

اولاً: معرفی اعلی‌ترین توطئه غرب علیه انقلاب اسلامی، با من تداوم انقلاب اسلامی، با بنیادی به اصول و مکتب اسلام است. غرب تا بحال می‌کوشید از طریق نفوذ شیوه‌های انحرافی انقلاب را از درون آلوده کند و لایحه‌ای اکنون چون قادر به واژگونی آن نیست نوبت آن رسیده که در اصول انقلاب تعدیل بوجود آورد. با تعبیراتی اسلام مکمل غرب را جایگزین اسلام رویاروی غرب نماید. ثانیاً: "مرزبندی ایدئولوژیک سیاسی اسلام مکمل و هماهنگ با غرب و" اسلام رویاروی غرب"

اولین کسی که در سالهای اخیر اسلام مکمل غرب را مطرح نموده است و قربان راه این امر متوجه نموده دکتر سید حسین نصر میباشد. وی اکنون استاد اسلام شناسی دانشگاه جرج واشینگتن آمریکا است. در زمستان سال ۶۴ در انجمنی امور اسلامی دانشگاه جرج واشینگتن از دو نوع اسلام "اسلام مکمل غرب" و "اسلام رویاروی غرب" نام برد و چنین گفت:

"در دنیا اسلام کمانی هستند که همواره معتقد بودند غرب سنتی و مسیحی جهان اسلام مانند آینه مکتب یکدیگرند و کسانی که سعی در نزدیکی به غرب داشته و روابط با غرب را یک ضرورت بدانند اسلام سنتی هستند و در واقع رعایت سنت را نموده‌اند."

و هم چنین گفت: کسانی که با غرب یا خوشنویس و رویاروی و مناقشه برخورد میکنند و نمی‌گذارند اسلام به غرب نزدیک شود در اسلام بدعت بوجود آورده اند و حرکت امام خمینی را موجب شگافی در جهان شیعه و یک بدعت و خاسته با رقلما ذکرده است (۱)

دکتر نصر در گذشته از تئوریسین های نظام سلطنتی و از نزدیکان فرج بود و حالا نیز به خدمت امیربالیسم درآمد است در سخنرانی خود به آمریکا خط داده و راه نفوذ را به او نشان میدهد.

اصول انقلاب موجودیت آمریکا را زیر سؤال برده است از جمله اطلی که میگوید: اسلام مکتبی است مستقل از شرق و غرب که در تمام وجوه از جمله علم، اقتصاد، سیاست و شیوه زندگی و... با غرب موافقت ندارد. با رو مافیت ظلمی و سرمایه داری، هیچ وحدتی احساس نمی‌کند و این چیزی است که آمریکا را بخاطر انداخته است. حال اگر آمریکا بتواند راهی بیابد که اسلام مکمل و هماهنگ با غرب را جایگزین اسلام غرب ستیز و رویاروی غرب نماید انقلاب را از اصولی بودن و از رویارویی با غرب انداخته است.

مرزبندیهای اسلام رویاروی غرب و اسلام مکمل غرب

۱- رویارویی با شیطان با درکنار شیطان و همزیستی

اسلام مکمل غرب معتقد است که درکنار آمریکا (شیطان) می‌شود زندگی کرد و به همزیستی با آمریکا میرسد در حالی که اسلام رویاروی غرب مسجد و عبادتگاه را محراب یعنی محل حرب بی وقفه با شیطان دانسته و لازم است ایمان به الله را نفی طاغوت و مستمران می‌داند. این اعتقاد هیچگاه به همزیستی با شیطان (آمریکا) نمیرسد.

مرفان اسلامی نیز همین است که هر چه عشق خدا را بدتر می‌شود مبارزه با ظلم و ستم هم بیشتر می‌گردد.

اسلام مکمل غرب در بعضی زمینه‌ها در گذشته با روی سلطنت و اکنون با غرب اختلافاتی نظیر حفظ حجاب و رعایت حرمت شراب و... داشته ولیکن هم در گذشته که در سلطنت را پذیرفته و هم اکنون نیز اساس تمدن غرب را الگوی خود میدانند و ضمن

اختلاف داشتن با غرب به یک همزیستی با غرب رسیده است. بطور مثال وقتی در محفل از زندانیان سیاسی، قبل از پیروزی انقلاب سؤال شده که شما ما بلیت به کدام کشور بروید یکی از معتقدین به اسلام رویاروی غرب می‌گوید من ما بلیت به چین بروم که مزد من روحیه انقلابی داشته و ساده زیست هستند. دیگری گفت، من ما بلیت به آمریکا بروم تا در آنجا با خیال آسوده نمازی بخوانم و این نشان می‌دهد که به لحاظ روانی غرب را نزدیکتر بخود میدانند. رنگان هم اکنون از این روحیه استفاده کرده و انجلی بعنوان هدیه فرستاده است تا خود را اهل کتاب قلمداد کند.

۲- معامله با رضایت خدا یا روحیه معامله‌گری

اسلام مکمل غرب در برخورد با غرب می‌گوید می‌توان با آمریکا (شیطان بزرگ) معامله کرد، معامله‌ای که هم سود ما باشد و هم سود غرب و در معامله با غرب تنها به تراضی طرفین نظر دارد و از رضایت خدا غافل است بطور مثال می‌گوید: در یک معامله شیرین و تها تری نفت می‌دهیم و گالامی گیریم که هم سود ما است و هم سود غرب ولی آیا خدا از این معامله تراضی است و آیا مستضعفین بخشودند؟ آیا این معامله ضربه‌ای به صنایع داخلی نیست؟ و همچنین گفته میشود، اسلحه می‌گیریم برای تقویت جبهه که این به نفع ماست و در مقابل، گوگان از لبنان آزاد می‌کنیم که به نفع غرب است.

اسلام مکمل غرب قرار دادهایی را که کارگران در شرایط اضطرار با کارفرما می‌بندند و امضا می‌کنند که "مشروع و از روی رضایت طرفین می‌داند ولی اگر رضایت خدا را ملاک قرار دهیم انصاف چه حکم می‌کند؟ آیا امضای قرارداد از موضع اضطرار و درماندگی و ترس از بیکاری نشانه رضایت است؟

اسلام رویاروی غرب مسجد و عبادتگاه را محراب یعنی محل حرب بی وقفه با شیطان دانسته و لازم است ایمان به الله را نفی طاغوت و مستمران می‌داند.

رحمی از معتقدین اسلام مکمل غرب می‌گویند ما شرطی برای امیربالیسم می‌گذاریم که قبول نکنند محتوای کار آنها به این مثال شبیه است. از شخصی پرسیدند ما درت را می‌فروشی؟ جواب داد، آری اما به قیمتی که کسی نخرد. اگرچه واقعیتی می‌گذارد که کسی نتواند بخرد اما نفس قیمت گذاری روی مادرش از روحیه معامله‌گری نشأت گرفته است.

و اصل فروختن و معامله روی ما در امر مشروعیت می‌بخشد و شرط سنگین گذاشتن برای مذاکره هم از این مقوله است که حالت رویارویی با غرب را تعدیل می‌کند.

اما اسلامی که نتیجه‌اش رویارویی با غرب میشود در هر قراردادی با معامله‌ای رضایت خدا را مینا گرفته و چون خدا را حاضر و ناظر میداند در محضر خدا معصیت نمیکند و در هر قراردادی منافع مستضعفین را در نظر می‌گیرد.

۳- قیمت گذاشتن روی انقلاب عراق

یکی از مسئولین گفته است: حتی اگر یک حکومت آمریکایی هم پس از صدام در عراق روی کار بیاید و بما کاری نداشته باشد ما جنگ را تمام می‌کنیم. از آنجا

که الترتاتیب صدام با اسلام خمینیسم یا بعث سوریه و یا ارتش طرفدار شوروی عراق است لذا کودتای آمریکایی رخ نخواهد داد ولی گفتن این حرف اصولی نبوده و از آن عبارت، معامله‌گری مستفاد میشود. وظاها را "بنظر میرسد که آمریکای افسد به صدام فاسد ترجیح داده میشود و روی انقلاب عراق و خون شهدای عراقی معامله انجام میشود که در آن رضایت خدا و رضایت مردم مستضعف و رنج کشیده عراق در نظر گرفته نمیشود. اما اسلامی که نتیجه‌اش رویارویی با غرب میشود میگوید: دست جنایتکار آمریکا از آستین صدام بیرون آمده است و هیچگاه به غرب خوشین نمیشود حتی اگر آمریکا صدام جنایتکار را هم بسز دارد و حکومتی میانه رو و معتدل در عراق روی کار آورد.

۴- راه بشر استوار راه انبیا با درکنار انبیا

اسلام مکمل غرب می‌گوید هم راه بشر درست است و هم راه انبیا و هر دو در نهایت بهم میرسند. اسلام مکمل غرب برای ایدئولوژی و امور معنوی و عبادی یک حوزه مستقل و برای امور اقتصادی و سیاست و علم، حوزه مستقل دیگری قائل است. معتقد است که سیاست و علم و اقتصاد امور مادی و تجربی هستند که از طریق علم میتوان به آنها رسید. اما در ایدئولوژی و امور معنوی بایستی به سراغ قرآن و احادیث رفت.

اینان با پذیرش راه بشر یعنی راه علم در زمینه‌های اقتصادی، سیاست و روابط اجتماعی به چیزی جز تمدن غربی نمیرسند؟ تحقق آن در شرایط فعلی خطی است که

اسلام مکمل غرب می‌گوید می‌توان با آمریکا (شیطان بزرگ) معامله کرد، معامله‌ای که هم سود ما باشد و هم سود غرب و در معامله با غرب تنها به تراضی طرفین نظر دارد و از رضایت خدا غافل است.

بدنیال گسترش شهرهای بزرگ است که در نتیجه موجب تخریب روستاها میگردد.

این جریان کلیه روشهای غربی را با یک بسم ا... الرحمن الرحیم، اسلامی میکند و در واقع فقط به سیستم غربی یکسری امور عبادی اضافه میکند. بطور مثال اعلی‌ترین شعار یعنی "امنیت، رفاه، تولید و معنویت" بود که در حقیقت معنویت و اخلاق را به آن سه ویژگی غرب یعنی امنیت، رفاه و تولید اضافه کرده بود که این همان اسلام مکمل غرب است.

اما اسلامی که نتیجه‌اش رویارویی با غرب میشود معتقد است راه بشر با استوار راه انبیا با شد و بطور بنیادی با تمدن غرب در تضاد است و بدنیال خود کفایی است و در این شرایط تحقق خود کفایی در کشا و رزی است که آن را تنها با اعتماد به مردم و بسج و اخلاقیات آنها عملی میداند.

۵- حکومت اسلامی یا حکومت جدا از مذهب

اسلام رویاروی غرب به اسلام راهنمای عمل و حکومت مذهبی معتقد است و اسلام را قابل نظام شدن و قابل پیاده شدن میدانند هر چند پس از صدام در این زمینه تجربه کمی داشته‌ایم و ممکن است در راه تحقق آن اشباه هم بکنیم. اما اسلام مکمل غرب به حکومت غیر مذهبی یا عبارتی جدا از مذهب معتقد است (لاشیک) بعنوان مثال پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از مسئولین که فرد بسیار متدین و مذهبی هم هست به لحاظ نوع مسئولیتش نامه‌ای به سفارت آمریکا می‌فرستد و از آنها میخواهد که تجربیات حکومت فدرال خود را برای وی بفرستد.

با وجود اعتقادات عمیق مذهبی، تحلیل آمریکا از وی این بود که او یک فرد غیر مذهبی است چرا که نمیخواسته

شما چه چیزی تا حالا از آمریکا دیدید که حالا بهش امیدوار باشید

آینده منتظره

ادامه تبدیل اسلام ...

شیوه حکومتی را از اسلام استخراج نماید. غربیها روی این مسئله بسیار حساس اند که شیوه حکومتی بر اساس اسلام باشد یا اساس بر معیارهای علمی و بین المللی قرار گیرد.

۶- انسان خدا جوی و عدل طلب با انسان استفاده مطلب

اسلام مکمل غرب و ویژگی پایدار انسان را استخدام - طلبی میدانده و ویژگی اجتماعی بودن انسان نتیجه فرع بر استخدام طلبی میگردد. این تفکر عدالت اجتماعی را نیز تابع استخدام طلبی انسان میدانند. لذا استخدام طلبی و برتری طلبی امپریالیسم هم به لحاظ ایدئولوژیک توجیه شده و طبیعی جلوه میکند و این تفکر در یک سیرنهائی در روابط اجتماعی خود حتی خدا و دین را هم به استخدام خود در میآورد (ایدئولوژی استخدامی) بطوریکه وقتی در دعوا و نزاعی استدلالی ندارد خدا و دین را سیریلای خود کرده و آنها را حربه و جماقی میکند و بر سر طرف مقابل میزند اما اسلامی که نتیجه اش رویا رویی با غرب میشود ویژگی پایدار انسان را عدل طلبی و خدا جویی میدانند و هر نوع ظلم و استعمار و استخدام طلبی را عدول از فطرت و غیر مشروع و غیر طبیعی میدانند و با آن به مبارزه بر می خیزند.

اسلام مکمل غرب و ویژگی پایدار انسان را
استخدام طلبی میدانند... لذا استخدام طلب
و برتری طلبی امپریالیسم هم به لحاظ
ایدئولوژیک توجیه شده و طبیعی جلوه میکند.

۷- اخلاق فطری یا اخلاق قراردادی

منافع فردی و طبقاتی ایجاب می کند که همگان بشینند و حسن و قبحها و نیک و بدها را در آورده و طی قراردادی به آن وفادار شوند. این نوع اخلاق را که تابع منافع فردی و یا طبقاتی و بیعاری تابع رای اکثریت است اخلاق قراردادی میگویند. بعنوان مثال در کشورهای غربی منافع فردی هر کس ایجاب میکند که بهداشت را رعایت کند ولی عده ای هم نظافت و بهداشت را جزایمان میدانند، بقیه کارها هم از این قبیل است. اسلام مکمل غرب به اخلاق قراردادی معتقد است. اگرچه دستورات اسلامی را در زمینه اخلاقی می پذیرد. اما بدلیل داشتن تفکریونانی و ارسطویی، نمیتواند فطری بودن و حادانگی اخلاق را تبیین نماید. لذا ارزشهای اخلاقی را اعتباری و قراردادی میدانند. اما اسلامی که نتیجه اش رویا رویی با غرب میشود به اخلاق فطری و خدا دادی معتقد است. چون مبنای ارزشهای اخلاقی را صفات الهی میدانند و خدا را صاحب کل حسنه یعنی صاحب تمام ارزشهای خوب میدانند لذا فطری بودن و حادانگی اخلاق برای او امری، روشن است و بخوبی اخلاق اسلامی را با اخلاق غربی مرز بندی مینماید و بسامد اخلاق غربی نمی افتد.

۸- رویا رویی با اسرائیل یا درگنار آن

اساس قرارداد کمپ دیوید بر معامله و عدل میانگین و ریش سفیدی استوار است. بدین ترتیب که میگویند قرارداد ایست که هم به نفع اسرائیل است و هم اعراب. و در قول دیگری میگویند هم این طرف با بد قدری کوتاه بیاید و هم آن طرف و در این معامله باید سود طرفین در نظر گرفته شود. اینان معتقدند که فلسطینی ها با بیسند قطعه نامه ۲۴۲ را بپذیرند و موجودیت اسرائیل را بر رسمیت بشناسند و اسرائیل هم متقابلا موجودیت فلسطین و سا زمان از ادبش را بر رسمیت بشناسد.

اما اسلامی که نتیجه اش رویا رویی با غرب میشود بر اساس عدل الهی معتقد است که هر چیز باید سر جای طبیعی و واقعی خود قرار گیرد. صهیونیستهای غاصب هم باید به جای واقعی خود بازگشته و جای خود را به فلسطینی های مسلمان و یهودی و مسیحی بدهند.

۹- روش تعقل اسلامی یا روش تعقل غربی

اسلام مکمل غرب منطق یونانی غرب را که اساس تمدن غرب است زیر بنای علوم و فلسفه و کلید فهم قرآن و روایت دانسته و حتی با این منطق حتی سعی دارد خدا را هم اثبات نماید. اسلام مکمل غرب معتقد است که متدلوژی اسلامی فرقی با متدلوژی علمی ندارد با این پذیرش غربیها در منطق و علوم و فلسفه پیشتازما میشوند.

۱۰- آرامش یویا یا رفاه کاذب

اسلام مکمل غرب با الهام از رفاه غربی در برداشت از آیه میردا... بکم البسر" میگوید منظور از بزر، رفاه است و تا مین رفاه به شیوه غرب هم یکی از شعارهای اسلامی است. اسلام مکمل غرب برای تا مین چنین رفاهی به فروش بی رویه نفت می پردازد و با تکیه بر واردات و کالاهای غربی مردم را به رفاه غربی وابسته می کند. در واقع استقلال و سعادت را فدای رفاه کاذب و وابستگی می نماید. از آنجا که غرب رفاه مادی را فراهم کرده است بطور نا خود آگاه تمدن غربی الگوی ما می شود و در کنار غرب قرار می گیریم. ما رکیستها هم شعار رفاه دادند و غافل از آنکه غربیها در دادن رفاه پیشتاز ما بودند و بدین دلیل هم بودند که بقول امام شوری با زبجه دست آمریکا است. اما اسلامی که نتیجه اش رویا رویی با غرب می شود در برداشت از آیه فوق "بسر" آرامش یویا و سعادت می دانند چنانکه در حقیقتها می بینیم رزمندگان در "سختترین شرایط" شهادت را به آسانی پذیرا می شوند و با مرگ ساده برخورد می کنند. ضرب المثلی است که می گویند برای حل هر مشکلی دست بدمان امام حسین (ع) ببرید. منظور این است که اگر مثل امام حسین (ع) مسئله معاد و شهادت را حل کنیم هیچ مشکلی نیست که آسان نشود.

بطور مثال وقتی بعضیها چاهای نفت نوروز را به آتش کشیدند برای خاموش کردن آتش می میایستی شرکت های حفاری دریایی آمریکا بی یک چاه انحرافی در نزدیکی آن چاه حفر نموده و جریان نفت را از زیر قطع کنند ولی کارگران ماسا خطت جان بر کفی موفق شدند این مشکل را به ساده ترین وجهی انجام داده یا بعبارتی با حماسه نوروز عمر را به یسر تبدیل کردند.

۱۱- خدا از ابتدا یا در انتها

اسلام مکمل غرب ابتدا فرض می کند خدا نیست یعنی - خدا را نمی می کند و سپس سعی دارد برای ملحدان آنرا اثبات نماید ایرادی که به آن وارد میشود اینست که به شیوه آدمهای ملحد خدا در طول استدلالش نقشی ندارد. گوئیم می توان با بی خدایی هم استدلال کرد که در حقیقت یک نوع الحاد و تبلیغ بی خدایی است و این یک امتیازی است به بی خدایی و وقتی هم خدا در پایان استدلال، ثابت شود نقشی در سیاست و اقتصاد و شیوه زندگی ندارد چرا که چنین خدایی مخلوق خود ماست و نمی تواند ما را تعالی دهد. به همین دلیل نیز بدام شیوه های غیر اسلامی و غربی می افتیم.

مروح پلانک از دانشمندان موحد فرقی مذهب و علم را بخوبی

اسلامی که نتیجه اش رویا رویی با غم سرب
میشود، ویژگی پایدار انسان را عدل طلبی
و خدا جویی میداند و هر نوع ظلم و استثماری
استخدام طلبی را عدول از فطرت و غیر مشروع
و غیر طبیعی میدانند و با آن به مبارزه بر می خیزند.

درک کرده و می گوید: خدا را ابتدای مذهب و در انتهای علم است و معلوم نیست که در انتهای علم هم بخدا برسیم. اما اسلامی که نتیجه اش رویا رویی با غرب می شود مبنایش خداست و خدا در تمام کارها نقش دارد و حتی به نشر تعامی احکام از صمدانیت معتقد است و سعی دارد که ایدئولوژی و استراتژی و شیوه های زندگی خود را از خدا و صفات الهی استخراج نماید و نقش خدا را در تمام جوه زندگی بشیند. پا و رقی (۱): برای توضیح بیشتر به مقاله بررسی دیدگاهها و مواضع دکتر سید حسین نصر راه مجاهد شماره ۳۵ و ۳۴ مراجعه نمایید.

و بعضی تشکیلات دانشجویی - راه مجاهد (که در داخل کشور سعی بر توجیه حرکات ریگان را داشتند) بچند ولی مع الاسف... چنانکه امام فرمودند "از بعضی اشخاص که سابقه دارند" توقع این بود که موقعیت گفونی نظام را بخوبی درک کنند و توجه کنند که وقت چنین سخنرانیهایی و یا از طرف دیگر چنان سئوالی از وزیر خارجه نبوده است..."

تحریف سخنان امام، بدور از شان روزنامه ای است که شعار دفاع از فقه و احکام میدهد. امام خمینی، ۸ تن از نمایندگان را که در رابطه با سفر مک فارلین سئوالاتی از وزارت خارجه کرده بودند به دوسته بوج و بسا سابقه، تقسیم کردند ولی روزنامه رسالت با تحریف ظریف، عنوان "بوج" را برای دیگران و عنوان "باسابقه" را برای ۸ نماینده مذکور بکار برده است. امید داریم با اصلاح تحریف فوق، از تبدیل شدن آن به تحریفی در تاریخ سیاسی ایران جلوگیری شود.

بقیه از صفحه ۲۷
ادامه ریشه یابی = ...

تحریف سخنان امام درباره نماینده

امام خمینی: "من هیچ توقع نداشتم از بعضی از این اشخاص که سابقه دارند هیچ توقع نداشتم... لحن شمار در آن چیزی که بجه مجلس دادید از لحن اسرائیل تند تر است... شما چه شده است اینطور شدید؟ شما اینطور نبودید بعضی تان، من بعضی تان را میشناسم..."

رسالت ۶۵/۹/۱
سر مقاله مرتضی نبوی

"... در این میان اقدام عسیده ای از نمایندگان که به تعبیر حضرت امام بسبا سابقه اند و توقع از آنان نبود مزید بر علت شد..."

رسالت ۶۵/۹/۵
مقاله علیرضا شمیرانی

"... ر چند بعضی از افراد (سید مهدی

این تجیزات نیست که میبکند، این انسان الهی شده است که میبکند
بمناسبت عملیات کربلا

محکمت انقلاب

یامبانی لازم برای تحلیل شرایط

بد نهال تحولات شتابدار انقلاب از یک طرف ورشد متشابهات جامعه از طرف دیگر نیاز به تحلیل واقعی و صحیح در بین نیروهای انقلاب شدت گرفته است. اکثر آمی گویند تحولات مارا گنج کرده و نمی دانیم از کجاست تحلیل - هایمان را شروع کنیم.

آنچه که بنظر ما میرسد این است که محکمت انقلاب اسلامی را مبنای تحلیل خود قرار دهیم. تا از این طریق به هم رسانیم تمام تحلیلی که میسریم با این محکمت محک زده تا به یک انسجام نسبی مطمئن برسیم.

از صاحب نظران و اندیشمندان و طراحان خط مشی می خواهیم که در این گام کوچکی که برداشته شده ما را یاری کنند.

البته باید از این تضادها بنفع انقلاب استفاده کنیم. اصالت دادن به تضادهای خارجی موجب میشود بطور ناخود آگاه مراحل رشد انقلاب را تابع تضادهای خارجی کنیم در نهایت ادامه این خط به خط مشی اعراب در قبال امریکا و اسرائیل منجر میشود که سعی دارند برای مقابله با اسرائیل به امریکا نزدیک شوند.

اصالت نداشتن این تضادها ناشی از آن است که اختلافات جناحهای دشمن بنیادی نبوده و منافع مشترک دارند و بر سر آن به موقع لزوم به وحدت میرسند.

وحدت امام و آیت ال. . منتظری

امام و آیت ال. . منتظری بالاترین وحدت ایدئولوژیک و استراتژیک موجود را دارند. تداوم خط و حرکت امام در حرکت آیت ال. . منتظری است. آیت ال. . منتظری مفسر و تبیین کننده خط امام است.

امام نیز عمیقاً معتقد به قائم مقام رهبری آیت ال. . منتظری می باشد و در جانشینی ایشان شکی ندارند. در قضایای آبان و آذر نیز دلایل فقهی جانشینی ایشان از طرف آیت ال. . موسوی اردبیلی، حجت الاسلام خامنه ای و رفسنجانی و آیه جمعه بیشتر توضیح داده شد. در حالیکه خبرگان فقط نظر مردم را صائب دانسته و دلیل فقهی ارائه ندادند.

جنگ دفاعی

بعمل آوردیم مردم منطقه خود سدر راه تجاوز به انقلاب باشند.

بعنوان اصلی ترین مسئله انقلاب و اینکه این جنگ، جنگ اسلام و کفر، اسلام و نفاق و اسلام و کمپ دیوید است. این جنگ، جنگی است که بقول امام از فروع دین نیز بالاتر است. امام فرمودند چه من باشم یا نباشم جنگ یک تکلیف است.

اعتقاد داریم همه مسائل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی در خط مشی رهایی قدس و تداوم جنگ دفاعی قابل حل است حتی برقراری آزادیها، و همه چیز خواهنا خواه به خدمت جنگ گرفته میشود. سیاست جنگی، اقتصاد جنگی، دانشگاه در خدمت جنگ و... و قسا کانون هر حرکتی علیه جنگ دفاعی منزوی شده است.

روند جنگ به سمت

عملیات بی امان،

محدود، در از زمدت، سرتاسری و... .

بیش از شش سال است که از تحمیل جنگ بر ما میگذرد و چهار سال است که گفته میشود اساله سال پایان جنگ است ولی عملاً من بینیم که جنگ به سمت عملیات بی امان، دراز مدت، محدود، سرتاسری و هماهنگ به درون عراق پیش میرود. چنین روندی یکی از محکمت است. چرا که امام یکبار گفتند: با امریکا یک جنگ صد ساله داریم. در جای دیگر به تداوم جنگ تارفع فتنه از جهان اشاره کردند.

جنگ وقتی ماهیتا اسلامی و ضد امپریالیسم شد طبعاً از چنین ویژگیهای برخوردار خواهد شد.

رابطه امام و امت و

تبعیت مسئولین از مردم

مسئولین برای افکار عمومی اهمیت فوق العاده ای قائل هستند. تا حدی که به نظر میرسد مردم گرای و مرد بزدگی در آنها قویتر است تا تبعیت مستقیم از امام.

این امر از بعضی مواضع انقلاب بخصوصی میتوان مشاهده نمود. مثلاً وقتی عامه مردم روی قائم مقام رهبری آیت ال. . منتظری اتفاق نظر داشتند، مجلس خبرگان نظر مردم را صائب دانست.

اساس تشکیلات امام رابطه مستقیم امام با سنگر نشینان و امت است. مسئولین در نقاط عطف بسیاری تابع این رابطه اند از آن جمله، عاشورای ۵۷ و شعار مرگ بر شاه ۲۲ بهمن، تصرف لانه جاسوسی، دفاع خود جوشور در ابتدای جنگ، روز قدس ۶۴ و اینکه مسئولین گفتند ما نسبت به مردم زهنی بودیم، امام گفتند ملت رابطه با امریکا را نمیخواهد تداوم جنگ نیز ناشی از یاری مردم بوده است و اینکه مردم به کتراز سقوط صدام راضی نیستند.

بد نهال تحولات شتابدار انقلاب از یک طرف و رشد متشابهات جامعه از طرف دیگر نیاز به تحلیل واقعی و صحیح در بین نیروهای انقلاب شدت گرفته است.

آزادی قدس

خط مشی اصلی و استراتژیک انقلاب آزادی قدس است. این راه بنس دشوار و پر پیچ و خم است که نیازمند وحدت همه جانبه است که در این راه باید همه جناحها به وحدت برسند.

شعار امروز ایران و فردا فلسطین از شعارهای اساسی روز ۲۲ بهمن بوده و جز لاینفک انقلاب است. به دلیل همین ویژگی انقلاب بود که جنگ عراق به ایران تحمیل شد. مایقین داریم که بارها از طرف ریگان و محافظ امپریالیستی قول داده شده که اگر خط مشی آزادی قدس نباشد، حذف صدام امکان پذیر است.

ایران تا کنون در برابر کمپ دیوید اول و دوم، کنفرانس فاس و طائف مقاومت کرده و حاضر نشد اسرائیل را حتی تلویحاً به رسمیت بشناسد امید داریم این مقاومت هم ادامه پیدا کند.

صدور انقلاب و عینیت استقلال

حفظ انقلاب در صدور آن است. برای محافظت از انقلاب بایستی مردم منطقه را به همراهی انقلاب خود بخوانیم تا از جنگا احتمالی ارتشهای مرتجع منطقه بر علیه انقلاب جلوگیری

در روز قدس سال ۶۴ مرد مخواستار تداوم جنگ تا پیروزی شدند.

یکی از ویژگیهای انقلاب ما این است که صحبتهای امام در مردم جا افتاده و تدریجاً از این طریق به مسئولین میرسد و نباید توقع اجرای فوری صحبتهای امام و آیت ال. . منتظری را داشت.

حفظ نظام

حفظ نظامی که ۶ سال با وجود همه توطئه های سیاسی، نظامی، اقتصادی در حال دفاع بوده است از اهم واجبات است و بنا به گفته امام حفظ نظام از احکام بالاتر است.

حفظ نظامی که بر سر مواضعش علیه غرب و کمپ دیوید بماند و امریکارا همچنان امل فساد قرن بداند یک نهضت عمیق اسلامی است.

حفظ انسجام داخلی

اصلی ترین وظیفه ما حفظ انسجام داخلی در برابر تضادهای خارجی است. بهره برداری از تضادهای خارجی تا وقتی است که به انسجام درونی لطمه ای وارد نیاید.

در صلح امام حسن (ع) و صلح حدیبیه، با کارهای توضیحی امام حسن (ع) و پیامبر همه جناحهای داخلی توجیه شدند و انسجام داخلی حفظ شد. اگر صلحی به قیمت از دست رفتن نیروهای انقلابی باشد با ملاکهای مکشبی هم خواند.

بسیج اصولی مردم

حل مشکلات مبتلا به انقلاب جز در سایه بسیج اصولی مردم در عمل صالح جنگ دفاعی امکان پذیر نیست. و باید به مردم به عنوان حافظان انقلاب تکیه کرد. هر کاری که مردم را از بسیج و انگیزه بیندازد یک عمل نظامی در خط امپریالیسم خواهد بود.

مراحل انقلاب زائیده درون انقلاب

باید خط مشی های مرحله ای انقلاب را از درون شعارهای اصلی انقلاب در آورییم نه از تضادهای خارجی و نه در ضدیت با این یا آن امپریالیسمی که مقابله به مثلونه در رابطه با نوسانات قیمت نفت.

باید قبول کنیم که تضادهای درونی امپریالیسم تابع تضادهای درون انقلاب است. مثلاً در رابطه با جبهه ۱۵، عملیات بایسند جوشیده از نیاز اصیل رزمندگان منجمله آزادی قدس و کربلا و سرنگونی صدام باشد نه ملاحظات سیاسی و ضرورتهای زود گذر.

تضاد های دشمن تابع تضاد های انقلاب

تضادهایی که در درون دشمن بوجود می آید اصالت ندارند و قابل تکیه نیستند.

قانونمندی رشد تدریجی انقلاب

هر گونه رشد و جهشی در روند انقلاب بایستی متناسب با بسیج درونی نیروها باشد ویدیهی است موقعیت فعلی انقلاب. روندی تدریجی و کیفی را می طلبد. زیرا شرایط بسیج بالا و همه جانبه اوائل انقلاب فراهم نبوده و هر گونه رشد چشمگیر و آنسی موجبات بسیج دشمن و بی ثباتی و راست روی پس از آن را فراهم می آورد.

این قانون رشد تدریجی به خود امام و آیت ال. . منتظری نیز حاکم است. آنها هم اگر بخواهند تحول چشمگیری بوجود آورند امکان پذیر نیست. دیدیم پیام هشت ماده ای امام که یک تحول چشمگیر بسود تدریجاً به چه صورت درآمد.

قانونمندی کودتای خزننده

بدلیل رشد سیاسی مردم و هشیاری و در

اکثراً میگویند تحولات ما را گنج کرده و نمیدانیم از کجاست تحلیلهایمان را شروع کنیم. آنچه که بنظر می رسد این است که...

صحنه بودن آنان است که در ایران کودتای نظامی به شکل ۲۸ مرداد قابل پیاده شدن نیست بلکه توطئه دشمن این است که با کودتای خزننده و پوک کردن انقلاب ما را در اصول تعدیل کند.

جوهر کشی خزننده یا طرح فونیکس خزننده

۱۲ هزار تروری که پس از انقلاب توسط تروریسم امریکایی در ایران انجام گرفتند و بسیاری از کادرهای انقلاب را به شهادت رساند، تاثیر عمیقی در سازماندهی و روند انقلاب بجای گذاشت و باعث خلاء کیفی در سطح بالا شد. اکثر نیروها نارساییهای طبیعی - تاریخی، ناشی از این ترورها را در نظر نگرفته و نارضایتی خود را متوجه مسئولینی میکنند که ادامه دهنده راه شهید میباشند. در حالیکه در فرمولشان طسرح فونیکس و دست امپریالیسم را نمی بینند (به مقاله الفتح، مجاهدین، حزب جمهوری اسلامی، راه مجاهد شماره ۳۹ مراجعه کنید).

لبنانی و طرابلسی نشدن ایران

ایران نباید به جنگهای داخلی کشیده بقیه در صفحه ۴۲

هدف و انگیزه:

از آنجا که بدون زمینه درونی، امپریالیسم قادر نیست بدون انقلاب نفوذ کند. لذا بر آن شایسته است تا زمینه‌های فکری، عقیدتی، فقهی سیاسی، اقتصادی و... را که ناشی از فقر بینشی می‌باشد شناخته و سعی کنیم آنها را که اساس خوش بینی به غرب است از درون انقلاب اسلامی که رویا روی غرب ایستاده است پاکسازی کنیم.

در ریشه‌های اساس خوش بینی به غرب محورهای زیر بنظر میرسد.

- الف: مبانی ایدئولوژیک خوش بینی به غرب
- ب: مبانی فقهی رایج خوش بینی به غرب
- ج: مبانی اقتصادی خوش بینی به غرب

مبانی ایدئولوژیک خوش بینی به غرب

الف: منطق یونانی غربی رسطو: جریانی منطق یونانی غربی ارسطو را زیر بنای علوم، فلسفه و کلید فهم قرآن و روایات و... می‌داند و قتی منطق یونانی غربی ارسطو که بنظر ما یک منطق حسی است و نه تعقلی مبنا و ملاک و روش شناخت قرار گیرد با زیربنای فکری غرب بطور بنیادی تضاد دارد. وجود ندارد. بعلوه غرب از این لحاظ پیشرفته تر است چرا که ظاهراً "بر اساس منطق در تمانی علوم به دست آورده‌های زیادی رسیده اند از جمله توانسته اند در حد پیشرفته‌ای ضایعشان را توسعه دهند.

در مینا گرفتن منصب، مورد دیگر برتری غرب، نسجام بین فلسفه و منطق است که منطقیون مسلمان ایران فاقد این ویژگی می‌باشند و فلسفه ارسطو را قبول ندارند.

این جریان تضاد دینی با غرب، احساس نمی‌کند چرا که مبانی مشترک با غرب

از اول تا حالا غیر منطقی بوده است "بدیهی است که غرب واقعیت را نگاه می‌کند و کاری به حقیقت ندارد و هر کس را که در خط خودش نبیند، عمال او برایش غیر معقول و غیر منطقی بحساب می‌آید.

ب: "بود و نبود" اساس فلسفه غرب: برخی آمریکا را اهل کتاب و خدا پرست می‌دانند و شوروی را کافر و بی‌خدا. این جریان در خط مشی بدانجا می‌رسد که می‌گویند خدا پرستها با هموبی خداها با هم بدین ترتیب است که به همزیستی با آمریکا می‌رسند. اساس این تقسیم

تقویت جنبه‌ها که به سود ما بود، غرب هم از شفاعت ما در لبنان سود برد. ظاهراً مرزهای طرفین را در بر دارد ولی این سوال مطرح است که آیا رضایت مستضعفین لبنان و بنیاد دگرگونی منطقه هم منظور شده است؟ و آیا در این قضیه اشمه الکفر در برابر برگروگانگیری مصونیت پیدا نکردند؟ و اساساً "گروگانگیری در لبنان زیر سوال نرفت؟ آیا مسلمانان مبارز منطقه بی- انگیزه نمی‌شوند؟ آیا انقلاب اسلامی از حالت رویا روی با غرب در نمی‌آید؟

ب: نبودن حکم شرعی در بعضی معاملات

مبانی اقتصادی خوش بینی به غرب
عده‌ای به گفتار حضرت علی (ع) استناد می- کنند که: "اللله فی القرآن: لایسقمکم بالعمل به غیرکم". "خدا را بخدا، خدا را در خصوص قرآن، مبادا بیگانگان با عمل به آن بر شما پیشی گیرند". می‌گویند متأسفانه آمریکا در اقتصاد قرآنی از ما پیشی گرفته است. این جریان عملاً "خودش هم سهم، می‌کند به ست اقتصاد عرب ده مویدا ستعمار، عافیت طلسمی و سرمایه داری پیس برود. کسی که به سیستم اقتصاد غرب خوش بین باشد تنها به غرب انتقاد می‌کند بلکه سعی می‌کند غرب را الگو قرار دهد. این جریان در مقابل پیچیدگی صنایع و تکنیک صنعتی غرب خود کم بین می- گردد.

بعضاً "مشاهده شده اشخاصی که به خارج سفر می‌کنند نظم و نظافتی که در مسیر فرودگاه تا اقامتگاهشان می‌بینند، مجذوب شده و می‌گویند بواقع که این خارجها مصداق "النظافت من الایمان" هستند و اینها بیشتر از ما مسلمانها به نظافت اهمیت می‌دهند. در حالیکه غربیها از موضع منافع فردی و طبقاتی نظافت و بهداشت را رعایت می‌کنند و نه از روی ایمان وجودا اینچنین خود کم بینی‌ها بی نسبت به غرب موجب خوش بینی و در نهایت سازش می- شود. و اساساً "امپریالیسم از طریق اینگونه بینشها است که می‌تواند نفوذ کند و در همین راستا است که اسلام مکمل غرب را مطرح می- نماید. برژینسکی مشا ورامنیت سابق کاخ سفید درباره امید به آینده ایران اینچنین می‌گوید: "دوستان اروپای غربی آمریکا و ژاپن باید روابط غیر مستقیم خود را با ایران حفظ کنند. این روابط به جلوگیری از سقوط اقتصاد ایران کمک خواهد کرد. آنها نباید دیدگاه خود را برای بازگشت ناگهانی تمدن بزرگ در ایران زنده نگاهدارند. اگر به این روابط توجه شود در کوتاه مدت احساسات میهنی ضروسیه و احساسات مذهبی ضد

نکته اساسی دیگر اینست که حرمت بعضی معاملات در فقه رایج مشخص نشد. مثل خرید و فروش نجاسات حرام است. لیکن در مورد خرید و فروش نفت و تریاک و... حتی یک حکم فقهی هم نداریم. با توجه به اینکه نفت یک کالای سیاسی اقتصادی نبوده و بیشتر جنبه ایدئولوژیک داشته و به سرنوشت همه مسلمانان مربوط می‌شود، لزوم حکم شرعی در مورد آن بسیار احساس می‌شود.

فقه امام و فقه رایج

در فقه امام خمینی نه تنها اجرای ظاهری احکام دارای ارزش می‌باشد بلکه آنچه در احکام اصل و معیار است مواجه با خدا می‌باشد. چنانکه امام اساس نماز را مواجه با خدا می‌دانند و این یک تحول در مبانی فقهی است و این فرق اساسی فقه امام با جریانی است که فقه رایج را ظاهری احکام دانسته و تکلیف را در خود تمام شده می‌بیند. بعنوان مثال: در خمس، ۲۰٪ مالشان را می‌دهند تا ۸۰٪ حلال شود در واقع بحای خمس الله، خمس لبطبقه می‌دهند. در صورتیکه وقتی اساس مواجه با خدا بوده باشد و خدا را ناظر بر درون و نیتمان ببینیم ۲۰٪ را می‌دهیم تا مقدمه‌ای باشد برای انفاق ۸۰٪ بقیه در راه گسترش جامعه سلواتی امام زمان (عج) در شرق اول اگر نیتمان لله نباشد حتمانیت و عملکردمان گسترش طبقه خودمان می‌باشد. در کشورهای غربی نیز مردم مالیات می‌دهند برای اینکه دولت امنیت را برای بقیه سرمایه‌شان حفظ کند. اگر آنطور که ما رگس می‌گوییم محرک تاریخ منافع طبقاتی باشد، در این فرمول افراد منافع فردی خود را در جهت منافع طبقاتی - شان فدا می‌کنند. بدین ترتیب اگر نیتمان لله نباشد حتماً "در جهت گسترش طبقه خودمان خواهد بود. اگر که نیت خمس لله نباشد و خدا در احکام منظور نشود شورای نگهبان که اصلی‌ترین کارش نگهداری اسلام و قانون اساسی است تبدیل می‌شود به شورای نگهبان چاه‌ها که چیزی جز مشروعیت سرمایه داری نیست.

بسیار استراتژی و رمز زندی بین دوست و دشمن و حق و باطل همانا فلسفه "بود و نبود" غرب است. در حالیکه مسئله اساسی فلسفه از نظر ملاصدرا و طرفداران برهان صدیقین بود و نبود "است، نه "بود و نبود". اما م خمینی در تفسیر الحمد و سوا بر صحبتها همه انسا نهسا را خدا حومی‌دانند. توجیه فلسفی قرارداد کعب - دیوید توسط سادات خاثن همین فلسفه "بود و نبود" بود. اینها معتقدند که جنگ را با ایذا و صدام و حامیان خدا پرستش پایان داد و با شوروی بی‌خدا آغا ز کرد.

مبانی فقهی رایج خوش بینی به غرب

الف: منظور نشدن رضایت خدا در معاملات یکی از شروط صحت معامله در فقه رایج، رضایت طرفین است. و همه مراجع روی آن اتفاق نظر دارند. قراردادهای و معاملاتی با رعایت این شرط انجام می‌شود که سوالاتی را برانگیخته است و به اساس آنها انتقاد می‌شود.

بطور مثال: قراردادی که بین کارگر و کارفرما منعقد می‌گردد، ظاهراً "این معامله با تراضی طرفین صورت می‌گیرد. اما آیا این قرارداد واقعاً "بینی و بین الله بوده و مورد رضایت خدا هم قرار دارد؟ و یا اینکه کارگر شرایط اضطرار را بر سر می‌برد است که دستمزد کم و بدون شرایط کار و... را بر بیکاری و گرسنگی زن و فرزند ترحیح می‌دهد و مصداق این ضرب المثل واقع می‌شود که "کاچی بهتر از هجیجی". آیا روا نیست که در انجام معامله یا قرارداد رضایت خدا را شرط اصلی قرار دهیم؟ عده‌ای می‌گویند ما به عرب نفت می‌فروشیم و آنها به ما کالای می‌دهند ظاهراً "هم طرفین راضی هستند. و این معامله هم به سود ما است و هم به سود غرب و هیچ اکراهی هم در آن نیست. حتی در مواردی هم می‌گویند: ما سر غرب کلاه گذاشتیم که این همان روحیه معامله‌گری است.

در این نوع معاملات ملاک سود و ضرر، عرف بین العللی است نه رضایت خدا و نه در جهت سیرهدفد ارتا ریخ و رضایت مردم مستضعف. بعنوان مثال: در سفر مرک فارلین به تهران برخی معتقدند معامله شیرینی بوده است چرا که ما از غرب اسلحه گرفتیم برای

در فقه امام خمینی نه تنها اجرای ظاهری احکام دارای ارزش می‌باشد بلکه آنچه در احکام اصل و معیار است مواجه با خدا می‌باشد.

موجب می‌گردد که زبان غرب را همیده و بگویند با آنها بهتر می‌توان کنار آمد. در هر مذاکره ای هم بایستی یک مقایسه مشترکی وجود داشته باشد و اگر چنین چیزی نباشد ما را به غیر معقول و غیر منطقی متهم می‌کنند. جریانی که با غرب هیچگونه خوش بینی ندارد با این جمله که کتابهای ارسطو هیچ بویی از آنچه در قرآن کریم دنبال می‌شود نمی‌دهد، در مبانی ایدئولوژیک خود و غرب مرز بندی ایجا د کرده است و در عمل کرد نیز هیچگاه به غرب و شیوه‌های غربی نزدیک نشده است و این تضاد بنیادین را پیوسته در عمل کرد خود تحقق داده است.

بطور مثال چندی پیش را دیو آمریکا می- گفت: یک دانشمند آمریکایی تحقیق کرده و گفته است که "امام" خمینی تمام کارهایش

وقتی منطق یونانی غربی ارسطو که بنظر مایک منطق حسی است و نه تعقلی مبنا و ملاک و روش شناخت قرار گیرد با زیربنای فکری غرب بطور بنیادی تضاد وجود ندارد.

کمونیست و همچنین آروزی پیشرفت اقتصادی دیرباز زود تهران را به همکار بی بیشتر با غرب خواهد کشاند.



فریاد مردم در روز قدس از قلب مؤمن بود و این فریادی که از قلب مومن است بر همه چیز غلبه میکند امام خمینی

بقیه از صفحه ۱
ادامه سرمقاله ...

رابطه مقاومت و مذاکره

در قسمتی از شرح این ماده در صفحه ۱۰۲ همین کتاب چنین آمده است:
"بعضی در مبارزه با رژیم استعماری به معنای سیاسی به اعتبار مقاومت و رافرا موش میگویند (قبول حرکت در چهره و نفعی عرض) که در نهایت منجر به سازشکاری و بریدگی و یا س میگردد. بعضی صرفاً "به مذاکره و امسور دیپلماتیک و استفاده از تضادهای رژیم توجه نموده و مقاومت را فراموش میکنند (قبول حرکت عرضی و نفعی حرکت در جوهر) که عیناً "سازشکاری آشکارا است. در صورتیکه حرکت صحیح این است که در رابطه با اراده و مقاومت خلق و بدنیا آید، به امر سیاسی و مذاکره با دشمن پرداخت و نوع مذاکره را نوع مقاومت تعیین میکنند و مذاکره به اعتبار مقاومت است (امالت دادن به حرکت جوهری)".

ضوابط مذاکره مکتبی

- ۱- مذاکره به اعتبار مقاومت است آنچه مسلم است مذاکره اسلامی حتماً باید به اعتبار مقاومت باشد. امام حسین (ع) با هجرت کاروانی خود و با شعار "عدم بیعت با یزید" بود که از مدینه به مکه و از مکه به کوفه رفته و از همین موضع بود که با حرس و ابن سعد مذاکره میگردند. مقاومت صرفاً پیروزی نظامی نیست. امام حسن (ع) بدون پیروزی نظامی مذاکره کردند و دولتی بر سر اصول مکتب مقاومت داشته و کوتاه نیامدند چنانکه صلح امام حسن (ع) یک تهاجم و یکدمتین بود (رجوع شونده راه مجاهد شماره ۱۲ و ۱۵ مقالات "کیدمتین یا ظرافتهای صلح امام حسن (ع)").
- اصولاً یک فرد مکتبی صورت مقاومت و هیچگاه به لحاظ کمی هم خود را کمتر از دشمن نمی پندارد چرا که لشکریان عدل و انصاف یعنی همه آدمهای عدل طلب و منصف و ملائکه خدا را همراهی میکنند. مذاکره سازشکارانه از دو حال خارج نیست: یا به دشمن خوشبین هستیم و یا اینکه با دشمن سختیهای خطتیبی سیاسی - ایدئولوژیک داریم. (رجوع شونده مقالات "اساس خوشبینی به غرب" و "تبدیل اسلام رویاروی غرب به اسلام مکمل غرب" در همین شماره).
- ۲- نوع مذاکره را نوع مقاومت تعیین میکنند شکل مذاکره متناسب با درجه و نوع مقاومت و کیفیت و همه جانبگی کادرها میباشد. مذاکره ممکن است بصورت های گوناگون باشد:
- مذاکره غیر مستقیم از طریق مطبوعات رادیوها، خبرگزاریها و خطابه ها.
- مذاکره از طریق عمل و آتش متقابل (بدون حرف و به زبان آتش و گلوله)
- مذاکره مستقیم غیر رسمی یا رسمی.
- مذاکره از طریق تبادل پیام و از طریق سفارتخانه ها.
- مذاکره بطریق میانجیگری.
- مذاکره از طریق تلفن سرخ (مذاکره مستقیم سران ابرقدرتها).
ممکن است در یک مذاکره ای هیچگونه تماس و ملاقاتی نباشد و هیچ صحبتی هم

میدهد، ارائه دادن منطق توحید و اسلام می باشد، توضیح اینکه رهبر مقاومت چون به نفوذ حق در باطل ایمان دارد، در سیر مذاکره به نجات و رشد و سازماندهی نیروهای آزاد شده در درون باطل و جلوگیری از خونریزی فریب خوردگان توجه می کند، که ضمناً "فرستی است برای هدایت و سرعقل آمدن رهبران باطل (رجوع شونده "بحران و رکود غرب" سرمقاله راه مجاهد شماره ۳۹) در این رابطه، تحلیل امام حسین (ع) از لشکریان کوفه این بود که ۹۰٪ آنها انگیزه بهشت و جهنم دارند (حماسه حسینی" نوشته شهید مطهری)

۵- مقاومت در طول مذاکره ادامه دارد. معمولاً دشمن سعی دارد با ما رک زدن به مذاکره کننده، پشت او را از نیروهای مقاومت خالی نموده و به او فشار بیشتری وارد کند. ولی چون مذاکره به ابتکار رهبر مقاومت است لذا در طول مذاکره مقاومت استمرار دارد و آنطور نیست که تا صحبت از مذاکره به میان آید موجب افت بسیج و مقاومت شود.
استمرار مقاومت در جریان مذاکره باعث می شود که موضع قدرت انقلابیون در مذاکرات تقویت گشته و سیر عقب نشینی دشمن را سریعتر نماید. همچنین عظمت و توان نیروهای انقلاب را به دشمن نشان میدهد. از طرف دیگر نیروهای دشمن را دچار سردرگمی و استیصال نموده و رعب و وحشت را در آنرا زایل میکند. استمرار مقاومت و صبر ما سبب اضطراب دشمن و آشکار شدن بیشتر اهداف و اطلاعات وی گشته و از خط مشی دشمن آگاه می شویم.

۶- زمانبندی مذاکره وقتی باطل انقلاب را به رسمیت بشناسد در این حالت دیگر نمی توان در صفا "نست به انقلاب برانداز باشد، یا دیگران را تشویق به براندازی کند و یا توطئه ای را علناً رهبری

آنچه مسلم است مذاکره اسلامی حتماً باید به اعتبار مقاومت باشد. امام حسین (ع) با هجرت کاروانی خود و با شعار "عدم بیعت با یزید" بود که از مدینه به مکه و از مکه به کوفه رفته و از همین موضع بود که با حرس و ابن سعد مذاکره میگردند. مقاومت صرفاً پیروزی نظامی نیست امام حسن (ع) بدون پیروزی نظامی مذاکره کردند.

۴- رهبر مقاومت به ظهور تدریجی آیات قرآن و امام زمان ایمان دارد. اصولاً دیپلماتها معتقدند قبل از هر مذاکره و امتیاز گرفتن، باید امتیازاتی را هم که می دهیم، مشخص کرد، در عرف بین المللی مذاکره یک نوع معامله و دادوستد محسوب میشود. اینها بطور مساوی حق را در یک کفه ترازو و باطل را در طرف دیگر گذاشته و معتقدند باید امتیاز متقابل باشد. ولی رهبر مقاومت با ایمان به اصل غلبه حق بر باطل و اصل تبعیت و عقب نشینی باطل در مقابل حق و اصل نفوذ و گسترش حق در باطل وارد مذاکره می شود. باطل در سیر عقب نشینی خود ناچار به مذاکره است و علامت و چراغ سبز او نشان میدهد. رهبر مقاومت با ایمان به عدل فداری تاریخ و حاکمیت مستضعفین (آیه ۵ سوره قصص و نریدان من...)

بررسی اجالی تاریخچه مذاکرات در نقاط عطف تاریخ اینک به بررسی تاریخچه مذاکرات در نقاط عطف تاریخ معا صریعنی نهضت ملی، انقلاب اسلامی و تصرف لانه جاسوسی می پردازیم:
الف - مذاکره رهبر نهضت ملی با انگلیس و آمریکا دکتر مصدق در کتاب خاطرات و تألیفات

خود می نویسد: "...هریمن همان شخصیت آمریکائی است که بعد از زلمی شدن صنعت نفت به تهران آمد و من از او راجع به شناسایی ملی شدن صنعت نفت در ایران از طرف دولت انگلیس بسیار استفا ده نمودم. مصدق در گذار پذیرش "اصل ملی شدن" که سر لوجه نهضت ملی بود، با دشمنان سرخشتش یعنی انگلیس و آمریکا مذاکره نمود. رهبری مذاکره با رهبر نهضت ملی و به ابتکار او بود و نتیجه مذاکرات را به اطلاع مجلس مردم می رساند. اما در جریان مذاکرات معلوم شد که پذیرش اصل ملی شدن از طرف انگلیس و آمریکا منافقانه بوده و به آن تن نپذیردند. با وجود اینکه انگلیس در دادگاه لاهه محکوم شد و پیروزیهای زیادی نصیب ایران گشت، انگلیس و آمریکا به توطئه سرنگونی مصدق رسیدند و کودتای ۲۸ مرداد را بوجود آوردند. حرف مصدق در طول تمامی مذاکرات این بود که اگر "اصل ملی شدن" زیر پا گذاشته شود حاکمیت ملی یک قطره نفت از ایران صادر شود. حتی آمریکا شیبا که از طریق بانک عمران بین الملل وارد مذاکره شده بودند تا صنعت نفت را راه بیاندازند، چون حاضر نشدند محری ایران باشند و واژه "به نمایندگی ایران" را بپذیرند، مذاکرات بهم خورد. (رجوع شونده راه مجاهد شماره ۲۹ مقاله قرارداد بانک بین الملل) اگر رهبر مقاومت از موضع مقاومت و پشتیبانی مردم و پذیرش اصل نهضت از جانب دشمن، با او وارد مذاکره شود و نتیجه مذاکرات را هم به اطلاع مردم برساند، دلیل بر سازش نمی باشد. (حتی انگلیس و آمریکا از مصدق خواستند که مذاکرات محرمانه به نمایندگی او مقاد پیشنهادات را جهت اطلاع مردم منتشر و به مجلس هم گزارش کرد.)

کما اینکه با وجود تمام مذاکراتی که انجام شد علیه مصدق کودتا کردند، زیرا مصدق حاضر نشد از اصول نهضت کوتاه آمده و به دشمن با حق امتیازی بدهد. و روسیاهی به حزب توده و چپ نماهایی مانند هرگاه هیفتی از انگلیس یا آمریکا وارد ایران می شد، تظاهرات وسیعی راه می انداختند که فلان و بهمان و در نشریه تئوریک حزب توده نوشتند که مصدق السلطنه! عامل بورژوازی جهانی با آمریکا سازش کرده است.

نتیجه اینکه چون در سیر مذاکرات، خود مصدق رهبری مذاکره را در دست داشت و به خوبی به توطئه دشمن واقف بود، مذاکرات به معامله با سازش تبدیل نشد. کما اینکه در پیش از دو هزار کتاب نوشته شده پیرامون نهضت ملی و مصدق و کودتای ۲۸ مرداد به زبانهای فارسی و انگلیسی و همچنین در اسناد لانه جاسوسی، هیچ مطلبی دال بر سازشکاری مصدق دیده نشده است.

اگر مصدق اصلی ترین مسئله اش "صادر کردن نفت" بود، در مذاکرات، زبانی در آمده و آلوده می شد و از مردم هم جدا شده و در نتیجه فشار بیشتری از جانب دشمن به او وارد می شد. ولی مسئله اصلی مصدق اصول و ارزشهای نهضت ملی و قانون ملی شدن صنعت نفت بود و چون نمیگذاشتند صنعت ملی شده صادر شود، راه خودکفایی و اقتصاد بدون نفت را پیش گرفت. مصدق بدون درآمدن نفت و بدون کمکهای خارجی و بی وجود هزینه سنگین پرسنل و هزار نفری صنعت نفت، اقتصاد دملکت را متعادل نگه داشت و بعد که آمریکا، انگلیس، فرانسه و هلند دیدند که نهضت ملی لگوی اقتصاد دی بدون نفت

دکتر مصدق در کتاب خاطرات و تألیفات

فانتم کجا امرت، پیروان سوی حسین (ع)

ادامه سرمقاله ...

برای جهان سوم میشود، علیه مصدق کودتا می-کنند. (رجوع شود به "پیرامون سفرگنر" سرمقاله راه ما هشتم ماه ۲۵)

ب- مذاکرات رهبران انقلاب اسلامی در پاریس زمانیکه انقلاب "مرگ بر شاه" در بین مردم فراگیر شده و امام امت مصمم به براندازی رژیم سلطنتی، هر روز بر مقام و مت خود می افزودند، غرب دیداد ما این روند منجر به از بین رفتن منفعتش در ایران و منطقه میشود. بدین صورت که ثبات سیاسی و نفتی منطقه بهم می خورد و غرب هر چه بیشتر در مقابل امواج انقلاب مقاومت کند، ارتش و نهادهای شاهنشاهی متلاشی می-شوند. همچنین اقدامات معاندت با عت حرکت توده های منطقه نیز شده و حجاب مسلحانه هگانی می گردد. به این دلیل خود چراغ سبز مذاکره را نشان داد و کارتر را زگوادلوب توسط ژسکار دستن پیا می به امام فرستاد که ژسکار دستن توسط دو نماینده این پیام را به امام رساند. امام نیز در حضور نمایندگان ژسکار دستن نظرات خود را گفتند.

خلاصه ای از روند این مذاکرات را ذکر می کنیم (کتاب "آخرین تلاشها در آخرین روزها" نوشته دکتر آبراهیم یزدی):

در کنفرانس گوادلوب بین سران کشورهای غربی (آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان غربی) توافق شد که "آمریکا با طرح لغت های فزاینده و هلمه جانیه ایران نیان نمی تواند از او (شاه) حمایت کند"، که این یکی از نمودهای عقب نشینی غرب در مقابل رشد انقلاب است.

اهداف کنفرانس عبارت بودند از:

- حفظ ایران
- حفظ موازنه قدرت در جهان
- جلوگیری از نفوذ کمونیستها و شوروی
- حفظ ثبات سیاسی - نفتی و آرامش ایران و منطقه.

بخاطر تحقق اهداف فوق بود که سران کشورهای غربی در مورد لغو حمایت از شاه به توافق رسیده بودند منتها در این زمینه بین جناح های غرب اختلاف بود و جمعی از آنان تحقق این اهداف را در حفظ شاه می دیدند نه در بردن او. مورد معتقد بود "بحران ایران ممکن است به منع صدور نفت این کشور به آمریکا منجر شود... مصلحت دنیای غرب در ماندن شاه و حفظ ثبات سیاسی ایران که برای غرب اهمیت دارد".

بدنبال اهداف اعلام شده فوق در کنفرانس غیر رسمی گوادلوب و با وجود اختلافات موجود بین جناح های آمریکا فی کارتر پیا می از گوادلوب توسط ژسکار دستن به امام ارسال می کند. این پیام شامل محورهای زیر بود:

- امام تمام نیروی خود را برای جلوگیری از عدم مخالفت با بختیا ربکا رکیرد و با حداقل سکوت کند، در غیر این صورت خطر کودتای ارتش وجود دارد.
- حملات به بختیا ربکاری است که تلفات زیادی دارد.
- احتراز از هرگونه انفجار به نفع همه خواهد بود.
- خروج شاه در آینده نزدیک قطعی است.
- ایران نیاز به دوره سکوت و آرامش دارد.
- کارتر بر پیا می از امام درخواست مقررانه ماندن پیام را کرده بود و نظرو پیشنهاد نمایندگان ژسکار دستن نیز این بود که محرمانه ماندن پیام مفید است چرا که امکان اقدامات ارتباطی را میسر می سازد.
- محورهای جوابیه امام به کارتر به قرار زیر بود:
- رژیم سلطنتی قانونی نیست و سوازش با دولت بختیا ربکار خلاف قانون است و ملت نمی خواهد حتی اگر من خطا کنم.

آرامش می خواهیم اما با وجود شاه امکان ندارد.

اگر کارتر حسن نیت دارد و آرامش می خواهد خوب است شاه را ببرد و دولت بختیا ربکا هم پشتیبانی نکند.

اگر کودتا شود مقرر شد (آمریکا) و اگر حسن نیت دارد بیدار بماند.

این کودتا نه به صلاح ملت (ایران) است و نه به صلاح آمریکا.

اگر ایران را به حال خود واگذارید، نه گرایش کمونیستی خواهد داشت و نه سایر مکتب انحرافی. نه تسلیم غرب می شویم و نه تسلیم شرق.

به من گفته اند اگر کودتای نظامی شود حکم جها مقدس با یدادد.

امام در پیا می خود ز موافقت دولت فرانسه با رفتن شاه تشکر کرده و به آنها می گویند کارتر را در مورد حذف شاه و عدم تأیید کودتا نصیحت کنند و تأکید کردند که محرمانه ماندن پیام محرز است. در ضمن غرب را تهدید می کنند که در صورت اقدام در مخالفت در امور ایران دیگر رفتی به آنها فروخته نخواهد شد.

بنظر می رسد اعتقاد امام این باشد که وقتی مقام انقلاب مردمی میشود دشمن اصل انقلاب را می پذیرد، مذاکره را به منظور هدفهای زیر عملی مالح میداند:

- از بین بردن ویا کاهش مقام و مت مسلحانه دشمن و همچنین جناح های وابسته به هدفهای زیر عملی مالح میداند:

است که آمریکا فیها در منتهای استیصال بودند و از هر مکانی برای ایجاد رابطه با ایران استفاده می کردند. تا آنجا که، کاخ سفید از یک وکیل فرانسوی با سابقه دزدی بعنوان رابط استفاده کرده و در مهمتین اتاقهای کاخ سفید به مذاکره می نشینند.

کارتر بعد از یک پیا می امام، بر نامه انتقابات خود را در شیکاگو به هم زده و عازم واشنگتن میشود. در هوا پیا می با عیبا نیت به همراهان خود، به این مضمون می گوید که کارملت بزرگ ما به جایی رسیده که یک نفر از آن گوشه دنیای در انتخابات داخلی آمریکا تا فیر می گذارد.

(کتاب مستند بحران، مصداق با رز تبعیت باطل از حق و اسارت آمریکا بدست انقلاب ایران است)

اما در ابتدای گروگان گیری بععلت خوشبینی هایی که نسبت به آمریکا وجود داشت هر گونه ملاقات اعضای شورای انقلاب را با آمریکا فیان ممنوع نمودند. البته بعداً امام با قید ۴ شرط مسئله گروگانها را به مجلس واگذار کردند و مذاکراتی با میانجیگری الجزایر بین ایران و آمریکا انجام شد که به بیانیته الجزایر منجر گشت. البته این بیانیته تحقق آن شروط امام نبود.

بنظر می رسد اگر امام که هم رهبر مقام و مت در صبه ها و هم رهبر مقام و مت در رویا رویی با آمریکا بودند در رهبری و ابتکار این مذاکرات را داشته و در جریان ریز مذاکرات بودند، از وضعیت بهتری برخوردار بودیم.

ویژگیهای مقاومت و عقب نشینی غرب

با توجه به مقدمات فوق به تحلیل شرایط کنونی انقلاب می پردازیم و این تحلیل را از بررسی ویژگیهای مقاومت شروع می کنیم:

هفت سال مقاومت در جنگ

یکی از اساسی ترین نقاط رشد انقلاب اسلامی ۷ سال مقاومت در جنگ میباشد. مقاومت رزمندگان ما در صبه در تمام طول جنگ برتری روانی نیروهای ما و ذلت بعثیون را همسراه داشته است. رشد پرورش حداقل یک میلیون نیروی چریکی جان بر کف و حضور فعال و مداوم مردم در صحنه نبرد و وحشت عظیمی را برای دشمن بوجود آورده است. نیروهای رزمنده مؤمنی که با تجهیزات کامل، در شرا پیل سیا ر سخت و با چندین کیلومتر شنا بتوانند خود را به فضا و اسکله الامیه و... برسانند، مسلماً قادر خواهند بود بدون سلاحهای پیچیده و مدرن روز امنیت خلیج و نفت را بهم بزنند، بدون اینکه رادارها و آواکسهای دشمن توان ردیابیشان را داشته باشد. در ریشه یابی رزم پیروزی، به اعتراف دشمن اینها پیروان امام حسینند که فقط با ۷۲ تن در مقابل لشکر بانی یزید مقاومت کرده و هگی شهید شدند.

ویژگی مردمی بودن این جنگ نیز بسیار مهم است. جنگی که بیشترین بار آن بر دوش عناصر مولود و مبارز روستایی است. کسانی که در روستا کار و تولید می کنند و در صبه بدون هیچ چشمداشت و منافع شخصی و طبقاتی می جنگند. این نیروها جهت گذران آموزش زندگی هیچگونه وابستگی به نفت نداشته و در نتیجه تسرس و واکنشهای هم از دامه جنگ حتی بدون نفت هم ندارند. در نتیجه ادا مدهندگان واقعی جنگ همین نیروهای ساده مخلص روستایی هستند که رضایت خدا را بر هر چیز دیگری ترجیح می دهند. به اعتبار وجود چنین سربازانی است که امام تهدید می کنند "غرب روی نفت را نخواهد دید".

پیروزی مهم دیگر در طی این ۷ سال مقاومت این است که روند جنگ به نفع هیچکدام از سازمانها و جوامع بین المللی نیوده است با زهم به اعتراف دشمن، انقلاب اسلامی توانسته بیش از هر انقلابی تمام مناسبات و نظمهای

موجود بین المللی را برهم زند، که این خود ضربه بزرگی به دشمن است.

اصولاً هر جنگی بدین دلیل شروع میشود تا انقلاب یا حکومتی تعدیل گردد و اتحاد و اشتلاقی آبکی بین نیروها بوجود آید. در جنگ جهانی دوم، شوروی یک جنگ میهنی نیز بر راه انداخت که باعث تعدیل در این کشور شد. از همان تاریخ معیارهای انقلابی را کنار گذاشته و به معیارهای کلیما نزدیک شدن و منطق یونانی-غربی ارسطو را هم پذیرفتند. آزادیهایی هم به بورژوازی و خرده بورژوازی داده شد. اختلافاتی بین خروشچف و استالین بر سر استفاده از سلاحهای سنگین بوجود آمد که سیر آن همانگونه که می بینیم به اینجا رسید که شوروی به سمت آمریکا گرایش یافته و در زمینه استفاده از سلاحهای مدرن تابع امپریالیسم شود.

جنگ تحمیلی هم بعد از پیروزی انقلاب با هدف تعدیل در انقلاب و نظام و ایجاد یک وحدت آسکی و براندازی خط امام آغاز شد. ولی یک بررسی اجمالی از ۷ سال جنگ، بخوبی نشان میدهد که نه تنها تعدیلی در انقلاب نشده بلکه رادیکالیسم نیز رشد کرده و در سطح منطقه فراگیر شده است.

توطئه ها و ثبات و پایداری نظام در گریب

کمیسیون دیویس

به قول صاحب نظری، در اینکه توطئه های

پیروزی مهم در طی این ۷ سال مقاومت این است که روند جنگ به نفع هیچکدام از سازمانها و جوامع بین المللی نیوده است. به اعتراف دشمن، انقلاب اسلامی توانسته است بیش از هر انقلابی تمام مناسبات و نظم موجود بین المللی را برهم زند.

فعلی چند برابر توطئه های زمان مصدق بوده است شکمی نیست. کودتای نافرمان سوز، تروریسم رجوی، خط تعدیل (و شعار رتولید، امنیت و رفاه) بنی صدر، در گیریهای گنبد و گردستان و بیلوچستان و خوزستان، تحریم اقتصادی، توطئه دستهای مرموز در داخل، بمباران مراکز اقتصادی - نظامی و مناطق مسکونی، توطئه های کمی نبودند که به این انقلاب و نظام تحمیل شدند. همینکه علی رغم اینهمه مشکلات و توطئه ها سربای خود ایستاده و مقاومت کرده ایم خودش ثبات و پایداری بزرگی است. اینکه انقلابی بتواند جنگی به این گستردگی را در اوایل پیروزی تحمل کند مقادمتی است که دشمن را وادار به شکست و عقب نشینی می کند.

آموزشهای سیاسی - ایدئولوژیکی امام و تدوین رهبری

امام خمینی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و خصوصاً طی ۷ سال جنگ میان آموزشی عمیقی را در زمینه های گوناگون مطرح کرده اند. از جمله شروع تفسیر الحمد، مباحث بنیادی پیرامون جنگ (جنگ بالاتر از فروغ دین، جنگ اسلام با کفر و فساد، جنگا رفع فتنه در جهان، پذیرفتن صلح و سازش بدترا جنگ و حکمت تحمیلی و...)، برخورد با کتابهای ارسطو و اینکه بویی از قرآن نبرده است مسئله امامت و حکومت، وجود و شرع و عقول و... اینها مباحثی است در اسلام رویا روی غرب که شدیداً از آن وحشت داشته و در صداند بقیه در ص ۳۳

نامه‌ای به

سید احمد کاشانی

در اسفندماه ۱۳۶۲، نامه سرگشاده‌ای از طرف عده‌ای از دوستان آقای کاشانی در زندان آریا مهر، به ایشان نوشته شد که ضروری دیدیم عین آن نامه را در این شماره رسماً و رسم تاگامی باشد در جهت برخورد های دلسوزانه با انقلاب، امیدواریم به جای صرفاً "گویی و زنده باد، مرده باد" گفتن، آنهم بدون اطلاع از محتوای پرونده‌های افرادی که دچار اشتباه یا انحراف میشوند، اشتباهات آنها را جمع‌بندی اصولی نموده و ریشه‌های آنها را استناداً در خود و سپس در انقلاب با کسری نماشیم تا این ضربه‌ها در شکلی پیچیده تر در انقلاب تکرار نشود. خدای مهربان غفورا است و غفران یعنی آمرزیدن و پوشاندن نقطه ضعفها بوسیله نقطه قوتها، ولی تعجب ما در این است که چقدر "گفران غفران الهی" می‌کنیم و برای افرادی نظیر سید مهدی هاشمی تاکنون یک نقطه قوت هم گفته نشده است. امیدواریم اختلافات جناحی و دیدگاه‌ها موجب آن نشود که دلسوزی ما معنا دلتقی گردد.

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت برادر مهندس سید احمد کاشانی

بخاطر ارزشهای مثبتی که در شما دیده بودیم و معاوضتی که در بازجوئیها در مقابل ساواک از خود نشان دادید و روحیه ساده زیستی و قناعتی که در طول زندگی در زندان در شما مشاهده کردیم تمام آن ارزشهای مثبت در این بود که در مقابل جبهه رنانه و وابستگی به مبارزه خود ادامه میدادید و ولی متأسفیم که در مواردی شاهد هماهنگی هم آوازی با این خطوط انحرافی از جانب شما شده ایم و وظیفه خود دانستیم که تذکرات لازمی را به نظر شما برسانیم. امیدواریم اختلافات جناحی و دیدگاهها موجب آن نشود که دلسوزی ما معنا تلقی بشود.

پذیرش رهبری دکتر بقائی: وقتی در زندان بودید از دکتر بقائی حمایت و تبلیغ میکردید و هر کس به او انتقادی داشت نسبت به او بدبین می شدید. از آنجاکه مرحوم پدر شما از دکتر بقائی همسوار و حمایت میکرد شما مواضع بقائی را به اندازه وحی منزل بالا می بردید.

شما از دفاعیات بقائی در دادگاههای فرمایشی نظای در زمان دکتر ابینی دفاع می کردید در حالیکه بقائی در این دادگاهها بی رزم، سلطنتی کاری جز اثبات سلطنت طلبی خود و زناداری به قانون اساسی و کوییدن دکتر مصدق و نهضت ملی انجام نداد که به همین دلیل هم تبرئه شد و قضیه تزلزل انتشارات و راه به دستور دربار انجام گرفته بود ماست مالی کردند. خوب است یکبار پس از سقوط رژیم سلطنتی این دفاعیات را بخوانید و بدانید دکتر بقائی چه خدمتی به سلطنت کرده است.

شما از کس دفاع میکردید که کودتای ۲۸ مرداد را تأیید میکرد و بعد از قیام ۳۰ تیر شعار درگ بر قول را بجای درگ بر شاه مطرح کرد و جمع بندی ضد سلطنت ۳۰ تیر را منحرف کرد. همان بقائی که عضو حزب دموکرات تمام السلطنه انگلیسی بود همان بقائی که با مارکسیستهای نظیر خلیل ملکی در اردو دسته تشکیل داد. همان بقائی که در جریان انقلاب اسلامی بعد از شمار درگ بر شاه از طرف امام زین العابدین سلطنت خود را کنار کشید و با تدوین قانون اساسی جدید مخالف بود و اصلاحاتی در قانون اساسی را کافی می دانست.

همانطور که اطلاع دارید در جلد ۲۲ در اسناد لانه جاسوسی ۷۰ صفحه در مورد دکتر بقائی مطلب وجود دارد و نشان می دهد که در سال ۳۰ با سفارت هنگاری داشته و خط فکری و سیاسی افرادی چون شما، ناخود آگاه تابع یک جریان آمریکایی بوده است.

بطوریکه مواضع دکتر بقائی از یک طرف و اسناد چاپ شده لانه جاسوسی و ساواک نشان میدهد که بقائی به عنوان یک گروه موافق مشروط در رژیم سلطنتی نام برده شده است و حتی برای فعال شدن در انتخابات سال ۳۹ پادشاه ملاقات کرده و از او اجازه گرفته است. در سال ۵۱ در آن سرکوب نیروهای ضد ساواک به حزب زحمتکشان اجازه تجدید فعالیت و تأسیس دفتر داده است. تا نیروهای رادیکال جامعه از این طریق به سمت نظام سلطنتی وابسته جهت داده شوند. دکتر بقائی به ماورای سفارت گفته است اگر من آذربایجانم برای اینست که نیروهای ضد آمریکائی به ما اعتماد کنند و بیس حملات ما به توده ایها و نیروهای چپ مارک آمریکائی نزدیکند. و این به نفع آمریکاست.

به سولویان به خط خود نامه نوشته و از سیادت حقوق بشر کارتر دفاع کرده است. شما با تأیید چنین مواضع آمریکائی در طول زندگی خود چگونه است که مصدق را آمریکائی می ناید. در حالیکه شهید آیت

در کتاب نگرشی کوتاه به نهضت ملی ایران یکی از علت های کودتای ۲۸ مرداد را سازش ناپذیری مصدق و برابر آمریکا و انگلیس دانند. شما از موضع کینه به مصدق حتی در زندان که بودید جزئی حزب توده را هم چون ضد مصدق بودند. تأیید می کردید و با شخص جزئی روابط گرمی داشتید و تحلیلهای اقتصادی مارکسیستهارا می پذیرفتید و حتی بحرح تاریخ را اقتصاد پیدا نداشتید. در زندان که بودید یک روز گفتید، ساواکیها بهتر از مجاهدین اند و بعد از انقلاب که مدتی در این نهالیت می کردید گفته بودید ساواکیهای اصلی که فرار کردند باید بقیه آنها را هم آزاد کنید و کاری به کارشان نداشته باشید که این مشابه خط رجوی است که به ساواکیها واتیانده رژیم سلطنت کاری نداشته و درگیری با نیروهای خط امام و دامن زدن تضادهای فریب برداخت و سلطنت طلبان و ساواکیها هم موضع شد.

در زندان که بودید رهبری علی خدائی صفت را پذیرفتید و از این موضع با همه در افتادید و دیدید که چگونه به شما نواز و در عرض ۲۴ ساعت به جریان رجوی پیوست. شما هیچوقت به فکر نداشتید که علت پذیرش رهبری علی خدائی صفت را در درون خود ریشه یابی کنید. با شمار دموکراتیک با پیغمبر های روزنه و ضد ساواک درگیر شدید و جمع زندان را متلاش کردید و با شعارهای ضد تشکیلات گروهی را بوجود آوردید که رهبری اثر با علی خدائی صفت بود که فعلاً از تورستهای آمریکائی است. گروهی که عامل وحدت نشان مخالفت با دیگران بود و اعتقادشان بر این بود که بایستی ۵۰ سال کار فرهنگی کرد تا انقلاب شود در حالیکه ۲ سال بعد انقلاب به سر رسید.

شما حتی پس از حمله به لانه جاسوسی در مجلس شورای اسلامی از دکتر بقائی دفاع کردید و صداقت او را مورد تأیید قرار دادید. حد اقل تا آن تاریخ در جهل بصری بودید و ناخود آگاه در یک خط سیاسی آمریکائی قرار داشتید. حال با روشن شدن این واقعیات درست است که ملاک حق و باطل دانستن نیروها را تأیید و یا نفی دکتر بقائی بگذارید؟ چنانکه نسبت به مهندس میرحسین موسوی هم با همین ملاک تفاوت کردید و بقول خودتان اگر شهید مظلم آیت ۰۰۱ دکتر بهشتی از ایشان حمایت نمی کرد زودتر از اینها مخالفت میکردید. ولی دیدیم که امام خمینی هم گفتند که این خط کوییدن نخست وزیر توطئه ای است که بسیاری آگاهانه و نا آگاهانه در آن افتاده اند و به بهانه های مختلف از جمله نارسائی در امور کابین داران می خواهند دولت را ساقط کنند. شما در آخرین نطق پیش از دستوراتان به نخست وزیر با کلماتی چون مغرض غیر قانونی حمله کردید. و جریانی را بر راه انداختید که نهایتاً مورد خطاب آشکار امام و آیت ۰۰۱ منتظری قرار گرفتید.

شما با همکاری فعال در تأسیس نشریه مسائل جمهوری اسلامی خط سیاسی را مطرح کرده اید که اساس آن تکیه به سازمان ملل و صندوق بین المللی پول و تلویحا "خط صلح و عده گردن نارسائیهای دولت در زمینه های اقتصادی و ۰۰۰ است که مطابقتی با ویژگیهای خط امام ندارد. و برای درک بهتر آینده این خط سیاسی، شما را به مطالعه ۴ جلد از اسناد لانه جاسوسی پیرامون "خط میانه دعوت میکنیم".

مسائل جمهوری اسلامی در شرائط فعلی عبارتست از: حرکت کردن در جهت نیازهای ولایت فقیه و حل نیازهای جبهه های جنگ و نحوه رسیدن به اقتصاد خود کفا و نحوه تحقق پیام های امام است. امام خمینی گفتند: جریانی که علیه دولت جو سازی می کند توطئه ای است که از جانب سلطنت طلبها و منافقین شکل گرفته و همه مخالفتها علیه نخست وزیر از یکجا آب میخورد. گرچه ما شما را جزو این دو دسته نس دانیم ولی از آنجائی که یکبار فریب علی خدائی صفت منافق و همچنین فریب دکتر بقائی سلطنت طلب و آمریکائی را خورده اید و در درون خود نقطه ضعفتان را ریشه یابی نکرده اید لذا به شما دوستانه تذکر می دهیم مبادا باز هم فریب بخورید و یا آلت دست های مریوز شوید. فکر نکنید که مردم ایران مواظب حرکات شما نیستند اگر سکوت می کنند میخواهند فرصت بدهند. شاید فطرت و وجدان شما بیدار شود.

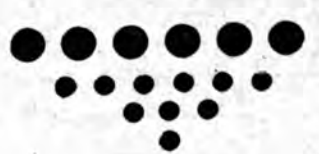
شما در جریان رأی اعتماد به وزیر ارشاد آقای خاتمی به انتشار اطلاعیه شهدای نهضت مجاهدین در جبهه جنگ در روزنامه کیهان مارک عدم صلاحیت زدید و جهت بازداشت ماه جو سازی کردید. شما از یکطرف شعار دموکراتیک و قانون اساسی می دهید و از طرف دیگر نسبت به درج اطلاعیه شهدای یک گروه قانونی در روزنامه هاه اینگونه پرخاشگری می کنید در حالیکه در زمان دولت شهید رجائی اجازه قانونی به روزنامه راه مجاهد داده شده است.

امیدواریم که این پیام امام موحی برای بیداری نفس شما باشد که این بار از گذشته خسودیک جمع بندی بنیادی بعمل بیاورید که نقطه عطفی در زندگی و خط مشی آینده شما باشد. بیش از اینها سخنی نداریم که در فرصتهای دیگر برایتان می نویسیم.

قسمتی از دعای صباح حضرت علی علیه السلام چنین است که باید همه ما آنرا سرمشق قرار دهیم. که تا بحال به ما خیلی کمک کرده است و امیدواریم به شما هم کمک کند: "اللهم قلبی نحو حبیبی و نفسی نحو نبی و عقلتی نحو علی و هوائی نحو سائب و طاعتی نحو قیسیل و معصیتی نحو کتیر و لسانس نحو قرق بالذئوب و کتف حیثی با ستار العیوب یا علام الغیوب و یا کاشف الکره و یا فیر ذنوب کلها یا مفرج همحید و آل محمد یا فغان یا فغان یا فغان".

عده ای از دوستان سابق شما در زندان آریا مهر

اسفند ۱۳۶۲



آریا انقلاب

- "معلم من"
- د بیروز،
- سرود طغیان را
- در کلاس رود
- از معلم آموختم
- هنگامیکه
- موجهای قلم سیلابی اش
- مرداب مشق شبها
- خط بطلان کشید.
- امروز
- در سمان تاریخ و جغرافیا بود
- و حساب
- کتاب تاریخ معلم،
- سرخ است.
- به کتابش شبخون زده اند
- و هنوز
- بوی خون میدهد.
- نعید آنمخون کیست
- شاید "هابیل"
- و شاید هم خودش
- معلم ز آن سوی مرز بودن
- می آید
- در جغرافیا پیش
- مرز کشور نوررا
- ستاره های سرخ کاسته اند
- معلم،
- "قله و تشغشان" و صخره را
- تدریس نکرد

میگفت:

این چیزها را باید دید

صبر قله ارا

خشم تشغشانها را

مقاومت صخره ارا

باید دید

آنهم نه در کوهستان

نه در عکس و فیلم

و حساب را

اصلاً حساب را نمیداند

نه

من حسابش را درک نمیکنم

معلم،

تمام معادلات را به هم مزده است

مجهولها را

بایک ۳ یکس بی هویت

معلوم نمیکنند

او

سرنوشت مجهولها را

در عمل اعجاز

به کمک اعداد از جان گذشته

معلوم میکند

دیگر حساب

دودوتا، چهارتا نیست

او میگوید:

نتیجه این ضرب

عدری است متغیر

از به اضافه همستی

تا

منهای نیستی

که از فرمول ایثار بدست می آید

بقیه در صفحه ۲۱

زبان اختلاف زبان شدیگطان است «امام خمینی»

نامه‌ای به

سید مهدی هاشمی

مقدمه :

در رابطه با مصاحبه سید مهدی هاشمی، نامه‌ای توسط لطف‌ا... میثم به ایشان نوشته شد، با رونوشت به امام، آیت‌ا... منتظری و مطبوعات کشور. که ما عیناً به درج آن مبادرت می‌ورزیم.

بسمه تعالی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ عَوَاقِبَ أُمُورِنَا خَيْرًا

آقای سید مهدی هاشمی

سلام علیکم، مصاحبه شما را شنیده و به فکر فرو رفتم. مواردی چند در مورد صحبت‌هایتان پیرامون آیت‌ا... العظمی منتظری به نظر من رسید، امیدوارم در "بازنگری به خود" که مطرح کرده بودید، مورد توجه قرار گیرد.

شما در قسمتی از صحبت‌هایتان به مسائلی پرداختید که بطور مستقیم یا با کمی واسطه به آیت‌ا... العظمی منتظری مربوط می‌شد و در آن رابطه، عملکرد خود را به نقد کشیدید. صحبت‌های شما موجب شد، دسته‌ای از روی‌آوردن نفعانی، سالها در کمین نشسته بودند تا از یک طرف به امام خمینی و آیت‌الله العظمی منتظری و از طرف دیگر به خط امام و تداوم آن ضربه بزنند، موقع را مقتدرانه شماره‌انداز آید گل‌آلود ماهی بگیرند. بحمد-ا... شتاب انقلاب به حدی است که دست این فرصت طلبان زیر سؤال رفته را بیشتر روگرد و مردم، دلسوزان واقعی و غیر واقعی امام و آیت‌ا... العظمی منتظری را بیشتر شناختند.

بسیار متأسفم که جمعیتی گذشته و حال خود را قبلاً با آیت‌ا... العظمی منتظری مطرح نکردید، بخصوص آن قسمتهایی را که بطور مستقیم به ایشان مربوط می‌شد (مواضع ایشان، بیت و مدارس). حق بود که اشتباهات گذشته‌تان را نزد ایشان مطرح میکردید و در جهت جبران و اصلاح گذشته، از ایشان یاری میخواستید. بنظر می‌رسد اگر به این سیر ادامه دهید، رگز به جمعیتی واقعی از خود، نخواهد رسید. ایکاش ترتیب دهندگان این مصاحبه تا به این حد ساده از کنار اینگونه افتراهای به شخصیت آیت‌ا... العظمی منتظری نمیگذشتند.

در قسمتی از مصاحبه مطرح گردید که: "ما در صحبت‌های آیت‌ا... منتظری طلیعه‌های خوشبختی آینده را میدیدیم" و درجایی اشاره به "القائات و خط دادن خودتان به آیت‌ا... منتظری"، داشتید و این در حالی بود که مکرراً مواضع گذشته خود را "انحرافی، افراطی و زهدنی" مینامیدید.

برای من و بسیاری دیگر این سؤال مطرح شد که منظورتان چیست؟ کدامیک از مواضع آیت‌ا... منتظری انحرافی و افراطی و... است؟ و کدامیک از مواضع ایشان با اصول-انقلاب اسلامی و خط امام مطابقت ندارد، و خواسته قلبی امام نیست؟

آیا اصرار ایشان به اصلاح وضعیت حوزه‌های علمیه مورد تأیید امام نیست؟ آیا امام چندین بار به این امر توصیه نکرده‌اند؟

آیا رایج کردن آموزش قرآن در مدارس کار اشتباهی بوده و آیا امام در پیام حج اسما خود، به علما حوزه‌ها و جوانان برومند فرمودند که روی آیت‌اجتماعی و سیاسی و اقتصادی قرآن کار شود؟ آیا رسمی شدن آموزش قرآن در حوزه‌های علمیه درد و نیاز همه دلسوزان و مصلحان نبوده و نیست؟ برای روشن شدن شما باید گفت که حوزه علمیه نجف آباد به زعامت ا... ریاضی و پس از ایشان آیت‌ا... منتظری، اولین حوزه‌ای بود که آموزش قرآن در آن بصورت یک درس رسمی درآمد.

آیا رایج کردن آموزش نهج البلاغه و ارائه یک دوره تفسیر کم نظیر از آن بزبان ساده و رایج کردن آن در حوزه‌ها و کل ایران، کار اشتباهی بوده و مورد تأیید امام و نیاز مکتبی - تاریخی امت نیست؟

آیا اصرار آیت‌ا... منتظری بر ضرورت آموزش‌های سیاسی برای طلاب کار اشتباهی است؟ آیا در کانونی که از آنجا اصل ولایت فقیه باید تداوم یابد، نباید آموزش و پرورش سیاسی وجود داشته باشد؟ آیا امام بر این امر تأکید ندارند؟ آیا چنین خلائی در حوزه‌ها وجود ندارد؟ آیا توجه دادن طلاب و حوزه‌های علمیه به مسائل سیاسی و نیازهای انقلاب که از دیرباز مورد توجه و تأکید امام امت بوده است، بمعنای دور کردن آنها از معنویت و افتادن حوزه‌ها به دام سیاستگرایی است؟

آیا باید سیل طلاب عزیز که روزها، جبهه‌های نبرد هستند و در ایمن راه شهدا و جانبازان بسیاری تقدیم انقلاب کرده‌اند را متهم به سیاستزدگی و دوری از معنویت کرد؟ آیا نمیدانید که عرفان واقعی، امروز از دل سنگر نشینان و راهیان کربلا

و قدس درخشیدن گرفته است؟

در رابطه با پیوند دیانت و سیاست، آیت‌ا... مهدوی کنی (در سخنرانی میدان امام حسین ع) و حجت الاسلام خامنه‌ای و چند تن دیگر از روحانیون با سابقه گفته‌اند: "تفقه واقعی در دین در جبهه‌ها و سنگرها امکان پذیر است و نه در کج حجیره‌ها و به دور از انقلاب".

آیا درس خارج فقه آیت‌ا... منتظری که روشنگر و دایتگر و نورافشان حوزه‌هاست و در سایه آن هزاران نفر کارسازی شده و میلیونها نفر از آن استفاده میکنند از القائات و خط‌دهی‌های شماست؟

آیا علاقه وافر ایشان و نیرویی که روی این درس گذاشته‌اند میتواند القائی و غیر خودجوش باشد؟ و آیا ابتکار ایشان مورد تأیید امام نیست؟

آیا حل فقهی مسئله احتکار از جانب ایشان، که از مشکلات انقلاب است، میتواند القائی و خط‌دهی دیگران باشد؟ آیا شما چنین صلاحیت فقهی را دارید؟

آیا شما نشنیدید که امام خمینی فقهای شورای نگهبان را در رابطه با مسئله تعزیرات به آیت‌ا... منتظری ارجاع دادند؟ آیا نمیدانید که معنی اینکار در قید حیات امام چیست؟ آیا این صلاحیت ذاتی آیت‌ا... منتظری میتواند القائی باشد؟

اساساً کدامیک از شخصیت‌های مملکتی، این مقدار ملاقات و برخورد با جناح‌های مختلف مردم را دارند، از شاگردانشان گرفته تا دیگران؟ شما که معترف بودید که در بیت آیت‌ا... منتظری بر روی همه جناحها از رسالت و جامعه مدرسین گرفته تا مسئولین و رزمندگان و طلاب و شخصیت‌های سیاسی باز است پس با کدام معیار، شما خود را خط‌دهنده معرفی کردید؟ آیا اصطلاح "خط امام در کلام آیت‌ا... منتظری" را نشنیده‌اید؟

مردم صحبت‌های آیت‌ا... منتظری را تفسیر صحبت‌های امام دیده‌اند.

خوب میدانید که یکی از لوازم اجتهاد، علم به زمان و آشنایی به روح جامعه است و لازمه آن شنیدن افکار و تحلیل‌های مختلف و گزارشات گوناگون است. بر همه نیروها و مردم است که مجتهد و رهبری را در جریان مسائل جامعه قرار دهند. اگر شمس‌آورد گذشته چنین وظیفه‌ای را انجام میدادید، چرا امروز به آن عنوان "خط دادن" میدهدید؟

آیا معتقد شده‌اید که نایبستی مجتهد، به روح زمان واقف باشد؟ و آیا توجه دارید که این تعبیر "خط دادن" در جهت قطع ارتباطات مردمی ایشان است؟

اگر همه مردم و نیروها، بپذیرند که ارسال تحلیل و گزارش به امام و آیت‌ا... منتظری، خط دادن به آن دو بزرگوار است و از چنین کاری خودداری کنند، آیا این امر مقدمه قطع ارتباطات مردمی و محل رجوع بودن آنان نیست؟ آیا این کار با خط امام و آیت‌ا... منتظری مطابقت دارد؟

آیا شعار پرشور آزادی قدس، که اساس خط مشی جهانی آیت‌ا... منتظری است و هیچکس در "قدس باوری" ایشان شکی ندارد، یک شعار انحرافی است؟ آیا این شعار مورد تأیید امام نیست؟ آیا امام روز جهانی قدس را برای اولین بار اعلام نکردند؟ آیا شعار "الیوم ایران غداً فلسطین" شعار توده‌های میلیونی روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن نبود؟ آیا این شعار میتواند خط‌دهی شما باشد؟

آیا اصرار و تأکید ایشان به اصلی بودن مسئله جنگ و اهتمام ایشان در پاسخگویی به نیازهای فکری، بسیج انسانی و تدارکات جبهه‌ها، امری انحرافی و القایی است؟

آیا کلام آیت‌ا... منتظری در رابطه با رزمندگان عراق و توجه دادن آنها به کادر سازی و قیام در درون عراق، همان سخن امام نیست؟ امام خطاب به مردم عراق گفتند: "قیام کنید و لویک قیام خفیف" آیا این سخن ایشان نیاز است اسلامی ایران و عراق نیست؟ آیا این صحبت ایشان میتواند یک موضع انحرافی و یا خط‌دهی دیگران باشد؟ حتی اگر شما هم پیشنهادی در این مورد به ایشان کرده باشید، این نقطه مثبت شما به حساب می‌آید و نه یک موضع انحرافی.

آیت‌ا... منتظری سالهاست که درس "حرکت جوهریه" را میدهند و با آن خو گرفته‌اند و البته، حوجه دادن مردم عراق به قیام درونی از اعتقاد ایشان به این اصل نشأت می‌گیرد و نه الزاماً از خط‌دهی این یا آن.

آیا اصرار چندین ساله ایشان به اصلاح وضع زندانها و اعتراض به شیوه شکنجه به منظور اعتراف، در روش‌های بازجویی و اصرار ایشان به اجرای اصل ۳۸ قانون اساسی، یک موضع انحرافی است؟ آیا این موضع مورد تأیید امام نیست؟ آیا عفو زندانیان غیر محارب و بی خطر که به همت آیت‌ا... منتظری انجام گرفت با تأیید امام نبود؟ مگر آقای مجید انصاری در مصاحبه از قول امام چنین مطلبی را نقل نکردند؟

آیا اصرار آیت‌ا... منتظری بر خودکفایی و عدم تکیه به درآمد نفت، مخالف مواضع امام است؟ آیا بنظر شما این خط ایشان انحرافی است؟

آیا اصرار ایشان بر لزوم رفع تبعیض در جامعه، مخالفت ایشان با کاغذ بازی و معطل کردن بی جهت مردم در ادارات، موضعی انحرافی است؟ آیا نصیحت‌های حکیمانه ایشان در مورد لزوم بکارگیری شیوه جذب و هدایت جریان‌های اجتماعی، بجای شیوه دفع، موضعی انحرافی است؟ آیا این مواضع میتواند نتیجه خط دادنهای شما باشد؟

آیا اصرار ایشان بر حذف تشریفات و تجملات از زندگی مسئولین و حاکمان امور انقلاب، انحراف و مخالفت با امام است؟ آیا بیاد ندارید که امام از اتوموبیل پیکان بعثران حذف اکثر تشریفات نام بردند؟

متوجه نشدم که شما کدام مواضع انحرافی را به ایشان القا کرده‌اید؟ و در کدامیسن سخن ایشان برای منحرفین طلیعه خوشبختی می‌دیدید؟

شما بایستی توجه میکردید و بگویند که هنر اسلامی و انقلابی آیت‌ا... منتظری این بوده است که با شما صادقانه برخورد کرده‌اند و شما را از گرداب خط مشی غلط قبل از انقلاب نجات دادند و با تکیه بر نقاط مثبتی که در شما می‌دیدند، شما را در خدمت به انقلاب بقیه در صفحه ۳۱

با اسم رب حرکت کنید و با اسم رب انحرافات را مستقیم کنید

خط امام در کلام

آیت العظمی منتظری

مقدمه

آیت العظمی منتظری به مناسبت هفته وحدت سخنانی ایراد فرمودند که به سه لحاظ آید: اولاً، استراتژیک از اهمیت فوق العاده بالایی برخوردار است. ثانیاً، مستطابین از آن به شرح زیر است:

ایمان و بسیج و ذخایر نفتی اشان و در سایه اتحاد و همبستگی مذاهب میتوانند اسرائیل را نابود کنند. امید داریم که این عده در خط مشی خود تجدید نظر کنند. ملتها اصلت دارند نه ولتها

صهیونیسم جوهر امپریالیسم

آمریکایک موی اسرائیل راه همه کشورهای عربی نمی دهد. اینرا قبول ندارید هنوز؟ باورند آید؟ آمریکا که من عرض میکنم، آمریکا نه یعنی ۳۰۰ میلیون جمعیت آمریکا، آنها هم اغلبشان مستضعفند، مثل جهان سوم. قدرت آمریکا، قدرت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تبلیغاتی، رسانه های گروهی آمریکا، حکومت کاخ سفید، در اختیار صهیونیستهاست. چند میلیون صهیونیست بیشتر نیستند اما ۳۰۰ میلیون جمعیت آمریکا را ملعبه قرار میدهند. اسرائیل یعنی ایالت پنجاه و دوم آمریکا. از قدرت اقتصادی کشورهای اسلامی، آمریکا استفاده می کند و اسرائیل را مثل غده سرطان در بین کشورهای عربی و اسلامی نگاه داشته است. برای کوبیدن اسلام و مسلمین.

راه مجاهد:

عدهای به شعار اسلامی کردن قضیه فلسطین معتقد بودند بنظر ما اسلامی شدن فلسطین این است که آمریکا را واقعا اذیت و شیطانی بزرگ و ام العناقین و ام الکافرین بدانیم. آن عدهای که این شعار را میدادند حالا سعی دارند که از تضاد آمریکا و اسرائیل استفاده کرده و صرفا نسبت به اسرائیل حساسیت داشته باشند.

آمریکا شیطان بزرگ، واقعا شیطان بزرگ است. گورباچف هم همینطور است اگر آنها با هم میسازند، علیه اسلام و مسلمانین میسازند. شما چه چیزی تا حالا از آمریکا دیده اید که حا لایهش امیدوار باشید.

باشند. اینها بجای اسلامی کردن خط مشی قضیه اعراب برعکس دارند به خط مشی اعراب نزدیک میشوند. اعراب معتقدند با تکیه به آمریکا بایستی با اسرائیل مبارزه کرد که در نهایت به قبول قطعنامه ۲۴۲ و کنفرانس فاس میرسند. آیت العظمی منتظری در سخنان گهر بارشان گفتند صهیونیسم جوهر امپریالیسم آمریکاست و کاخ سفید را اسرائیلیها میگردانند. ایشان توصیه کردند مسلمین با تکیه به نیروی

آمریکا شیطان بزرگ، واقعا شیطان بزرگ است. گورباچف هم همینطور است اگر آنها با هم میسازند، علیه اسلام و مسلمین میسازند. شما چه چیزی تا حالا از آمریکا دیده اید که حالا بهش امیدوار باشید. من تعجب می کنم از سران کشورهای اسلامی که اقتصاد اسلام و مسلمین را در اختیار دارند، نفتی که شریان حیات اروپا و آمریکا است در اختیار دارند. یک میلیارد مسلمان، اینبهنه ذخایر و امکانات مادی و آن امکانات معنوی قرآن و سنت در اختیار دارند و خودشان هم حامی دین و اسلام و حریمهای خدا میداندند. شما کم نیستید، مسلمانهای یک میلیاردند و کن این سران خائن کشورهای اسلامی که همه شان با اکثرشان خود فروخته هستند. ملت مصر با شجاعت، ملت اردن با شجاعت، ملت های عرب با شجاعت هستند. ملتها تابع اسلام هستند و پیرو اسلامند و من و شما باید روابطمان را با مسلمانهای کشورهای اسلامی محکم و مستحکم کنیم.

وحدت مذاهب اسلامی

متاسفانه در اثر تحریکاتی که بوسیله ایادی آمریکا و پولهای نفت کشورهای اسلامی میشود من و شما را به جان هم می اندازند من شیعی میم، پیرو امام جعفر صادق به وظیفه فقهی ام، هم عمل میکنم. من هیچوقت فقه

آمریکا شیطان بزرگ، واقعا شیطان بزرگ است. گورباچف هم همینطور است اگر آنها با هم میسازند، علیه اسلام و مسلمانین میسازند. شما چه چیزی تا حالا از آمریکا دیده اید که حا لایهش امیدوار باشید.

ابوحنیفه را عمل نمیکنم. شما هم که سنسی مذهب یا حنفی یا شافعی، شما مسلمان، به فقه خودت عمل کن. هیچکس نگفته بیایه فقه شیعه عمل کن. اما هر دو نماز میخوانیم، هر دو یک پیامبر، یک قرآن قبول داریم، یک خدا قبول داریم، اعمالمان مشترک است، همه مسلمانیم. پنج مذهب اسلام مثل پنج انگشت اگر بصورت مشت واحد در بیاید نه آمریکا، نه شوروی، نه اسرائیل، هیچ غلظن نمیتوانند بکنند.



از آنجا شبکه اخبار و اطلاعات صحیح (کما می - همانطور که هستند) تحلیلها را با روربینما بدبران ندیم مجموعه ای از اخبار مهم ما را در بخشی از نشریه که به این کار اختصاص داده ایم درج نمائیم. اهداف مورد نظر ما از این کار عبارتند از:
۱- کمک به با روری تحلیلهای سیاسی نیروهای مکتبی.
۲- دادن بینش استراتژیک از رویدادهای ایران، منطقه، جهان.
۳- کمک به پیدا کردن دید استراتژیک از مراحل رشد خلق و افول امپریالیسم.
ضمناً " راه مجاهد" این اخبار را بر خورد فعال بکنند.

آمریکایک موی اسرائیل راه همه کشورهای عربی نمیدهد اینرا قبول ندارید هنوز؟



پيامبر خدا حضرت امیرالمومنین می فرماید "اربعه الجنبه اربعه" چهارتا چیز است که چهارتا چیزد نیالشی می آورد و نباید بیاورد.
۱- من ملك استا" ثره: طبیعی است اینظوری هست هرکسی يك قدرتی پیدا کرد يك پستس پیدا کرد که خدا ای جعمران هم که شده د یگه حق ندارند بگویند. جناب که خدا اتوا اینجا اشتباه کردی فوری بهش بر میخوره، کاسسه کوزه را میخواهد بشکند... من ملك استا" ثره " هر کسی يك قدرت پیدا کرد میشد بیکتاتور، تمام اینظور است این هوای نفس است این خود - پسندی است این مقام پرستی است و ایمن اخلاق زشت است.

مسئولین باید در متن جامعه باشند. تا کسی در متن جامعه نباشد و در متن جامعه نباشد گرفتاریهای جامعه را نمی داند و لذا اما همیشه به مسئولین سفارش می کنیم که بیایید در جامعه، خدا لیل کند آنها را که ایمن شرایط را درست کردند می ماشین ضد گلوله و این چیزها و مسئولین را از مردم جدا کردند. فرماندار خوب آن است که بیایید توی مردم گرفتاریهای مردم را ببیند، نه اینکه آقای فرماندار در فرمانداری باشد بنزین و مواد غذایی و هر چه ست برایش میبرند او دیگر از صف خبرند ارد، نمیداند که مردم در صف چه می کنند باید بیاید صفها را ببیند. مسئولین بالا باید بیایند ببینند و فکری برای جامعه بکنند. اقلیتبعضیات را بر طرف بکنند. اگر تبعیضی يك جا هست وقتی می بینند فرماندار، وزیر فلان استاند ارمیاد در جامعه اگر کسی تخلف کرده به اشد مجازات گرفتار میشود.

حفظ ارزشهای اسلامی اصل است و لوشکست بخوریم شعاری که اول انقلاب جوانهای ما بخاطر

آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است / ام خمینی



ادامه خط امام در ...

آن شعار در خون خود غلطیند نند آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی، استقلال داشته باشیم، در دامن شرق و غرب نیفتیم، خودیت خود را حفظ کنیم، حرفمان را بتوانیم بزنیم، منتهی منطقی نه هو و جنجال، نه اینکه همه دیگر را بخواهیم خرد کنیم. صریح، قاطعانه به مسئولین حرفمان را بزنیم، نه برای تضعیف. اگر آن شعارها و ارزشهای انقلاب و اسلام حفظ کردیم ولو شکست هم بخوریم، شکست نخوردیم. امام حسین ارزشهای اسلام را حفظ کرد و تاپای جان و حتی شهادت فرزند شیرخوار خود شریک استاد و ارزشهای اسلام و شعارهای جد بزرگوارش را حفظ کرد. اما اگر بنا شود ارزشهای اسلام و خونهای پاک جوانان و خونهای شهدار اینها همه را صرف آقایی خود م بکنم من خیانت به اسلام و به انقلاب است. دنیا عقل و آینده و تاریخ همه ما را محکوم می کنند.

اطلاعات ۶۵ / ۸ / ۴

آیت ا - منتظری در دیدار با اعضای هیئت عفو امامت :

کار در مورد عفو زندانیان با سرعت و بدون اتلاف وقت انجام گیرد

کار آقایان مشکل و حساس است ولی چون حضرت امام مد ظلّه اصرار دارند که آقایان محترم همچون گذشته به کار خود ادامه دهند از این رولازم است که امر امام مد ظلّه اطاعت شود و هیئت عفو کما فی السابق با همان شکل و روش گذشته به کار خود با همان دقت نظر و خوابی که حضرت امام تأکید فرموده اند ادامه دهند.

... ارگانهای مربوطه و اطلاعات که باید در مورد افراد مستحق عفو نظر بدهند ترتیبی بدهند که کار با سرعت و بدون اتلاف وقت انجام شود.

... آقایان روحانیون هم که بداخل زندان سر می زنند همچون گذشته به زندانها بروند و با هماهنگی سررستی زندانها و مسئولین قضائی، به ارضاع فکری و اخلاقی زندانیان توجه و رسیدگی نمایند و برنامه ارشادی خود را به نحو احسن انجام دهند.

جمهوری اسلامی ۶۵ / ۱۰ / ۳

قسمتی از متن حکم امام به هیئت عفو، من به قوه قضائیه توصیه می کنم که بسا روی گشاده شما زادر سراسر کشور یاری دهند و شما نیز همچون گذشته با احتیاط و دقت به کارتان ادامه دهید و بدانید که شما مورد تأکید اینجانب هستید.

کیهان ۶۵ / ۸ / ۱۵

آیت ا - منتظری در دیدار با دانش آموزان

دانشجویان و روحانیون و اقشار مختلف به مناسبت ۱۳ آبان :

سه عامل پیروزی انقلاب، ایمان، وحدت و رهبری بود

روز پیروزی انقلاب ایران سه عامل بود یکی ایمان مذهبی و آگاهی سیاسی مردم و دیگر وحدت کلمه و هماهنگی کامل تمام اقشار و از همه مهمتر رهبری قاطع و قوی حضرت امام خمینی مد ظلّه می باشد.

... ملت ما با همان روحیه و ایمان و آگاهی، کاری کردند که در اثر صبر و استقامت امروز اسلام در دنیا برای ملت ما، جدی مطرح شده و در حال پیشرفت است و در داخل هم با آنهم مشکلات جنگ و کمبودها مشاهده می - کنیم که شعار ملت ما جنگ جنگ تا پیروزی و امروز ایران فردا فلسطین می باشد.

بدبینیهائی که منجر به حذف نیروهای متعهد میشود از بین ببرد

متاسفانه آن وحدت کلمه و صمیمیت که در

مقام رهبری است. اگر درایت و قاطعیت حضرت امام مد ظلّه نبود به یقین انقلاب به پیروزی نمی رسید. این همه برکات و آثار که در دنیا از انقلاب بوجود آمده بخاطر موقعیت معنوی و عظمت امام امت است ایشان ایران را در دنیا آبرو مند ساختند و افتخار و آبروی همه ما در دنیا بوجود چنین شخصیت عظیمی می باشد.

درگیری بین فلسطینی ها و لبنانیها به نفع اسرائیل و آمریکا است

چرا از تجربه موفق ایران (خطاب به لبنانیها) عبرت نمیگیرید و وحدت کلمه را بین خود تحکیم نمی کنید تمام این درگیریها به ضرر اسلام و کشورمان و به نفع اسرائیل و آمریکا می باشد به هر حال بنشینید و با هم مسائل و اختلافات خود را حل کنید و نیروهای اسلام را اعم از شیعه و سنی، لبنانی و فلسطینی را در مقابل آمریکا و اسرائیل متحد سازید.

مرگ بر آمریکا یعنی مرگ بر استعمار و ظلم

خداوند با آنکه تمام ماگنا هدا ریم هیچگاه گنا هان که اسرار ما می باشد را برای دیگران افشاء نمی کند. مومن هم با بیداری از دیگری لغزش و یا سری می بینند آنرا حفظ کنند و آبسرو و حیثیت او را بین مردم خراب نکنند.

معنی مرگ بر آمریکا یعنی مرگ بر استعمار و ظلم و در این جهت دیگر فرقی بین آمریکا و شوروی نمی کند. شوروی هم در جاهای زیادی و از جمله افغانستان جنایت و ظلم می کند. راه مجاهد.

آیت ا - منتظری امپریالیسم را جغرافیائی ندیده، بلکه ویژگی استعمار و توسعه طلبی و جهان خواری آن توجه میکنند.

سرنگهداری و حفظ آبروی مردم

مومن هنگامی واقعا "مومن" است که سه خصلت در او پیدا شود. یکی سنت از طرف خدا و آن سر و آبروی مردم است. خداوند با آنکه تمام ما گناه داریم هیچگاه گناهان که اسرار ما می باشد را برای دیگران افشاء نمی کند.

مومن هم باید اگر از دیگری لغزش و یا سری می بیند آن را حفظ کند و آبرو و حیثیت او را - بین مردم خراب نکنند.

اول انقلاب بین ما بود امروز آن وحدت و هماهنگی تعبیه شده است و برای من این مصیبت است که می بینم برادرانی که تا دیروز در یک سنگر برای اسلام و انقلاب فعالیت میکردند. امروز مقداری سؤتفاهم و بدبینیهائی بوجود آمده که بنفع دشمن می باشد و من به سهم خودم از همه برادران تقاضا می کنم برای رضای خدا بیایید و گذشته ها را هر چه بونه است فراموش کنید و با هم باشید و بجای خود بینی ها و عوولی نفس، خدا و اسلام و انقلاب را مد نظر داشته باشید و مثل گذشته همیشه ما و عدو مطرح باشد نه من و انشا ... این بدبینیهائی که منجر به حذف نیروهای متعهد و لایق می شود از بین برود و خدای ناکرده به اسلام و انقلاب آسیبی وارد نشود و دشمنان اینقدر سواستفاده نکنند.

مهمترین عامل پیروزی و حفظ انقلاب درایت و قاطعیت امام است

بزرگترین و مهمترین عامل پیروزی و حفظ انقلاب

مردم داری و مدارا با مردم

دیگری سنت از پیامبر خداست و آن برخورد درست با مردم و مدارا نمودن با طبقات مختلف است. ایمان و اعتقاد همه افراد قوی نیست. باید کاری کنیم که افراد ضعیف و یا فغال شده را بجای طرد آنها برای همیشه جذب اسلام کنیم.

صبر و استقامت در برخورد با مشکلات

سنت سوم که امام رضا فرمودند سنت از ولسی خداست که همان صبر و استقامت در مشکلات و ناراحتی است. مطمئن باشید اگر ما در برابر این مشکلات، گابرقدرتها با تحمیل جنگ توسط صدام که عامل و دست نشاند، آنهاست، بوجود آورند صبر کنیم و وظایف را به نحو احسن انجام دهیم. - نزدی - انشا ... تعالی فرجی خواهد رسید.

کیهان ۶۵ / ۱ / ۲۴

آیت ا - العظمی منتظری در دیدار با اعضای شورای انقلاب فرهنگی :

ما باید کاری کنیم که بجای اعزام دانشجویان به خارج از کشور با آن محیطهای فاسد و اسانید کدائم، که میدانیم ترتیبی بدهم تا علم و - تکلیک را به کشورمان وارد کنیم و سعی نمائیم از اسانید دانشگاههای دنیا برای تدریس در دانشگاهها دعوت نمائیم تا علاوه بر اینکه ارزگشتی از کشور خارج میشود می توان با این ارز مسائل پیچیده مورد نیاز دانشگاهها را خریداری نمود.

راه مجاهد :

شهید مدرس هم چنین اعتقادی داشت.

برای خودگفائی باید در علم خودگفائی

شوم

اینهمه شعار نه شرقی نه غربی میدهم اگر می خواهید این شعار محتوا داشته باشد باید کاری کنید که در علم و دانش خود گفائی شوم وقتی در علم خودگفائی شدیم قهرمان شوم خودگفائی خواهیم شد.

راه مجاهد :

برای خودگفائی در علم باید در متدولوژی - علمی و روش تحقیقات خودگفائی بشوم و گرنه راهی جز پیشسازی آنها را در علم نخواهیم داشت.

کیهان ۶۵ / ۱۰ / ۱

آیت ا - العظمی منتظری در دیدار با اقشار مختلف به مناسبت سالروز تولد پیامبر اسلام (ص) :

بقیه درص ۴۲

ما باید بر آمریکا غلبه کنیم و او را در تمام منطقه شکست دهیم (امام خمینی)



رهنمودهای آیت... منتظری

در رابطه با

قیام خودجوش مسلمانان مردم عراق

مقدمه:

در دیماه ۱۳۶۵ اعضاء کنفرانس همیاری انقلاب اسلامی عراق در قم به حضور حضرت آیت الله منتظری رسیدند و ایشان رهنمودهایی در نحوه شکل گیری قیام مردم عراق دادند که به لحاظ اهمیت موضوع و تحقق اصل حرکت جوهری و جنگی رها نشی بخش عیناً "همه آنرا می آوریم" توضیح بعملت اینکه مطلب فوق از نواری پیاپی شده است لذا در قسمت های نامفهوم... گذاشته شده است.

فلیقاتل فی سبیل اللہ الذین یشرّون الحیاة الدنیا بالآخره ومن یقاتل الذین آمنوا یقاتلون... کسان ضعیفا.

ضمن خیر مقدم به همه برادران عراقی و سایر برادران، لبنانی و جاهای دیگر که به کشور خودشان جمهوری اسلامی ایران و به شهر خون و قیام، شهر قم تشریف آورده اند و ضمن تسلیت به همه شما به مناسبت شهدای جبهه ها چه در ایران، عراق لبنان و افغانستان، به مناسبت شهادت دلباختگان حق و حقیقت.

در این کنفرانس که آقایان داشتند خوب مطالب آنچه لازم بوده است بزرگان بیان کرده اند. چه بسا مطلبی که لازم باشد من بخوانم زیاد وقت شما را بگیرم باقی نمانده با شد ولی خوب برای اینکه من هم در این کنفرانس سهمی داشته باشم یک گوشه ای را در نظرمی گیرم و چند دقیقه ای وقت شما را میگیرم.

من سه سفر به عراق شرف شده ام که دو سفرش هم قاجاق بوده، در زمان رژیم سابق بوده، و شاهداتی در عراق داشته ام، بادم است در زندان به من میگفت که چرا رفتی قاجاق، گفتم گذرنا من نمی دادید شما، گفت خوب شما خواستید و ندادند گفتم خوب حالا میخواهم بدهید تا ببرم حالا منظور ما این است که آن وقت سختگیری میکردند، شاهداتی من در عراق داشته ام این از باب اینکه میخواهم مثلاً فرض بگیرم دید چیزهایی را که در رم در دلد کنیم به اصطلاح، در دودل کردن، این نیابستی کسی بهش بر بخورد.

من در نجف و کربلا رسیدم که یک

که بگذرد از بسیاری از روایات استفاده میشود زیارت امام حسین اچرش بیشتره، چرا، برای اینکه اگر زیارت امام حسین آنجوری که هدف شما طهارت بوده هدف اسلام بوده انجام بشود آن زیارت حافظ حج و نماز و روزه و سایر احکام است، آنکه بیمه میکند اسلام و شئون اسلام را همان روح شجاعت و فداکاری و از خودگذشتگی است که در مسلمانها با شد که در تمام مقاطع حساب که خطر برای اسلام و مسلمین پیش میاید مردم قیام کنند، روی اصول صحیح و از اسلام و مسلمین و از مظاهر اسلام دفاع کنند در زیارت حضرت سیدالشهدا انشاء... خدا نصیب کند و شما عراقی ها به کشورتان برگردید و ما هم آنجا چند روزی مهمان شما باشیم انشاء... در زیارت حضرت میخوانیم اشهدانک قد اقامت الصوه... یعنی نماز را خواندی یا نه نماز را به پاداشتی "اقامه نماز" غیر از این است که نماز خود را - خودت، حضرت سیدالشهدا در دو خطبه ای که منسوب به حضرت است مورخین و محدثین نقل کرده اند هدف خودشان را از این سفر کربلا ذکر کرده اند. در یکی از خطبه ها وقتی که به صاحب جرح حضرت برخورد و نماز جماعت هم به امامت حضرت اقامه شد صاحب جرحم اقتدا کردند ب حضرت آنجا حضرت سیدالشهدا خطبه ای را خواندند از پیغمبر اکرم فرمایشی را نقل می کنند، فرمودند قال رسول الله... (ص): من راعی سلطاناً "جاثراً" ان هوله... با خطبه دیگری از حضرت سیدالشهدا نقل شده، حسن ابن علی ابن شعبة و تحفه العقول دارد که، مورخین دیگر هم نقل کرده اند، این عبارت را این است حضرت می فرمایند الاترون ان... بعضی وقتها می فرمایند ان الناس عبید الدینا.. اقامه حق یا قیام برای دین هدف امام حسین است.

خوب پس هدف امام حسین اقامه حق بود وقتی که حضرت سیدالشهدا ندای هل من ناصرنا نثارش بلند شد حضرت برای شخص خودش کمک نمی خواست برای اسلام کمک میخواست این ریزه کاریها و فداکاری که در فرمایشات حضرت و صاحبان است وقتی که انسان دقت کند، برادر رشید حضرت سیدالشهدا، قمر بنی هاشم، وقتی که دست راستش را از بدن جدا می کنند شعری که نسبت می دهند به حضرت فرمود:

اینکه مثلاً در روایاتی دارد من تباکی او ابکی... واقعا "چنین است... اینجور با شد که طاعتها و جبارین و صدام حسین هم برای اینکه... میره به زیارت امام حسین و یک زیارت هم میخواند حتی در زمان رژیم سابق اینجاسه روز روزه می گرفتند و خودش هم شرکت میکرد گاهی اوقات در تلویزیون نشان میداد یک دستمالی هم دم چشمش میگرفت و خوب روزه خوانا اگر صدایش هم خیلی خوب بود قهرا "اشرمیکرد یک خورده هم گریه میکرد بله آنوقت این دیگه و جبهه الجنه آیا این جور است هدف این بوده که بیایند و واقعه کربلا را تشریح کنند یا نه

"اقامه عزای امام حسین"

اینکه شما سلام... علیهم این قدر

اگر چنانچه یک قیام همگانی (در همه شهرهای عراق) مقدمه تشریح شود، یک دفعه قیام کنند بریزند در خیابانها فرض کن حمله هم بکنند بعشیرین، بزنند دست و پا کنند و بگیرند ۲۰ هزار کشته بشوند اما پیروز میشوند اما اینجور تقیه میکنند اشخاص او هم دارده زور مباره توی جبهه ها، همه بیچاره ها خونشان با یمال میشود.

تحریک کرده اند برای "اقامه عزای امام حسین" شعر گفتن در مرثیه امام حسین، زیارت رفتن امام حسین برای اینکه این هدف حضرت سیدالشهدا را در ضمن این مجالس ضمن این اشعار، گفته ها، برای مردم تشریح کند و همان روح فداکاری و شجاعت که در اصحاب امام حسین بود در ملت مسلمانی در شیعیان پیدا بشود تا اینکه با این روح فداکاری و شجاعت از اسلام و از استقلال اسلام و مسلمین، و از مصالح مسلمین و از کینان مسلمین دفاع کنند هم نظر که امام حسین از اسلام و حقوق مسلمین و عدالت دفاع کرد، شیعیان امام حسین هم این روحیه درشان باشد، و این بود زیارت امام حسین است که آنوقت بهما از حج هم شوابش زیاد تراست، البته حج واجب را انسان باید برود بجا بیاورد، اما از حج واجب

جاهای دیگر هم هست، در پاکستان، در جاهای دیگر هم هست و آن کمبود این است که ما خیلی کم کنیم که این همه ترغیب و تحریک شده است برای تشکیل مجالس برای امام حسین، زیارت امام حسین، روایات ما، زیاد بوده در روایات شیعه، زیارت امام حسین در عصرهای مختلف در زمانهای مختلف چه بوده، چقدر اثر و ثواب دارد و هر قدمی برای آن زائر چقدر حسنه نوشته میشود، این زیارت امام حسین است، مجالسی که برای امام حسین تشکیل میشده این همه پولها خرج میشده وقتها صرف میشده، و اینها، اینجهت کانه مورد غفلت واقع شده که برای چی آیا هدف همین است که اشخاص بنشینند تاریخی را، تاریخ واقعه ای را بشنوند و اشکی هم بریزند و بعد بیرون سراغ کار و زندگی اتان، آیا این است، یا نه

جنگ یک تکلیف شرعی است که مردم ادا می کنند
امام خینی

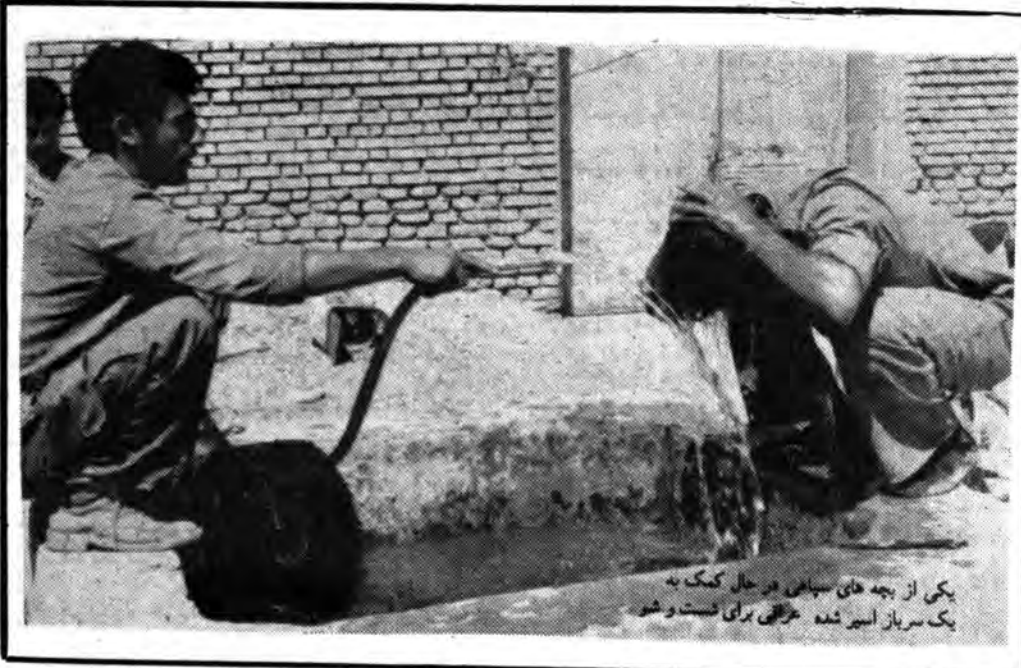


که رهبری کنند مسلمین را پیغمبر اکرم
هما نظور گدایی مسلمین بود رهبر
مسلمین بود، رهبر سیاسی مسلمین بود.
اس حکومت اسلامی و بعد از پیا میرا کرم
همه مسلمین اتفاق کلمه داشتند در اینکه
باید یک رهبر سیاسی، برای مسلمین
معین بشود، این شیعه‌وسنی ندارد،
منتها شیعیان مدعی بودند پیا میرا کرم
امیرالمومنین را بعنوان رهبر معین
کردند، اهل سنت گفتند ما می آئیم
ابوبکر را انتخاب می کنیم اما همه

اگر بهشان بگویم شما وظیفه اتان است
در مقابل کفر صدام و حکومت بعثت
قیام کنید تا بد از من نشوند بسا در -
ذهنشان باشد که خوب ایران به کشور
ما حمله کرده، جراه ولی وقتی که شما
تذکر بدهید و مسئولین ایران ما هم
باید تذکر بدهند، این را باید زیاد
تکرار کرد و یک وجب از خاک عراق را ما
طمع نداریم و نه از هیچ کشور دیگری اصلا

واقعا " نمی شود هم زیارت امام حسین
بخوانیم، الان هم هست خوب واقعا"
یک عده ای، نمی خواهم بگویم ایبن،
بشارت آگاهی خیلی ها بهشان داده نشده،
در ذهنشان است زیارت امام حسین
می خوانیم در بهشت میرویم، بعدهم
فرض کنید در جشنهای صدام هم شرکت
بکنیم چه شکالی داره همه با هم جمع
می شویم، جمع بین ضدین، هم در جشن

ادامه رهنمودهای آیت... منتظری...
عن دینی وعن الامام العادق الیقینی-
یعنی قیام من، قیام قوم خویشی
و به اصطلاح ناسیونالیستی نبوده انسی
احاصی ایدا " عن زینبی مسئله دین مطرحه
مسئله امام و رهبر اگریک رهبری قیام
کرد برای حفظ اسلام و مظاهر اسلام،
قمرینی هاشم هم باید فدا شود، تا طفل
شیرخوا هم با فدا شود، اسلام از همه
چیز عزیزتر است حضرت ابوالفضل العباس
در همین شعر می فهمانند اهمیت رهبری حق
را، اهمیت دین را که اگر ندای یک رهبر
حق به گوش شما رسیده با بد قیام کنند
اگر دین در معرض خطر شده با بد قیام
کنند خوب حالا خودمان در این شرایط،
آیا شرایطی در عراق، در حکومت عراق
میگویم نه در ملت عراق، حکومت
بعث عراق از حکومت یزیدین معاویه
بهتر است، یزیدین معاویه نظا هر چه
اسلام که داشت به مسجد که میرفته نماز
جمعه هم میخواند، نماز جماعت هم
میخواند، اما منگری بود ظاهری بود،
حکومت بعث عراق این رژیم حاکم بر
عراق و بسیاری از رژیمهای دیگری که
بر کشورهای اسلامی به اسم اسلام حکومت
میکنند اینها ما در مقابلش وظیفه
نداریم متاسفانه در اثر اینکه گویندگان
بعضی شان البته، بعضی از گویندگان
به ما مردم رشد فکری نداده اند ما را
متنبه نکرده اند به واقعیت اسلام -
استعمارگران شرق و غرب هم اینها هم
القاء کرده اند، تلقین کردند و لوبه و سائل
که دین یعنی همینکه شما به گوشه مسجد
بخزید و یک نمازی بخوانید و اشکی چهار
تا آیه قرآن هم بخوانید و حکومت مسال
دیگران است، شروت مسلمین در اختیار
آمریکا و نمی دانم عملشان و کفار و ذخائر
مسلمین در اختیار آنها، شما کار به این
کارها نداشته باشید، اینجوری به ما
و نمود کردند، که اسلام را بد معرفی
کردند. اینکه مسلمانها هم نظور که
وظیفه دارند نماز بخوانند عبادات را
انجام بدهند، وظیفه دارند در مقابل
ظلم و فساد دینی تفاوت نباشند، امام
مادق وقتی که صدیر صیرفی به حضرت
اعتراض میکند روایت در اصول کافی
است در جلد دوم به صدیر می فرماید:
والله لو کان لی شیعه... کسی را
نداشته امام مادق ولی وقتی که مردم
میگویند ما مسلمانیم و علاقه مندیم به
شیع نمی شود به یک نماز و یک زیارت -
ظاهری امام حسین قناعت کنیم ایبن



یکی از بچه های سپاه در حال کمک به
یک سرباز اسیر شده عراقی برای بستن زخم

من همینطور که برای شهدای
ایران غصه میخورم... برای
این بچه های عراقی که از توی
نا نوابی کربلا میگردش به زور
میاره به جیبها... برای
آنها هم غصه میخورم.

مسلمین من الشیعه و السنه متفق بودند
که بلبه با بدیک رهبر یک خلیفه بعد از پیغمبر
باشد، گفتند که خوب میرویم نماز زمان
را بخوانیم، چکارا ریم سیاست چیه آخر
ما را به سیاست چه، دین از سیاست جداست
کارا و ررا به دار و بسپار روکا رفیض را به
قیصر، نه اینجور نیست در اسلام لاینفک
- الدین عن الدنیاه و سیاست جزو دین
است، نقه اسلام هفتاد - هشتاد کتاب
دارد که چهار پنج نای آن عبادات است
باقی اشرا مورع ملات و سیاست و جزایات
حدود و قصاص و دیات و همه چیز در آن هست
و همه مسلمین وظیفه دارند برای اینکه
سعی کنند یک حکومت حق عادل روی کار
بیاورند، بخصوص علماء و بزرگان...
امیرالمومنین در نهج البلاغه میفرماید:
أخذال... علی العماء ان لا یقاروا
... و با زامیرالمومنین می فرماید
از پیا میرا کرم در... نقل شده: لم
تقدس امامه... یعنی باید یک حکومت
عادل که حقوق همه ضعیفان درش ملحوظ
باشد حفظ بشود نه اینکه یک عده ای با
قتل و قتل گودا کردند و به رهبری
این علقبها بیایند بر نام شتون ملت
مسلمان عراق تسلط پیدا کنند ایبن
بی تفاوتی بزرگترین گناه است همین
طور که حضرت فرموده که: ولم یغیر بقول
ولا فعل... ضمن شکر از شما برادران و
بزرگان که از منطقه های مختلف برای
تشکیل این کنفرانس شریف آورده اید،
احتظا ر میروید که هما هنگ بشوید، به
کنفرانس تنها قناعت نکنید به حرف تنها
قناعت نکنید و تصمیم بگیرید در هر جا
بقیه در صفحه ۲۵

خاک برای ما مطرح نیست اسلام برای ما
مطرح است، جنگ به همت شما به همت
عراقیها می که در خلیج و در ایران و در -
اروپا و در داخل عراق و در اینها همه
جنگ بصورت قیام مسلحانه ملت عراق -
علیه حکومت بعث، این معنا با بستنی
جا بیفتد ترغیب بشود تشویق بشود، از صفر
شروع کنید، در داخل عراق ملتها می
که، هستند افرادی که واقعا " مخلصند
عراقی ها مردم سلحشوری بودند وقتی که
انگلیسیها آمدند عراق را خواستند بگیرند
همین عراق بودند قیام کردند به رهبری
علمای نجف، رهبری میرزای شیرازی -
ولی خوب متاسفانه من بارها عرض کرده ام
از بس که ما را از صحنه سیاست دور کرده
بودند مرحوم میرزای شیرازی و علمای
نجف خیال میکردند که خوب حالا ما
آمدیم جنگ کردیم انگلیسیها را بیرون -
کردیم وقتی که آن فرمانده انگلیسی
می فرستد که خوب حالا شما می خواهید
بکنید بیاید در اجاع به آینده عراق، سرنوشت
عراق بنشینیم تصمیم بگیریم بسیاری از
علماء گفتند ما میرویم مدرسه و مشغول
درس و مباحثه می شویم و انگلیسیها هم
رفتند آن خانواده شریف حسین، فیصل
قاضی و ماضی و اینها را آوردند عراق را -
تحویل آنها دادند و این واقعه ایبن
است که اشتباهی بوده است علماء باید
پیش قدم باشند، نگویند ما مسائیل
سیاسی را وارد نیستیم، وارد نبودن
هم گناه است، اصلا " وظیفه علماء است

صدام شرکت میکنیم هم زیارت امام
حسین میرویم و این برای این است که
من و شما بی رودریا بستنی، من و شما آن
رشد آگاهی که نسبت به اسلام و وظایف
اسلامی باید به مردم بدهیم نداده ایم.
شما برادران که نخبه های ملت عراق هستید
و بسیاری از شما از علماء و فضلا و از دیگران
هم از نویسندگان از افراد مطلع از افراد
خبیر هر کدام شما در ارتش عراق در ملت
عراق قوم و خویشی، رفیقی کسی دارید
ملت عراق شما را می شناسند به هر وسیله ای
بایستی آن ندای خودتان را برسانید به
آنها به داخل عراق و به ملت عراقی که
در ایران در اروپا در خلیج، شاید دوست
سیمدهزار عراقی آواره باشند، پنجاه
شصت هزار عراقی در اسارت ایران است که
بسیاری از اینها مردم مخلص هم هستند
بایستی که این ندا را به همه آنها رسانند
هما هنگشان کرد، احساس وظیفه بکنند
حتی ارتشیها بسیاری از آنها می که
می آیند به جنگ ایران، از ارتشیها
شاید توجه ندارند، بسا این جنبه های
ناسیونالیستی آن عربیت که خدا ذلیل
کنند آنها را که این اسم ها را آوردند.
تلفه زینت امام حسین
عربیم و بان عربیم، بان ترکیسم
و بان ایرانیم و بان، این بانها
را آوردند و ملت اسلام را متشت کردند،
خدا ذلیلشان کند، اینها بسا یک همچین
افکاری در مغزشان است، من طلبه قم



اخبار ایدئولوژیک ولایت فقیه

پس از سالها دوستی رادیدم . سالهای متبادی با او در دبیرستان و دانشگاه درس خوانده بودم و وجه تشابه و گفتگوها که با هم نکرده بودیم آن روزها از اعتقادات مذهبی قرص و محکم برخوردار بود . این بسیار در صحبت هایش احساس من کردم که باورهای دینی خود را از دست داده و بنظر میآمد خودش هم از این امر ناراحت است . کمی از صحبت های معمول ماکسه گذشته اندک اندک مشکل اصلی او به زبانهای مد دست من بدنیال مشکلات فکری و سئوالهای جواب داده نشده ، جهان بینی سادی پیدا کرده بود .

مسئی گفت : این احسان طبری را لکنجه نکرده اند ؟

گفتم : چطور ؟

گفت : آخر او که یکی از بزرگترین ثنورسین های مارکسیسم بوده است چطور ممکن است در عرض چند هفته وحد اکثر چند ماه ایدئولوژی اثر موض شود و مسلمان شود . کسی که بیش از نیم قرن ثنورسین مارکسیسم بوده است .

گفتم : شگنجه که فکر نمی کند باشد چون او در همان اوان دستگیری ، سکنجه مغزی کرده بود و اگر شگنجه می شد ، احتما سیرد . حالا این که او چند صد قاتانه تفسیر عقیده داده باشد ، نمی دانم ولسی تفسیر ایدئولوژی صادقانه او هم بعید نیست چون او فردی فلسفی است و اگر با او برخورد صحیح فلسفی بشود در اوتحول ایجاد خواهد شد .

احسان کردم که دوستم باور ندارد که کسی حرفی برای زدن در مقابل فلسفه علمی (بنظر خودش) داشته باشد . بانا باوری می گفت آخر چطور امکان دارد .

گفتم : اصلا بنظر من احسان طبری همان زمان هم که مارکسیست بود بخدا رباور داشت .

گفت : چطور ؟

گفتم : من اگر بهیذ برم که احسان طبری خدا را باور ندارد ، یعنی خدا قل بهیذ برتنام که در یک بخش از دنیا یعنی باور و ذهن آقای طبری خدا وجود ندارد و ایس خدائی که در گوشه ای از جهان باشد و در گوشه ای دیگر نباشد ، خدائیت بلکه موجودی محدود و مخلوق است . بنظر من او خدا را قبول داشته ولی تصویرش از خدا غلط بوده و ذهنیات خود را به خدا نسبت می داده است . زمان حضرت پیغمبر هم همه دنیا که کافر نبودند ، اکثرا خدا را قبول داشتند ولی می گفتند خدا این بت است یا فلان چیز است . پیغمبر هم می گفتند اینها س که شما خدایم خوانید ، خدای واقعی نیست بلکه خدا ، همان الله است با آن اوصافی که قرآن می گوید .

دوستم احترام من را داشت و نمی خواست بگوید خوب اگر خدا در گوشه ای از جهان نبود تویه خدایت شک کن ونگو که همه قسول دارند . این مطلب را احساس کردم . دوستم اندک اندک مواضع اعتقادی خود را

گفتگو با یک ماتریالیست

انسان فطراً خدا جو است

میگفت . یعنی میگفت من اعتقادات سابق را ندارم . من معتقد به هیچ نیروی مافوق طبیعی نیستم .

گفتم : تو عدالت را دوست داری ؟

گفت : بله .

گفتم : من هم دوست دارم ، ممکن است باهم اختلافاتی در مورد تعریف عدالت داشته باشیم . تو گویی عدل یعنی همه مثل کساوی باشند . من بگویم عدل یعنی هر کس به اندازه استحقاقش و هر چیزی در جای خودش قرار بگیرد .

گفت : آره همینطور است .

گفتم : پس بنظر من توه خدا اعتقاد داری چون خدا اهل محض است و تو چون

خدا را دوست داری ، عدل را هم دوست داری . تو آدمهای عادل را دوست داری عادلترها را هم بیشتر دوست داری . این بدان خاطر است که تو عدالت بنیهایست را دوست داری و هر کس بیشتر صفت عدل را در او باشد ، او را بیشتر دوست داری .

دوستم بانا باوری مسی گفت : پس من خدا را قبول دارم ؟!

گفتم : حضرت علی (ع) در دعای کمیل در باره خدا میگوید ، یا حبیب قلوب صادقین یعنی خدا دوست دل آدمهای صادق است یعنی هر کس صداقت داشته باشد ، خدا را دوست دارد .

دوستم در ضمن بحث از دوروشی ها و دو-

مرز ملی و ملت پرست

خداوند در قرآن کریم به مناسبت تغییر قبیله به پیا میرا کریم (ص) مفر ما بدو الحق من ربك فلا تكونن من الممتزین - بقره ۱۴۷

ترجمه : حق از جانب خداست پس از شك کنندگان مباش

آیه فوق ملاک حقانیت يك خط مشی را در بریط . با خدا مینانده یعنی درجه قرب به خدا را ملاک حق میگرد . در برهان رب منشا حق را خدا مینانم و مبنای استدلالمان خداست و از خدا به مردم مفرسهم در مقابل عده ای منشا حق را مردم مینانند و مبنای استدلالشان ، مردم بوده و خدا در این سستم منظور نمیشود حال اینکه اگر بدون ملاک رب به آرا و خواستههای مردم بها بهم ممکن است تابع خواستهها و تمايلات قوم لوط و جا معه منط انگلیس (تصویب قانون لواط در مجلس عوام انگلستان) گردیم .

این ملت پرستی در صدر اسلام بصورت مقدم نانی تعصبات قومی و قبیلگی بر اصول انسانی و اسلامی جلوه گر بوده که به جاهلیت عرب معروف است .

با این دو برهان در تحلیل پاسخ گویی به ندای "ما للمسلمین" به دو خط مشی مفرسهم برهان ناس با ملاک ملت مسلمین را محدود به مرزهای يك کشور کرده و پاسخ گویی به ندای "ما للمسلمین" مردم عراق را در داخل ترا مورکشور دیگری تلقی میکنند در صورتی که با ملاک فوق در داخل هرکشور نیز به تضاد در خط مشی کشیده میشود مثلاً مردم تهران وظیفه خود را پاسخ گویی به ندای مسلمین تهران دانسته و داخل ترا مور مردم اصناف را جابز مینانند در این استدلال تمامت ارضی و ملت هم زیر سوال خواهد رفت .

برهان رب پاسخ به ندای مستضعفین را محدود و مشروط به مرزها نمیکند . لازم به تذکر است که هر جا دکام ترکتاب جنگ سرد میگوید با مدبهران ایران را در منطقه به ضد بحران تبدیل کنیم . بنظر مفرسده ذکر اینکه ما کاری به مسلمین منطقه نداریم در خدمت توطئه فوق قرار بگیرد زیرا عدم کمک به مستضعفین منطقه که مشغول جهاد با امپریالیزم هستند نوعی کمک غیر مستقیم به امپریالیزم بوده و نهایتاً در خدمت ضد بحران (انقلاب) کردن ایران در منطقه قرار خواهد گرفت .

لازم به تذکر است که "ملت پرست" یا "ملی" تفاوت دارد :

- ملت پرست محور و مبنای حق را همانا فاع ملت خود میگردولیکن ملی به استقلال ملل از بیخ اجنبی توجه داشته و از موضع بها نادن به سرما به های ملی با سرما به های وابسته مبارزه میکند .

- عنصر ملی به استعدادهای ملی توجه داشته و با دستهای مرموز و وابسته مبارزه میکند .

- عنصر ملی کتاب مولوی و حافظ و شیخ عطار و سعدی را بدلیل ایرانی بودن قبول دارد و از این طریق و عرفان مذهبی را میبذرد در حالیکه ملت پرست به لحاظ فلسفی و منطقی نمیتواند عرفان شعری ملی را قبول داشته باشد .

- عنصر ملی حاضر به پذیرش آقایی اجنبی نیست نه آقایی غرب را و نه آقایی شرق را نمیپذیرد (موازنه منفی مرحوم مصدق) اما مدوارم نمره های که خود را به مصدق منتسب میکنند ما زبیه های آن مرحوم درس گرفته و به تفاوت ملی و ملت پرست توجه کنند و در برخورد با نظام جمهوری اسلامی جانبا نفا را مراعات کنند .

رنگی های موجود در محل کارش خیلی صحبت میکرد . پرسیدم برای چه از وزنگیها بدت می آید ؟ آیا برای این نیست که هر کس را که بین ظاهر و باطنش اختلاف باشد دوستنداری و برعکس هر که ظاهر و باطنش یکی باشد را دوست داری ؟

گفت : همینطور است .

دوستم از آقای منتظری خیلی تعریف میکرد میگفت این آدمی است که صد قاتانه حرف میزند و خودش هم به حرفهایش عمل می کند

گفتم : اینکه تو آقاسی منتظری را قبول داری و با اینکه همه مردم از انقلابی و مخالف و موافق همه آقاسی طالقانی را قبول دارند این بود که بین حرف و عمل ایشان وحدت می دیدند . تو کلا "هر کس که وحدت بین حرف و عمل ، ظاهر و باطن و شکل و محتواش وجود داشته باشد دوست داری .

گفت : همینطور است .

گفتم : این همه نشانه اعتقاد بسسه خداست . خدا وحدت محض است و هیچ روشی در وگانگی در او نیست . تو هم این خدا را دوست داری آدمهایی را که بهره بیشتری از این وحدت بردند را دوست داری .

دوستم که احساس میکردم در گون شده گفت : من معتقد نیستم که چیزی خارج از پدیده اوره حرکت درمی آورد . من معتقدم در جهان هیچ چیز بجز ماده نبوده و نیست و این ماده بوده و نابود هم نمیشود .

گفتم : منم خدا را آنطور که تو فکر میکنی خارج از پدیده نمی بینم . ولی این عشق به عدالت محض که علل حرکت من و تو و مردم است خارج از ما است ؟ نه که نیست . صرفاً داخل ما هم که نیست . گفتم من چون همه مردم صادق را معتقد به خدا میدانم ، بین مردم احساس تنهایی نمیکنم . با مردم هم برخورد تند نمیکنم . بلکه سعی دارم اختلاف برداشتهایم را با آنها حل کنم . در ثانی این که تو میگویی ماده ازلی وابدی است هم تجلی ایمان به خداست . خوب تویک وجود ازلی وابدی را قبول داری ولی میگویی این وجود ماده است . من هم قبول دارم ولی میگویم این وجود ازلی وابدی خداست یعنی اختلاف من و تورو برداشت و تصویری است که از خدا داریم . این که میگویی ماده ازلی وابدی است این را از کجا میگویی ؟

گفت : در مدت عمر ندیده ام هیچ ماده ای ازین برود .

گفتم : اگر هم تجربه ات درست باشد اعتقاد تو مبتنی برسی سال تجربه است ملبونها سال قبل از شما ماده بوده است و تو آنرا تجربه نکرده ای .

گفت : تجربه من شرط نیست . تجربه بشریت .

گفتم : تجربه بشریت هم بیش از یکمیلون سال نمیشود . شما از کجا میگویی ماده ازلی است ، حال آنکه تجربه نکرده ای بعلاوه ، ابدی بودن را که تجربه نکرده ای . یعنی اعتقاد تو بیشتر از آنکه تجربه باشد ، ایمانی است . و تو ناچاراً میبایست ایمان به وجودی ازلی وابدی را به چیزی منتسب کنی . دوستم می گفت من تا بحال با چنین طرز فکری برخورد نکرده بودم . مطالب زیادی هست که می بایست در مورد آن فکر کنم .

فطرت شما توجیه به خدا دارد ، خودتان متوجه نیستید ، همه فطرت ها توجیه به خدا دارد
امام خمینی



نقطه عطف در نظریات مخالفین به اتمام جنگ

عده‌ای از صاحب نظران جامعه قبلا به دلا بی اعتقاد داشتند که ادامه جنگ کار بیهوده‌ای است و معتقد بودند که جنگ بایستی به هر شیوه‌ای هر چه زودتر به پایان برسد ، ولی در این چند ماه اخیر برایشان ملموس شده است که پایان جنگ نزدیکی به امریکا ، عربستان ، سازمان ملل و یا شوروی است که این نزدیکی متضمن سرکوب نیروهای متمرکز و انقلابی خواهد بود . امام در آخرین صحبت خود گفتند جنگ از نوع دین هم بالاتر است .

این عده‌ای دیگر نه تنها خواهان پایان جنگ به هر شیوه‌ای نیستند بلکه به خط امام نزدیک شده و درک کرده‌اند که باید روی شیوه تدوین جنگ کار نموده و قوه ابتکار را در این راه بکار انداخت و معتقد شده‌اند که باید تاکتیک و روش را بکار بگیرند کسسه هم تعمیق و گسترش در درون را در بر داشته باشد و هم به رشد و قیام مردم عراق کمک نماید .

والسلام



آنها ما بایند ما را از طریق اقتصادی تابع خود کنند و او را از دیدگاه عرب سازمانی است که سرخ آن دست امریکا می باشد و می خواهند انقلاب را از این طریق تعدیل بنمایند . حال اگر خط مشی خود کفایت را پیش بگیریم چه در اوک و چه در غیر اوک و اعتبار مقاومت ملتمان برخوردار فعال کنیم این توطئه نقش بر آب می شود .

ب) وابسته کردن ایران از طریق سنتو

اگر خط ما در اقتصاد صدور نفت و ورود کالا باشد ، یکی از راههای مهم مورد نیاز ما راه ترانزیت ترکیه است و چون استفاده از این راه در امر ورود کالا نقش بسیار حساس و مهم در اوضاع داخلی ما دارد لذا امپریالیسم سعی در تحمیل سیاست اقتصاد خود در منطقه و ایران بوسیله سنتورا دارد

ج) حذف صدام و صدور انقلاب

عده‌ای از مسئولین بدلیل وجود عملیات نارضا و خارج از توان رزمندگان در ادامه جنگ به بن بست رسیده‌اند . لذا به رفتن صدام از طریق سیاسی راضی شده‌اند غرب سعی دارد شعار حذف صدام از طریق سیاسی را بر سر زبان انداخته و از تضمین عملی بگیرد و با کش دادن آن بحرور تضمین عملی بیشتری گرفته و ما را به وابستگی به خود بکشاند .

د) شناسایی و سرکوب نظامی - تعدیل مواضع انقلاب

سناریوی چهارم امریکا شناسایی دقیق و سرکوب گسترده مراکز حساس نظامی و اقتصادی ماست . آنهم در زمانی که نتواند در سه سناریو قبلی خود پیروزی کامل بدست بیاورد لذا برای کمک به سه محور قبل با شناسایی و سرکوب و بمباران مناطق حساس کشور سعی می نماید وحشت از سقوط سیاسی ، نظامی اقتصادی انقلاب را در بین مسئولین تشدید کند و انسان را به محافظه کاری و تعدیل مواضع و شیوه ها بکشاند غرب سعی داشته این خط مشی خود را وانمود نماید تا باور کنیم که در صورت ندادن آن به اوک ، سنتو و حذف سیاسی صدام به مانند لیبی عمل خواهد کرد .



رابطه حفظ نظام و ادامه جنگ

بود ، پیامبر به سران بلاد نامه می نوشت و آنها را دعوت به اسلام می کرد . حالا هم کسانی که فکر می کنند صدور انقلاب ما با جنگ است ، اشتباه می کنند . با ارائه دادن مطالب مهم جمهوری اسلامی انقلاب خودش صادر می شود .

راه ما همد :

در واقع پس از انقلاب ، جوهریت انقلاب و مطالب مهم جمهوری اسلامی نظیر آزادی قدس و روز قدس ارائه شد و اسلام گسترش پیدا کرد و امواج آن به جریانسی تبدیل شد که برای جلوگیری از گسترش و خفه کردن انقلاب این جنگ به ما تحمیل شد ،

امام در یکی از سخنرانی های خود گفتند حفظ نظام از اهم واجبات است و حفظ نظام و اسلام از احکام بالاتر است عده‌ای این صحبت امام را اینگونه تعبیر کردند که چون ادامه جنگ موجب ادامه بیماری آنها به مراکز نفتی و صنعتی می شود و از این طریق نظام سقوط می کند ، لذا به منظور حفظ نظام بایستی جنگ را متوقف کرد . اینها می گفتند جنگ نوعی جهاد است و جهاد از مقوله احکام و نوع دین ، بنا بر این حفظ نظام از اهم واجبات و بالاتر از جهاد و جنگ است .

اما امام در جواب اینها در صحبت کوتاهی گفتند این جنگ ، جنگ اسلام با کفر و نفاق و بالاتر از نوع دین است . لذا راه هرگونه توجیه شرعی را برای پیروان خود به منظور توقف جنگ بستند .

تجربه هفت ساله مقاومت و جنگ هم نشان داده که هرچه فشار بیشتر شود انسجام امت بیشتر می شود و حتی با سرکوب کامل پایانه های نفتی و مراکز صنعتی قادر نیستند این انقلاب را نابود کنند . آنهایی که فکر می کنند نظام جمهوری اسلامی با این فشارها نابود می شود ، از قدرت مردم بی خبرند . ارزش واقعی انقلاب در این است که بتوانیم جنگ را حتی بدون تکیه به نفت و سلاح سنگین ادامه دهیم .

ادامه جنگ متضمن صدور انقلاب نیز هست

حجت الاسلام توسلی در سخنرانی که در تاریخ ۲۶/۸/۶۵ از صدای جمهوری اسلامی پخش شد ، سخنانی بدین مضمون ایراد کرد ،

... پیامبر اسلام انقلابش را فقط با جنگ صادر نمی کرد . از آنهمه جنگ پیامبر فقط تعداد معدودی جنگ ابتدای



چهار سناریوی غرب در رابطه با ایران

ارزش واقعی انقلاب در این است که بتوانیم جنگ را حتی بدون تکیه به نفت و سلاح سنگین ادامه دهیم .

حریانی از نیروهای انقلابی معتقد است که غرب برای وابسته کردن ما به خودش سناریو در نظر دارد و سعی دارد آنها را به مسئولین تفهیم نماید از آنجا که غرب مطمئن است که وابستگی مستقیم انقلاب ما پذیر نیست لذا سعی دارد در جبهه انقلاب را از چهار طریق زیر وابسته بنماید :

الف) نفت و وابستگی از طریق اوک امپریالیسم سعی دارد که ما در اوک عضو غیر فعالی باقی بمانیم و از آنجا که اکثریت اعضا اوک طرفدار غرب می باشند

بنابراین ما در یک جنگ دفاعی مقدس بسر می بریم . امام ادامه جنگ را تکلیف الهی می داند و ادامه این جنگ دفاعی که دفاع از اسلام و انقلاب و جمهوری اسلامی می باشد ، صدور انقلاب نیز هست . یکی از شهدای جنگ اسلام و کفر معتقد بود " علت تحمیل جنگ صدور انقلاب است ، صدور انقلاب ما قیام است ، قیام مستضعفین علیه مستکبرین " . به خاطر همین ویژگی جنگ است که خط خاتمه آن بدنیال می شود .

این جنگ یک تکلیف شرعی است که مردم ادا میکنند ، من با شما ادا میکنند ، من با شما ادا میکنند



اروپا و غرب هست آن مسائل دیگری است که بایستی بعداً بطور
مبسوط دنبال شود و گفته شود اما حرکت‌های واقعی کجاست؟
بدنیال امام رفتن در قوانین و عملیات و سخنرانی و خطابه و حکم
دادگاه و قانونگذاری مشخص میشود آنجا که قوانین صحبت از
مستضعفین و محرومان هست و مسئله زمین هست و حل مشکل
زمین و کار برای کسانی که شغل ندارند و کار بلدند اما سرمایه
ندارند بحث تعاونیها که مطرح میشود آنجا معلوم میشود که
پیروان امام چه کسانی هستند و طرفدار محرومان چه کسانی
هستند و طرفدار سرمایه داری چه کسانی هستند.

رسالت ۶۵/۱۰/۱

* * * *

بسم الله الرحمن الرحیم

جمشید مزارعی

آنچه که بنده در مورد این قضیه
می‌خواهم عرض کنم استنباط و برداشت غلطی بود که به نحو
موزیانی ای در رابطه با این مسأله قصد القاء آن به جامعه وجود
داشت و بطرز محسوس در مصاحبه تلویزیونی شخص نامبرده
هم مشاهده می‌گردید و آن مطلب ارتباط این جریان انحرافی
والقاء تفکر آنها به دفتر فقیه عالیقدر حضرت آیت الله العظمی
منتظری می‌باشد. بیان این نحوه سخن گفتن و تئور کردن درشت
و چشمگیر این جمله از مهدی هاشمی که من به فقیه عالیقدر
امیدها داشته در صفحه اول بعضی از روزنامه‌ها قسمتی از این
برخورد غیر اصولی و مزورانه است. مسلماً از نظر ملت مسلمانان و
هشیار ایران مهم نیست که آقایان از این نحوه برخوردها تئور
کردن جمله فوق از شخص منحرفی چون مهدی هاشمی چه
می‌خواهند و چه می‌فکنند. آنچه که مهم است و این است موجد
آگاهانه به آن مؤمن و معتقد است این است که فقیه عالیقدر و
بیت او محل امید محرومین و مستضعفین و مؤمنین انقلاب
اسلامی و بلکه جهان است. فقیه عالیقدر و بیت او محل امید و
مایه دلگرمی نیروهای متعهد و حزب الله و رزمندگان شریف و
دلایر گمنام و پیروان راستین خط امامت و ولایت است.
همانهایی که در کلام شفا یخس با صراحت و شجاعت و
حدیث و خلوص عظیم فقیه عالیقدر آرمان‌ها و آرزوهای اسلامی
و انقلابی خود را در فردای انقلاب اسلامی می‌بینند. همانایی
که خانه و کاشانه محقق و مختصر خود را رها کرده و در سنگرها
جبهه‌ها و ارگانها و گوشه‌های مختلف مملکت مردان و بانان
تبحر دمعی را بدون اعتدال به هر شکلی از دانش‌ها و خواسته‌ها
این انقلاب خدمت می‌کنند. پیدا کردن موفقیت‌ها سیاسی و
امکانات مادی و شهرت طنی‌ها و سایر عناوین موجود کوچکتر
و حقیرتر از آن است که چشم و دل این عاشقان بیدار در راه
بند تعلق بکشند. آری فقیه عالیقدر مایه امید و پیشگرمی امت
حزب الله و صاحبان اصلی انقلاب است و این بیت مقدس پاکتر
و پیراسته‌تر از آن است که عناصری چون مهدی هاشمی و امثال او
امیدهای باطل خود را به آنجا بسته باشند.

رسالت ۶۵/۹/۲۹

* * * *

احمد آذری قمی

این روزها دو پیروزی بزرگ به برکت رهبرهای امام
نصیب ملت شهیدپرور ایران گشت، عزاداری کاخ سیاه
شیطان بزرگ و رسوا شدن جریان مرموز و عمیق سیدمهدی
هاشمی و دارودسته گسترده‌اش که متأسفانه در سرتاسر
کشور ریشه دوانده و تعقیب و دستگیری همه متحرقین وابسته
همانطور که حضرت آیت الله العظمی قائم مقام رهبری از
محضر امام امت درخواست کرده‌اند منوط به اراده و
صلاح انبیشی و دستور معظم له و همت و تلاش بی دریغ و
بی وقفه وزارت محترم اطلاعات می‌باشد. من بدینوسیله
سپاس فراوان خود و ملت شریف ایران را به محضر امام
مستضعفین و قائم مقام رهبری تقدیم می‌دارم و از خداوند
غفور و رحیم درخواست مغفرت و ثبات قدم دارم.

چیزی که در این ایام اتفاق افتاد مایه تأسف
عمیق روحانیت مبارزو طرفدار جدی انقلاب گردید، این
بود که تحت لوای حمایت از امام، تفکری که سالهای
متصادی مورد حمایت امام و قائم مقام رهبری قرار گرفته و
می‌گیرد بعنوان تفکری متحرق تحت لوای شرع مقدس اسلام
طرفدار سرمایه دار و زمینخوار و متحرک قلمداد گشت زشت‌تر
از آن ربط روزنامه رسالت به این جریان مظلوم بدون هیچ
دلیل و ارتباط است. اگر نشر فقه آل محمد (ص) نشر افکار
انحرافی است پس وسائل و جواهر اولی به کوییدن است و
اگر طرفداری از مالکیت اسلام و احکام دیگر اسلام
طرفداری از سرمایه داری محسوب می‌شود پیغمبر اسلام و
امام صادق و امام امت هم طرفدار سرمایه دار محسوب
می‌شوند. همیشه در احکام ثانویه حتماً مصالح اولیه از بین
می‌رود، بنابراین مجلس باید با دقت کامل طبق فرمان و
اجازه امام با بحث در ضرورت و شوری در آن و رأی دوسوم
مصلحت قوی تری را احرار کنند. هرگز با مسامحه از احکام
اولیه نمی‌توان عدول کرد. در علم اصول ثابت شده است
که با شك و تردید دست برداشتن از احکام اولیه جایز نیست
و با چنین وضعی رأی دادن در زمره تخریب کنندگان احکام
اسلام (ومن لم یحکم بما انزل الله فاولئك هم الظالمون) قرار
می‌گیریم. امضا کنندگان اعلامیه و طوماری که بر علیه
جریان فقه اسلام تهیه شد مسئول نسبت‌های ناروای آنها
می‌باشند آنها کسی که دم از بی طرفی می‌زنند موقوف بیاری و
نصرت جریان مظلوم هستند و در جرم امضا کنندگان شریک
هستند.

رسالت ۶۵/۹/۲۹

* * * *

ابوالحسن حائری زاده

اینگونه کسانی که خلاف
نظرات حضرت امام از تشریفات، از پولدار بودن و از سرمایه داری
دفاع می‌کنند و بگونه‌ای شرح و تفسیر این قوانین و گفتگوها و
خطابه‌هایشان را تنظیم می‌کنند که انگار سرمایه داری حرمت و
احترام خاصی دارد. این خود رشد چپ را بدنیال دارد. بحثهایی
مطرح شد در جامعه، جریان مهدی هاشمی محکوم است یعنی
مشخصاً برای همه روشن شد که جریان انحرافی است و هم
نمایندگان هم مهدی هاشمی را محکوم کردند. امضا کردند.
حضرت امام هم فرمودند که جریان، جریان انحرافی است و
طرفدارانش هم طرفداران انحرافی و راه انحراف را رفتند. اما در واقع اگر
وقتی برخورد با چپ می‌کنیم اگر با راست هم برخورد نکنیم
طریق وسطی را درست نمیتوانیم پیش برویم. انقلاب اسلامی
چپ را کوبیده و توانسته گروه‌های مختلف مناق و کمونیستها
و توده‌ایها و همه را مضمحل کرده و ریشه‌اشان را کنده و بطور
قوی، مسلط و خوب پیش رفته. اما با مخالفت و مبارزه با راست
و حرکت راست هنوز راه طولانی در پیش دارد چون بسیاری از
مقدس‌مانها از این جریانها دفاع میکنند. و این بزرگترین مشکل
نیز برای علی (ع) بود در زمان حکومتش و بزرگترین مشکل
علی کسانسی بودند که با حالت تقدس از راه و سطایی که علی
میخواست طی کند مبارزه میکردند با او. و بزرگترین مشکل
علی این بود. در واقع به همانگونه که چپ را می‌کوبیم اگر
جریان راست را نکوبیم انقلاب طریق وسطی و طریق درست
خودش را نمیتواند پیش برود. در حال حاضر ملاحظه می‌کنیم
اکثریت کسانی که در مورد مقولات مختلف درآمدهای دولت،
قدرت، دولت اسلامی، حکومت اسلامی، بعنوان، یعنی
الآن اسلام بعنوان حاکمیت مطرح است هر جا قدرت حکومتی
مطرح است کسانیکه مخالفت می‌کنند درست خلاف نظر امام
را بیستی می‌روند تنها این نیست یعنی چپ روی و راست روی هر
دومضله است روزها را سخن گفتن درباره مستضعفین در
مساجد در دانشگاه در اینجا و آنجا، اگر من هر روز سخن از
مستضعفین بگویم و شام را بگویند کجا دعوت هستی یا افطار؟
بگویم منزل عملة التجار چند میلیون دلاری دیگر همه چیز تمام
است. معلومست که چپ رشد میکند در جامعه. اگر ما به راست
برویم قطعاً چپ بطور مخفیانه رشد خواهد کرد. جریان مهدی
هاشمی قطعاً محکوم است و محکوم بوده و در مجلس هم
طرفدارانی نداشته اگر داشته انگشت شمار که خوب قسمتهای
قضاویه و وزارت اطلاعات دارند دنبال می‌کنند و هیچ شخصیت
ممتاز و آنجانبی نبوده ولی ملکوک کردن افراد دیگر به این عنوان
این خطرست که دارد راست از آن سوء استفاده می‌کند و بعد
بعضی‌ها هم چپز ضد آمریکایی گرفتند در جریاناتی که
خودشان نه دلشان واقعاً علاقمند به حرکت‌های به سمت راست و

اخبار واختر

بحث‌های مجلس پیرامون دستگیرهای اخیر

انقلاب و نه طرفدار امام است و نه امت امام و نه طرفدار. عزت این
ملت بلکه شما طرفدار همان غربی‌ها و او را پای‌ها هستند. شما
می‌خواهید در جریان برپا شدنی وقتی که ملت رسواییان از آن
پشت بام هتل بزرگ الجزایر افراد حالامی خواهید در این جریانها
بگویند که جریان مک فارلین چی چی است؟ چه مردم هم
فهمیدند. امام امت در مقاطع حساس مطالبی را فرمودند. در
جریان بنی صد، در جریان قطب زاده و کودتایی که از طرف بناد
شریعتداری می‌خواست در این منکلت راه بیفتد همه اینها ختم
به خیر شد در جریان مخالفت یک عده ای که متوجه نبودند شاید
هم نمی‌دانستند و نمی‌فهمیدند. می‌خواستند دولت بیرون بویک
دولتی که مطابق میل آنها بوده باشد از نظر اقتصادی و از نظر
نمیدانم چی و چی آنها را روی کار بیاورند. امام امت فرمودند:
نه در جریانی که هیات دولت خدمت امام مشرف شده بودند
امام فرموده بودند این قلم‌ها چی چی است؟ حالا هم یک عده ای
هستند از این جریاناتی که شکست خورده‌اند در روزنامه رسالت
و غیر آن مقاله می‌نوشند.

مقدمه - راه مجاهد امجدوار است
همانطور که امام و آیتا... منتظری
فرمودند (ولوبلغ ما بلغ) پرونده سید
مهدی هاشمی تعقیب و حکم نهایی را امام
و آیتا... منتظری بدهند و مردم از
رهنمودهای این دو بزرگوار مطلع گردند
همچنین از آنجایی که وزیر اطلاعات اصلی
ترمن جرم اینها را التقاط ناستند برای
پروینتر شدن آنها لازم است تعریفی
مشخص از التقاط داده شود. از مسئولین
و مقامات ارشاد دی مملکت نیز میخواهم
که علاوه بر مطالب صحیح سیدمهدی
نظمت خود را از این جریان و ریشه‌های
آن راه برای آگاهی عموم معلوم کنند.
در رابطه با دستگیری سید احمد
کاشانی نیز علمبرغم اینکه بسیاری اسنان
را محکوم کرده‌اند هنوز جرم ایشان از
طرف مقامات برای عموم معلوم نشده و
قضیه مبهم مانده است.
در ذیل نظر برخی نمایندگان راجع
به دستگیرهای اخیر آورده میشود.

حالا هم میخواهند یک وجهه ای برای خودشان درست کنند.
با باتمام شده جریانات مطلب واضح است. یک وصیله ناچوری
نامیومون به پیکریاک این انقلاب و این آب زلال. این حرکتی که
مانند برف سفید است و مانند شیر پاک است که بخوانند. یک
چیزهایی را، خودشان هم بله، بله یک بادی می‌آید و یک
درختانی را حرکت میدهد درختان میوه، میوه‌هایشان را برتر
میکند آن درختان زرقم و درختی هم که میوه ندارد دو سه یک
حرکتی، ما هم بله، یک کسی هم بلند میشود در شیراز،
ورشکتگی خودش را میخواهد جبران کند آن مردم بیفقیه به
سجده که قاتل آقای ربانی هم پیدا شده، این عین بی تقوایی است
خدا میداند. چرا این مطالب را می‌گویند؟ در جریان قلم بدستانی
که تضعیف دولت میکردند امام فرمودند قلمه‌یانتان و اغلاف کنید
دست بردارید و آنها هم دست برداشتنند. حالا هم بازمی‌بینیم از
گوشه و کنار بعضی‌ها میخواهند از این مطالب، در جریان، نفی
که بعضی‌ها ایشان واقعا اظهار شرمندگی میکردند و گفته‌اند ما
امیدواریم که خودشان جبران بکنند. امام فرمودند اینها بوجد
بعضی‌هایشان، بعضی‌هایشان را که من مشتاسه، اینها چرا
اینجوری هستند خوب این‌ها هم باید بیایند در پیشگاه این ملت
توبه کنند. راه خودشان را نشان بدهند. و آنهایی که چه آنجمن
حجته بودند هستند و مشاورین با حلبی آنها هم بدانند که این
اختلاف افکنی همان اختلاف افکنی بوده که عین آقای مهدی
هاشمی و دیگران گرفتار شدند. شما هم گرفتار میشوید. در
جریان علیایی که اینها می‌آستین می‌کردند و می‌پوشیدند دست
دسته و گله گله جلوی شاه می‌رفتند برای دست بوسی حالا این
روزها یک فرصتی پیدا کردند و نعدانی چی و چی شما آقا
جان، بقول عربیای فی الضیف ضیعت اللین (آن موقعیکه که
حیثیت بود قبل از انقلاب، شما بر پیکر انقلاب، بر ریشه انقلاب
می‌زدید حالا نمیدانم برای فاتحه گرفتن برای فلاکتس میخواهند
کسب وجهه کنند. و حال آنکه این ملت ایران میدانند کجا با
خلوص نیت بر این انقلاب خدمت کردند و کی‌ها هم میخواهند
کارشکنی کنند و شاید بعضی‌ها هستند آیت الله العظمی آقای
منتظری مطالب را بیان فرمودند و ملت ایران باید هشیار بوده باشند
بعضی‌ها هستند که در این جریان خدای دادنده دلسوز انقلاب
هستند دلسوز آیت الله العظمی آقای منتظری هستند دلسوز
امام انده دلسوز هیچ کدامیک از ما که مخالف و موافق ممکن
است در این مجلس هم هستند و واقعا هم هستیم همه ما اگر
بخواهیم بیدار نباشیم در توطئه‌ها اسیر می‌شویم و شاید بعضی‌ها
ما بوده باشند که مثلاً می‌گویند خوب حالا این یک بردی شد برای
ما برویم سراغ تضعیف من باب مثال آیت الله العظمی آقای
منتظری که اینها غرض دارند. می‌خواهند کم کم مثلاً از آنجا
بیایند خدای نا کرده به ساحت قدس امام هم برسند، نه ملت
هوشیار است و بیدارتر از این حرف‌هاست و امیدواریم که انشاء الله
خطا کاران از خطایشان عبرت بگیرند و بعد از این دیگر دست به
این کارها نزنند و الا در پیش ملت ایران رسوا خواهند بود.

صادق خلخالی

کدام مرحله حساسی بوده است که در آن
مرحله حساس حضرت امام امت پادرمیان نگذاشته و همه
توطئه‌ها را بر ملا نموده افشا کرده است و من چمه آن توطئه‌ها و
جریانات نفاق افکنانه به گفته خود آنها شاید این هم از حرکات
نفاق افکنانه آنها بوده که بگویند در بیت معظم نائب مناب
رهبری ما رسوخ کرده بودیم این هم یکی از جریانات انحرافی
آنها بوده است امام امت تأکید فرمودند (اشهد بالله) با خلوص
نیت عرض می‌کنم جناب آقای هاشمی با خلوص نیت در این
مساله قضیه را می‌خواستند فیصله بدهند ریاست محترم جمهور
کسانی دیگر بدون پیرایه، مانسی خوانستب اسیر توطئه‌ها بوده
باشیم. قبلاً هم همین جور بوده است بنده هم در این جریان
خدای منی داند غصه می‌خورم و دومرتبه به خدمت حضرت امام
مشرف شده پاسمی را آورده بودم و پیامی را پیش آیت الله العظمی
آقای منتظری بردیم و الحمد لله وقتی که آقای منتظری حس
کردند که یک توطئه ای در کار است و می‌خواهند همه را زیر
سنوال ببرند با آن بیانات دیوارشان و آن نامه مخلصانه شان به
ساحت قدس حضرت امام فرمودند (مجرم در هر کسب می‌بوده
باشد، در هر مقامی بوده باشد ولو از منسوبین ما باید به محاکمه
کشیده شود) باید همه این ملت ایران بدانند خیلی توطئه‌ها بوده
که این نوارها پخش نشود اگر این نوارها پخش نمی‌شد لابد
می‌گفتند که چیزی در دستشان نیست. نوارها هم پخش شد
منجمله آن جریانات همان جریان احمد کاشانی بود که بوسید.
اعلامیه‌های سرهم بندی شده می‌خواستند گانه در آنجا ارتش
ما یک رخنه ای ایجاد کنند در آستانه پیروزیان. زهی تأسف
است که می‌گویند درخت و آواز باطن کرده خودش از بین می‌برد
باید آن درخت را برید تا درختهای دیگر ایمن از خضر است بوده
باشند. حضرت امام در جریان بازگازان قدم را در پیش گذاشتند
مطالبی را فرمودند و اینها مقتض شدند. حالا در این جریانات
اینها خیال می‌کنند که یک کلاه از این نمدمی توانند برای
خودشان برداشت کنند زهی ابلیس و زهی بیچارگی و بد بختی،
شما نه طرفدار آیت الله العظمی آقای منتظری هستید و نه طرفدار

رسالت ۶۵/۹/۲۶

* * * *

رسالت ۶۵/۱۰/۳

* * * *

بقیه از صفحه ۱۳
امروز
معلم
رو سینه مجروح تا بلوی سیاه
با خط سرخ نوشت:
موضوع انشأ فردا " پیروزی"
معلم يك بسیجی است.
بمنقل از اطلاعات ۶۵/۱۰/۱۸



اصل برای ما باید آبرو و حیثیت اسلام و تحقق ارزشهای اسلامی و انقلاب باشد

آیت الله منتظری



اخبار و افکار

می کند و چون می گوید که مردم باید حکومت بکنند. بنابراین تضمین این حکومت همان سازماندهی و بسیج مردم است. این تفکر به بسیج مردم می رسد، عشق به خلق و عشق به خدا دارد. این تفکر است که می گوید "مَنْ يُضْرَبْ مِنْ آلِهِ أَنْ طَرَدْتَهُمْ" سوره هود ۳۰ آیات مربوط به نوح (ع) است که ملا و سرمایه

با اینها که بفهمند اینها واقعا هستند یا نه؟
کسانی که با اینها طرف بودند همانها بودند که مأموران امنیتی مادران منطقه هستند و یکی از کسانی که در خرید اسلحه با آن دلالها بود و آن دلال اسلحه هم با اینها آمد بود.

حرفمان را هم از طریق رسانه های گروهی به شما زدیم. بیاییم زنیم.
ما بعنوان یک حرکت انسانی مثل هواپیمای تی دلیوای نظرم را به دوستانمان در لبنان و جاهای دیگر می گوئیم.

در مورد سفر گروه مک فارلین به ایران، صحبت های زیادی شده است. آمریکا آنرا بحران نامید و اما آنرا پیروزی نامید.
به نظر رسید که موثق ترین کانال برای دنبال کردن این قضیه استناد به صحبت های حجت الاسلام رفسنجانی در روز ۳ آبان و خطبه های نماز جمعه ها و مصاحبه ها می باشد که محورهای آنرا می آوریم.
البته جادارد که محققین در این مورد وقت بیشتری بخرج دهند. ما با ایمان به اصل ظهورتد ریجی آیات قرآن و اما زمان معتقدیم که در سیرهد فدا تاریخ، باطل تابع حق بود و حق می تواند در دل باطل نفوذ و گسترش نماید و همچنین معتقدیم که باطل در سیر عقب نشینی خود مجبور است بین بد و بدتر بدترین اضطرار را انتخاب کند، یعنی آنچه برای منافعش کم خطرتر می باشد.
هنریک رهبر سیاسی اینجا ظهور می کند که با ناظران استن خدا و عشق به نوده ها و تکیه به بسیج مستضعفین در هر مرحله از انقلاب (حتی در ضربه ها تکیه می خوریم) بدون خود کسین شدن در برابر طول و عرض غرب از شرایط بهره برداری نماید.
ما بعینه دیده ایم که اسرائیل در لبنان بین بد و بدتر بدترین راه، اضطراراً راه را انتخاب کرد و از لبنان عقب نشینی نمود.

گام به گام ماجرای اسلام رسانی در قضیه مک فارلین

داران می گویند تا اول از مردم جدا شو تا ما با تو صحبت کنیم. بعد نوح (ع) می گوید: "مَنْ يُضْرَبْ مِنْ آلِهِ أَنْ طَرَدْتَهُمْ" سوره هود ۳۰ اگر من از مردم جدا شوم از جانب خدا یکی به من کمک خواهد رسید؟ کیست که به من یاری کند؟ این هم از موضع نسبت به مردم.

مایکی از دوستان واردمان را که زبان هم خوب میدانند منتهی در مقامات مسئول نیست و اهل فهم هم هست جز اینها کردیم که وقتی حرف می زنند حرفهای آنها را بفهمند.



پس از موفقیت ایران در حل مسئله تی - دلیو - ای آمریکا شبها از کانالهای مختلفی شروع کردند به ما التماس نمایند که شما به ما در لبنان کمک کنید.

۱۳/ آبان / ۶۵ رجلو مجلس شورای اسلامی
رئیس مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: پس از موفقیت ایران در حل مسئله تی دلیوای، آمریکا شبها از کانالهای مختلفی شروع کردند به ما التماس نمایند که شما به ما در لبنان کمک کنید.

ما چطور می بینیم و با شما ملاقات کنیم و با شما حرف بزنیم، مگر ما یادمان رفته که برژنیسکی با دولت موقت مادر الجزایر ملاقات کرد و دولت موقت را آب برد و شما حالا آمده اید در خانه ما می خواهید با ما ملاقات کنید.

شرطش اینست که شما از خر شیطان بیایید پایین.

آثار فریبکاری آمریکا شبها هم همین الان در فرودگاه مهرآباد هست.
یکی از هواپیماها تکیه برای ما اسلحه می آورد، از یکی از کشورهای اروپائی اجازه عبور گرفت که وارد شود و اسلحه ها را در فرودگاه مهرآباد تخلیه کند.

بعد با اطلاع دادند که نیروهای واکنش سریع آمریکا بحال آماده باش درآمده اند که نمی دانم درست بود یا نه، بالاخره بعد از روز آنها را مرخص کردیم.

اگر میخواهید ما شفاعت بکنیم، راه را باز گذاشته ایم اثبات بکنید که آن خصوصیات بی معنی را بحالا خصوصیت های واقعی را شما دارید و ما شما داریم و آن چیز دیگر نیست این که پایداری کنید و اموال ما را در آمریکا بگیرید و ندهید به ما.

اسلحه ها قطعاً برخی از نیازهای پیچیده ما بود. ما فوری با دوستانمان جلسه تشکیل دادیم و چهار سراسر آن جلسه تشکیل دادیم.
سه ساعت و نیم آنها را نگه داشتیم. آنها در فرودگاه معطل شدند تا ما بتوانستیم تصمیم بگیریم و به خدمت ما مسئله را عرض کردیم و اما فرمودند که با آنها صحبت نشود و پیام آنها را نگیرید و ببینید که آنها کی هستند و برای چه به ایران آمده اند.

در داخل هواپیمایشان یک وسیله هم داشتند برای ارتباط مستقیم با آمریکا که با تلفن عمومی نمی خواستند استفاده کنند که ما گفتیم که نمیتوانید از آن وسیله شان استفاده کنید گاهی هم تماس می گرفتند از تلفنهایی که تحت نظر ما بود.

اگر از ما بخواهید که مردم لبنان را که خواستار حقتان هستند محکوم کنیم، نمی کنیم.

در هتل ادعا کردند که آقای مک فارلین و یک نفر دیگر از مشاورین ریگان در بین این افراد هستند.
ما هدیه کسی را قبول نمی کنیم حرفی هم با کسی نداریم و پیام کسی را هم قبول نمی کنیم.

این دلال یک ضد انقلاب است، حالا ضد انقلاب الان نیست، فرار است، فرار است، یکی از آن فراریها نیست که در خارج است و گاهی هم کمک می کند به خریدهای ما، برکشته، گاهی هم می آید اینجا بحالا آمریکا شبها چه کاری بسرش بیاورند یا نیاورند من نمی دانم.

آنها از ما گوشه چشمن دیدند و طمع کردند در ما بعد از تی دلیوای.
خواسته های ما بزرگتر از خواسته های آنها (لبنانها) نیست پس چرا بسراغ ما آمدند، بر اهداف عدل آنها اینست که در این سیر به جمهوری اسلامی برسند.

ما هنوز صد درصد مطمئن نیستیم که همان بونه است یا نه، چون کسی صحبت نکرد درست

آقای ریگان یک انجیل را برداشته بود یکی از آیات انجیل را که مضمون آن این بود که ایدیان خدا همه با هم هستند و همه ایدیان دنیا یکی هستند و از این چیزها آنرا برداشته بود با خط خود ش پشت انجیل نوشته و امضا کرده برای اعتماد ما.

این ریسکی که اینها کردند و مقاماتشان را فرستادند به ایران بدون جلب موافقت ایران نشان دهنده آنست که آنها بدنبال هدفی بودند و حتی احتمال از بین رفتن اینها را هم دادند و این نشان می دهد که آنها بدنبال

معنی مرگ بر آمریکا، یعنی مرگ بر استعمار و ظلم است.



اظهارات سران امپریالیسم پیرامون سفر مک فارلین به ایران

انگیزه و هدف از جمع آوری اظهارات سران امپریالیسم این است که طراحان خط مشی در ایران در این مقطع حساس از نجات و اعترافات سران امپریالیسم با اطلاع باشند و از لایزالای اظهارات آنها و با توجه به جوهره امپریالیسم به نجات واقعی آنان بی برده و خود را در برابر توطئه های آنها مصونیت بخشیم.

در تحلیل های خود باید به چند مطلب توجه بکنیم و آن اینک:

اول - با لایحه حق بر باطل غلبه خواهد کرد.

ثانی - باطل در هر مقطعی تابع حق است.

ثالثا - تضادهای درونی باطل تابع تضادهای درونی حق است.

ما موران ما و مقامات ایرانی که با آنها تماس گرفتیم همراه است.

کمان ۱۰/۸/۲۶

یونین دکستر: "... سیاست ما تشویق میانه رویا و محافظه کاران و حمایت بیشتر از نقطه نظرات آنهاست."

راه مجاهد:

منظور از زمانه در ایران عناصری هستند و ویژگیهای زیر:

- داشتن سوابق منتهی و رزمندگی و وجدانه الهی بودن.

- به لحاظ اقتصادی و اجتماعی تکیه بر طبقه متوسط به اشعار رفاه و امنیت تولید و حفظ امنیت نفتی منطقه.

- ضدیت با شوروی جهت فراموش کردن مبارزه با آمریکا و اعتقاد به همزیستی مسالمت آمیز با آمریکا.

- ضدیت با مبارزه مسلحانه و جنگ چریکی علیه امپریالیسم.



ترویس متناقضات با آن کشور است.

کمان ۱۰/۸/۱۸

نیویورک تا بمزیه نقل از مقامات ناشناس: "... این تماسها هم چنین به منظور بهبود روابط با ایران و خاتمه بخشیدن به تروریسم و انقلاب در منطقه خلیج فارس آغا زنده اند."

کمان ۱۰/۹/۱

ریگان: "... هدفهای ما چهره رنجیده نیست؛ چیزی بهتری را جانشین مناسبات که ملاحظه نمودیم موجود سازیم جنگ ایران و عراق را از راه گفتگو به پایان برسانیم به تروریسم پایان بخشیم و در حقیقت موجبات آزادی گروهکها را فراهم آوریم... آنها (ایرانها) به ما اطلاع دادند که از تروریسم حمایت نمیکنند."

کمان ۱۰/۸/۱۷

جرج ما تین: "... آمریکا امداد را مسترد در نتیجه فشارهای سیاسی و ناسیونالیستی اقتصادی در ایران، موضع منزه روها در تهران تحکیم نمود."

کمان ۱۰/۸/۱۸

طرح مک فارلین که طی یک ماه گذشته رسمی ارائه شده مدگوید بهبود روابط ایران و آمریکا به چند شرط وابسته است:

- توافق ایران با بربر توقف صدور انقلاب و تروریسم در منطقه خلیج فارس.

- مذاکره برای خاتمه جنگ ایران و عراق.

- همکاری در آزاد سازی گروهکهای آمریکایی.

کمان ۱۰/۸/۲۴

سخنرانی تلویزیونی ریگان در قلب درگیری و اختلاف، عهده داری مسئولیت تروریسم بین المللی از سوی ایران قرار دارد.

راه مجاهد:

عاجاد جنگ داخلی

گازته: "آمریکایی میکند با استفاده از نیروهای مخالف جمهوری اسلامی و تفسیر ایجاد اختلاف بین روحانیون کشور زمینه یک جنگ داخلی را فراهم آورد."

اختلافات آمریکا بر سر ارتباط با ایران

۱) در مورد ارسال اسلحه به ازای آزادی گروهکها

کمان ۱۰/۸/۱۸

کارتر به امر تحویل تسلیحات به ایران اعتراض کرده و گفته است "ما گسر گزارشهای منتشر شده حقیقت نداشته با شد من جفا نگران هستم."

این بدلیل اهمیت استراتژیک ایران و نفوذ این کشور در جهان اسلام است که ما در صدکاوش برای یک رابطه بهترین کشورهای خود برآشیم... سیاست ایران بر نفی تمامی نفوذ غرب در خاور میانه متمرکز گردیده است ما قادر به چشم پوشی از این واقعیت نیستیم.

کمان ۱۰/۹/۴

ریچارد نیکسون به ریگان نصیحت کرده که عملیات مخفیانه تحویل اسلحه به ایران را بکتابتیه باند.

کمان ۱۰/۸/۲۲

کسنجر: "... معامله برای گروهکها، زمینه را برای گروهک نگرانی بعدی فراهم میکند و معامله اسلحه در جنگ که منجر به پیروزی ایران گردد مخالف منافع ملی امریکاست."

کمان ۱۰/۸/۲۵

برژینسکی اظهار داشت به عقیده وی عبوه های اجرایی برای تحقق چنین هدفهایی (بهبود مناسبات با ایران و آزادی گروهکها) بسیار خطرناک بوده و بسیاری ایالات متحده آمریکا به قیمت گزافانی تمام خواهد شد وی گفت: "چنین عبوه های"

کمان ۱۰/۸/۲۴

مک فارلین: "... آن دسته از مقامات ایرانی که طرف گفتگوها بودند افسردگی معتبر بوده و حتی در محدود ساختن و مبارزه با تروریسم تمزقا طمانه عمل کردند."

رسالت ۱۰/۹/۱۳

جرج بوو: "... (امام) خمینی خواهد رفت و جانشینان دیگری خواهند آمد به این ترتیب به خاطر دلایل استراتژیکی از یک سو و دلایل انسانی که همان گروهکهای آمریکایی در بیروت باشد ما خواستیم تا مرادهای را با عناصر واقع بین و منزه رو در ایران آغاز کنیم."

کمان ۱۰/۸/۳۰

ریگان طی پاسخ به سوالات روزنامه نگاران علت مخفی نگاه داشتن سفر مک فارلین را در ایجاد امنیت برای میانه روها عنوان میکند و میگوید: "... میانه روهاست که چنین اقداماتی با خطرهای بزرگی به ویژه برای"

عظمان بزرگ اصلی ترین ویژگی انقلاب اسلامی را در "صدور انقلاب" میدانند و با شعار مبارزه با تروریسم در صدکاوش مناسبات با جمهوری اسلامی در رابطه با بنیاد گرامی اسلامی در منطقه است. قصد عظیمان بزرگان این است که انقلاب اسلامی را در زمین مستضعفین منطقه منزوی نموده و سایر سرکوب کنند تنها راه جلوگیری از این توطئه عدم تعدیل جمهوری اسلامی ایران در رابطه با صدور انقلاب می باشد. قدرت جمهوری اسلامی که باعث خضوع غرب گردیده بخاطر پیوند عملی اش با مستضعفین منطقه است.

۲- توطئه جهت بسا زش کمان نندن جمهوری اسلامی در جنگ.

کمان ۱۰/۸/۲۸

روزنامه ملی گازته: "... در حقیقت هدف اصلی آمریکا از طرح این مسائل به بسا زش"

الف - تثبیت انقلاب اسلامی در منطقه و خضوع غرب در برابر آن

کمان ۱۰/۸/۲۴

ریگان در سخنرانی تلویزیونی اش: "... این بدلیل اهمیت استراتژیک ایران و نفوذ این کشور در جهان اسلام است که ما در صدکاوش برای یک رابطه بهتر بین کشورهای خود برآشیم... سیاست ایران بر نفی تمامی نفوذ غرب در خاور میانه متمرکز گردیده است. ما قادر به چشم پوشی از این واقعیت نیستیم... بدون رضایت ایران امکان برقراری یک صلح با دوام در خاور میانه وجود ندارد."

کمان ۱۰/۸/۲۴

مک فارلین در مصاحبه با شبکه ای بی بی سی: "واحدنگتن با بد انقلاب اسلامی را بپذیرد."

کمان ۱۰/۹/۴

یونین دکستر مشا ورا منعت ملی ریگان: "... ما قبول داریم که انقلاب اسلامی ایران یک حقیقت تاریخی است و همچنین به یک ایران مستقل و ز نظر اقتصادی و نظامی با ثبات با ورنایم."

راه مجاهد:

علت خضوع غرب در برابر انقلاب اسلامی به خاطر گسترش با بگاها ی انقلاب در منطقه از طریق صدور انقلاب می باشد که منافع عظیمان بزرگ در منطقه را به خطر انداخته است.

ب- توطئه آمریکا در برقراری ارتباط با ایران

۱- توطئه علیه صدور انقلاب

کمان ۱۰/۸/۱۷

دومینی کرواسی معاون موسسه فرانسوی بین المللی و کارشناس امور خاور میانه: "... برای کنترل کارها در لبنان به دو کشور نوازنا ریم که با هم کارکنند به قیام مثبت گروههایی نوازناست که معسولا در کنترل ایرانها هستند و به چراغ سبزه سوره نوازناست که میتواند راه را بر هر حرکتی ببندد."

کمان ۱۰/۸/۱۵

واحدنگتن بست: ایالات متحده نه تنها برای رها بی گروهکهای آمریکایی بلکه برای جلب همکاری ایران در مبارزه علیه



آدمها اظهارات سران ...

این خطر را در بر ندارد که میتوان از کمک به ایران که با عراق در حال جنگ است حکایت داشته باشد... تصویری که از آمریکا ارائه میشود تصویری حاکمی از دورووشی و دورنگی است و این اثر را بجا می گذارد که آمریکا برای آزادی گروهکها معامله کرده است..."

کپهان ۱۰/۸/۲۵

ریگان، ۱۰۰۰ رسال اسلحه بختیاز کوششهای آمریکا برای گشودن باب مذاکره با ایران بود و آزادی برخی از گروهگان نیز راه آورد چنین ابتکاری است..."

کپهان ۱۰/۸/۲۶

جیمز آدامز خبرنگار را مورد دفاعی ساندی تا بمن "۱۰۰۰ ایالات متحده آمده و ریور که در کنار آزادی گروهگانها می توانند مجدداً نفوذی در کورپوریشن کنند که همواره برای سیاست خارجی ایالات متحده درخا ورمانه بسیار مهمت بوده است..."

کپهان ۱۰/۸/۲۶

سنا تورگلد واتر: "۱۰۰۰ رسال اسلحه به ایران یک اعتبار افتخار آمیز بود و چنین اعتباری احتمالاً هیچوقت در سیاست خارجی ایالات متحده سابقه نداشته است..."

کپهان ۱۰/۸/۲۷

برزیل سکی: "۱۰۰۰ گرما توانسته بودیم همه گروهگانها را با رسال یک محموله اسلحه آزاد کنیم این مسئله تلخ بولی قابل هضم بود... مناسفانه ما در موقعیتی قرار گرفتیم که اسلحهها را برای آزادی یک گروهگانها جدا گانه ببریم ما من دون کتفه منفی وارد... یکی اینکه ایرانها ما را دنبال خود می کشند و یا گرفتن گروهگانها بیشتر راه

بقیه از صفحه ۱۸

ادامه رهنمودهای آیت الله منتظری...

میروید در اروپا میروید در خلیج میروید در عراقی، این نوعی سیاسی در ملت عراق پیدا بشود مکانات بهشان رسانده بشود، و برادرانی که در داخل عراق هستند و قاعاً توجه کنند به این نکته چقدر صدام تا حالا زملت عراق کشته با به شهادت رسانده چایزگران و علماء مثل مرحوم آیت الله... صدرو سیاسی از- علماء و بزرگان را در زندانها به شهادت رسانده از اساتید دانشگاهیان نمی دانم افسران و زهمه طبقات علاوه بر اینها چقدر ملت عراق را در مرزها آورده اینها همه مسلمانهای عراقند فرض کنیم دو بیست هزار قطعا "بیشتر، حال دو بیست هزار در جبههها اینها فدای حکومت صدام شده اند، یک دیوانه، اگر چنانچه یک قیام همگانی مقدماش درست بشود و یک قیام همگانی در همه شهرهای عراق یک راه پیمائی مثل همان راه پیمائی که برادران شما در ایران داشتند راه پیمائی دوه میلیون در تهران بوده تبریز بود، اصفهان بود، در قم بود جایی دیگر هم بود حکومت صدام هم حمله کنند بزند، بخشد فرض کن بیست هزار رگشته

ارسال اسلحه به ایران، اما زنگه معنادار شد و این مسئله نشان میدهد که آمریکا در جنگ ایران و عراق طرفدار ایران است... برقراری روابط با بعضی از دانشمندان (امام) کمینورها با در نظر گرفتن موقعیتست جزا فنی سیاسی ایران میتوان منطقی خوانندولی من قبول ندارم که این امر احتیاج به ارسال دائمی اسلحه داشته باشد"

کپهان ۱۰/۸/۲۷

استانفیلد ترنر رئیس سابق سنا: "۱۰۰۰ ما به همه دنیا گفته ایم که با ایران معامله نکنند حال آنها چه برناختی می توانند داشته باشند جز یک عمل احقانه و منافعاً نه و مخالف با ادعای خود..."

کپهان ۱۰/۸/۲۸

ریگان در مصاحبه با شبکه روم تلویزیون: آلمان قصد از ارسال اسلحه به ایران را صرفاً اثبات این امر کرده مذاکره کنندگان با ایران آنها را با کاخ سفید در ارتباط هستند، توصیف کرد."

کپهان ۱۰/۸/۲۸

مک فارلین: "۱۰۰۰ تحویل سلاح به ایران یک عمل اعتباری بوده است..."

۲- نقطه نظرات پیرامون نحوه ارتباط با ایران

اول- نظر جناحهای داخلی آمریکا

کپهان ۱۰/۸/۱۸

شولتز: "۱۰۰۰ بنظر من دیپلماسی صحیح همان دیپلماسی عدم مذاکره است..."

کپهان ۱۰/۸/۱۸

سنا توربا ب دال: "۱۰۰۰ بنظر من اینست که سیاست ما با دبیران من متوال باشد که با

هر کسی در راه بطه با گروهگانها گفتگو کنیم ما ما نیاید با تروریستها مذاکره کنیم..."

کپهان ۱۰/۸/۱۸

ریچارد آلن مشاور امنیت ملی سابق ریگان با هرگونه مذاکره ای با ایران مخالف است چرا که چنین سیاستی گروهگانها را در آمریکا نشان را بعضی از پیش تشویق میکند..."

کپهان ۱۰/۸/۲۰

کاریناسان خاور معانه: "۱۰۰۰ گفتگوهای محرمانه سیاست اعلام شده آمریکا را در جنگ ایران و عراق تضعیف میکنند و مکان دارد موازنه قدرت را در منطقه خلیج فارس بسود ایران برهم بزند... تماسهای خام و نا درست با ایران نیز ممکن است نتیجه معکوس بسیار آورد که به زیان آمریکا باشد..."

کپهان ۱۰/۸/۲۷

جین کرک پاتریک سفیر سابق آمریکا در سازمان ملل: "۱۰۰۰ دولت ما علاقمند است که جهت گشایش راهی به سوی ایران سعی کند و دولت آمریکا در این راه تنها نیست و انگلیس و هلند و فرانسه نیز سعی دارند در این مسئله پیشقدم باشند و این کشورها این کار را می کنند..."

کپهان ۱۰/۸/۲۷

ویلیم کلیبی رئیس سابق سنا: "۱۰۰۰ مهم است که ما با مخالفان خود را بطه داشته باشیم ولی از طرف دیگر این شامل دادن اسلحه نمیشود..."

کپهان ۱۰/۸/۲۸

مژده کندی یکی از گروهگانهای سابق ایران: "۱۰۰۰ آمریکا با بددوباره با ایران مناسبات دیپلماتیک برقرار کند اما نه با سیاستی به

همه روحانی و علماء هم بیفتند جلوس الان در همین ایران در جبههها رطلجه شهید شدند بیشتر، در صحرای کربلا خود امام حسین هم شهید شدند وقتیکه همه ما هنگ بشوند البته جنگ بر نامه هم میخواستند روی اصول صحیح و برنامه، این با شماست که با هر قیمتی که هست همه هنگ شوید ملت عراق را وادار کنید دو بیست سید هزار عراقی بیرون بجههها و از جبههها تصمیم بگیرند بیرون پیش، ملت عراق را هم با خودشان هماهنگ کنند دیگر این سوز هم از کشورهای عربی هم گرفته میشود که حسین اردنی و نمی دانم حسنی مبارک بگویم بله عربیت مورد هجمه شده، نخیر آقا جان خود ملت عرب، ملت عراق علیه حکومت ظالم بعثت قیام کرده، جنگ اگر به این صورت در بیاید مکانات هم کم باشد پیروزی است ملت ایران هیچ امکانات نداشت اما هماهنگ بودند، در صدر اسلام مسلمانان چیزی نداشتند ما ایمان داشتند همگی داشتند رهبری قاطع داشتند، رهبری شما علماء و روشنفکران و کسانی که حرفتان در ملت ولودریک قسمت منشاء اثر باشد همه هماهنگ رهبری کنید مردم قیام دهند آنوقت دیگر این

منظور خرید آزادی افراد... کپهان ۱۰/۸/۲۷
فایز لندن: "۱۰۰۰ ما قلابه تر آن بود که ایالات متحده از طریق ممانعیتها سیاسی در سطح پارلمان ترند در برقراری روابط با ایران بر معامله..."

دوم- نظرات رجاع منطقه

کپهان ۱۰/۸/۲۸

صباح احمدوزیر خارجه کویت: "۱۰۰۰ این اقدامی با معنی بود نشان میدهد که کشورهای عربی نمیتوانند ملامت با ایالات متحده تکیه کنند... حسین مبارک و شاه حسین گفتند که سفر مک فارلین را اعتباراً آمریکا را درخا ورمانه به خطرا نداشته است..."

۱- تحلیل غرب از انقلاب اسلامی

۱- تضاد ایدئولوژیک با انقلاب اسلامی

کپهان ۱۰/۸/۲۷

ویلیم کلیبی: "۱۰۰۰ با وجود دولت فعلی ایران شک قوی داریم که ایرانها بتوانند تنفر خود را نسبت به ما فراموش کنند... مسئله آنها یک مسئله ایدئولوژیک است علیه شیطان بزرگ و علمه جامعه مدرن..."

۲- باس غرب از نفوذ در امام خمینی

کپهان ۱۰/۸/۲۷

استانفیلد ترنر رئیس سابق سنا: "۱۰۰۰ من فکر میکنم احتمال بسیار ضعیف است که در زمان (امام) خمینی و پس از آن این مسئله (کنار آمدن با ایران) عملی شود..."

سوزنا سیونالیستی از ارتش عراق گرفته میشود آنها هم با شما هماهنگ میشوند، به وسیله رادیو و بیوسیله تلویزیون و هر جور هست، اخطار کنید، ابلاغ کنید بهشان در جبههها همه جمع شوند، اسرا راهم برای چینی در اینجا نگاه داشتهید اسرا آنها شی راهم که بعضی هستند بگذارند کنار باقی ایشان را هماهنگ کنند و بیرون بجههها بیرون بگذارند همگانی انشاء... عراق فتح میشود، این در صورتی است که هماهنگی این سه نیرو که در ایران وسیله پیروزی بود، ایمان مردم و هماهنگی همه افراد رهبری قاطع روحانیت بخصوص رهبر بزرگ انقلاب، این سه عامل به هم دست داد و انقلاب ایران را با همه مشکلاتی که داشت با اینکه ارتش ایران ارتش مهمی بود و نظرات مکانات خیلی قوی بود، ملت با دست خالی پیروز شد، این علل ثلاث هر جا باشد این اثر را در انشاء... همین کنفرانس شما به حرف تنها قناعت نکرده با شید و دنبالش را بیاید و این هماهنگی و ارتباطتان را با هم حفظ کنید و ملت عراق هم نمی توانند این عذر را بیایند ورنده که بلاهالا تقیه است، بقیه در صفحه ۳۲



اخبار داخلی اجتماعی

بکرزیده ای از سومین گنگره دانشجویان مسلمان دانشگاه های سراسر کشور

ود ه قاننها آوردند و ماهنوز در کشور خان و خان بازی داشته باشیم با هم تناقض دارد ، اینکه يك روستاين دختران خرد سالش را از کلاس نهضت سواد آموزی بیرون آورده و پاي دار قالی بنشانند تا خرجی بگذرد ، هم بسا قانون اساسی وهم با وجدان انسان بيدار تناقض دارد .

۲- خط امام و سياست خارجی

اصول سياست خارجی :

موازنه مثبت ، موازنه منفی

(تدافعی ، تهاجمی)

- در مسائل سياست خارجی ۲ اصل مورد نظر است
الف- حفظ منافع ملی کشورها
ب- علائق ايدئولوژیک مخصوصا کشورها و انقلابی که داعیه جهان همول شدن دارند يا تلفیق و مقام جمعی از زهر دو .
- در تاريخ گذشته ايران ۲ نوع گرايش بوده یکی موازنه مثبت ، که در زمان شاه و پسرش بنفرا زدوران مصدق اعمال شده است دومی موازنه منفی ، که مدرس و مصدق با کمی اختلاف مطرح کرده اند که در حقیقت

دیگری نداشت آنگاه دست نیاز بسوی مردم دراز میکنیم که ای مردم بیاید تکلیف بازرگان را روشن کنید ، تکلیف بنی صدر را روشن کنید و . . . و در مواقع دیگر این مهم که مردم باید در سرنوشت سیاسی خود شان مشارکت داشته باشند و از آنچه در مملکت میگذرد مطلع باشند به فراموشی سپرده میشود .

در جایی که مردم از حوادث جاری آگاه و مطلع نباشند و همه اتفاقات در پشت پرده ها صورت بگیرد و یا بعد از چند ماه در آستانه بر ملا شدن برای مردم عرضه شود حمایت مردم کاهش مییابد ، و آنچه قطعی است این نکته است که این شیوه ها حضور مردم در صحنه و مشارکت مردم در امور را بدنبال نخواهد داشت

اختلاف جناحها

... مشخصا دو جناح وجود دارد که در مجلس دولت مطبوعات دانشگاه . . . نیز مطرح است و اختلاف نظر این دو جناح هم عمدتا بر مسائل اقتصادی است که گاهی

ویشنام برای آمریکایی سابقه باشد . آری تا ارتباط نزدیک و برخورد صحیح با مستضعفین جهان و نهضت های آزاد بیخوش برقرار نشود حرکت تهاجمی علیه امپریالیسم نقطه اتکا و پایه محکمی نخواهد داشت .

تصیق و گسترش روابط با

اروپای غربی ، و تناقض آن

با مبارزه با آمریکا

... نکته دوم در سياست خارجی اینست که متأسفانه روز بروز ارتباط مان با کشورهای که ایادی آمریکا هستند و همه جابجوان جاده - صاف کن آمریکا قلمداد میشوند بیشتر میشود یعنی با ژاپن آلمان نفرسی ، فرانسه و انگلیس . اگر به افلام وارد اتان نگاه کنیم میبینیم که واردات ما از بعضی از این کشورها انبساط به قبل از انقلاب هم گسترش یافته است . جدا کردن کشورهای فوق الذکر از آمریکا و ایجاد ارتباط قوی با آنها همان تر مطرود بنی صدر است که بارها انحراف و غلط بودن آن به اثبات رسیده است . اگر در روابط اقتصادی که ژاپن با ما برقرار کرده است دقت شود میبینیم که تماماً زمینه سازی و راه باز کردن برای ورود و اجرایی مقاصد آمریکا میباشد .

بهر حال تعمیق و گسترش روابط با ژاپن آلمان نفرسی ، فرانسه و انگلیس از یکسو و مبارزه با آمریکا از سوی دیگر تماماً " میسر نبوده و مطلبی است که در اصل خود تناقض دارد و نهایتاً به سازش با آمریکا منجر خواهد شد .

شیوه مشارکت مردم

در صحنه و میزان آن

مطلب سوم از قسمت سیاسی قانون اساسی که باید به آن اشاره کرد و در بعد سیاست داخلی میباشد حضور مردم در صحنه و مشارکت مردم در تمیز سرنوشت سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی خود شان میباشد . چیزی که بارها توسط امام امت مورد تأکید و تصریح قرار گرفته است .

حال باید دقت کرد و دید که آیا به این اصل عمل میشود یا نه ؟ آنچه ما شاهد آن هستیم اینست که فقط در مواقعی که کار، گره میخورد و نیاز به مردم هست از آنها استعداد میشود ، هر وقت گرفتار شدیم و کاری پیش آمد که هیچ راه حل

این گنگره که سومین گنگره دانشجویان مسلمان ، در سومین سال است ، در تاریخ پنجشنبه و جمعه ۲۲ و ۲۳ آبان ماه سال جاری در دانشگاه تربیت معلم برگزار گردید . در این گنگره مسایل جاری انقلاب تحت عناوین زیر مورد بحث قرار گرفت :

- ۱- خط امام ، قانون اساسی و مجلس سوم
- ۲- خط امام و عدالت اجتماعی
- ۳- " " " سیاست خارجی
- ۴- " " " انقلاب فرهنگی و حرکت اسلامی دانشجویی
- ۵- گنگره

در زیر گزیده هایی از مطالب این گنگره می آید . ضمناً متن کامل دو سخنرانی این گنگره در روزهای ۲۵ و ۲۷ آبانماه در ستون گذار اندیشه کیهان به چاپ رسید .

۱- خط امام و قانون اساسی و . . .

نحوه مبارزه با آمریکا

... در وزارت خارجه و سياست گزاران جمهوری اسلامی مشخصا دو دیدگاه و نظر وجود دارد و اختلاف این دو دیدگاه بر سر نحوه برخورد و میزان ارتباط با آمریکا و غرب میباشد .

در يك جناح مبارزه با آمریکا و ایادی آن و عدم برقراری ارتباط در سطوح بالا مطرح میشود و جناح دیگر صریحاً ارتباط برقرار کردن با آمریکا را مطرح کرده و از آن دفاع میکند و خواستار برقراری ارتباط با آمریکا در زمان حیات امام میباشد . به اعتقاد ما مبارزه با آمریکا بعنوان شیطان بزرگ از وظایف اصلی انقلاب اسلامی است . هرگونه معاشات و مدارا انحراف از اصول و ایجاد رابطه گرگ و میش خواهد بود و این مهم جز با حمله و نه با چپه همه منافع آمریکا امکان پذیر نیست .

بحسب سر نحوه مبارزه با آمریکا است . آیا میتوانیم صرفاً " با خود آمریکا مبارزه کرده و مثلاً " روابطمان را قطع کنیم یا اینکه راه درست مبارزه ارتباط برقرار کردن با نهضت های آزاد بیخوش و کادر سازی ، ضربه زدن به آمریکا در همه نقاط میباشد . تجربه موفقی که در لبنان بنا به حزب الله وجود دارد مؤید این مطلب است . سه سال پیش اگر کسی در حواش لبنان نگاه میکرد پدیده ای بنام حزب الله در جریانات لبنان وجود خارجی نداشت اما در حال حاضر این جریان یکی از مهم ترین عوامل تأثیر گذار در مسائل لبنان و منطقه است . ضرباتی که از طریق حزب الله به آمریکا وارد شد آنقدر عظیم بود که شاید بعد از جنگ

ارائه اسناد لانه جاسوسی بعنوان کیفی ترین دانش ضد امپریالیستی ، حرکتی بنیادی و اصل در تداوم و تصرف لانه جاسوسی بود که باید بیش از این مورد توجه انقلابیون قرار گیرد تا مبنایی برای دیگرگونی روابط اجتماعی ، الگوهای غربی و . . . و انقلابی فرهنگی شود .

نمود های سیاسی هم پیدا میکند . برای فهمیدن خط امام در این زمینه لازم است نگاه هر چند گذرا به سخنان امام و ناگیدات ایشان حول مسئله پرداختن به محرومین و مستضعفین و نیز به سخنان و موضع گیریهای اخیر امام امت در یکسال گذشته دقت کنیم مخصوصاً " موضع گیری در انتخاب نخست وزیر ، در هفته دولت و اتعالم حجت با بعضی مطبوعات و نیز در ملاقات با شمشیرای نگهبان و تشویق به جهت گیری به نفع محرومین و مستضعفین ، تکلیف مارا در قبال این جناح بندیها مشخص میکند . یعنی در قبال جناحهای که در مقابل تمام سختیها فشارها و وظایمهای تحمیل شده به محرومین صدایشان در نمی آید ولی بعضی کوچکترین تردیدی نیست به فلان بخش خصوصی فریاد و اسلاما " سر میدهند . . . اینک امام امت فرمودند من میدانم این خانها چه بلایی بر سر کشاورزها

۳- خط امام و انقلاب فرهنگی

مقایسه انقلاب فرهنگی و

تسخیر لانه جاسوسی

من مدعی هستم که روز بروز حساسیتها بمان در

ما انقلابمان را به همه جهان صادر می کنیم و تفکر اینکه ما انقلابمان را صادر نمی کنیم باید کنار بگذاریم .



هر صحبت امام از سال ۴۲ تا امروز یک تحریر الوسیله است.

... امام د و نوع رساله دارد، یکی
تحریر الوسیله و دومی سخنانش از سال ۴۲
تا حالا.

مجتهد وقت در خانه اش باد و ستش هست
می تواند شوخی بکنند، در کلاس درسش
نیز چنین است. ولی وقتی بر کرسی هدایت
مردم می نشیند فرق میکند. حرفهای یک
مجتهد در موضع ارشاد و هدایت مردم فتوی
او محسوب میشود. امام وقتی میگوید یک سوی
کوخ نشینان ارجحیت دارد بر کاخ نشینان
احساسش را نمیگوید فتوا میدهد. مجتهد حق
ندارد احساسش را بعنوان راهنمای مردم
بگوید.

خط امام میگوید فقط در چهار چوب تحریر
الوسیله نیست. بلکه هر صحبت امام یک تحریر
الوسیله است. ولی جریان رفاه طلب میگوید
که تحریر الوسیله همه چیز است. قرآن علی را
بر سر نیزه میکنند و او را به آن دعوت میکنند.
... اگر تحریر الوسیله را در جوسخنان امام
از ۴۲ تا حالا بررسی کنیم چیزی است و بدون
این جو چیز دیگریست. امام تحریر الوسیله
را برای جامعه ای نوشته است که حکومت
ندارد. ولی مسئله اینجاست که آقایانی که
تحریر را علم میکنند اصلاً آنرا قبول ندارند
تحریر همان قرآنی است که علیه علی علم کردند
احکام تحریر، احکام رسالیه است و با احکام
سلطانیه فرق دارد.

... یکی از منابع اصلی خط امام عدالت
اجتماعی، صحبتهای امام از سال ۴۲ تا امروز
است. در حالیکه جریان رفاه طلب اسلام امروز
میخواهد تحریر الوسیله را همه چیز کند.

صنف گرایی، مانع عدالت اجتماعی

... یکی از موانع عدالت اجتماعی
اصناف هستند. اصناف خودشان مقاومتی
در برابر عدالت اجتماعی هستند، صنف
روحانی، صنف بازاری، صنف دانشجو، ...
... آمریکا روی اختلافات قبیله ای برای
ضربه زدن به انقلاب انگشت گذاشت ولی
نتوانست کاری کند. ولی امروزه روی صنفها
انگشت میگذارد. و برای برقراری عدالت
اجتماعی باید صنفها را هم بریزند و برای همین
باید برابری دراز همان فکرها و دلها را مردم
جایبفتند.

کینیت برخورد شورای نگهبان با مصوبات مجلس

سؤال: فقهای شورای نگهبان بر اساس نظر
خودشان عمل میکنند با طبق فتوی امام؟
بعضی در صفحه ۲۳

مطرح نیست، اما مبارزه با بی حجابی مطرح
است. برادری مطرح میکرد که ما اقتصاد دوره
ساسانی را داشته باشیم ولی حجاب دوره
ساسانی را نداشته باشیم اینها یک جریان
واحد هستند که هر جایک قالب ویژه خود را
میگیرند.

خطر عقب نشینی تدریجی

هفتمین آفت انقلاب فرهنگی باس و -
دل سردی از ادامه حرکت در بین دانشجویان
مسلمان و معتقد دانشگاهها و انجمنهای
اسلامی و دفتر تحکیم وحدت است. ما به مرور
عقب نشینی کرده ایم. ویژگی لیبرالیسم این
هست که هر قدمی که ما به عقب بگذاریم او دو
قدم به جلو میگذارد و آن صراحت لهجه ای
که داشتیم، آن جسارت انقلابی که داشتیم
حرکت انقلابی دانشجویی بود به مرور زایل شده
است.

... ما بعنوان یک جریان آگاه جامعه
باید از خود سؤال کنیم که ما چه گره ای از
جنگ باز کردیم ما چه حرکت نویسی ایجاد کردیم
مگر نه اینکه الان مبارزه با امپریالیسم شاخص
ترین مشخصه آن در جبهه ها جاری است.
مشکل دیگر حرکت دانشجویی باس و دل سردی
و از بین رفتن انگیزه تدریجی انقلاب اسلامی
بدلیل بی مهری و برخورد ناسالهمرحبسی
مسئولین و زیر سؤال بردن جایگاه قانونی
انجمنهاست. از سوی دیگر سردرگمی و بی هویتی
و نداشتن تحلیل روشن از شرایط و مراحل
مختلف، بویژه در شرایط کنونی انقلاب درد
دیگریست.

خط امام و عدالت اجتماعی

چاشنی انقلاب: عدالت در همه چیز

... در انقلاب شوروی چاشنی انقلاب
عدالت اقتصادی بوده است. در ایران چاشنی
انقلاب عدالت در همه چیز بوده ولی در
فرانسه چاشنی اصلی عدالت انسانی بوده
است. در انقلاب فرانسه دو برابر سر محور ارزش
انسان بوده است یعنی میخواستند بگویند
که انسانیت در همه مساوی است.

عدالت، تربیت طبیعت است

... عدالت طبیعت نیست، تربیت
است. آب را که سد میبندیم، سد طبیعت آب
نیست بلکه آنرا تربیت کرده ایم، عدالت تربیت
است و هیچ فری و طبیعتی بدون تربیت
عادل نیست. انسان فطرتاً عادل است ولی
طبیعتاً ظالم است. عدالت برخلاف شخصیت
طبیعی انسانهاست. و برای همین هم
بیاوردن آن مشکل است.

منهوم انقلاب فرهنگی: نفی ابدی سازشکاری، مبارزه عمیق با سرمایه داری و ...

... هنوز در مفهوم انقلاب فرهنگی
تردیدها و ابهاماتی وجود دارد، ما معتقد
بودیم که انقلاب فرهنگی یعنی گسترش عنصر
آگاهی در جامعه و زایل کردن زمینه های
عوامزدگی و قشریگری. یعنی مبارزات سیاسی
از طریق رشد فرهنگی و تعمیق مبارزه با
امپریالیسم. یعنی زدودن آثار فرهنگی شرک
از جامعه بوسیله تزکیه مراکز علمی و فرهنگی، -
یعنی تلاش بنیادی و عمیق و آگاهانه برای
جلوگیری از رجعت انقلاب و نفی ابدی
سازشکاری و قطع امید آمریکا از تسلط دوباره
بر ایران. یعنی مبارزه عمیق با سرمایه داری
و فراهم نمودن زمینه های تحقق عدالت اجتماعی
در جامعه، یعنی اعتراض و تهاجم آگاهانه
بر علیه نظم موجود با قیامانده از طاغوت.

لیبرالیسم فرهنگی

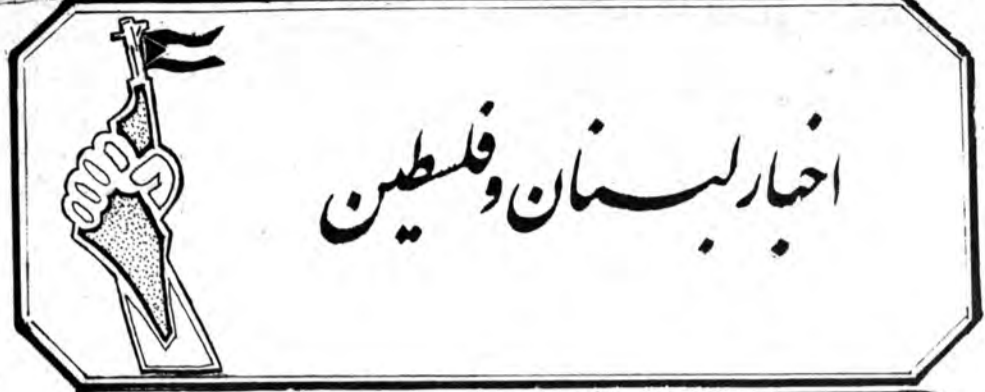
... آفت دیگر عبارتست از لیبرالیسم
فرهنگی و تلاش موزیانه آن برای آشتی دادن
بین فرهنگ انقلاب و فرهنگ آمریکائی. اعضا
سازمان ملی دانشگاهیان سابق با عناوینسی
اسلامی آن بعنوان یک آفت درون انقلابند
بگذریم از آن سنخیت واحدی که این حرکت
با حرکت کلی که بر انقلاب هست دارد. همان
چیزی که در پوشش اسلامی، انقلاب را تهدید
میکند، همان میآید در دانشگاهها قالب
اسلامی "سازمان ملی دانشگاهیان سابق
را میگیرد.
آن بعد از ۶ سال از انقلاب فرهنگی
تازه به اینجارسیده ایم که برای انجام انقلاب
فرهنگی هنوز در مرحله اسلامی کردن چهره
دانشگاهها هستیم و آن کسانی که این مسئله
را مطرح میکنند، همان کسانی هستند که در
جامعه هم فعلاً بدنیال اسلامی کردن چهره
جامعه هستند و مبارزه عمیق با سرمایه داری

ادامه برگزیده ای از ...
زمینه مسائل فرهنگی گاسته میشود و دو دلیل
هم دارم، چرا که مسائل فرهنگی یک صبوری
یک مقاومت، یک استمرار میطلبد ولی مسائل
سیاسی یک هیجان یک حرکت مقطعی میتونه
پاسخگویش باشد. برای اینکه مطالب یک
مقداری روشن بشود من یک مقایسه ای میکنم
بین حرکت انقلابی تسخیر لانه جاسوسی و
حرکت مقدس انقلاب فرهنگی بعنوان دو حرکت
انقلابی در راستای پیگیری انقلابی خط امام
میخواهم تمایز ایندو حرکت را باز کنم، بنظر
من تسخیر لانه جاسوسی برخوردی سیاسی
با امپریالیسم بود ولی حرکت انقلاب فرهنگی
تعمیق مبارزات سیاسی در قالب فرهنگی و
هدف گیری استعمار فرهنگی بود. تسخیر
لانه جاسوسی بدون موفقیت انقلاب فرهنگی
یک جریان ایترویی شمر میشود. تسخیر لانه
جاسوسی بعنوان اعتراضی بر ادامه ننگین
حیات شاه در آمریکا آغاز شد اما حرکت انقلاب
فرهنگی بعنوان اعتراض بر ادامه حیات نظام
شاهنشاهی بازمانده از طاغوت در داخل
صورت گرفت. تسخیر لانه جاسوسی تسخیر
دژ سیاسی آمریکا بود اما حرکت انقلاب فرهنگی
تسخیر دژ فرهنگی آمریکا بود. تسخیر لانه
جاسوسی درخششی دفعی داشت و ضمانت
برای تداوم نداشت، تا جائیکه میبینیم هنوز
صحت از اینست که گروهی به ایران بیایند و
بماند اگرهای صورت بگیرد اما حرکت انقلاب
فرهنگی دائمی بوده و تعیین کننده بنیادی
جهت گیری نظامی و تضمین کننده استمرار مبارزه
با امپریالیسم است. (البته لازم به توضیح
است که ارائه اسناد لانه جاسوسی بعنوان
کیفی ترین دانش ضد امپریالیستی و آموزش
توده های و عمومی ضد امپریالیستی، حرکتی
بنیادی واصلی در تداوم تصرف لانه جاسوسی
بود که باید بیش از این مورد توجه انقلابیون
قرار گیرد تا بنایی برای درگونی روابط
اجتماعی الگوهای غریب و ... و انقلابیسی
فرهنگی شود. - راه مجاهد)
تسخیر لانه جاسوسی حرکتی روشن تر و صریح
بود که احتیاجی به تفسیر ندارد اما انقلاب
فرهنگی از پیچیدگی بسیار برخوردار بود و تفسیر
و تحلیلهای متضادی را هم برداشت.

بحث بر سر نحوه مبارزه با آمریکا است. آیا میتوانیم
صرفاً با خود آمریکا مبارزه کرده و مثلاً روابط ما را قطع
کنیم یا اینکه راه درست مبارزه، ارتباطی برقرار کردن با
نهضت های آزادی بخش و کادرسازی، ضربه زدن به آمریکا در
همه نقاط طبیعتاً باشد. تجربه موفقی که در لبنان بنام حزب الله
مؤید این مطلب است ۵۰۰ آری تا ارتباط نزدیک و برخورد
صحیح با مستضعفین جهان برقرار نشود حرکت تنها حسی
علیه امپریالیسم نقطه اتکال و پایه محکمی ندارد

تکیه به خدا کنید و به نفت و سلاح تکیه نکنید امام خمینی

جریان ها و سازمان های فلسطینی



اخبار لبنان و فلسطین

جذب آوازه ایستادگی
نظام سیاسی و یادینی

میشود و هر منطقه شورائی بنام شورای اصلی تشکیل میشود که خود دارای چند بخش است: گروه فکری، گروه سیاسی، گروه تبلیغات، گروه نظامی، گروه اجتماعی، گروه قضائی. این تشکل دارای دوشهریه به نامهای "سبیل و عهد" میباشد که مسائل حزبی، اعتقادی، تاریخی و سیاسی را متمرکز میکند.

وضع مالی این گروه از طریق تبرعات و زکوات داخلی لبنان تامین میشود. در صورت لزوم از کمکهای مالی ایران نیز بهره میبرند. بنیاد شهید هم به خانواده های شهدای لبنان کمک میکند.

- رهبران روحانی حزب: ...
- ۱- سید عباس موسوی، او تحصیل کرده در مدارس مذهبی سور و نجف است و در نجف شاگرد آیتا... باقر صدر بوده است.
- ۲- سید حسن نصر... که دروس مذهبی را تا حد سطح خوانده است.
- ۳- شیخ صبحی طفیلی که تا حد خارج خوانده است و تحصیل کرده نجف است.
- ۴- سید ابراهیم الامین که در سور و نجف درس خوانده است.

در این مقاله همچنین آمده است که بین شیخ محمد حسین فضل... و حزب... دو اختلاف اساسی وجود دارد:

۱- اینکه شیخ محمد حسین فضل... شعرا حکومت اسلامی را در شرایط فعلی لبنان درست نمیداند و میگوید دلیل وجود مسیحی ها در لبنان ابتدای است دست به تبلیغات اسلامی بزنیم تا اینها نحوه برخورد دولت اسلامی را با خود بفهمند و در قیاس شعار حکومت اسلامی در لبنان دست به تشکیل حکومت مسیحی در لبنان نزنند و وحدت لبنان بهم نخورد.

۲- اینکه حزب... به تبعیت از حرف امام خمینی که اسرائیل می بایست نابود شود، حملات خود به نیروهای اسرائیلی را حتی پس از عقب نشینی اسرائیل ادامه می دهد، حال آنکه سید محمد حسین فضل... معتقد است ادامه حمله به اسرائیل پس از عقب نشینی می بایست با تصمیم متحده اعراب و مسلمانهای منطقه باشد زیرا اسرائیل برای سرکوب ساکنین جنوب لبنان به آن منطقه باز خواهد گشت و به این دلیل حملات کاتیبوشا به مناطق شمالی اسرائیل را هم درست نمیداند.

شیخ محمد حسین فضل... مجتهد و درس خوانده نجف است، او شاگرد آیتا... سید محسن حکیم و آیتا... خوئی بوده و مدتی هم در لبنان مرکز سرپرستی ایتمام مربوط به آقای خوئی را اداره میکرد.

جدی قبل در نشریه الشراع مقاله ای تحت عنوان "حزب... حرکتی نظامی سیاسی؟ یادینی، نوشته شده که خلاصه محورهای این مقاله به قرار زیر است:

الف: ریشه تشکل شیعه در لبنان به فعالیتهای سید موسی صدر در جنوب لبنان بر میگردد که از طرف آیتا... محمد باقر صدر به آن منطقه رفته بود. قبل از فعالیت های امام موسی صدر، حزب الدعوة در لبنان فعالیت داشت. تشکل نظامی شیعه که سید موسی صدر در لبنان بنا نهاده بود، در سال ۱۹۷۵ بعثت یک انفجار تصادفی لورفت و امکان فهمیدن که شیعه در حال تشکل نظامی خود میباشد.

ب: موسی صدر پس از تشکیل امپل (واحد مقاومت) و مقاومت لبنان - گروه های مقاومت لبنان (در کار در حل مشکلات شیعیان لبنان عمل نمیکرد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران هیئتی از امل به ایران آمد که شهید چمران هم جزء آن بود. امام خمینی شهید چمران را به ماندن در ایران دعوت کرده و به او گفتند که انقلاب اسلامی به وجود آید و نیاز دارد.

ج: در سال ۱۹۸۵، حزب الدعوة لبنان گروه خود را منحل کرد... و اعضای آن مستقیماً به همکاری با انقلاب اسلامی پرداختند.

د: پس از حمله اسرائیل به لبنان اساس سرکوب ازمامل و سوسالست های فرسخوا و فالانزها خواست که کمیته مشترکی برای دفاع از لبنان تشکیل دهند. امل تصمیم به شرکت در این کمیته گرفت. حبه الاسلام فخر روحانی بغیر ایران در لبنان به امل پیغام داد که در این کمیته شرکت نکند، زیرا این توطئه ای امریکائی است. بدینال شرکت تبیه سری در بین امل اسلامی شکل گرفت و سید حسین موسوی و افرادش مثل شیخ صبحی طفیلی و ابراهیم الامین ازمامل جدا شدند. این حادثی ابتدای شکل گرفتن حزب... در لبنان بود.

برای تشکل حزب... لبنان ساخته های تعیین نکرد، بلکه صرفاً به تعیین آقای شهری بعنوان طرف رجوع برای برداشت زکوات و سهم امام بسنده کرد.

و: سازماندهی حزب... به سه بخش بیروت و ناحیه، حوئی بقاع و جنوب تقسیم

در بخش اول اختلافهای زیادی وجود دارد و جریانهای متفاوتی به اسم فتح، الهامیه میدهند، مثلاً گروه ابو نضال خود را شورای انقلابی فتح میخواند و جناح جب (ظاهر)، گروه ابو موسی که تا زگی جدا شده خود را فتح میخواند و گروه ابو زعیم در اردن خود را فتح میخواند.

اینها هیچکدام مبارزه مسلحانه با اسرائیل نمیکنند. یعنی در اردوگاههای آموزشی خود فقط به آموزش، وقت گذرانی و نگهبانی دادن مشغول اند. اگر تروری هم میشود در کار در تصفیه های سازمانی و یا برای رسیدن به اهداف سیاسی است.

بزرگترین گروه الفتح که جناح عرفات باشند چون عمدتاً در خط مشی سیاسی فعال هستند روی حرکت های نظامی نیروی زیادی نمیگذارند. مخالفان عرفات نیز فقط کار سیاسی میکنند.

بنظر میرسد چون انگیزه و محور تبلیغاتی تمام سازمانهای فلسطینی، آواره و گرسنه بودن مردم فلسطین، تحت اشغال بودن وطن آنها... بوده است لذا با این انگیزه ها نمیتوانند در مقابل امتیازاتی مانند اسکان فلسطینیها در بخشهایی که از اسرائیل آزاد میشود، تشکیل حکومت ملی در هر نقطه از این سرزمینها، پولهای فراوان کشورهای صاحب نفت عرب برای کمک به آوارگان و... مقاومت کنند و لذا جذب سیاستهای امپریالیسم میشوند. ضمناً قدرت نظامی اسرائیل نیز نوع ناامیدی از پیروزی بر اسرائیل را در میان فلسطینی ۱.۵ ایجاد کرده است.

فشار کنفرانس سران عرب برای تشکیل دولت فلسطینی در سرزمینهای (مثلاً آزاد شده) و توازن و هماهنگی شرق و غرب روی تأکید اسرائیل، نفش مهمی را در جذب فلسطینی ۱.۵ به خط مشی سیاسی و کنار گذاشتن عملیات نظامی دارد.

جریانهای فلسطینی اکنون به چند بخش تقسیم میشود:

الف: مردم فلسطین در دو بخش - سرزمینهای اشغالی و اردوگاههای آوارگان زندگی میکنند. مردم فلسطین در هر دو بخش بشکلی در حال حل شدن در جوامعی که در آن زندگی میکنند میباشند. البته در بخش تحت اشغال مردم فلسطینیها از اسرائیل بیشتر است، که دلیل آن یکی درگیری رو در روی آنها با اسرائیل و دیگری ماهیت نژادی خود صهیونیسم است که باعث جدا نگه داشتن آنهاست. در سرزمینهای عربی فلسطینیها که خود عرب هستند با ما عرب پیوند خورده اند و ساف برای اینکه آنها را به صورت یک هویت نگه دارد سعی دارد آنها را بشکل "آواره" و "حقوق بگیر" در اردوگاهها نگه دارد. همچنین تبلیغات زیاد روی هویت عربی - فلسطینی آنها میکند که آنها را متشکل نگه دارد.

مبارزه علیه اسرائیل در بخش اشغالی شکل خفیفی جریان دارد. این مبارزه حالتی مردمی دارد و بیشتر شکل حمله به پلیس و یا پرتاب آتش زدن است در جنوب لبنان حملات تویخانه و موشکی در جواب حملات اسرائیل از طرف ساف وجود دارد.

ب: سازمانهای سیاسی نظامی سازمانهای سیاسی نظامی عمدتاً به دو بخش تقسیم میشوند. بخشی که هویت میهنی مردم فلسطین را اصل گرفته و هویت میهنی و ایدئولوژی ملی دارد. اسلام را قبول دارد نه به معنای راهنمای عمل بلکه بعنوان فرهنگ مردم چون مردم قبول دارند و بخشی که فلسطینی هستند ولی هویت ما رکبستی برای خود انتخاب کرده اند و بعضی در انفاک فلسطینی بودن از هویت مذهبی مردم فلسطین دارند.

بخش اصلی ساف را جریان اول تشکیل میدهد و بیشترین افراد را الفتح در بر گرفته است. بخش دوم متشکل از گروههای سیاسی نظیر گروه نایف حواتمه، حش... میشود.



به امید فتح دست از طریق کربلا

در جنوب لبنان باید تمام کسانی که میخواهند با اسرائیل مبارزه کنند، مسلح باشند. «آیت الله العظمی منتظری»

عربستان سعودی پایگاه آمریکا

و برخورد مناسب با آن

انگیزه
با توجه به نقش حساس عربستان سعودی در رابطه با نفت و امنیت خلیج فارس از یکسو و اهداف جمهوری اسلامی از سوی دیگر بر خورد های متفاوتی با آن صورت میگیرد:

عده ای معتقدند که عربستان و کویت حامی اصلی عراق در جنگ هستند و ما با فشار سیاسی و نظامی بر روی آنها برای قطع کمکشان از عراق میتوانیم عراق را در جنگ ناتوان و منزوی کنیم.
عده دیگری میگویند: " ما باید عربستان را متقاعد کنیم که حفظ امنیت خلیج خواست هر دو است و این کشور به ما بیش از عراق و یا آمریکا نیاز دارد و صلاحش در اینست که با ما کنار بیاید." ساز این طریق رژیم عراق در منطقه منزوی گشته و زمینه حذف آن در معادلات منطقه فراهم شود.

در این مقاله میخواهیم ثابت کنیم که موضع اصولی جمهوری اسلامی در منطقه پی گیری خط مشی آزادی قدس و تداوم جنگ در جبهه های نبرد از یکسو و سیخ در راه خودکفائی و تحقق اهداف انقلاب در داخل از سوی دیگر است که بطور بنیادی رژیم های ارتجاعی در منطقه را در معرض تهدید قرار میدهد.

ماهیت عربستان

۱- وابستگی به کمپانیهای نفت

رژیم عربستان سعودی يك رژيم صد درصد نفتی است. این کشور از مخازن سرشار نفت برخوردار است که تنها منبع درآمد این رژیم را تشکیل میدهد. شرکت نفت آمریکائی آرامکو عمده استخراج و صدور نفت این کشور را در دست دارد. مهمترین رسالت رژیم حاکم بر این کشور از دیدگاه غریبها حفظ ثبات عربستان و خلیج جهت تداوم صدور نفت است. حاکمان عربستان سعودی حاکمیت و ثبات خود را در پیوند ناگسستنی با منافع شرکت های فراملیتی نفت و حفظ يك ثبات ارتجاعی در منطقه میدانند.

با اوچگیری انقلاب اسلامی و پیروزی آن که به گاهش صدمات نفت ایران منجر شد و از روزی ۶ میلیون بشکه به کمتر از ۳ میلیون بشکه در روز در زمان دولت موقت تنزل پیدا کرد، عربستان با عرضه ۴ میلیون بشکه تولید اضافی به بازار به حل مشکلات و بحران دنیای غرب پرداخت و همچنین با افزایش تولید نفت در مقاطع مختلف از سوی این رژیم وسیله ای برای تضعیف اوپک مبارزه با افزایش قیمت نفت به سود کشورهای غرب بوده است.

بمراجعه به بخشهایی از اسناد لانه جاسوس

به عمق این وابستگی بخصوص در میان رهبران این کشور بهتر میبیم:

جلد ۳۵ ص ۲۸ - " احساسات سعودی ها نسبت به حفظ و صرفه جوئی منابع افزایش یافته است و در زمانیکه این کشور شرکت آرامکو را بطور صد درصد در اختیار میگیرد، این مسئله نیز مشکلاتی بر سر راه برنامه های گسترش ایجاد خواهد کرد. لیکن سیاست نفتی سعودی به وسیله ولیعهد فهد و در مخالفت با آن گرایشها و در صورتیکه ملاحظاتی سیاسی همچون سیاست خاص خاورمیانه ای اجازه دهد، تعیین خواهد گردید. . . ."

مشاهده میشود که علیرغم حاکمیت دولت عربستان بر شرکت نفت آرامکو و اعتقاد بر فاسد بودن این کشور بر حفظ منابع نفتی ولیعهد فهد برخلاف این گرایش یعنی در جهت خواست کمپانیهای نفتی حرکت میکند. این سیاست تا آنجایی پیش رفت که تولید نفت عربستان از ۵ میلیون بشکه در روز در سال ۵۶ به تولید ۴ میلیون بشکه در روز در سال ۶۰ رسید جلد ۳۵ ص ۳۵ - " سیاست نفتی سعودی ها در سالهای گذشته نیز بر اتفاق نظر متکی نبود است. تصمیم متخذه مبنی بر ثبوت قیمت ها در کنفرانس های اوپک در وجه و کاراکاس توسط ولیعهد فهد در دست برخلاف رای اکثریت اعضا شورای عالی نفتی است. تصمیم شاهزاده فهد در کنار قراردادهای صلح خاورمیانه و نشان دادن روابط ویژه آمریکا و عربستان سعودی دلائل سیاسی داشت. . . ."

جلد ۳۵ ص ۳۶ - ۷۲ ص ۱۳۵
رهبران عربستان اهم فشار بزرگی را علیه غرب در دست دارند و میتوانند از آن برای مبارزه با اسرائیل و آزادی سرزمینهای عربی و اسلامی استفاده کنند. ولی مشاهده میشود که خانواده سعودی علیرغم اینکه ادعای رهبری جهان اسلام و دنیای عرب را دارند، نه تنها قدمی در این جهت بر نمی دارند بلکه حتی از ایجاد این احتمال در ذهن آمریکائیان نسبت به خودشان وحشت دارند و به رفع آن میپردازند.

خط مشی کمپانیهای نفتی طی سالیان دراز این بوده که جریان صدور نفت را از مسائل سیاسی جدا جلوه دهند و به کشورهای صادر کننده نفت بفرمایند که نیایستی هیچ ارتباطی بین نفت و خواستهای استقلال طلبانه و سیاسی برقرار نمایند.
کود تاعلیه صدق در ایران بقول خود ایشان به این علت بود که درسی برای سایر کشورها و رهبرانشان باشد تا هرگز فکر نمی کنند که نفت و به خدمت گرفتن این منابع عظیم به نفع ملتها

نیافتند.

۲- حفظ امنیت از راه وابستگی

هر جاسخن از نفت هست صحبت از امنیت هم هست. اصولا سرمایه داری جهانی برای حفظ و استمرار منافعش به ثبات و امنیت احتیاج دارد و بخصوص کمپانیها و رژیمهای نفتی این نیاز را بیشتر احساس میکنند.
رژیمهای نفتی و غرب از آنجا که تمام اقتصاد و حیاتشان بستگی به جریان صدور نفت پیدا کرده است، از هرگونه جنبش و حرکتی که به جریان صدور نفت لطمه بزند وحشت دارند. اینگونه رژیمها ناگزیرند برای حفظ امنیت و ثبات خودشان هر چه بیشتر به امپریالیسم نزدیک شده و خود را در زیر چتر ولایت آنها قرار دهند (۰۰) والذین کفروا ولیائهم الطافوت ۰۰۰ کافرین تحت سرپرستی طافوت هستند).

رژیمهای نفتی وابسته منابع ملت هایشان را تقدیم امپریالیستهای میکنند تا در مقابل آنها امنیت و حکومتشان را حفظ کنند.

جلد ۳۵ ص ۱۱۶ - " اساسا سراسر این روابط که همانا نیاز ما به نفت و احتیاج سعودی ها به امنیت می باشد همچنان بقوت خود باقی خواهد بود. . . ."

جلد ۳۵ ص ۱۱۸ - ۱۶۷ -

از پیروزی انقلاب اسلامی رژیم عربستان در رقابت با قدرت نظامی شاه در خلیج به خرید های نظامی میپرداخت. ولی پس از پیروزی انقلاب رژیم حذف رژیم شاه از صحنه، عربستان نمیتواند در برنامه خرید سلاح و تجهیزات ارتش خود وقفه ای ایجاد نکند بلکه به نحو چشمگیر و جهش واری بر آن افزون.

نگاهی به بخشی از گزارش آسپین نماینده کنگره آمریکا در شهریور ماه سال ۵۸ میباید از این: جلد ۳۵ ص ۱۵۰ - " عربستان سعودی یازده برابر بیشتر از دو مین مشتری بزرگ نظامی خرید میکند. وی اضافه کرد: " از زمان سقوط شاه در فوریه گذشته، پنتاگون قرارداد های را امضا کرده است که طبق آن ۶/۳ میلیارد دلار کالا و خدمات نظامی قید شده در برنامه فروش نظامی خارجی را بفروش برساند. از این رقم عربستان سعودی خواستار ۳/۷ میلیارد دلار یا ۵۸ درصد کل فروش جهانی شده است."

اینها گوشه ای از خرید های نظامی عربستان سعودی است. این کشور طی چند سال اخیر قرارداد های بزرگ نظامی با انگلیس، فرانسه، آلمان غربی، برزیل، ایتالیا و . . . به امضا رسانده و عم اکنون نیروی هوایی و دریایی و زمینی خود را با کمک کارشناسان و مستشاران این کشورها به پیچیده ترین و مدرن ترین سلاحها مجهز کرده است. حتی رژیم عربستان برای اطمینان دادن به کنگره آمریکا جهت تحویل سه نوع موشک استینگر، ساید ویند روهاپون صریحا اعلام داشت که برنامه های خرید تسلیحاتی این کشور در رابطه با اسرائیل نبوده و صرفا بخاطر پیشگیری از حمله احتمالی ایران و حفظ امنیت خلیج است.

۳- تقویت رژیم های وابسته ارتجاعی و جریانهای میانه روی در منطقه

یکی دیگر از وجوه وابستگی حاکمان عربستان سعودی حمایت مالی، سیاسی و نظامی از رژیم های ارتجاعی و وابسته به غرب و رژیم های میانه رو

رژیمهای نفتی و غرب از آنجا که تمام اقتصاد و حیاتشان بستگی به جریان صدور نفت پیدا کرده است، از هرگونه جنبش و حرکتی که به جریان صدور نفت لطمه بزند وحشت دارند. اینگونه رژیمها ناگزیرند برای حفظ امنیت و ثبات خودشان هر چه بیشتر به امپریالیسم نزدیک شوند.

با سقوط رژیم شاه و حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی در ایران سران وابسته نظیر فهد اینچنین به وحشت افتاده و تلویحا به سیاست ظاهرا ملایم کار تران نقاد میکنند و خواستار شدت عمل و برخورد قاطع تری با انقلاب اسلامی هستند جلد ۳۵ ص ۱۷۱

۳- وابستگی نظامی و تسلیحاتی

رژیم عربستان سعودی یکی از مشتریان مهم سلاحها و تجهیزات آمریکائی و غربی است. قبل

آمریکایک سوی اسرائیل را به همه کشورهای عربی نمیداند. " آینه منظر"

ادامه عربستان ...

سعودی در تعدیل رژیم چپگرای "زباد باره" در
سومالی و جذب آن به سوی غرب ایفا کرد .
حاکمان سعودی از آنجا که سرنوشتشان با
حاکمیت امپریالیسم آمریکا در این منطقه از جهان
گروه خورد است ، همچون غلامی بی جیبر و
موجب در خدمت امپریالیسم درآمد و بسیار
بزرگی از هزینه‌های راکه می‌بایستی غرب به
صورت کمک‌های بلاعوض به اینگونه کشورها برای
حفظ ثبات آنها بپردازد ، بدوش میکشد .

جلد ۳۵ ص ۱۶۵ - ۱۶۸ - ۱۷۴

اخیراً نیز فاش شد که شاه فهد با ویلیام کیسی
رئیس سازمان سیا ملاقات نموده و قرار است این
کشوره ضد انقلابیون نیکاراگوئه کمک‌های مالی
و تسلیحاتی بعمل آورد .

۵ - حمایت حاکمان سعودی از رژیم شاه
در برابر انقلاب اسلامی

آغاز انقلاب اسلامی در ایران با ویژگی‌هایی
که داشت ، خطری جدی برای سعودیها بود .
انقلاب ایران با ویژگی‌های ضد سلطنتی ،
ضد صهیونیستی و ضد امپریالیستی و اسلامی‌اش
بیش از همه حاکمان سعودی را تهدید می‌نمود .
زیرا رژیم عربستان از هر حیث بیشترین سمخیت
را با رژیم شاه داشت .

اولاً - سعودیها مانند رژیم پهلوی یک رژیم
پادشاهی بودند .

ثانیاً - همچون شاه وابسته به امپریالیسم
و کمپانیهای نفتی و اهل سازش با صهیونیسم
بودند . و از همه مهمتر اینکه از عوامل عمده ثبات
و حاکمیت سعودیها و جبهه‌های همی این رژیم است
باتمسک به ظواهر شعائر اسلامی سعی میکنند
خود را یک رژیم کاملاً اسلامی وانمود کنند . حرکت
انقلابی در ایران با شعار استقلال آزادی -
حکومت اسلامی چهره واقعی اسلام را بـ

فهد ادامه داد که "بعقیده ما (امام) خمینی
یک آلت دست است هر چند از جنین چینی
آگاهی ندارد یا آنرا نمی‌پذیرد"
" . . . نگاه کنید ببینید در ایران چه چیزی اتفاق
افتاده است . آنها گل سرسبد جامعه خود را
کشته‌اند . بهترین مغزها در دستگاه نظامی
و حرفه‌ای دانشگاهی و خدمات مدنی همه یا
الهام شده‌اند و یا ناکزیر به فرار
شده‌اند . این اقدامات و کشتار وحشیانه
هیچگونه ارتباطی با اسلام ندارد که بچشم آن به
طور تصنعی در ایران به اهتزاز درآمده است ."

جلد ۳۵ ص ۶۶ - ۶۷

نقش عربستان در تحمیل جنگ و توطئه اخیر
کاهش قیمت نفت

سعدون حمادی وزیر خارجه پیشین عراق
طی مصاحبه‌ای اعلام داشته بود که از مشوقین
اصلی مادر حمله به ایران سعودیها بودند و
بخصوص سعود الفیصل وزیر خارجه سعودی در
قاطعیت مامور بود .

عربستان سعودی در طول جنگ نیز از حامیان
اصلی رژیم عراق بوده و به حمایت بیدریغ مالی
از طریق اعطای وامهای بزرگ (همراه با کسوت
حدود ۴۰ میلیارد دلار) و فروش نفت به حساب
رژیم عراق و انتقال نفت جنوب این کشور از طریق
یک خط لوله به بندر "نبوغ" در بحر احمر پرداخته
است .

عربستان سعودی همچنین اطلاعات مربوط
به نقل و انتقالات نظامی و موقعیت نیروهای
ایرانی را که از طریق آواکسهای آمریکائی به
دستش میرسد در اختیار ارتش عراق قرار میدهد .
تحریک و حمایت از رژیم عراق در جنگ با توجه
خط مشی حاکمان سعودی کاملاً طبیعی بنظر
میرسد . زیرا از یک طرف با طرح شعار آزادی
قدس و صدور انقلاب از سوی امام خمینی رژیم -
های ارتجاعی و وابسته نظیر عربستان در معرض

۰۰۰ رژیم عربستان برای اطمینان دادن به کنگره آمریکا
جهت تحویل سه نوع موشک . . . صریحاً "ا" علام داشت که برنامه‌های
خرید تسلیحاتی این کشور در رابطه با اسرائیل نبوده و صرفاً
بخاطر پیشگیری از حمله احتمالی ایران و حفظ امنیت خلیج
است .

تهدید جدی قرار گرفته بودند و از سوی دیگر
هم سعودیها میل نبودند بای آمریکا و انگلیس
مستقیماً به منطقه بازشوند . لذا بهترین راه
حل از نظر آنها این بود که بایک تهاجم منطقه‌ای
انقلاب ایران را تعدیل نموده و اواد ارسازند که
از شعارهای انقلابی ، ضد امپریالیستی و ضد
صهیونیستی اش بخصوص آزادی قدس
و صدور انقلاب دست بردارد .

صدام حسین نیز از آغاز حمله به خاک
جمهوری اسلامی ایران صریحاً اعلام کرد که
انگیزه‌اش از این حرکت مبارزه با توسعه طلبی
ایران و دخالت این کشور در امور داخلی کشورها
در منطقه (صدور انقلاب) بوده است . مقامات
عراقی و محافل غربی بارها گفته اند که تا روزی که

ایران دست از شعار صدور انقلاب برند از دور
جامعه اینگونه با آنها وجود داشته باشد
هیچگونه تضمین عملی برای صلح وجود نخواهد
داشت . در مجموع باید گفت که هدف آمریکا
و وابستگان منطقه‌ایش از شروع جنگ ، تعدیل
انقلاب ، تضمین امنیت خلیج و دست برداشتن
از شعار صدور انقلاب بود .

در جریان توطئه اخیر کاهش قیمت نفت نیز
جای پای عربستان دیده میشود .
در روزنامه کیهان ۶۵/۱/۱۹ تحت عنوان
یادداشت اقتصادی مکانیسم اجرای این توطئه
توضیح داده شده است . کمقش سعودیها را در
این قضیه بخوبی نشان میدهد . آنچه به این
بخش از مطلب ما مربوط میشود اینست که حرکت
قیمت شکنی که توسط انگلیس با کاهش قیمت نفت
در ریاض شمال آغاز شد و به سقوط بازارهای نفت
انجامید ، با کمک نفت سعودی انجام میشود .
بدینصورت که رژیم عربستان روزانه قریب به سه
میلیون بشکه نفت را در مقابل یک قرارداد نظامی
در اختیار انگلیس قرار میدهد و انگلیس نیز با همین
نفت در بازار عمل میکند .

سعودی اگر واقعا به منابع ملی خودش و یا
دیگر کشورهای او کمک توجهی میداشت میتواند
با پرداخت هزینه قرارداد تسلیحاتی خود به
انگلیس از منابع ارزی اش این مقدار نفیست را
از اختیار دولت انگلیس خارج کرد و مجبوری توطئه
را بگیرد . اما سعودیها با ارا از اینهم فراتر
گذشته و با تأکید بر ضرورت افزایش تولید در جهت
تثبیت قیمت‌ها در سطح پائین فعلی تلاش کرد .

تضاد های درونی عربستان سعودی

الف - تظاهرات اسلام
تضاد های درونی رژیم عربستان سعودی
از نفاق و پیچیدگی رهبران این کشور ناشی
میشود . تضاد بین شکل اسلامی و ملی بسا
محتوای وابسته و ارتجاعی این رژیم نکته ظریفی
است که در خط مشی انقلاب اسلامی و نبوغ
برخورده با اینگونه رژیمها باید مورد توجه قرار گیرد .
مهمترین عامل ثبات و مشروعیت رژیم سعودی
تظاهرات مذهبی و خدمت به حرمین شریفین
است . حاکمان سعودی که به وهابیت مشهورند
خود را پرچمدان یک نهضت تجدیدگرا و اصلاح طلب
اسلامی میدانند که با سنتها و خرافات مذهبی به
مبارزه برخاسته و خواهان بازگشت به اسلام
اصیل و قرآن هستند . حاکمان
سعودی در حالیکه خود را عقید
و مبری از کلم اسلام میدانند
که با خدمت به اربابان آمریکائی و امپریالیستی
خود اصل اسلام و ارزشهای اسلامی را زیر پای
گذارند .

رژیم سعودی علیرغم ماهیت وابسته‌ای که
دارد با عوام قریبی و تظاهراتیگاه زیادی در میان
اهل امارت منن بخصوص جوانان مترقی سنی مذهب
پیدا کرده است . چنانچه عده‌ای از جوانان مبارز
سنی مذهب اعتقاد دارند که وهابیت در عربستان
یک ایدئولوژی مترقی است که بربک نظام
ارتجاعی قرار گرفته است .

حاکمان عربستان از اینکه فساد در بسیار
و وابستگی آنها به امپریالیسم آشکار شود وحشت
داوند . آنها نسبت به هرگونه افشاگری در این
زمینه‌ها به شدت به هرلی افتاد مواز خود واکنش

نشان میدهند . (رجوع به جلد ۳۵ ص ۹۱)
زیرا رویت آنها بعنوان رهبر جهان اسلام و یک
حکومت مذهبی در میان توده‌های این کشور و
مسلمانان منطقه زیر سؤال خواهد رفت .

ب - تظاهرات ناسیونالیسم عرب و حمایت از
جنبش فلسطین

رژیم عربستان سعودی به چند دلیل از
مدعیان دفاع از حقوق فلسطینیان است .
حمایت مالی از سازمان آزادیبخش فلسطین ،
تحریم نفتی در سال ۷۳ ، انتقاد به تسمیر کردن
کمپ دیوید و حمایت از تشکیل یک کشور مستقل
فلسطینی در کرانه غربی رود اردن مواضع سیاست
خارجی سعودیها را نسبت به مسئله فلسطین
مشخص میسازد .

سعدون حمادی وزیر خارجه پیشین
عراق طی مصاحبه‌ای اعلام داشته بود
که از مشوقین اصلی مادر حمله به
ایران سعودیها بودند و بخصوص
سعود الفیصل وزیر خارجه سعودی در
قاطعیت مامور بود .

دلایل چنین موضعگیری از سوی سعودی -
ها اجمالاً بقراین زیر میتواند باشد :

۱ - تقدس بیت المقدس :

بیت المقدس بعنوان زادگاه انبیاء اولین
قبله مسلمین و واقم شدن مسجد الاقصی در آن
برای مسلمانان از تقدس و محبوبیت خاصی برخوردار
است . سعودیها از آنجا که خود را رهبر
جهان اسلام قلمداد میکنند بدون شک نمی
توانند نسبت به آزادی بیت المقدس بی تفاوت
باشند . و غیر اینصورت مشروعیت خود را از دست
خواهند داد .

۲ - پیوند آلمان فلسطین و ناسیونالیسم
عرب

امروزه بر اثر مبارزات مردم و رهبران مترقی
عرب آلمان فلسطین با ناسیونالیسم عرب جوش
خورده است و به آن محتوای انقلابی بخشیده
است . سعودیها که مدعی رهبری جهان عرب
نیز هستند از این جهت هم ناچارند برای کسب
پایگاه در افکار عمومی اعراب از آلمان و حقوق
فلسطینیان دفاع کنند .

۳ - حفظ ثبات و امنیت منطقه

مقامات سعودی معتقدند اگر به خواسته
های فلسطینیها توجه نشود و تمام راه‌های
آنها بسته شود ، باعث رشد رادیکالیسم و گرایش
هرچه بیشتر به مبارزه مسلحانه در میان آنها
وتوده‌های منطقه خواهد شد . در این صورت
حتی ممکن است مبارزین در منطقه برای زیر
فشار قرار دادن رژیمهای سازشکار آبراههای
نفتی را مورد تهاجم قرار دهند . برای پیشگیری
از چنین امری سعودیها معتقدند که بایستی
با وعده تشکیل یک کشور مستقل فلسطینی آنها
را به سوی راه حلهای بین المللی و سیاسی
سوق داد و از گسترش بی ثباتی در منطقه جلوگیری
بکند . در ص ۲۸

تذکره تجدید

پیرامون دستگیریهای اخیر

بد نیال بازداشت‌های اخیر از ظلاب حوزه علمیه و مصاحبه سید مهدی هاشمی قضاوت‌های متفاوتی صورت می‌پذیرد که تنها یک موضعگیری اصولی است .

۱- جریان چپ‌زدگی و افراط : رشد و گسترش انقلاب را نادیده گرفته و صرفاً توطئه‌ها را می‌بینند و نارسائیه‌ها را عمده می‌کنند . ضعفها و نارسائیه‌های درونی خود را نادیده گرفته و از کار مکتبی برای حل آنها طفره می‌روند .

۲- جریان راست افراطی : با دست گذاشتن روی نقطه ضعف دیگران می‌کوشند همه رقبیان خود را از میدان بدر آنها طفره می‌روند .

کنند . اشتباهات و نارسائیهایی موجود در ظلاب مبارز را اصلت داده و به دیگران تعمیم می‌دهند . بدینوسیله کلیه نیروهای انقلابی و ارزشهای انقلاب را زیر سؤال می‌برند . این جریان با چماق کردن مسئله سید مهدی هاشمی می‌خواهند جو انتقاد سالها آزاداندیشی و مخالفت اصولی با افکار ارتجاعی و سرمایه‌داری و وابستگی را از بین ببرند . و همه را به تقلید کورکورانه از خود وادارند .

۳- جریان یاس و انفعال پرخروش : می‌توان هم‌اکنون این ماجرا را مشاهده داشت . و با از عهده‌تعیین مکتبی شرایط فعلی عاجزند . به این نتیجه می‌رسند که از اظهار نظر و دخالت در مسائل سیاسی و انقلابی بکناره

بگیرند . می‌گویند دیگر مسائل فعلی را نمی‌توان اصلاح کرد و تلاش فایده‌ای ندارد .

۴- جریان جمع‌بند و اصولی : برخی در برابر این ماجرا معتقد به جمع‌بندی و ریشه‌یابی به روش صحیح می‌شوند . با در نظر گرفتن رشد ها و وجود انقلاب و در نظر گرفتن ارزشها و نقاط مثبت ضعفها و نارسائیه‌های درونی ریشه‌یابی کرده و از آن بعنوان تازیانته تکامل بهره گرفته و در جهت انسجام مکتبی و تداوم انقلاب تلاش میکنند .

این نکات در شرایط فعلی ما را در اتخاذ موضعگیری صحیح کمک میکند .
۱- صبر و تحمل : بهره‌میز از قضاوت عجلانه بر اساس اخبار و گزارشها که اغلب کاملاً موشق مطرح میشوند و متناقض آنهم بهمین سبک وجود دارد .

۲- کرمحکات انقلاب : مشخص کردن محکات تحلیلی و میناهایی در رابطه با انقلاب که در آن ابها موثر دیدنی نیست موجب میشود از افتادن به سرگردانی و تابع جوشدن جلوگیری شود . (رجوع شود به مقاله محکات انقلاب یا مباحثی از زهرای تحلیل شرایط رهمین شماره)

۳- روحیه برخورد و تبادل نظر : با توجه به اختلاف تحلیلی موجود در نیروها،

خطر قطب بندی و تجزیه نیروهای مبارز بیشتر میشود . جلوگیری از قطب بندی بیجا کاذب و طرابلس شدن جامعه خود یکی از مباحث اساسی موضعگیری در شرایط حاضر است . تقویت روحیه تبادل افکار و ارتباطات در سوزان انقلاب با این امر کمک می‌کند .

۴- پرهیز از ظواهرینسی بی‌قاعده یونانی : تصرف الاشیاء با ضادها - (هر چه چیز را با ضاد ش می‌شود شناخت) ما را به شناخت واقعی از مسائل نمی‌رساند . ضدر جریان باطل الزاماً حقیق نیست . در رابطه با مسائل جاری عملکرد و موضعگیریها باید شو لوزی هر جریانی را بطور مستقل بایستی بررسی کرد . برخی خود را مخالف سرسخت اشتباهات دیگران جاسی زنیند تا بدینوسیله مشروعیت کسب نمایند .
۵- " غفران الهی " را کفران نکنیم .

از مسائل نه ساده‌بگدریم و نه عوارض اشتباهات را نادیده انگاریم کوچک شمردن خطاها ، خود بزرگترین خطاهاست و عامل تکرار و گسترش آن است انصاف و عدالت را از یاد نبریم تا با خطر اشتباه و خطا، ارزشها و نقاط مثبت را نادیده انگاریم . اشتباهات را زمینه عبرت و ضربه‌ها را به تازیانته تکامل تبدیل کنیم .

عنايت فرما ، خدايا وحدت كلمه بياي همه مسلمين حكمفرما بفرما ، خدايا دلهاي ما را به يكديگر مهربان فرما ، شر كفا رواجا نب را و اسراشيل و اعمال شرق و غرب را از سر كشورهاي اسلامي بر طرف بفرما ، رزمندگان مسلماني در ايران لبنان ، فلسطين ، افغانستان هر جا مسلمين بخاطر اسلام و عدالت اسلامي فعاليت مي كنند و دفاع ميكنند خدايا بپروزي نصيب آنها بفرما ، شهداي از - مسلمين با شهداي صدر اسلام با شهداي كربلا محشور بفرما ، به همه با زماندگان صبر و اجر عنايت بفرما ، به رهبران انقلاب ايران طول عمر عنايت بفرما ، زحمات و فداكاري برادران را آنها شي كوه فداكاري زبانا " مالا " قداما " به هر نحوي فداكاري ميكنند خدايا به همه شان اجر عنايت بفرما .

اميدواريم كه شما با هماهنگي با اتحاد همه اقشار ، اين جهات اينكه ايمن حزب الدعوة هست و از حزب العمل اينها را بريزيد دور ، هدف هدف بزرگي است ذوب بشود ، همه ذوب بشوند در يك مجتمع واحد نشاء ... همه ذوب بشويه جمعيت واحد اي بشويد قطعا " بدانيد پيروزي با شماست كم هم باشيد : كم فشه قليله ... ان تنصروا ... بشرط اينكه كرده ها نگويند ما ، كرده ها بخوانند غالب بشوند عرب ها نگويند ما ، عرب ها بخوانند غالب بشوند ، نمي دانم سني ها بگويند نه با يد سني ها چي ، شيعه و سني و كرد و عرب و فارس حتي مستضعفين مسيحي هم ، يهودي ها ي عراق هم آنها شي كه مستضعفين و در سرشان ميخورد ، همه مستضعفين قيام كنند ، انشاء ... پيروزي از ان شما خواهد بود .
خدايا به حق محمد و آل محمد به من و همه برادران توفيق خدمت به اسلام و مسلمين

وظیفه‌شان چیه بی تفاوت نباشند نسبت به ظلمها و تعدیات این خیلی مهم است و این وظیفه در درجه اول وظیفه علمای ، روشنفکران و نویسندگان ، و کسانی که حرفشان نفوذ دارد در ملت ، ملت را آگاهی بدهند پس انشاء ... امیدواریم این کنفرانس که علی ماسع کنفرانس پربرای بوده از تلویزیون هم بعضی برنامه‌ها پیش را گوش میکردم انصافاً " خوب بوده و آقایان نظراتی داشته اند سمنان را داشته انشاء ... تعقیب بشود همین اجتماع ملت عراق در جبهه‌ها ز داخل و خارج که جنگ بصورت جنگ ملت عراق و حکومت بعثت ، ما ایرانی ها در کنار دست مریزاد بهتان بگوئیم با مثلاً " بعضی مکاناتی هم داریم در اختیارتان بگذاریم ، هیچ هم طمع نداریم به عراق ملت عراق بیایند عراق را بگیرند خودشان هم بر اصول اسلام در عراق حکومت کنند آنوقت قهراً " کا در - سازی هم میخواد همتیاً هم میخواد هاز - همین الان به کمک سپاه ایران ارتش ایران مسئولین ایران خودتان سعی کنید کارهای سیاسی ، کارهای نظامی کارهای قضایی افرادی که بتوانند تربیت کنید به ارتش عراق هم تذکر بدهید که ما اگر انشاء ... آمدیم به عراق ، عراق بی ارتش نمی شه ما شما را می خواهیم ، مگر آنها بی‌تان که معاندند باید و همیمن اسرا از شان استفاده بشود ، همه همه با شد و عرض کردم ما بیوس هم نباشید همه او را زعفر شروع میشود قیام ایران هم از زعفر شروع شد و به نتیجه رسید انشاء ...

بقیه از صفحه ۲۵
ادامه رهنمودهای آیت الله منتظری ...
ناچاریم بیایم جبهه‌ها ، تقیه را بد معنی کردند اندو چون بد معنی کردند ، آنوقت به ما طعن می‌زدند ، احادیث تقیه را نگاه کنند آقایان دروسا مثل الشیعه می‌فرمایند : حضرت التقیه تُرس المؤمن ، التقیه جنة المؤمن ، تُرس یعنی سپر ، جنة یعنی سپر ، در صندوق خانه‌ها تا که انسان خوابیده که سپر نمی‌خواهد ، در میدان مبارزه و جنگ انبیا ن سپر می‌خواهد در صورتیکه در مقابل حکومت‌های اموی و عباسی آن روز قرار میگرفتند اگر میخواستند عقایدشان را - اظهار نکنند می‌گشتندشان مجبور بودند مبارزه نکنند ، در راه حق دفاع بکنند و ظاهرها هم حفظ بکنند که لو تروند مثل همین کارهایی که جنگ‌های چریکی میشود افراد مبارز ، اینها ظاهر را حفظ میکنند که لو تروند و باطناً " هم کارشان را میکنند کسی که در میدان مبارزه هست تا کتیک مبارزه بسا به اینجوره که انسان خودش را حفظ کند که لو تروند برای اینکه هدف بزرگتری را انجام بدهند ، نه معنی تقیه این میباید که مردم زیارت امام حسین بروند : یا لیتنی کنت معکم ... بگویند بعد هم بگویند چاره نداریم بیایم اینجا مثلاً " ایرانی ها را بکشیم بگویند چاره‌ای نیست ما را آورده اند به جبهه این عذری نیست و این بسته است به اینکه علماء و بزرگان رشد بدهند به افراد ، - بچه‌های خوبی هم هستند بیچاره‌ها ، لیکن رشد ندارند این نوعی سیاسی و رشد و آگاهی و این که بصیرت پیدا کنند و بدانند که

انحرافها و گرفتاریهای مابین امریکه و کپی بود میباید . یعنی در حقیقت بجای مبارزه با فساد ، خطا اساسی مبارزه با فساد را تضعیف کرده و به گسترش فساد کمک میکنند با مثلاً عده‌ای که وقتی بدلیل حفظیبات نظام در حال جنگ جمهوری اسلامی اجرای بند چ متوقف میشود ، خود را از نظام کنار میکشند و پشتیبانی خود را از نظام قطع میکنند در حالیکه نمیدانند اگر قرار باشد روزی شعار زمین برای دهقان از روی کاغذ خارج شده ، و به مرحله اجرا درآید بالاخره میباید توسط يك حکومت ملی به اجرا درآید و شعار دادن علیه این حکومت بجای کمک در سوزان به آن و بجای کوشش در جهت ایجاد زمینه و رفع موانع اجرای این حکم در کمک به نفوذ آنها و ضد دهقانهاست .

بقیه از ص ۴۰
ادامه نقطه نظرات ...
از این قد است روشنفکری - ضد انقلابی که باعث لنگه ، ماندن کار دولت ملی می‌شد بسیار در رنج بود ، همین قد است های ظاهراً اسلامی که امروز باعث لنگه ، ماندن کار دولت اسلامی است .
همچنین بنظر میرسد ، سخنان امام برای هدایت جریانهایی است که آنقدر روی حفظ و اجرای يك حکم اسلامی ، حکمی که زمینه اجرایی چندان هم ممکن است نداشته باشد ، پانشاری میکنند که اصل حکومت اسلامی را به خطر می‌اندازند . مثل پانشاری با انگیزه ضد فساد روی اجرای کامل حجاب ، پانشاری ، باعث بدبین شدن مردم به دولت و تضعیف نظام اسلامی میشود ، نظامی که در حال جنگ با ریشه همه این مفاسد و هت هت

بقیه از صفحه ۱۲
ادامه سرمقاله ...

تا این اسلام را به اسلام معاصر و تکامل غرب تبدیل کنند.

در تداوم خط امام، تثبیت آیت الله منتظری بعنوان قائم مقام رهبری، با آن مواضع درخشان، پیروزی بزرگی برای اسلام و انقلاب محسوب می شود.

رشد و گسترش انقلاب و بنیاد دگرایی در منطقه پیروزی انقلاب اسلامی نقطه امیدی برای توده های تحت ظلم و ستم کمپ دیوید در منطقه بود. به این دلیل مقاومتها و جبهه گرفت، عملیات انتحاری و چریکی شدت یافت و باعث عقب نشینی نیروهای آمریکا، اسرائیلی، فرانسوی و ... گردید. و آنچنان بحرانی را در غرب ایجاد کرد که مبارزه مسلحانه و بنیاد دگرایی را بعنوان تروریسم و دشمن اصلی معرفی کرده و دیگر شوروی دشمن اصلی قلمداد نمی شود.

(رجوع شود به "سراهای اختیار امام حسین (ع) - سراهای اضطرار ریزید، سراهای اضطرار اسرائیل در شماره ۲۸ همین شماره)

رشد میانجیگری از شاه تا سوریه

قبل از پیروزی انقلاب آمریکا شاه را بعنوان میانجی در بحرانها و جنگهای منطقه وارد عمل میکرد. در جریان جنگ تحمیلی بعد از شکست سازمانها و مجامع بین المللی و کنفرانسهای به اصطلاح اسلامی و جنبش عدم تعهد در میانجیگری بین ایران و عراق، امیرالایم به این نتیجه رسید که باید تن به میانجیگری بیرونی بدهد که دارای ویژگیهایی قابل قبول برای انقلاب اسلامی باشد. به این ترتیب جناحهایی از غرب سوریه را که بعنوان "کشوری ضد صهیونیسم و ضد امپریالیسم معروف شده و دارای روابط حسنه با جمهوری اسلامی میباشد، حلال مسائل خاورمیانه و جنگ ایران و عراق میدانند. طبیعی است اگر رشد و مقاومتی در انقلاب نبود، غرب ناچار از این امر نمی شد و این خود عقب نشینی غرب در مقابل مقاومت انقلاب است. امام در سخنان خود بمناسبت عید غدیر، این میانجیگری را هم پذیرفتند.

مقاومت انقلاب و نیاز غرب به رابطه

به اعتبار مقاومت ما، دشمن (غرب و صدام) کج شده و آمادگی خود را به طرق مختلف برای مذاکره اعلام نموده اند. در این چند ساله سیل هیئتهای طرح به سمت ایران سرازیر شده و میانجیهای زیادی سعی کرده اند تا مارا وادار کنند مذاکره را بپذیریم. اقدامات فوق و همچنین محکوم نمودن عراق در مقابل از جنگ (در زمینه استغاده از بسم شیمیا) همه نشانگر نیاز دشمن به مذاکره است. این نیاز غرب را وادار به عقب نشینی کرده و اذیت الکفر ناچار و داخل انقلاب را بپذیرد. اعترافات ریگان و سخنان دکستر و ... موبد این قضیه است.

با سیری که بر سر مردمیم پذیرفتن اصل انقلاب از جانب ریگان، ولو هم که منافقانه باشد، کاهش مقاومت و وسیع شدن زاویه ما بدینسان دارد و گسترش انقلاب در سطح توده های منطقه، پذیرش این اصل در بین نظامهای منطقه را نیز در پی دارد یعنی ما عقب نشینی ریگان، نظامهای مرتجع منطقه مثل عربستان کویت و ... و تروریسم رجوی دیگر نمی توانیم (افغان) نیست به ما حرکت برانداز داشته باشند. ویژگی دیگر این اعتراف ریگان شکست نسجام غرب و ایحاد اختلاف در جنبه غرب است و جناحهای دوراندیش دشمن برای قبول خطر کمتری این عقب نشینی را می پذیرند. گفته شد مذاکره صرفاً "به لفظ ملاقات و

واژه های مشابه نیست. آنچه یا گریه یک نفر دلیل بر حالت درونی اوست در حالی که لفظ یا منطقی بکار برنده است. همه میدانند لبنان قهرمان یکی از مواجها در شدت و عمق انقلاب اسلامی است.

در شرایطی که جولیان به اعتراف خود غریبها، جوگروگانگیری و عدم مصونیت کلیه جناحهای غرب است، آمدن مک فارلین و یا رانش به ایران آنهم بطور قاچاق و بزرگشت سالم آنها به آمریکا، ولو هیچ برخورد و تخطیه اطلاعاتی هم صورت نگرفته باشد، بکنوع مصونیت و نشانی از عدم رویا رویی هر چند موقت با غرب و سرد شدن انگیزه گروگانگیری و عملیات مشابه در لبنان و دیگر جها می باشد.

اوایل انقلاب صحبت از نزدیکی به اروپا و ژاپن و ترکیه و پاکستان و عربستان و شرکت در کنفرانس اسلامی جزو جرمهای مسئولین بشمار می رفت. نفس سگریه این کشورها خود یک عمل است و لو هیچ ملاقاتی هم در آن نباشد. سفر مسئولین به عربستان که عینیت آمریکا در منطقه بوده و مجری طرحهای آمریکا یعنی کمپ دیوید دوم، کنفرانس فاس، کنفرانس طائف، توطئه نفت، همکاری اطلاعاتی با آمریکا و صدام می باشد و ملاقات با ملک فهد، اینها دال بر نقطه عطفهایی است که همه از آن مطلعند.

یک واقعیت وجود دارد و آن اینکه حالا انقلاب ما در شده و اصل آن را دشمن و لومنافان پذیرفته است. ظاهراً "بر اساس ضوابط، زمان مذاکره فرا رسیده است. ولی یک مطلب را نباید فراموش کرد و آن اینکه بهره برداری از عقب نشینی آمریکا و سازمانهای بیرونی آزاد شده به مجموعه ای (نه یکی و نفر) از کارهای همه جانبه و با کیفیت نیاز دارد که به غرب و منطقهایش خوشبین نبوده و مصداق "بازار لکم دینکم ولی دین" باشد. این امر که خط مشی انقلاب اسلامی ایران در منطقه صادر شده و فراگیر گشته است، بنوبه خود پیروزی بزرگی است که غرب نیز به آن اعتراف کرده است. ولی وجه دیگر قضیه را هم ببینیم که تروریسم آمریکا بی دوازده هزار نفر از کارهای انقلاب را به ضابط رسانده است، کارهایی نظیر شهید بهشتی، منتظری، رجایی، باهنر، مدنی، دستغیب، هاشمی نژاد، رجب بیگی، فرماندهان خط امامی و ... اگر چه انقلاب کارها و فرماندهان زیادی در دل خود پروراند ولی خلا کارهای همه جانبه هنوز محسوس است در مقابل وضعیت فعلی انقلاب و وضعیت قبل از انقلاب و پیروزی در مذاکرات یا ریش با بد به این خلا و توطئه جوهر کشی (طرح فونیکس) توسط ایادی امپریالیسم توجه داشت.

نتیجه گزارش اولاف پالمر در ابتدای جنگ این بود که جنگ تمام نمیشود مگر اینکه هر دو حکومت ایران و عراق تعدیل شود. اینجا بود که ما موریت تروریسم آمریکا بی به رهبری رجوی شروع شد که شهادت ۷۲ تن از ایرانیان امام و خط امام میهای دیگر را بدینال داشت.

دشمن وقتی بفهمد مخاطبش خوشبینی هلی به نظامهای غربی داشته و به "خط پایان جنگ" معتقد است و دیگر برگ برنده ای در مذاکره ندارد، با صبر و حوصله زیاد مخاطب خود را خسته نموده و با فشارهای بیشتر خواهان امتیازات بیشتری می گردد.

از طرفی میدانیم که امام خمینی جنگ را عمل صالح، تکلیف الهی، جنگ اسلام با کفر و نفاق و کمپ دیوید و لاترا ز فرعون دین دانسته و میدانیم که هیچ کس بیش از امام روی جنگ مایه نگذاشته است. دشمن هم چنانکه گفته شد، از روند جنگ و چریکی تر شدن و مردمی تر شدن آن ناخشنود است و منافع خود را عمیقاً "در خطر می بیند.

امام ما مجموعه ای از کارهای معتقدانه

خط خودشان می توانند مذاکره را به تداوم مقابلت تبدیل نموده و از عقب نشینی غرب بهترین استفاده را بنمایند.

اگر کسی با نیت پایان جنگ بخواد وارد مذاکره شود مثل آن است که مثلاً "مصدق بانیست صدور نفت وارد مذاکره می شود و کاری به اصل ملی شدن و ارزشهای نهضت ملی نمی داشت که طبعاً "با غرب در یک راستا قرار می گرفت و

تروریسم آمریکا بی ۱۲ هزار نفر از کارهای انقلاب را به ضابط رسانده است. گرچه انقلاب کارها و فرماندهان زیادی در دل خود پروراند ولی خلا کارهای همه جانبه هنوز هم محسوس است

نتیجه آن چیزی جز معاصره و سازش نبود.

در مقاله "الفتح، محاهدین، حزب جمهوری" راهما هدشما ره ۳۹ و ۳۹ به توطئه جوهر کشی خزنده و راه حل مقابله با آن رسیدیم و خلا

بقیه از صفحه ۳۶

ادامه پیرامون مسئله ...

اولین بار محاهدین را ما رکیست اسلامی نامید و بعداً "هما و اک آن را جهت سرکوب و متلاشی کردن پیروان امام خمینی و هر مسلمان انقلابی بکار می برد.

این واژه برای کسانی بکار میگرفتند که مبنای ما رکیستی داشته و فقط اسلام را در شکل قبول دارند در حالی که هیچکس نبود که به انگیزه های اسلامی و عشق محاهدین بنیان گزار به قرآن و ائمه اطهار (ع) شکی داشته باشد.

التقاط پذیرفته شده و التقاط پذیرفته نشده

اگر بخواهیم التقاط را بمعنای وسیع آن بکار ببریم طیف گسترده ای را در بر میگیرد. و انقلاب و حفظ نظام جمهوری اسلامی را فلج میکند.

بعنوان مثال واژه "جمهوری اسلامی" هم التقاطی است بین اسلام با جمهوری که یک واژه افلاطونی و غربی است. با این حساب آموزشهای حوزه های علمیه نیز التقاطی از کتابهای ارسطویی (غیر قرآنی) و متون اسلامی می شود.

شما جمهوری دموکراتیک اسلامی که اولین بار توسط شهید بهشتی در دهم بهمن، سنال ۵۷ در بهشت زهرا مطرح شد یک شمای التقاطی میشود همچنین مسلمانهایی که در اصول مسلمان بوده ولی بعلمت فقر در روش در زمینه اقتصاد و سیاست و علم به امام غرب می افتند نیز التقاطی می شوند.

آنها بی که در حوزه راه انبیا و قرآن را در یک زمینه و راه بشر و علم روز را در زمینه دیگر قبول دارند و آنها که حوزه ما ده و معنی را در کنار هم قبول دارند نیز التقاطی میشوند.

با این حساب ایدئولوژی عرفانی امام نیز با ملاک و معیارهای یونان غیر منطقی و التقاطی می شود.

آ میزش سنی و شیعه هم التقاطی می شود.

کارهای همه جانبه و لزوم کادرسازی ایدئولوژیک را گوشزد کردیم. در این رابطه فردا هم دیدار است.

مطلب دیگر اینکه حضرت محمد (ص) در سطح خدیبیه و امام حسن (ع) در سطح معاویه با کار توضیحی خود همه نیروهای رزمنده و خوش روحیه را به صالح بودن عمل رساندند. مذاکره وقتی عملی است صالح که انسجام امت حفظ شود ولی اگر بنا باشد افراد خوش روحیه و رزمنده فدا شوند، عواقب بدتر از جنگ خواهد داشت. چنانکه در مصر دیدیم که به جنگ داخلی انجامید. اما نیز در پیام حج خود به صلح و سازش بدتر از جنگ اشاره کردند (رجوع شود به "پیژه نامه فقه امام خمینی" راهما هدشما ره ۳۸)

در خاتمه پیشنهاد ما این است که هر وقت مذاکره عملی صالح باشد ویژگیهای فوق در نظر گرفته شود، امام خمینی خود رهبری و ابتکار آن را هم تصور کرد در پاریس عمل کردند، معاهده بگیرند و نتایج آن به اطلاع رزمندگان برسد که نه تنها ست نشده بلکه بر مقام و متشان نیز افزوده میگردد.

امیدواریم که مرزی بین التقاط پذیرفته شده و التقاطی گیری سیستماتیک بوجود آید.

بنظر ما بهترین راه مبارزه با ملغمه و اختلاط و عدم انسجام (التقاط) و التقاط سیستماتیک ارائه مکتب اسلام را هنمای عمل و راهنمای سیاست و اقتصاد دوما رزه میباشد. و عبارات دیگر اسلام را هنمای عمل، همان تحقق پیام حج امام است که گفتند علما و جوانان برومند رویایات سیاسی و اقتصادی اجتماعی قرآن کار کنند.

ما مشاهده می کنیم خیلی از کسانی که شعار علیه التقاط می دهند خودشان یک مکتب منسجم و راهنمای عمل ارائه نداده اند. آنها قصدشان این است که هر کس به هر نستی که باشد با شاه مبارزه

بهترین راه مبارزه با ملغمه و اختلاط عدم انسجام (التقاط) و التقاط سیستماتیک ارائه مکتب اسلام را هنمای عمل و راهنمای سیاست و اقتصاد و مبارزه می باشد.

کرده را زیر سوال ببرند. نقطه قوتها را فراموش و نقطه ضعفها را بزرگ نمایند. ما شنیده ایم در سال ۱۹۶۰ گروه عاقبت طلب بیش از هزار مقاله و جزوه در مورد شناخت بمنظور مبارزه با التقاط جمع آوری کرده است آیا اینها خودشان اسلام را هنمای عمل ارائه داده اند؟

اینجا بجای مبارزه با التقاط فقط ت را برای منافقین و عاقبت طلبها گل آلود می کنند و کارشان هیچ نتیجه مثبتی هم ندارد.

گفت با یحیی زنده نودوشیا مردم دست را گفت هوشیاری میا را اینجا کسی هوشیار نیست با ورقی ها:

- ۱- منظور سلسله کتابهای تبیین جهان رجوی است.
- ۲- بسیاری از متفکرین اسلامی هستند که منطبق ارسطو را مقدمه معارف اسلامی و کلید فهم قرآن میدانند. در حالی که منطبق ادعایش این نیست که وارد مصادیق شود و همه آیات قرآن معلول خاریه یا مابنه از خارجی دارد. از طرفی امام خمینی در سال ۶۲ گفتند که کتابهای ارسطویی از آنچه که در قرآن کریم دنبال می شود نمیدهد.
- ۳- این معادله مخصوص رجوی است.

شیوه اصولی استمرار جنگ

در شیوه‌ی اختلافات موجود

انگیزه نگارگر:

۱- ریشه‌یابی اصولی مشکلات موجود

طایفی در انقلاب وجود دارد که شامل گروهی از روحانیون، انقلابیون و روشنفکران میشود. این طایفه ریشه همه مشکلات موجود را اقتصاد و میدان‌داری باطله اقتصاد دو جنگ تبیین درستی ندارد.

این عده روی شیوه‌های مکتبی اقتصادی جنگ بوده و ولی نسبت به شیوه‌های مکتبی مقابله بمثل را اصولی میدانند. حال آنکه در خطبه‌های نماز جمعه تهران، انجام مقابله بمثلها زموضوع انتظار معرفی شده است و مسئولین تهران انجام آن کراهت نداشته‌اند. این طایفه فکری در سقوط صدام نیز نقیض مهمی برای مردم عراق قائل نیست.

۲- جلوگیری از ایجاد دو قطبی کاذب (کار- سرمایه) درون انقلاب

سرمایه داری در ایران از پیش‌توانه قوی اندکولوژیکی برخوردار است. از طرف دیگر سرمایه داری ملی (سرمایه داری در جهت استقلال و خودکفایی با دارا بودن عرق ملی) نیز دارای جایگاه نسبتاً مردمی بسوده و منافاتی با استقلال ملی ما ندارد. بنا بر این عهده کردن مبارزه با سرمایه داری بدون مرزبندی ملی از وابسته موجب تشدید درگیریهای داخلی میشود که نهایت آن تضعف امر جنگ خواهد بود.

وقایع اخیر نشان داد که امپریالیسم با کاهش قیمت نفت و کاهش ذخایر ارزی کشور هم با دولت جمهوری اسلامی درگیر شد و هم با سرمایه داری ملی. ما در این مقاله بر صدمت تا نشان دهیم که مبارزه با سرمایه داری وابسته تنها سرمایه تقویت شیوه‌های مکتبی در جنگ، پسند مسائلی

داخلی یا جنگ امکان پذیر است. تحقق این امر منوط به این است که ناسازیهای جنگ و استقلال کشور، مبنای شیوه تولید، تقدم تأخیر لویح مجلس و... قرار گیرد.

۳- تز استقلال ما، صدور انقلاب است

عده‌ای از مسئولین به استقلال وفانار هستند ولی صدور انقلاب را قبول ندارند. میخواهیم ثابت کنیم که در شرایط فعلی صدور انقلاب، عنیت استقلال ما را تکمیل میدهد.

استقلال، صدور انقلاب، جنگ

ست یابی به استقلال اقتصاد ما از طریق صدور انقلاب و اتکا به بسیج داخلی امکان پذیر است که در ذیل به توضیح آنها معبرنازم.

الف- رابطه استقلال و صدور انقلاب

تجربه انقلابات در سراسر جهان نشان داده است که امپریالیسم با بقول امام شیطان بزرگ، به هیچ کشوری مجال رسیدن به خودکفایی را نمیدهد و با انواع فشارها نظام سیاسی سعی در سرکوب انقلابات مینماید. تجربه کمک به ضدا انقلابیون نمکارا گوا، حمله به لبنان، و ایجاد جنگ ایران و عراق، بخوبی شاهد این مدعا است. حرکت امپریالیسم در مقابله با انقلابات تبیین المللی بوده و بطور مستقیم با از طریق ارتشهای منطقه اقدام به سرکوب آنها مینماید. با شناخت این مسئله است که انقلاب نیز با بدرا خودکفایی را در صدور انقلاب دنبال کند تا از این طریق فرصت فشار خارجی و در نظفه خفه کردن

صدور انقلاب موجب میشود تا:

- ۱- "ولاً": کشورهای منطقه به دلیل ترس از قیام مردمشان قدرت کمک نظامی به صدام را نداشته باشند.
- ثانیاً": ارتشهای منطقه با ملتشان درگیر شده و توان فشار متمرکز روی کانون انقلاب را از دست بدهند.

کمون پاریس، فرانسه و جنگ ایران و عراق اشاره کرد.

کمون پاریس

در قرن هجدهم، کمون پاریس، فرانسه تشکیل شد. این کمون موفق شد قدسهای موفری در جهت خودکفایی اقتصادی و صنعتی برقرار و لی بدلیل محدودماندن در داخل و عدم پیوند با نهضت‌های منطقه با سرکوب ارتشهای فرانسه و آلمان و بلژیک روبرو شده و بیش از سه ماه دوام نیاورد. این ضربه موجب شد تا عده‌ای به این جمعبندی برسند که بدلیل بین المللی عمل کردن امپریالیسم، حیات انقلاب نیز در مقابل توتائهای آن، در صورت انقلاب با جهانی عمل کردن آن می‌باشد.

جنگ ایران و عراق

یکی از عمده‌ترین توتائهای امپریالیسم علیه انقلاب اسلامی، وارد کردن فشار نظامی برای خاموش کردن حرکت استقلال خواهی مردم ایران بود که این توطئه توسط رژیم بعثی عراق به اجرا درآمد. صدور انقلاب علاوه بر اینکه منفعت نظامی سیاسی ما را در برمی‌گیرد، راه استقلال، خودکفایی تضمین میکند، راه‌هاگشایی تحقق اهداف اصولیمان در جنگ (منجمله سقوط صدام و حزب بعث) نیز می‌باشد. بدین طریق که اولاً: پیوند خقیقی منطقه موجب مگر دوتا رژیم‌های وابسته منطقه از ترس قیام مردمشان جرأت کمک به صدام را نداشته باشند مثلاً اخیراً پس از عملیات فا و قرار بوده حتی مبارک کمک نظامی به رژیم بعثی نماید، ولی به خاطر ترس از نیروهای بنما دگرا در داخل مصر، موفق به ارسال این کمکها نگردیده است.

ثانیاً: پیوند با مردم عراق موجب میگردد تا رژیم بعثی، ثبات مردمی اش را از دست ندهد و با رشد قیامهای مردمی، بطور اصولی سقوطی تسریع گردد. بنا بر این حساسیت روی استمرار شیوه‌های مکتبی در جنگ، به طریقی که عنوان شده، علاوه بر تنبیه متجاوز

ضامن استقلال سیاسی - اقتصادیمان نیز خواهد بود.

ب- راهب استقلال اقتصاد و بسیج داخلی

عدم مشارکت مردم در رسیدن به استقلال اقتصادی، موجب میشود تا در عمل خودکفایی به کفا و وزی مکا نیزه تکمیل کنیم. از طرف دیگر بدلیل عدم برخورداری از تکنولوژی پیشرفته، در امر کفا و وزی ناچار از واردات لوازم و ابزار مورد نیاز از کشورهای صنعتی خواهیم بود. از آنجا که

استقلال اقتصادی از زمین برود، توسعه اینکه گسترش با بگاها و انقلاب و پیوند با نهضت‌های منطقه موجب میشود که:

اولاً: کشورهای منطقه بدلیل ترس از قیام مردمشان قدرت فشار نظامی روی کانون انقلاب در منطقه را از دست بدهند و با استفاده از این فرصت، انقلاب را خودکفایی را پس آنکه در نهاده خفه شود انامه دهد.

ثانیاً: گسترش انقلاب باعث میشود که ارتشهای منطقه در داخل با ملتشان درگیر شوند و توان فشار متمرکز روی کانون انقلاب را از دست بدهند. برای نمونه میتوان به تجربه

خرید تکنولوژی پیشرفته به ارز حاصل از فروش نفت اتکا دارد و این منقبت نفقسی تر شرایط جنگی به خطرمی افتد. مینا براسن رسیدن به خودکفایی کفا و وزی در شرایط جنگی غیر ممکن خواهد بود.

برای اینکه قانربه انامه راه خودکفایی کفا و وزی در شرایط جنگی باقیم نماز مند استفاده از شیوه‌های سنتی در کفا و وزی هستیم. در شیوه سنتی کفا و وزی، ناسازی تکنولوژی را توسط بسیج کشور نیروی انسانی، میتوان جبران نمود و از این طریق تولید را بالا برد. تجربه جهاد سازندگی نمونه خوبی برای اثبات این مطالب میباشد. همچنین انقلاب چین نیز توانست با تکمیل بر بسیج نیروی انسانی و استفاده از روشهای ساده در امر کفا و وزی به نتیجه‌های موفقیت آمیزی برسد. برای پناده نمودن این طرح، پیشنهادی در راه مجاهده تحت عنوان "جهار استان و مبارز" آمده است.

مبنای شیوه تواندهما استقلال است

از آنجا که همه انسانها خدا جویند و خدا قائم به ذات و صمد است، ولذا انسانهای خدا جو دوست دارند قائم به خود، خودکفا و مستقل باشند. بنا بر این استقلال در همه وجوه اقتصادی سیاسی اجتماعیه همیشه در جوهره وجودی همه انسانها دارد. حال اگر مبنای شیوه تولید را استقلال و خودکفایی بگیریم، بنا بر همین شیوه‌ها می‌تواند به کار بندیم تا در آمد مشروع داشته و استقلالمان تضمین گردد.

در واقع باید استقلال و ناسازیهای دفاع مقدس، مبنای شیوه تولید قرار بگیرد. اگر این اصل را مدنظر قرار دهیم بسیاری از اختلافات حل شده و همه اقشار و طبقات را میتوان در جهت استقلال فعال کرد. در چنین حالتی سرمایه‌ها نیز در تولید خودکفا فعال شده و سودشان مشروع خواهد بود. این امر باعث از زمین رفتن دو قطبی کاذب دولتی - خصوصی که امروز ملاک مترقی با مرتجع بودن شده است میگردد. حال آنکه هر دو بخش با زلحاظ درآمد وابسته به نفت هستند. اگر ناسازیهای جنگ دفاعی مبنای شیوه تولید قرار نگیرد، نظام اقتصادی کلاسیک که زبنا با رژیم سلطنتی میباشد دست نخورده باقی مانده و حفظ امنیت نظام اقتصادی در تعارض با ارزشهای انقلاب منجمله صدور انقلاب و... قرار خواهد گرفت.

عدم اصلاح نظام اقتصادی با قیمانده از رژیم وابسته موجب میشود تا بسیاری از تضاد بین این نظام اقتصادی از یک طرف و صدور انقلاب از طرف دیگر، مجبور به فنا کردن صدور انقلاب شویم که تدریجا ما را به خاسرستستی مالیات آمیز با میدان بزرگ خواهد رساند.

امید داریم نیروهای انقلاب و مسئولین جمهوری اسلامی در برخورد با مسائل داخلی و سیاست خارجی به انگیزه‌های زیر که در مقدمه نیز ذکر شد توجه نمایند:

- ۱- صدور انقلاب که ضامن استقلال ماست.
- ۲- حساسیت روی استمرار دفاع مقدس به شیوه مکتبی.
- ۳- جلوگیری از ایجاد دو قطبی (تفرقه)

صفت و ضامن استقلال ما، صدور انقلاب است.

پرامون مسد التقاط

انگیزه:
از آنجا که در این مرحله از انقلاب نیاز به اسلام را هنمای عمل و بدون عدم انجم و بدون آلودگی به مکاتب شرق و غرب شدت یافته است. از آنجا که وزیر اطلاعات در مصاحبه‌های شان التقاط را بعنوان اطمینان‌بخش جرم و انحراف دستگیرشدگان اخیر عنوان کرده‌اند. از آنجا که این روزها مسئله التقاط و مبارزه با آن مسئله‌های بسیار روز شده است.

از آنجا که روزنامه‌ها به‌خصوص رسالت مقاله‌ها و سرمقاله‌ها در مورد آن نوشته‌اند. از آنجا که تاکنون تعریف اسلامی مشخصی و مرزبندی شده‌ای از التقاط توسط مراجع ذیصلاح ارائه نشده است. از آنجا که بعضی التقاط را حربه‌ای نمونه تا نیروهای انقلابی را از صحنه بیرون نمایند سعی داریم تا در این مقاله به بررسی‌های کلی آن پرداخته و ضمناً "سوالات و پیشنهادات خود را با صاحب نظران و دلسوزین و مسئولین انقلاب مطرح نمائیم.

انگیزه و هدف ما این است که در میان رزبه‌های التقاط بدام شعرا و ایدئولوژیست‌ها رکسیتها و همچنین شعرا سیاسی ساواک و امپریالیسم نیفتاده و مرزبندی نمائیم. در ۱۴ خرداد سال ۶۰ در روزنامه‌ها اطلاعات با برادر لطف الله میثمی در رابطه با معنای التقاط مصاحبه‌ای شده است. بنظر رسیده مناسب است در این قسمت از مقاله عیناً آنرا بیاوریم که پس از آن تمام مباحثه‌های قسمتی نیز مربوط به "تاریخچه اجمالی التقاط" و "سو استفاده انگلیس و ساواک از التقاط به منظور سرکوب جنبشهای اسلامی" و التقاط پذیرفته شده و التقاط پذیرفته نشده می‌باشد که خواهیم آورد.

التقاطی گری و التقاط سیستم تیک

التقاط یا ملغمه
بسم رب الشهداء - بنا م خدا پرورش دهنده نهاد خلیلی خوشحالیم از اینکه تشریف آوردید که در مورد التقاط صحبت بکنیم که در مبارزه با التقاط شهیدم دادیم. مشکل نیروهای انقلابی بوده و در جملات و جوش کارکردیم و حال من شعای از دستاوردها مان را بدون توجه به آن ترتیب سئوالاتی که گردید میگویم کلی میگویم ولی سعی میکنیم که آن سئوالها را هم در برداشته باشد.

یکی واژه التقاط و واژه ملغمه که گاهی اوقات این دو را با هم اشتباه میکنیم. اکثراً "هم این اشتباه میشود. در کتاب مفردات راغب اصفهانی این التقاط را از ریشه "التقط" آورده، یعنی تشبیه کرده به مرغی که نوک میزند و از هر جایی یک چیزی بلند میکند و تحقیق در جا معنی مثل انسانها می‌باشد. شونده که کتابهای مختلف، مطالب مختلف را بهلوی هم میگذرانند و یک مطلبی تهیه میکنند که به تعبیر راغب اصفهانی التقاط میشود. حال ما در فرهنگ میارزایمان بدان التقاط نمیگوئیم. این را ملغمه میگوئیم یعنی مثل آشله قلمکار که نخود، آرد، لوبیا دارد، عس دارد، رشته دارد، اینها چیزهایی هستند که بهلوی هم قرار گرفتند و بطور بنیاد با هم در دنیا میختند. و ما با چشم میتوانیم بصورت ظاهری ببینیم، بعضی از روشنفکران مذهبی ما هستند که در کتابها نشان به این ملغمه دچارند. اگر که التقاط باشد، آدم خیلی ساده بتواند آنرا بر خورده بکند. مثلاً "ملغمه چطور است؟ شخصی در ابتدای کتاب خودش می‌گوید، توحید نبوت، معاد، عدل، امامت را قبول داریم بعدیک کمی که میآید جلوتر می‌گویند مسئله اساسی فلسفه "بود و نبود" است(۱)

فکر کرد، چون شیوه تفکر نداریم. بسا این تقسیم‌بندی، وحی و نبوت و معاد و ملائکه مقولاتی می‌شوند که فکر کردن به آنها حیا نیست و چون شیوه تفکر نداریم و نمی‌توانیم به آنها فکر کنیم یا یستی اینها را کنار بگذاریم یا انسجام جدا از طبیعت و اشیا را قبول بکنیم. که در حالت اول کنار گذاشتن ایدئولوژی و مذهب و در حالت دوم اینکه هر دو را قبول می‌کنیم یعنی هم دینا لکتیک در حوزه ماده را وهم وحی را، منظور ما از دینا لکتیک در اینجا دینا لکتیکی که در حوزه ماده است، می‌باشد. هم وحی و هم قرآن را قبول میکنند و اینجامی‌آید، می‌افتد به جهان دوماطقی و با التقاط سیستم تیک که آدم خودش هم نمیتواند بفهمد و منشأ انحراف هم در زمان همین بود.

التقاط در خط مشی

یکی مسئله التقاط در خط مشی است بدین ترتیب که یکی از ویژگیهای انقلاب اسلامی چنانکه هیچکدام از قیامها و انقلابات دیگر کشورها و ملتها دارای این ویژگی نبوده‌اند برخوردار است مسئله التقاط می‌باشد در نوشته‌های لنین مسئله التقاط مطرح شده اما یک مقوله‌ای بوده، سپس روشنفکرها و مبارزین و اعضای

برای کسی که التقاطی هست تشخیص التقاطی خیلی مشکل است.

احزاب و به هیچوجه واژه التقاط در توده‌ها و عامه مردم مطرح نشده است. در صورتیکه می‌بینیم در انقلاب ایران، واژه التقاط یک واژه‌ای است که توده‌ها استعمال می‌کنند و میگویند که فلان گروه یا جریان یا فلان حزب التقاطی است و قس علیهذا. ما می‌خواهیم بگوئیم در تنها انقلابی که فعلاً این واژه بر سر زبان مردم افتاده، انقلاب اسلامی است. و این هم التقاط در خط مشی است، یعنی مردم می‌بینند که یک جریان سیاسی وقتی که لیست نمایندگان مجلس را اعلام میکند، هم از کسانی هستند که به غرب گرایش دارند و شدیداً ضد نظام شوروی هستند، هم کسانی می‌باشند که شوروی را رهبر اردوی کار می‌دانند و وحدت ایدئولوژیک دارند با شوروی. و بعد مردم معتقد می‌شوند این التقاط دوتا نظام است. التقاط در خط مشی است همین اینکه کاربرد این لغت برای مردم آشنا هست توده‌ها می‌فهمند که التقاط چیست و حالت فلسفی و تئوریک خودش در آینه است و این را می‌توانیم بگوئیم که یکی از ویژگیهای انقلاب است. و من خودم معتقد هستم که ایران چنانچه راه فلسفه‌های مختلف بوده است از یونان قدیم و خود اسلام و فرق مختلف اسلامی و بعد ما رکسیزم با دیدگاه‌های مختلف ما رکسیزم و اینکه اکثر جریان‌ها تفکری نمی‌توانند از التقاط بدور باشد. و در آینده هم ما با این مسئله روبرو خواهیم بود. منتهی خواهش من از مردم مستضعف همین است زمانیکه یک جریان نشان نداده که خط مشی آن التقاطی است، این بدین معنی است که التقاط، ذاتی اینها نیست. در آنها جا نیفتاده و بصورت راهنمای عمل خط مشی در دنیا مده است و به عمل تبدیل نشده است. که ممکن است تنها با رتئوریک و عبارات ذهنی باشد و فطرت ثانی انسان نشده باشد. که مسلماً نوع برخورد با این دو التقاط فرق میکند. التقاطی که به خط مشی تبدیل میشود و در صحنه سیاست جلوه‌گر می‌گردد و التقاطی که حالت فلسفی خودش را به صورت راهنمای عمل در دنیا آورده و به قولی در آدم جا نیفتاده.

برای این مبنا، انسجام فلسفی ارسطو را هم قبول میکنند ولی میدانند که این به کجا میرسد، یعنی این قصری که میخواهد بسازد بر این پایه تا به کجا میرسد؟ بعد از آن می‌آئیم، جلوتر، در یکجا مسئله اساسی فلسفه، تقدم ماده بر ایده یا ایده بر ماده است یعنی تقسیم‌بندی که ما رکس کرده است. بعد تقدم ماده بر ایده را هم به جای تقدم واقعیت بر ایده قبول میکنند زهم نمی‌دانند که در تحقق، اگر این را قبول بکنند، به کجا میرسد و گاهی اوقات راهنمای عملش هم نیست. ولی قبول میکنند، بعد که میرویم جلوتر، دینا لکتیک را در حوزه ماده قبول میکنند. بعد جلوتر میرویم منطق ارسطو را هم در حوزه ذهن قبول میکنند و مرزش را هم مشخص نمیکنند و بهر حال یکجا مثلاً زیربنای تاریخ را اقتصاد میدانند از راه را روینا میدانند و ما می‌بینیم که ضمن اینکه این، در نهایت التقاط هم هست، ولی ملغمه بودن در ظاهر بیشتر آشکار است. همه چیز را، یعنی هر چیزی را از یک جایی از یک فلسفه‌ای دیگر میگیرند و میگذارند بهلوی هم دیگر و یک انسجام ظاهری ارائه میدهد. این با التقاط فرق دارد. مثلاً ما می‌بینیم بعضی کتابهای مذهبی، ما، بعضی قسمتهای تضاد ما فوکه قسمتهای اصلی هم هست، قابل قبول افتاده و بعد در کنارش عرفان و علم هم پهلویش است و خودش نویسنده توجه نداشته است که هر کدام از اینها یک جز از کل منسجم است و اینها را نمی‌شود تکه تکه بهلوی هم بگذارد. و یک انسجامی از خودش ارائه میدهد. این ملغمه با التقاط فرق میکند. آنچه که در میان رز و در تجربیات سازمانی به آن رسیدیم، التقاط، التقاط دوتا فلسفه است التقاط دوتا سیستم، دوتا نظام است که در بنیاد به هم آمیخته باشند و حالت تشخیص هم برای کسی که معتقد به التقاط است خیلی مشکل تشخیص التقاطی خیلی مشکل است.

التقاط بنا عدم انجم

یک چیزی هست که ما گاهی اوقات عدم انجم را با التقاط یکی میگیریم. این باید مشخص شود که فرق عدم انجم با التقاط چیست؟ چنانکه عده‌ای عدم انجم را همانی که در شناخت و بخصوص رگه‌های انحرافی که در آموزش بعد از ضربه ۵۰ در سازمان وجود داشت، التقاط بین دو سیستم یا دو فلسفه قلمداد نموده تا بدینوسیله سرپوشی بر تفکر التقاطی خود از دو فلسفه اسلام و فلسفه غربی یونان بگذارد. و حال سب اینهاست که آشکارا هم قرآن را به عنوان یک سیستم قبول میکنند. لیکن با بدتوجه نمودن که مؤسین سازمانها هدین هیچگاه ما رکسیزم را بعنوان یک سیستم فلسفی قبول نکرده‌اند و اگر انقلاب شوروی و چین را به عنوان تجربیات انقلابی قلمداد میکردند، سعی در این بود که این تجربیات را در قالب فلسفه توحیدی مستحیل نمایند. و از تشابه واژه‌ها بنیادینی سواستفاده نمود بلکه با ایده عمق و انسجام اصل مطالب توجه داشت بنا بر این فرق عدم انجم و التقاط در اینجا مشخص میشود. چنانکه گفتیم التقاط خیلی بنیادی و در هم آمیختن دو سیستم فلسفی است، دوتا نظام فلسفی ازین و پایه است. گاهی اوقات دینی

عسل التقاطی

برای فهم مطلب میتوانیم خرید عسل را مثال بزینیم. شما که می‌روید عسل بخرید. مفا زده را رقم می‌خورند که این عسل، طبیعی است. ولی وقتی که تحقیق بکنیم، می‌بینیم که در کنار رکندوی عسل، ظرف شکر و آب و مربا و غیره است و این زنبورها از این مواد تغذیه میکنند و سپس عسل را تولید میکنند و در ظرفها عسل طبیعی است. ولی در باطن چیز قلابی است که شکر و مربا و غیره در آن آمیخته شده است و ظاهراً "ذاتی عسل هم شده است که در ظاهر، عسل طبیعی است ولی محتوی، یک عسل آلوده است. و الا ممکن است در اسلام هم یک چیزی به صورت تاریخی وارد شود مثل فلسفه و منطق یونان و این آنقدر طبیعی جلوه بکنند که آدم سراپیش بدیهی تصور شود (۲). و مثل عسل عسل طبیعی که مثالش را زدیم این مصنوعی پیچیده است و مشکل کار همین جاست و هم در سازمان در سال ۵۲ یک جریان فکری بود که می‌گفت تنها شیوه صحیح فکر کردن، دینا لکتیک است. و بعد معتقد بود که دینا لکتیک هم در مقطع مادی وجود دارد. اما دقیق است. پس با توجه به این دو مقدمه آدم با یدنا بطور نتیجه‌گیری بکنند که قرآن وحی و خدا و ملائکه و این قبیل حقیقتها باید



حال برگردیم به همان برداشتن که خود مان از التقاط داریم که جهان دو منطقی باشد

بسیاری از مذهب‌های معاصر اما مدنجه‌ها نرا به دو حوزه ماده و معنا تقسیم کردند می‌گویند که یک حوزه ماده است، یک حوزه معنا، یعنی میتوانیم بگوئیم که این مهمترین مسئله‌ای است که ما در جنبش اسلامی با آن روبرو هستیم و اگر که این جهان دو منطقی خوب شکافته بشود به اصطلاح التقاطی هم که بین اسلام و ما رکیزم هم هست معلول التقاطی است که بین اسلام و فلسفه و منطق غربی ارسطو هست چون ما معتقدیم که بین فلسفه مشاء یونان ارسطو یا فلسفه ما رگس سختی زیاد وجود دارد و دوی آن بر مبنای کثرت است. و اخیراً هم گرایشی در ما رکیستهای جهان به خصوص شوروی بوجود آمده است که از ارسطو آمده حيثیت کردند و حال منطق ارسطو را قبول کردند چنانکه دائره المعارف شوروی و حزب توده در ایران منطق ارسطو را قبول کردند. تحلی تفکر جهان دو منطقی ماده و معنا در خیلی از کتا بهای روشنفکران اسلامی اینچنین می‌شود که ما در آما پیشگاه در صحنه اقتصاد در خط مشی، برخورد علمی کنیم و قوانین خاص خود را بکار ببریم و در مطالعه و ایدئولوژی و ماوراء الطبیعه و عبادات که ما مور معنوی هستند یک قانون بندی دیگر ذکر می‌کنند ما در مطالعه هر مکتب و فلسفه‌ای برای اثبات حقا نیت یا باطل بودن آن مطلب، با یدیبینیم که مکتب دو منطقی است یا نه. وقتی دو منطقی بود آنرا کنار می‌گذاریم، مثلاً در خط مشی بعضی معتقدند بر کارگری قانون حاکم است و بر روشنفکر که پیش از است و دارای انگیزه‌های معنوی است و هدفش تحقق آرمانهای ایدئولوژیک است یک قانون دیگر حاکم است. ما می‌گوئیم نه این ماده و معنی را با یدکنار بگذاریم و تابع قانون توحیدی واحدی شویم. یک قانون واحد بر حاکم معنی و طبیعت حاکم است بدین معنی که انسان یک ویژگی پیدا رو خاص خودش را دارد. در محیط کارگری این ویژگیها ممکن است شکل خاصی به خود بگیرد، در اساس عوض نمیشود. این هم در خط مشی بین گروهها خیلی شایع است که کارگر و روشنفکر انگیزه‌ها ایشان مختلف است. با ید از این جهان دو منطقی دست برداریم و به جهان یک منطقی که منطق الهی و توحیدی می‌باشد. معتقد شویم چرا که این مسئله یکی از عمده ترین مشکلات استراتژیک جنبش خلق بوده هست. با ید برای جلوگیری از تکرار ضربه ۵۴ مانع ورود اصول و رویه‌های فلسفه غربی ارسطو در ایدئولوژی اسلامی گردیم که این رگه‌های ورودی، منشأ، چپ زدگی بالنتیجه دگما تیسیم چپ می‌باشد که در برخورد با واقعیت "مجید و صمدیه" به اپورتونیسیم آشکار تبدیل میگردد. واقعیت این است که ما در کنار یک فرهنگ ظلم و استثمات و طبقه بندی زندگی می‌کنیم. که احتمال نفوذ این فرهنگ ظلم و استثمات در زندگی ما بسیار زیاد می‌شود و ما مبارزه بی‌کیرو مستمر می‌توان سالم ماند.

بعبارت دیگر نفوذ این رگه‌های راست در ایدئولوژی، عدم انسجام می‌وجود می‌آورد که در برابر انسجام ظاهری ما رکیزم در انسان هست، وقتی که در برابر ما رکیزم ظاهر آمنم که ۱۲۰ سال تجربه مبارزاتی پشت سر آن است قرار می‌گیرد، چپ زده میشود. چپ زدگی وقتی که استمرار پیدا می‌کند به دگما تیسیم چپ تبدیل میشود و دگما تیسیم چپ وقتی که در برخورد با واقعیت قرار بگیرد به نفی واقعیت و به اپورتونیسیم آشکار کشیده میشود که این مسئله ما هیت حریان انحرافی چپ نما در ضربه ۵۴ اینچنین بود.

انسجام بین اصول و شیوه

اگر اصول ما اسلامی است. شیوه‌های ما هم مناسب با آن اصول در تحقق استراتژیک باید اسلامی باشد. با ید شکل دیالکتیکی و پیچیده مقوله ماده و معنا را که موضوع بن بستها و ضربات استراتژیک است، کنار بگذاریم این دیالکتیک متافیزیکی معتقد است که دیالکتیک تنها شیوه صحیح فکر کردن بوده و فقط در مقطع مادی وجود است که مصداق پیدا میکند (۳) لذا شیوه ای برای فکر کردن به وحی و "وجود" و مساطی که از این دیدگاه جزوا مور غیر مادی هستند ارائه نمی‌دهد و تا زه اگر شیوه‌های دیکنری برای فکر کردن به اینگونه مسائل باشد به ورطه جهان دو قانونی می‌افتیم. توجه کنیم ما از این انحرافات ضربه استراتژیک خوردیم انحراف، این است که می‌گوید: "دیالکتیک تنها ایدئولوژیک و عبادی فکر کرد.

ما با چه شیوه ای فکر کنیم. این است که شیوه ای ارائه نمی‌دهند و به ورطه جهان دو منطقی می‌افتند یعنی با یک منطق در حوزه ماده که دیالکتیک با شود با منطق دیگر در حوزه معنا مسائل ایدئولوژیک را مطرح میکنند این یکی از انحرافات بزرگ است که در جنبش خلق ما نفوذ کرده است مثلاً حیحی در سال ۵۲ در زمان گفتند که کار ایدئولوژی را کنار بگذاریم و با مسائل برخورد علمی بکنیم و کلاً کار ایدئولوژی را کنار بگذارند. چرا که شیوه ای برای فکر کردن به ایدئولوژی نداشتند و دیالکتیک را در حوزه ماده و در حوزه خط مشی و اقتصاد می‌پذیرفتند و بدین ترتیب با وجود این زمینه‌ها حریان چپ نما توانست جلوی کارهای ایدئولوژیک را گرفته و خود را به سا زمان تحمیل کند.

ریشه تاریخی التقاط

در مورد ریشه تاریخی التقاط با ید گفت که التقاط نه در لفظ بلکه در معنا از زمانهای دیرینه وجود داشته است. التقاط بین راه انبیاء و راه بشر به معنای حریانات انحرافی بوده است. یکی راه انبیاء بوده است بعنوان قانون عدل، و یکی هم راه باطل یا به عبارت دیگر راه بشر جدا از انبیاء بوده البته راه بشر واقعی همان راه انبیاء است. منتهی، منظورم جهان بینی باطل است. جهان بینی توحیدی که این همیشه وارد جهان بینی حق میشده است و در بعضی مقاطع هم به شکل سیستماتیک با حق درمی‌میخته است. در طول تاریخ هم این بوده است. و در آینده هم تا مدت‌های دیگر خواهد بود. و هما نظور که گفتیم با ید بین التقاط در فلسفه و التقاط در خط مشی یک نوع فرق قائل بشویم که بتوانیم دو نوع برخورد با اینها بکنیم تا بهتر بتوانیم مسئله را حل بکنیم مثلاً در طول تاریخ این خدای خارج از طبیعت غربی، یونان با خدای ذهنی وجود داشته که ریشه تاریخی هم داشته است و یکی از کارهایی که حضرت علی (ع) در نهج البلاغه کرده اند با امام صادق (ع) در آموزشها ایشان انجام داده اند همچنین مبارزه با این فلسفه غربی یونان و مثلاً فرهنگهای دیگر که غیر از مکتب وحی و اسلام بوده است، میباید و گاه‌های اوقات که سا زماندهی اسلام ضعیف شده است، خلفا فرصت پیدا کردند که کارهای زیادی از یونان رانرته کنند و با اینکه بطور مصنوعی در فرهنگ اسلام وارد نما بکنند و در اینصورت التقاط به معنای سیستماتیکش بوجود می‌آمده است. ما برای آنکه در حاکم ما اینطور معروف است که التقاط بین

اسلام و ما رکیزم است ولی به نظر من التقاط اصلی بین اسلام و یونان است که ما رکیزم هم ناشی از همان یونان است. یعنی اگر ما با التقاط نوع اول یعنی جهان دو منطقی خوب بتوانیم برخورد بکنیم بنا بر این میتوانیم با آن التقاطی که بین اسلام و ما رکیزم هست هم برخورد بکنیم. در خاتمه نکته ای دیگر را با ید در مورد تفاوت التقاط و عدم انسجام متذکر شد. که اصولاً عدم انسجام را ما میتوانیم حلش بکنیم، به اعتبار اصول، مثلاً در اصول سا زمان بوده است، که انسان ایمان دارد به نظم و واحد جهان، انسان ایمان دارد به واقعیت جهان خارج، انسان ایمان دارد به قابل شناخت بودن جهان به اینکه انسان بینهایت طلب است و بر اساس انسان بینهایت طلب با یدی تاریخ را تبیین نمود و با اینکه حرکت ذاتی جوهری در سا زمان مورد قبول بود.

این غیر از التقاط سیستماتیک است که ما از بیخوین دوتا فلسفه را قبول بکنیم یکی فلسفه یونان که بر اساس اصالت ماده هست و حتی منطق هم سختی دارد با آن فلسفه ما نمیتوانیم منطق را از فلسفه اصالت ماده جدا بکنیم. و یکی هم فلسفه اسلام میباید یعنی فلسفه و منطق یونان یک انسجام ظاهری خودش را دارد یکی به ماده و ماده اصالت میدهد و منظورم در این یکی فلسفه یونان است که به ماده و ماده اصالت میدهد و خدا را می‌خواهد از آن انتراع بکند و در اولی که مکتب وحی با شده که ما خدا را خدای واحد قبول میکنیم. خدای واحد را حاکم بر جهان میدانیم تسلیم این خدا میشویم تا بتوانیم قرآن را خوب درک بکنیم و به منطق وجود، و منطق توحید مسلح بشویم و از این طریق است که به حقایق میتوانیم دست پیدا بکنیم. این دوتا کلاً متفاوت است و قبول این دوتا بطور بنیادی فرق میکند با عدم انسجام، عدم انسجام را به اعتبار اصول می‌توانیم از زمین ببریم ولی التقاط سیستماتیک را خیلی مشکل است اما میدانیم که چنانچه ما جوانان حقیقت جو به این مسئله برسند که توحید تجلی اش این میشود که ما با یک قانون واحد بتوانیم با جهان برخورد مکتبی بکنیم. با مسائل اقتصادیمان، مسائل خط مشی ما، برخورد مکتبی بکنیم و حتی برای آزمایشگاهمان خط مشی تحقیقاتی و مرحله ای طرح بکنیم این از لحاظ نسل جوان مومن بود و قبل از ضربه ۵۴ عده ای که در این راه نرفتند و دچار شده اند گزینی شدند به چپ یا راست افتادند و عده ای هم این راه را ادامه دادند.

تاریخچه اجمالی التقاط

تا آنجا که تحقیق کرده ایم لفظ واژه التقاط در قرآن و سنت و معارف اسلامی بکار برده نشده است. تا آنجایی که میدانیم ECLIPSE بمعنای التقاطی، ECLIPSE بمعنای التقاطی گری در فرهنگ ما رکیزم، یعنی تقاطع برگشته شده است. مبارزه با التقاطی گری یکی از شیوه‌های ما رکیستها، به منظور مبارزه سیاسی ایدئولوژیک در درون احزاب و گروههای کمونیسیم بوده است ما رگس ولنین به کسانای التقاطی میگفتند که بزم خودشان افکار خالص پرولتری نداشته و افکار خرده بورژوازی در ریشه‌های فلسفی فکرشان رسوخ کرده است.

بعبارت دیگر رسوخ افکار مذهبیه در ما رکیسیم بعنوان یکی از اشکال التقاط نام برده شد است. در فرهنگ ما رکیستها التقاطی به یکی گفته میشود که اصولاً ما رکیست بوده ولی افکار غیر ما رکیستی منجمله مذهبیه به درون آن راه یافته باشد. تعجب ما در این است که هر کس واژه تضاد و دیالکتیک را بکار برده او ما رگس التقاطی می‌زند در صورتی که اولاً واژه دیالکتیک توسط مذهبیهون در یونان و اروپا و هگل که افکار مذهبیه داشته بکار برده شده است. واژه تضاد هم در معارف اسلامی وجود داشته ولی واژه التقاط یک واژه صدمه ما رکیستی است. بنظر ما درست نیست که در مورد مسلمانها که مبنایشان اسلامی است و شهادتین گفته و به خدا و پیامبر و قرآن معتقدند واژه التقاط بکار

توحید تجلی اش این میشود که ما با یک قانون واحد بتوانیم با جهان برخورد مکتبی بکنیم. با مسائل اقتصادیمان، با مسائل خط مشی ما رکیستها برخورد شود.

پیشنها می‌کنیم که واژه عدم انسجام که یک واژه اسلامی است بکار برده شود این واژه نشان دهنده نقطه قوت یک مسلمان است که از یک طرف بدنیا ل انسجام می‌گردد و از طرفی هم نشان دهنده نقطه ضعف و یعنی عدم انسجامی است که در هر شرایط وجود دارد که با ید بر طرف گردد سو استفاده انگلیس و ساواک از التقاط بمنظور سرکوب جنبشهای اسلامی از واژه "التقاط" بعنوان یک شعار سیاسی حداکثر استفاده را بمنظور سرکوب جنبشهای اسلامی در مالزی و... نمودند. پلیس سیاسی انگلیس با پیچیدگی خاصی این نهضت‌های اسلامی را ما رکیست اسلامی نا امید، ملاک آنها برای تشخیص مسلمان بودن اعتقاد به خدا و رسول و قرآن و سنت نبود بلکه آنها میگفتند هر کس مالکیت خصوصی نا محدود را قبول ندارد ما رکیست است اگر هم خیلی مسلمان باشد ما رکیست اسلامی است. با توجه به ما رگس ما رکیست اسلامی جنبشهای اسلامی مزبور با یدی از مالکیت نا محدود بعنوان ملاک و معیار رو حکم اولیه دفاع می‌نمودند که دیگر نمی‌توانستند امپریالیسم و سرمایه داری درگیر شوند و اگر آنرا رد می‌نمودند بر حسب ما رکیست اسلامی میخوردند. چنین تزی در برخی مذهبیه‌ها هم زمینه دارد و متأسفانه بجای اینکه "عبودیت و بندگی خدا" و در نتیجه آن، مبارزه با آمریکا و انگلیس حکم اولیه باشد، می‌بینیم مالکیت نا محدود بعنوان حکم اولیه قلمداد میشود. بعبارت دیگر می‌توان گفت، بجای اینکه تشکیل جامعه ملواتی و توحیدی امام زامن (ع) حکم اولیه باشد و ما را همان تشکیل آن جامعه با شیم، می‌بینیم در نظریه فوق مالکیت نا محدود حکم اولیه می‌گردد و با ید رو نفاق و سخاوت حکم ثانویه قلمداد می‌شود که در شرایط اضطرار و از روی نا چاری با ید آن تن داد. طبیعی است که وقتی که مالکیت نا محدود (ونه عبودیت خدا) بعنوان حکم اولیه تلقی گردد اعتقاد ذبه تشکیل جامعه ملواتی و توحیدی امام زامن (ع) و اعتقاد ذبه حکومت جهانی واحد ما رکیسیم اسلامی و التقاطی تلقی شود. دکتر دایمغانی که یکی از مشهور بیستهای ما رکیسیم بود طی مصاحبه ای در سال ۵۱، برای بقیه در صفحه ۳۳

تشدید اختلافات داخلی

"مهمترین روش این گروه منحرف مانند هر حرکت دیگری دیگر ایجاد اختلافات و درستی است..."

برخورد با خطوط تفرقه افکن ضرور است امام نیز در جهت حفظ وحدت ماصولی ترین برخورد را با کسانی که اختلافها را دامن میزنند داشته است. مثلاً برخورد امام با بنی صدر، برخورد با روزنامه رسالت هنگامیکه این روزنامه به قلب بندی دو جناح بخش خصوصی و بخش دولتی پرداخت برخورد با ۸ نفر نماینده مجلس که در مورد رابطه با آمریکا از وزارت امور خارجه سؤال کرده بودند و بالاخره برخورد با سید مهدی هاشمی.

تسری افکار التقاطی به روحانیت

رسالت ۶۵/۹/۲۵
سرمقاله احمد توکلی

"..... آنچه از این دست ناگفته مانده بشود نفوذ در مراکز حاسر است که بدون اینکه عنوان به ظاهر مهمی داشته باشد با مشکلات اجرایی زیادی را متوجه فرد نماید، قدرت جهت همی و نعمت مسخر حرکت برای دیگران را به خوبی فراهم می کند و مجاری بسار موثری برای تسری افکار التقاطی می گردد."

در مورد شیوه برخورد با التقاط هر جوع شود به مقال پیرامون مسئله التقاط در همین شماره.

ریشه یابی اجمالی از مواضع رسالت

اسلامی، علمی نیست که ضابطه آن جدای از علم و اعتقاد اسلامی باشد.

مسئله این نیست که کسی سیاست ناشی از دیانت را قبول نداشته باشد، مسئله اساسی مرز بندی برداشتهای مختلف از دیانت است. آیا منظور از دیانت فقهی است که بقول حجتا لا سلام خامنه ای غیر سیاسی است؟ یا اصول فقهی است که آغشته به منطق ارسطوست، که بقول امام کتابهای ارسطو بوی از قرآن نبرده است؟ و یا منظور از سیاست که عین دیانت است احکام سیاسی قرآن است که بقول امام ۱۷ برابر احکام عبادی است؟ (رجوع شود به راه مجاهد شماره ۲۳ مقاله سیاست جوشده از متن دیانت). امیدواریم به جای کوبیدن صرف، همانطور که امام در پیام حج فرمودند، بیشترین کار را روی احکام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرآن بگذاریم و با این کار نگذاریم جوانان خوش روحیه، بدام دست آورد های بشری اعم از منطق ارسطو یا منطق دیالکتیک علمی بیفتند.

گروه تا کنون برای هدف کلی فوق بکسار گرفته اند، نمیتوان چنین برشمرد. ۱- ایساحی گری و مجاز دانستن هرکاری برای رسیدن به هدف.....

استفاده از هر وسیله ای برای رسیدن به هدف، هرچه نیتمان مقدس باشد، تنها مشکل سید مهدی هاشمی نیست در این رابطه باید به یک سؤال اساسی پاسخ داده شود که چرا بسیاری از افراد و جریانهای اسلامی در مقاطع حساس و شرایط اضطرار دست به کارهایی می زنند که بقول توهمند، سرمقاله با "ضابطه های الهی" نمی خواند. اگر ما نیز هدف وسیله را توجیه نمیکند، را قبول نداریم باید در شرایط اضطرار نیز به وسیله ممکن مثل شکنجه به منظور اعتراف بیماران و مقابله به مثل با مردم بیگناه بجای صدا و حزب بعثت وزن بمب شیمیایی که مورد تأیید روزنامه رسالت است، متوسل نشویم.

۲- براندازی نظام

"..... کسانیکه اهداف شخصی خود را تعقیب می کردند، باید برای تمدن خود وجهی بترانند تا عصیان آنان علیه قانون جمهوری اسلامی فاش نگردد و چه وجهی بهتر از تکیه بر "ضرورت برخورد انقلابی" حفظ حضور مردم در صحنه "....."

سه دیدگاه در مورد نهضت و نظام وجود دارد.

یک عده با مطلق گرایی، از موضع نهضت اسلامی نظام را میکوبند. عده ای نیز از موضع حفظ نظام ارزشهای نهضت را زیر پا می گذارند جریان سوم معتقد است که از موضع نهضت با نظام باید برخورد تعالی بخش کرد و به ارزشهای انقلابی نیز ارج بگذاریم. بنظر می رسد سید مهدی هاشمی، از جمله کسانی است که ارزشهای مکتبی و انقلابی موجود در نظام را نادیده گرفته و از موضع حفظ نظام ارزشهای انقلاب اسلامی و کل نظام را زیر سؤال می برد. این برخورد مطلق گرایی به هیچ وجه مورد تأیید نیست و به تضعیف نظام منجر خواهد شد. خوب است روزنامه رسالت به این نکته توجه کند که چرا برخی از مقاطع از موضع حفظ احکام و مسئولین جمهوری اسلامی و تضعیف می کردند تا جائیکه امام گفتند انتقاد با لحن مال کردن فرق دارد.

۳- افراط در کار سیاسی

"..... چون سیاست ما عین دیانت ماست، نمیتوان بدون توجه به مبانی دینی به تحلیل و کار سیاسی پرداخت چرا که سیاست

مقدمه: در شماره گذشته راه مجاهد، در مقاله ای تحت عنوان فوق، موضوعات زیر به اجمال بررسی شده بود که این موضوعات عبارتند از:

- الف- تضعیف جنگ، از طریق: ب- عده کردن مسائل غیر جنگ مانند مدارس خصوصی، دامن زدن به دو قطبی کازب بخش دولتی - بخش خصوصی. ۲- آزادی از شعار تا عمل ۳- عده کردن عربستان ۴- عده کردن رساله و احکام ۵- تحریف تاریخ

در این شماره به ذکر برخی از شیوه های دیگر رسالت می پردازیم، امیدواریم رسالت مصداق بارز "رطب خورده منع رطب چون کند" نباشد.

ریشه یابی اجمالی مواضع رسالت

در مورد ریشه یابی عملکرد "سید مهدی هاشمی" در روزنامه رسالت برخورد هایی صورت گرفته است. ضمن تأیید شیوه برخوردناستدلالی در برخورد با جریانهای فکری جا معه، نکات قابل توجیهی در این رابطه بنظر می رسد که مطرح می کنیم: نخست به دیدگاه رسالت در مورد شیوه برخورد با انحرافات اشاره می کنیم و در ادامه به بررسی اتهاماتی که این روزنامه به سید مهدی هاشمی منتسب نموده است می پردازیم.

در برخورد با انحرافات، علتها را در ریابیم:

رسالت ۶۵/۹/۳۰
سرمقاله سید معزالدین حسین

"... دسته دیگر افراد منافق و روشن بین و دقیقی را در برادر کسکه مسائل و حوادث محیط اجتماعی خود را با بسدی "آگاهانه" و "علمی" می نگرند. به باطن پدیده ها توجه نموده، "علل" و "عوامل" ظهور و بروز آنها را جستجو می نمایند و در تلاش مستمر خود "جراحی" و "چگونگی" به وجود آمدن و بازتصاب علتها ی پدیداری را مورد نظر قرار میدهند. باید از توجه به شاخ و برگ کاست و به ریشه ها پرداخت....."

باید توجه کرد که اصولیترین برخورد با انحرافات ریشه یابی آنهاست. ضمن تأیید این شیوه برخورد، امیدواریم در رابطه با تمامی انحرافات منجمله کودتای خرمشهری و جریان سید صادق روحانی و اینکه امام فرمودند اسلام حجتیه، اسلام آمریکایی است و بیانات امام در هفته دولت و ... نیز این ریشه یابی صورت گیرد.

اتهامات سید مهدی هاشمی:

۱- مجاز دانستن هرکاری برای رسیدن به هدف

رسالت ۶۵/۹/۲۴
سرمقاله احمد توکلی
"از مهمترین روشها اینست که این

امام خمینی ۸ تن از نمایندگان را که در رابطه با سفر مک فارلین سئوالاتی از وزارت خارجه کرده بودند به دو دسته پوچ و با سابقه تقسیم کردند ولی روزنامه رسالت با تحریفی ظریف عنوان "پوچ" را برای دیگران و عنوان با سابقه "را برای ۸ نماینده مذکور بکار برده است امیدواریم با اصلاح تحریف فوق از تبدیل شدن آن به تحریفی در تاریخ سیاسی ایران جلوگیری شود.

۴- طرح شعارهای افراطی در مسائل اقتصادی

رسالت ۶۵/۹/۲۶
سرمقاله احمد توکلی

"در مورد مدارس نیز می گویند که از آن عده ای از طلاب جوان و کم تجربه را که قدرت تشخیص رگه های التقاط را بطور کامل ندارند خود جلب کنند."

آیتا... العظمی منتظری بعد از اعترافات سید مهدی قسمتی از سخنان او را در رابطه با دخالت در مدارس و حوزه ها تکذیب کردند. مطرح کردن این اتهام بعد از تکذیب آیتا... منتظری، چه مفهومی دارد

بقیه در صفحه ۸

"یکی از شعارهای موثر برای بسیج انفعال کفایت دادن مسئولین و ضربه زدن به نظام که توسط این گروه بکار گرفته شده طرح شعارها، تند با افراطی در مسائل اقتصادی است....."

بجز سید مهدی هاشمی و جریانهای دیگری از جمله روزنامه رسالت تا مدت ها دریا - نزاری روی مسائل اقتصادی نقش فعال داشته اند. عده کردن امور اقتصادی در برابر جنگ و غیر اصولی است. خواه از موضع حمایت از مستضعفین یا عدوخواه از موضع حمایت از "حکام و دفاع از بخش خصوصی".

ج - تضاد "سران باده" و "دربار وابسته بانگورکراتها"

تاکنون بخوبی مشخص شده است که رژیم حاکم بر عربستان يك نظام كاملا وابسته و متكي به غرب است. اما بايد توجه كرد كه در جبهه وابستگی در مراتب مختلف این نظام متفاوت است. و این تفاوت خود را بصورتهايی نشان میدهد. آنچه از خلال اسناد مشخص میگردد یکی از زمینههای مهم اختلاف در میان بدنه نظام و بخصوص تکتوکراتهای جوان با سران وابسته و سرسپرده، موضوع فروش نفت است. تکتوکراتها و برنامه ریزان جوان که معمولا با حل مسائل داخلی و برنامه ریزیهای اقتصادی سروکار دارند کمتر خود را به مصلحتهای سیاسی وابسته احساس میکنند. لذا در برخی مقاطع در تضاد با سیاستهای هیات حاکمه قرار میگیرند.

از جمله رسال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) بدنیال سقوط رژیم شاه و پیروزی انقلاب تولید نفت ایران از ۶ میلیون بشکه به ۳ میلیون بشکه در روز کاهش پیدا میکند و غرب از نظر واردات نفتی در زمینه قرار میگیرد. حاکمان سعودی برای رفع این مشکل ویشگیری از بوجود آمدن يك بحران اقتصادی در غرب تصمیم میگیرند که به خواست کمانیهای نفتی لیبیک گفته و تولید نفت خود را از ۵ میلیون بشکه در روز به ۶ میلیون بشکه افزایش دهند. اما تکتوکراتها و برنامه ریزان چنین افزایشی را نمی توانستند درک کنند زیرا معتقد بودند که هزینههای جاری و طرحهای عمرانی با فروش ۵ میلیون بشکه در روز تامین میشود و چنین افزایش تولیدی نه تنها به منابع مالی لطمه خواهد زد، بلکه باعث شکست شدن قیمت و تضعیف اوک خواهد شد. حاکمان سعودی که برای حفظ امنیت و حکومت خود به غرب نیاز داشتند به چنین افزایشی تن میدهند.

د - ترس از دخالت نظامی آمریکا

تمام حاکمان سعودی علیرغم وابستگی به امپریالیسم و علاقه ای که به حفظ امنیت خلیج دارند، اما از دخالت آشکار و غیر نظامیان غربی در منطقه وحشت دارند. زیرا این امر باعث میشود که وابستگی آنها را به امپریالیسم هر چه بیشتر مشخص کرده و موجب حرکت و قیام مردم گردد. سعودیها بهترین راه حفظ امنیت در منطقه را فعالیت و هماهنگی کشورهای منطقه با حمایت سیاسی و نظامی غرب میدانند و همین منظور دست به تشکیل شورای همکاری کشورهای خلیج زدند.

جلد ۳۵ ص ۱۳۲ - "۰۰۰ آنها خواستار حضور مستقیم نظامی آمریکا در عربستان سعودی و یا مناطق نزدیک و مجاور نیستند. اگر قرار باشد که آمریکا پایگاهی داشته باشد و یا حضور داشته باشد، از نظر آنها باید در چارچوب دفاعی و امنیتی و در دست و بطور نامرئی باشد تا در هنگام نیاز بتواند خود را به سرعت به معرکه برساند. آنها در این اثنا آزمایش خواهند که بنیه دفاعی آنها را تقویت نمائیم تا خودشان بتوانند مسائل بحرانی داخلی یا محلی خود را برطرف سازند."

برخورد متناسب با عربستان

سه خط مشی در ایران در میان ماسه خط مشی در زمینه جنگ با عراق و آزادی قدس وجود دارد که به بررسی آنها بخواهیم در رابطه با موضوع جنگ میپردازیم:

الف - خط مشی اتحاد دول

عده ای از برادران معتقدند که فعلا مسئله اصلی ما رژیم عراق است و بایستی هدف اصلی ما در سیاست خارجی و استراتژی جنگی ما برداشتن این رژیم از صحنه سیاسی عراق و منطقه باشد. برای رسیدن به این منظور ما ناگزیریم از هر طریقی که امکان داشته باشد، رژیمهای منطقه و بخصوص حامیان صدام و ابرقدرتها را از رژیم عراق جدا کرده و آنها را با خود در شعار حذف صدام و حزب بعث عراق هماهنگ نمائیم. این جریان میگوید: اولاً - اگر ما میخواهیم ابر-قدرتها به يك تغییر در سیستم سیاسی عراق تن داده و پیروزی جمهوری اسلامی را در جنگ بپذیرند بایستی طرح ما برای آینده عراق بدون صدام به نحوی باشد که غرب و شرق از آن وحشت نکنند.

ثانیا - ما در سیاست منطقه ای خود برای انزوای حذف صدام به دو عنصر نیاز داریم:

۱ - عربستان سعودی در خلیج

۲ - سوریه در خاور میانه

در مورد عربستان سعودی اعتقادشان بر اینست که این کشور با موقعیت برجسته نفتی و مالی و روابط ویژه ای که با آمریکا دارد از نفوذ فوق العاده ای در میان کشورهای مجاور خلیج و کلا اعراب برخوردار است. میگویند که ما بایستی عربستان را متقاعد کنیم که هر دو میانه خلیج و امنیت آن نیاز داریم و در صورتیکه امنیت از خلیج گرفته شود آسیب های جدی به منافع نفتی و حرکت نفتکشها وارد خواهد آمد.

مقامات سعودی معتقدند. اگر به خواستهای فلسطینیها توجه نشود و تمام راهها به روی آنها بسته شود باعث رشد ادیکالیسم و گرایش هر چه بیشتر به مبارزه مسلحانه در میان آنها توده های منطقه خواهد شد.

رژیم عربستان سعودی باید درک کند که از این نظریه ما بیش از رژیم صدام احتیاج دارد و حفظ رابطه مسالمت آمیز با ما برای حیاتی و لازمتر است. این عده معتقدند در صورتیکه ما امنیت خلیج فارس را تضمین کنیم و در مورد عدم دخالت در اوضاع داخلی کشورهای خلیج تضمین های کافی به آنها بدهیم، در این سیاست خود موفق خواهیم شد. زیرا حمایت اینگونه کشورها از عراق تا بحال به خاطر وحشتی بوده که از رژیم جمهوری اسلامی و گسترش بنیاد - گراشی و بی ثباتی نفتی در خلیج و خاور میانه داشته اند.

نتیجه اینکه این خط مشی برای پیروزی در جنگ و برکناری صدام امید خود را به رژیمهای منطقه بسته است و محتوایش خط کنفرانس کشورهای اسلامی این برادران ابتدای انقلاب شعار اتحاد جماهیر اسلامی میدانند تا بعد از آن با اسرائیل مبارزه شود. یعنی ابتدا در هر کشوری جمهوری اسلامی بوجود آید و رژیمهای سلطنتی و بعثی حذف شوند، آنگاه در يك اتحاد اسلامی بزرگ اسرائیل را نابود کنند. از آنجائیکه این شعار ظاهری چپ داشت و محتوایش راست، و تا سالهای سال اسرائیل در تیررس ماقرار نمیگرفت، لذا به ضد خود تبدیل گشت و حالا همان شعار اتحاد دول اسلامی را میدهند. آنها برای حذف

صدام. واضح است که از چنین اتحادی مبارزه بنیادی برای عملیات مستقل نهضت های آزادیبخش در منطقه با اسرائیل در نمی آید.

(مراجعه شود به کتاب "سه تکبیر تا قدس")

اگر در این شرایط قادر به کمک فعال به نهضت نیستیم، میتوانیم شرایط را برایمان توضیح داده و حداقل مانع رشد آنها نشده و ترمز کننده آنها نباشیم و نیازی هم به امضا قرارداد نیست.

درواقع امر این کشورها برای مقابله با انقلابی درونی خودشان است که از ماتمضمین میخواهند. اگر نه خودشان معترفند که ایران در طول یکسال و نیم گذشته در هیچ عمل مسلحانه ای در منطقه دست نداشته است.

ثالثا - ساده اندیشی است اگر تصور کنیم امپریالیسم و دوستانش در منطقه نظیر عربستان و کویت تنها به قول و لفظ اکتفا کنند. امضای يك قرارداد امنیتی هر چند که امتیاز بزرگی برای آنها محسوب میشود ولی قانع کننده نخواهد بود. آنها

زمانی به این موضع جمهوری اسلامی اعتماد خواهند کرد که در عمل شاهد فاصله گرفتن و جدایی ایران از نهضت های آزادیبخش و حتی سرکوب آنها بدست ایران باشند.

یکی از مقامات اسرائیلی چندی پیش قریب به این مضمون گفته بود که قرارداد کمپ نیوید کاغذ پاره ای بیش نیست مگر اینکه در عمل و در واقعیت تضمینهای برای امنیت اسرائیل وجود داشته باشد.

نتیجه اینکه وعده های آمریکا و ایادیش در منطقه که حاضرند در مقابل تضمین امنیت از سوی ایران از حمایت صدام بکاهند و یا او را از عراق بردارند، قبل از اینکه يك واقعیت باشد توسط ای است برای سه انحراف کشیدن انقلاب، جدا کردن ما از خط مشی آزادی قدس و حمایت از نهضت های رهائیبخش و هم.

چنین منفعل کردن مردم در امر جنگ. ۲ - در مورد خط مشی دوم باید گفت که این جریان از یکسویه ارزشهای انقلاب و روحیه سازش ناپذیری آن پایبند است و از سوی دیگر به عمق کینه ارتجاع و امپریالیسم به انقلاب و شعارهایش پی برده است. اما در اینجا نیز توجه به چند نکته حساس ضروری است:

اولا - توان انقلاب برای درگیری نظامی

حقیقت اینست که سران بسیاری از رژیمهای ارتجاعی منطقه بسیار وابسته تر از صدام و حزب بعث عراق هستند و بدون شک بایستی موضع قهر - آمیز خود را در مقابل آنها حفظ کنیم.

اما يك انقلاب وقتی میخواهد در فاز نظامی بسا دشمنانش وارد نبرد شود، نمیتواند یکبار به با همه آنها دست و پنجه نرم کند. بلکه در درجه اول به اصلی فرعی کردن این دشمنان میپردازد و با دشمن اصلی خود درگیر میشود. و در درجه دوم به میزانی که توانش در این مبارزات رشد پیدا میکند میتواند بر دامنه برخورد با سایر دشمنان بیافزاید.

امروز دشمن اصلی ما در منطقه اسرائیل است که پایگاه عمده امپریالیسم هم محسوب میشود. حتی جنگ با رژیم عراق هم از ابتدا تصمیمی نبود که ما گرفته باشیم. لذا آنرا جنگ تحمیلی نامیدیم.

حمله عراق به ایران در واقع واکنش ارتجاعی به این جهت گیری انقلابی در ایران (خط مشی و شعارش صدور انقلاب است، این امنیت از نظر آنها تامین نشده، ایران را به دخالت در امور داخلی خود ستم نموده و اسباب تجا و زرامیها خواهند کرد.

در صورتیکه واقعا ما نخواهیم از نهضت های رهائی بخش در منطقه حمایت کنیم، فلسفه وجودی انقلاب و ۶ سال و اندی دفاع مقدس زیر سوال خواهد رفت.

ثانیا - با توجه به اصلی بودن جنگ، اگر توان ما مقابل در چندجبهه را در خود نمی بینیم لزومی هم ندارد که امنیت خلیج را برای منافع کمانیها و رژیمهای وابسته تضمین کنیم و بدینوسیله به آنها و غارتهایشان مشروعیت ببخشیم و از این طریق ترمز

موافق نیستیم در جنگی که بماتحمیل شده دخالت خارجی وجود داشته باشد

دیدگاه‌های مختلف در رابطه با حفظ نظام جمهوری اسلامی

اسلامی تنها با تکیه بر شیوه‌های اسلام‌آمیز پذیر است چرا که در مقابل تمامی فشارهای وارده بر این ملت از جانب مستکبرین، قدرت‌های شرقی و غربی و ضد انقلاب داخلی تنها تکیه بر نیروی الهی نهفته در فطرت توده‌ها می‌تواند ضمانت حفظ ثبات و بقای جمهوری اسلامی باشد. و در صورت بکارگیری شیوه‌های غیر الهی و غیر اسلامی، اندک‌اندک توده‌های خدا جواز این نظام رویگسردان شده و آنگاه است که براساس ثبات جمهوری به خطر می‌افتد.

این عده معتقدند که هدف اساسی از تشکیل جمهوری اسلامی تحقق و تداوم ارزش‌های مکتبی اسلام و گسترش شیوه‌های اسلامی ائمه اطهار در میان مردم و جوامع مختلف است و اگر برای حفظ نظام، این ارزش‌ها را زیر پا بگذاریم، حکومت ما هم بزودی چیزی مثل حکومت‌های ظاهراً اسلامی موجود در جهان می‌شود.

این جریان معتقد است که پشت‌پازدن به مصوبه بشر از ۴۵ نفر از مجتهدین مجلس خبرگان، بدین معناست که آراء علمای اسلام هم برای این گونه مسئولین ارزشی نداشته و شعارهای اسلامی آنها زعمق زیادی برخوردار نیست.

اقتصادی کشور و بودجه ما را متکی به غیر می‌کند و خواه و ناخواه خط مشی جمهوری اسلامی بدینوسیله تابع سیاست‌های دولتهای خریدار نفت خواهد شد. لذا تنها راه حل حفظ ثبات کشور، تقویت رهبری امام، استعمار بسیج توده‌ها در خط مشی اصولی آزادی‌گرای و قدس و گام برداشتن بسوی برپائی اقتصادی خود کفا و غیر متکی به درآمد نفت است.

این جریان معتقد است که ثبات جمهوری اسلامی متکی به شعارها و خط مشی رفاهی نیست بلکه ریشه در عدالت خواهی، ایثار مردم و خون شهدای انقلاب و جنگ دارد. و در صورت قطع درآمد نفت در دل فصل صالح جنگ حمایت مردمی از نظام بیشتر می‌شود. این جریان همچنین معتقد است که اتکا به درآمد نفت در امر جنگ‌بختکارات مردمی را به حداقل می‌رساند و سرنوشت جنگ را همواره به فروش نفت وابسته می‌کند و در واقع این مسئله است که سرنوشت جنگ را به خطر می‌اندازد.

ج - حفظ نظام جمهوری اسلامی با بکارگیری شیوه شکنجه :

عده‌ای معتقدند که درست است که در قانون اساسی بکارگرفتن هرگونه شیوه شکنجه برای وادار نمودن متهم به اعتراف ممنوع اعلام شده است، لیکن برای حفظ ثبات جمهوری اسلامی ناچار هستیم که متهمان را شکنجه کنیم در این جریان :

عده‌ای ممنوعیت شکنجه را صرفاً در مورد متهمین سیاسی میدانند. هیچ‌گونه حساسیتی روی آنچه در مورد سارقین بکار می‌رود ندارند.

عده‌ای به محدودیت کاربرد این عمل غیر اسلامی و لزوم بکارگیری این شیوه در مورد تروریست‌ها معتقدند و در مورد آنها هم حدود و شعوری را بیان می‌کند.

عده‌ای هیچ‌گونه محدودیتی را در این امر قائل نشده و این شیوه را علیه هر گروه و جریان تروریست و مخالف قابل اجرا میدانند برای مشروعیت بخشیدن به عمل غیر قانونی و غیر شرعی فوق استدلال‌های متفاوتی از اعتراف صریح به لزوم بکارگیری این شیوه تا وصل کردن این شیوه غیر اسلامی به تعزیر اسلامی بیان شده است.

اساس استدلال‌های این جریان این است که در صورت شکنجه نکردن متهم، به‌طرح‌های ترور، اماکن امن و ابزارهای سلاح اقرارنکرده، طرح‌هایشان به اجرا در می‌آید و با ترور مسئولین، نظام جمهوری اسلامی سقوط می‌کند.

د - حفظ جمهوری اسلامی با تکیه بر شیوه‌های اسلامی :

عده‌ای معتقدند که حفظ نظام جمهوری

یکی از مشکلات فعلی جمهوری اسلامی وجود جریان‌هایی در نظام است که در عین اعتقاد به نظام و لزوم حفظ آن توجهی به شیوه‌های بکارگرفته شده برای حفظ نظام ندارند. آگاهانه یا ناآگاهانه شیوه‌هایی را در پیش می‌گیرند که سلامت مکتبی و محتوای جمهوری اسلامی را خدشه دار و اصل نظام را در ذهن مستضعفین جهان زیر سوال می‌برد. شیوه‌هایی که بکارگیری آنها در مقابل گسترش و صدور انقلاب مانع ایجاد می‌کند.

در این مقاله برآنیم که بخشی از این نظریات و دیدگاه‌های صحیح نسبت به بگونگی حفظ نظام را بیان کنیم.

مطالبیکه در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد عبارتند از :

- ۱- حفظ نظام جمهوری اسلامی بوسیله درآمد نفت.
- ۲- حفظ نظام جمهوری اسلامی با اتکا به اقتصاد خودکفا.
- ۳- حفظ ثبات نظام با بکارگیری شیوه شکنجه.
- ۴- حفظ ثبات نظام با بکارگیری شیوه‌های اسلامی.
- ۵- تعبیر غلط از قاعده "اهم و مهم" در گزینش شیوه‌ها.
- ۶- توشه‌گیری از پیام امام.

الف - حفظ نظام بوسیله درآمد نفت

برخی می‌گویند برای حفظ جمهوری اسلامی حاشیکه می‌توانیم می‌بایست نفت استخراج و فروش برسانیم. اساس استدلال‌های این جریان این است که بدون فروش نفت ناراضی مردم، کارمندان، تجار، روحانیونی که متکی به تجار هستند، بالا گرفته و ثبات نظام در خطر می‌آید. همچنین می‌گویند که پول نفت در شرایط حاضر بودجه اصلی جنگ را تشکیل می‌دهد و بدون فروش نفت جیب‌ها ضربه خورده و در معرض شکست قرار خواهد گرفت و شکست در این جنگ، ثبات نظام را از بین می‌برد.

ب - حفظ نظام جمهوری اسلامی با اتکا به اقتصاد خودکفا و غیر متکی به درآمد نفت

این جریان معتقد است که ثبات جمهوری اسلامی در شرایط فعلی روی سه پایه رهبری امام، بسیج توده‌های مستضعف و اقتصاد متکی به درآمد حاصله از فروش نفت استوار است و تنزل در هر کدام از این سه پایه‌ها، ثبات جمهوری اسلامی را برهم می‌زند. رهبری امام بسیج توده‌ها برای کشور ما امری ذاتی و درون‌جوش است لیکن درآمد نفت، کل سیستم

اگر با استفاده غلط از قاعده "لاهم فی‌الاهم" و "دفع افسد به فاسد"، یکی یکی ویژگی‌های مکتبی را از جمهوری اسلامی سلب کنیم در نهایت شیری بی‌یال و کویال و دم‌واشکم‌باقی میماند که فقط ظاهری اسلامی دارد و با پیدایش چنین حالتی نظام اسلامی در حقیقت سقوط کرده است.

همچنین این جریان معتقد است که تجربه هم نشان داده است که بکارگیری این شیوه تنها باعث تضعیف تروریسم نشد (چرا که آنها ترورهای خود را انجام دادند) بلکه باعث بازارگرمی جریان امریکائی رجوی شده و پایگاه مردمی او را در میان خانواده‌های زندانیان تقویت نمود. و او توانست با تبلیغ روی این مسئله‌های خود را انگیزه مند نموده و در درون تشکیلات خود نگهدارد.

این جریان معتقد است که رجوی ضد انقلاب بود و با وادار کردن مسئولین به بکارگیری این گونه شیوه‌های غیر اسلامی به بخشش از هدف خود که افول جمهوری اسلامی و دوری کردن آن از مردم بود رسید و اگر رهنمودها اسلامی امام و آیه‌الله منتظری و برکت عمل صالح رزمندگان و ایثار ایثارگران در دل روستاها و... نبود سقوط اخلاقی و انقلابی نظام حتمی بود.

عده‌ای معتقدند که منظور امام از اسلام، جمهوری اسلامی و حکومت اسلامی نظام حکومتی است که اهداف و ویژگی‌هایش را در سال‌های قبل و بعد از انقلاب برشمرده‌اند یعنی نظامی که :

- ۱- مستقل است، شرقی و غربی نیست، می‌خواهد یک عمر با امریکا بجنگد - می‌خواهد اسرائیل را از میان بردارد - شکنجه کردن زندانیان سیاسی و غیر سیاسی را عملی ضد اسلامی و غیر قانونی می‌داند - هتک حرمت انفراد و تجسس در احوال شخصی مردم را گناهش نابخشودنی می‌داند - مستضعفین و فقرا را ولی نعمت همه میدانند - آزادی فکر و بیان بقیه درص ۴۰

عده‌ای معتقدند که حفظ نظام جمهوری اسلامی را

وظیفه ما حفظ و تقویت اصلاح انقلاب است

سرهایی اختیار امام حسین (ع)

سرهایی اضطراب بریزید

سرهایی اضطراب اسرائیل

مقدمه

در شماره ۲۸ راه مجله به مناسبت پیروزی لبنان قهرمان مقاله ای تحت عنوان فوق آمده بود که مناسب دیدیم بعزت عقب نشینی ریگان و پذیرش اصل انقلاب اسلامی عیناً و بدون تغییر آن را بیاوریم. وحشت اصلی آمریکا این است که روند ادامه جنگ به سمت مردم می‌شود و چریکی شدن است و یک میلیون بسیجی راهیان قدس و کربلا یک ویت مستقلی پیدا نموده که متافسح جناحهای جناحهای امپریالیسم را در منطقه تهدید میکند نمونه لبنان مصداق بارز عقب نشینی صهیونیسم است و با توجه به اینکه صهیونیسم جوهر امپریالیسم است، مانعاً بستی در برابر طول و عرض غرب خود کم بین شویم.

* * *

سرهایی اختیار امام حسین (ع)
سرهایی اضطراب بریزید
سرهایی اضطراب اسرائیل

راد یو آمریکا در تحلیلی تحت عنوان تروریسم و اسرائیل چنین گفت: ۱۰۰ اسرائیل ناچاراً سه خط مشی در پیش دارد:
۱- خط مشی اول بایدترین راه برای واپس است که در لبنان بعاند روزی یک میلیون دلار مخارج و ماهی ۸۰ کشته را متحمل شود.
۲- دومین خط مشی یاراه بدترین است که یک جانبه بودن تعهد و تضمین خارج شود.
۳- سومین خط مشی یاراه بسد این است که خروج خود را از لبنان مشروط به این کند که از دولت لبنان و سوریه تعهدات سختی بگیرد مبنی بر اینکه چریکهای لبنان و فلسطینی عملیاتی ننموده و امنیت مرزهای شمالی اسرائیل حفظ شود. آنگاه راد یو آمریکا اضافه کرد که حتی راه

سوم نیز فایده چندانی ندارد.
راه مجاهد:

مقاومت لبنان آنقدر عمیق شده که شیطان بزرگ اعتراف می‌کند که هر سه خط مشی متضمن شکست، و عذاب است برای اسرائیل، چرا که مسلماً هر چه در لبنان بعاند و بر روی نیروهای مردمی آتش بریزد چهره اش در منطقه منفورتر شده و مستضعفین علیه او حامیان مرتجعش بسیج میگردند و سازماندهی جنگ چریکی تقویت میشود و بصورت نهادی در میآید که علاوه بر دفع تجاوز حکومت را نیز دست میگیرد کار ترگفته بود اگر یک گروه چریکی؟ نفره در خاور میانه باشد، ما خواب راحت نداریم. در خط مشی اول تنهار و سپاه برای اسرائیل میماند. چرا که هم نیروها یسر تلف میشود و هم دلارهایش را از دست داده بدون اینکه نتیجه مثبتی برده باشد.
در خط مشی دوم اگر یکجانبه بیرون برود، این عقب نشینی نشانه پیروزی چشمگیر برای رزمندگان فلسطینی و لبنانی و جهان است و آنها را به مبارزه هر چه بیشتر ترغیب میکند. چرا که ضربه پذیری باطل مشخص میشود و تضاد های درونی اسرائیل هم شدت میگیرد. میگویند چرا وارد خاک لبنان شدیم و چرا بر گشتیم؟ قبل از اینکه رذاب اول و دوم غوطه ور شود، سعی میکند با برقراری یک صلح و آرامش رفرمیستی، جلوی حرکت های انقلابی اسلامی و مسلحانه گرفته شود. این راه برای او کم خطر

بقیه از صفحه ۲
ادامه سخن امام...
راه مجاهد:

برای درک مکانیزم این پیروزی و عقب نشینی دشمن حتماً به مقاله سرهایی اختیار امام حسین (ع)، سرهایی اضطراب بریزید و سرهایی اضطراب اسرائیل که در همین شماره به چاپ رسیده است مراجعه فرمایید.
برای رابطه پیدا کردن با ایران، این جی است این افراد ایران است، این جمعیت کثیر ایران است. ایران جمعیتی ندارد در مقابل عالم، این ایمان جوانان ماست.

اینقدر غریزه یا شیطانزده نباشیم

مع الاسف بعضی از اشخاص که در خود ایران هستند توجه به مسائل یا ندارند یا متعمدند. اینها هم به تبع آنها کارهایی به تبعیت از تبلیغات آنها، آنها هم با همسان لسان تبلیغ می‌کنند. چرا باید وقتیکه دنیا به تزلزل درآمده است برای این بی اعتنائی ایران به کاخ سفید و سیاه، چرا ما باید توجیه کنیم مسائل آنها، چرا ما باید اینقدر غریزه یا شیطانزده.

بجای فریاد سر مسئولین سر آمریکا فریاد بزنیم

من عیب توقع نداشتم از بعضی این اشخاص ولو بعضی شان در نظرم بی‌وجدند، لکن از بعضی از این اشخاص که سابقه دارند هیچ توقع نداشتم که در این زمان که باید فریاد

بزنند سر آمریکا فریاد می‌زنند سر مسئولین ما، چه شده است شماها چه تان است؟ چه کردید شماها؟ شماها چرا باید تحت تاثیر تبلیغات خارجی واقع بشوید بیا تحت تاثیر نفسانیات خودتان... چرا می‌خواهید بین سران کشور تفرقه ایجاد کنید، چه شده است شما را، کجا دارید می‌روید، این تذمبویه؟
انصاف بدهید
حالا وقت چنین اموری است؟

شما انصاف بدهید در یک همجه وقتی وقت یک همجه اموری است بوقت یک همجه تا بییدی است از کاخ سفید بوقت همجه تا بییدی است از ریگان؟ لحن شما در آن چیزی که به مجلس دادید از لحن اسرائیل تندتر است، از لحن خود کاخ نشینان ریگان، لحن شما در آن چیزی که به مجلس دادید، از آنجا تندتر است، شما چه شده است اینطور شدید؟

من تندرو گند رو درست نکنید
دو دستگی ایجاد نکنید

من نمی‌خواهم دل شما را بشکم، لکن شما دل ملت ما را نشکیند، شما دل مسئولین ما را نشکیند، شما می‌تندرو گند رو درست نکنید دو دستگی ایجاد نکنید، این خلاف اسلام است، خلاف دیانت است، خلاف انصاف است. نکید این کارها را.

راه مجاهد:

بنظر میرسد نصایح حکیمانه امام میتواندست بالحن نرم و متناسب با قانون اساسی و شعور نمایندگان و از طریق دیگر انجام شود. یک تلفن خصوصی به استاد جلال السیدین فارسی میتواندست کار ساز بود و موجب بسد ار شدن انصاف نمایندگان باشد، تا موجبات سوء استفاده راد یوهای خارجی نیز فراهم نشود. * * *

بقیه از صفحه ۳۹
ادامه نقطه نظرات....

و اندیشه را حق مسلم همه میداند - جنگ در فاهور انا رفع فتنه در دنیا دنبال میکنند - خود گفتی و استقلال اقتصادی را سر لوحه برنامه های اقتصادی خود میداند - به استقلال مکتبی اعتقاد داشته و افکار وارداتی به اسلام (مثل مندرجات کتب فلسفی حنطقی ارسطو) را غیر اسلامی میداند - جنسیت را رحمت و فعال کننده جوهره انسانها میداند - میخواهد انقلاب اسلامی را به همه جهان صادر کند - خود را در برابر همه مسلمین و مستضعفین جهان مسئول دانسته و خود را موظف به حل مشکلات آنها میداند نظام حکومتی که الگوی خود را سید الشهدا (ع) قرار داده است و معتقد است اگر هر کدام از انبیاء و ائمه علیهم السلام در شرایط حاضر زنده بودند به قیام علیه مستکبران میپرداختند - نظام حکومتی که معتقد است امریکا ام الفساد قرن است و میخواهد پوزه او را به خاک بمالد و او هیچ غلطی نمیتواند بکند. این جریان معتقد است اگر با استفاده غلط از قاعده اهم و مهم در دفع افسد به ناسد یکی یکی این ویژگیها را از جمهوری اسلامی سلب کنیم، نهایتاً شیر بی یال و کوهال و

تراست ولی در اینجا نیز کور خوانده است چون اگر سوریه هم چنین تعهدی بدهد در برابر نهضت اسلامی و انقلابی لبنان افتد خواهد شد. امید داریم چنین تعهد از زاده نشود.
یزید نیز در برخورد با امام حسین (ع) راه اضطرابی بدترین و بدترین در مقابل داشت. بدترین کار کشتن امام حسین (ع) بود که باعث رسوائی و سقوط حکومت او در ظرف سه سال شد. کاربردترین بود که بگذارد امام حسین (ع) بیعت نکرد از راه کوفه بازگردد در این صورت نیز به ضرر او بود چرا که مواضع اعتراض آمیز امام نسبت به حکومت علنی شد بود و وقتی با این مواضع بر می‌گشتند، شروع به سازماندهی نیروها و بسیج آنها علیه ظلم یزید می‌نمودند. راه بد که خطر کمتری برای یزید داشت این بود که بگذارد امام حسین بروند و در کوفه حکومت تشکیل دهند. بدیهی است در این صورت هم امام امکان فعالیت بیشتری پیدا می‌کردند که به سقوط حکومت یزید منجر میشد. منتهمی شاید سقوط او در باطل هر کاری کند در خط اضطراب بود. برایش عذاب است و تا تسلیم حق نشود هیچ کاری را بر اساس اختیار نمی‌تواند انجام دهد و هر خطی که در پیش گیرد از روی ناچساری و اضطراب است. در صورتیکه امام حسین (ع) همه راههایی که در پیش گرفتند از روی اختیار بود. "والسلام علی من اتبع الهدی"

دم و اهمک باقی نمماند که فقط ظاهر اسلامی دارد و با پیدایش چنین حالتی نظام اسلامی در حقیقت سقوط کرده است
توجه گیری از پیام امام
بنظر میرسد که سخنان امام برای هدایت جریانهایی است که برای حفظ قداست اسلامیت خود، گوشه ای نشسته و درامه حکومتی دخالت نمیکنند و سعی ندارند با گرفتن گوشه ای از کارها، باری از روی مسئولین بردارند. منطق امام بر این پایه استوار است که حفظ نظام جمهوری اسلامی و حفظ حکومت اسلامی و ولایت فقیه یعنی حفظ امامت در زمان غیبت است و حفظ امامت از حفظ احکام اسلامی واجب تر است و برای انجام این واجب اگر مبادات فردی مطالعات شخصی علمای گوشه گیر صدمه بخورد اشکالی ندارد. همچنین امام معتقد است که در یک نظام اسلامی با ثبات است که احکام اسلامی مجال تحقق پیدا میکند و در صورت سقوط این نظام بعزت پانشار روی اجرای مطلقه یک حکم و تنگ نظری و اختلافات داخلی، احکام فقط در درون باقی میماند کما اینکه در زمان رژیم گذشته چنین بود.
در زمان حکومت ملی دکتر معدوق مقدس گزاش فوق الذکر به شکل دیگری وجود داشت شهید فاطمی در گوشه ای از خاطر خود قریب به این مضمون می‌نویسد آنها را سالها مشق اقلیت کرده اند و خیلی در حد و جاهت کوشید مانده و حالا که حکومت ملی سر کار آمده نمیتوانند کار اکثریت بکنند حکومت را اداره نمایند..... شهید فاطمی

بقیه در صفحه ۳۲

سپه حق دنا، بسوی کربلا شد هدف این دلیران حرم کربلا شد

به مناسبت عملیات کربلای ۵

مقدمه:
بدون تردید این واقعیت برهنگان ثابت گشته که نه فشار نظامی و نه محاصره اقتصادی نمی تواند انقلاب اسلامی را به نابودی بکشاند بلکه حتی این فشارها انسجام ملت رزمنده ما را بیشتر می کند. آنچه که می تواند روند پیر شتاب انقلاب اسلامی را دچار رکود و انفعال کند، پاکداشتن به روی ارزشهای است که بدون شک حیات انقلاب مانده است گرفته از آنجاست باشد. ما در این نوشتار سعی میکنیم اهداف ایدئولوژیک، استراتژیک و مرحله ای شیطان بزرگ را به تفصیل بیان نمائیم. به امید آنکه در جهت مرز بندی خطوط سیاسی موجود در ایران کمک کرده باشیم.

الف - اهداف ایدئولوژیک آمریکا

۱- شگرد جدید دشمن تبدیل اسلام رو پاروی غرب به اسلام مکمل غرب است.

دکتر نصرورد ریگی از سخنرانیهای خود (۱) مطرح ساخت که هدف ما از تشکیل این گرد همایی بررسی طرق سازش تمدن غرب و اسلام است. از دیدگاه دکتر نصرورد نصرورد اسلام در ایران به چشم می خورد "اسلام رویاروی غرب" "اسلام مکمل غرب" "اسلام مد رنیم" ایشان اسلام رویاروی غرب را اسلام خمینی و طالقانی می دانند و اشاره میکنند که این اسلام باید جایش را به اسلام مکمل غرب بدهد. منظوری از اسلام مکمل غرب این است که هم غرب مکمل اسلام می باشد و هم اینکه اسلام حالت تکمیل کننده غرب را داراست. به عبارت دیگر راه انبیا و راه بشره یک جا منتهی می گردد و اسلام و غرب روی هم تاثیر متقابل دارند.

اسلام مکمل غرب به دلیل پذیرفتن منطق یونانی غرب طوعا و کرها به پذیرش تمدن و نظام اجتماعی غرب می رسد، کما اینکه بسیاری از اینگونه جریانها در تحلیلهای ایدئولوژیک خود از غرب و شرق سیستم سرمایه داری غرب را ترجیح می دهند و نارسایی آن را صرفا نبود ویژگیهای اخلاقی و معنوی ذکر می کنند و اعتقاد دارند که اگر در این چهارچوب اخلاق راه هم گنجانیم به یک سیستم ایده آل خواهیم رسید. اسلام مکمل غرب اعتقاد دارد که به دلیل پذیرش خدانویست مسیح در جوامع غرب ما و جوه مشترکی با آنها داریم و اتحاد نسبی با اینها بر علیه کمونیسم و بی خدایی امری عقلایی و منطقی می باشد.

تفکرات نشان میدهد که بسیاری از جریانهای بعضا صادق به یک تبیین صحیح فلسفی و ایدئولوژیک از تضاد اسلام با غرب نرسیده اند و حتی در این قضیه اشکال دارند که آیا شوروی منکر خدا دشمن اصلی می باشد و یا غربی که به ظاهر اهل کتاب است مجموعه این نارساییهای بنیادی فکری تاثیر خردمندانه ای بر خط مشی انقلاب ما داشته و خواهد داشت و اگر آن برخورد ریشه ای نشود، بعید نیست که سازش با غرب در یک سیرد رازمدت مباح گردد.

۲- اسلام مکمل غرب روحیه معامله گری را تقویت می کند.

اسلام مکمل غرب به دلیل مشروعیتی که

برای معامله گری قائل است روحیه خاص خود را در سیاست القا میکند. چرا که اساس این تفکر بهترین راه رسیدن به هر هدفی، معامله صرفا بر اساس تراضی طرفین میباشد و دلیل نوق الذکر به هر معامله ای مشروعیت میبخشد تحقق این اصل در رابطه ما با غرب بدین معنی است که اگر معامله ای را با غرب انجام دهیم که سود طرفین در آن تضمین شده باشد اشکالی ندارد و این در زمانی است

۱- مرحله اول معامله کردن است.

شیطان بزرگ حاضر است که با ما معاملات ظاهرا شیرینی را انجام دهد وحتی امتیازات بزرگی را به ما اعطا کند و این بدین خاطر است که مزه معامله کردن به زیر دندان ما برود و این اصل در زمان تثبیت گردد که میتوانیم با امپریالیسم معامله وحتی

اهداف آمریکا از نزدیکی به ایران معامله همیشگی وابستگی

که این نوع اسلام در محنه سیاسی حضور فعال پیدا کند که بطور طبیعی معامله گری را سرلوحه سیاست های خویش قرار خواهد داد.

۳- تفاوت روحیه معامله گری با اصل معامله کردن.

ناگفته نماند که روحیه معامله گری با اصل معامله کردن تفاوت دارد و بایستی به مرز بندی آن توجه کرد. چرا که بسیاری از مومنین معامله می کنند ولی روحیه شان معامله گری نیست یعنی بده بستان بر روابط و جهت گیری آنها حاکمیت ندارد روحیه معامله گری نوعی زرنگی و حسابگری خاص است که صرفا به میزان سود و بهره هر معامله نگاه می کند، بدون توجه به اینکه معامله فوق در چه جهتی می باشد. یعنی به جای اینکه اصول، تعیین کننده مرز معامله باشد سود و بهره بعنوان ضابطه مد نظر قرار دارد. تلاش شیطان بزرگ در این جهت است که اسلام رویاروی غرب و کفرستیز را ساقط کرده و بجای آن اسلام مکمل غرب را که معامله گری و روحیه بده بستان بر آن حاکم است را بر روی کار بیاورد. در ادامه سخن به اهداف استراتژیک امپریالیسم اشاره می کنیم:

۲- مرحله دوم پذیرفتن همزیستی مسالمت آمیز است.

بعد از آنکه معامله کردن با امپریالیسم را پذیرفتیم، خود بخود در یک روند رازمدت بسوی اتخاذ سیاست همزیستی مسالمت آمیز متغایر خواهیم شد. رنگان تزه میزستی سیاسی با ایران را طرح می کند و هدفش از اجرای این ترازین بردن انگیزه های خصومت و رویارویی می باشد و اینکه در تداوم این خط جریان معتقد به همزیستی بر ایران حاکم شود.

۳- مرحله سوم تن دادن به وابستگی است.

در مرحله سوم همزیستی مسالمت آمیز جایش را به وابستگی کامل خواهد داد و حتی آن شکل و شمایل انقلابی را هم از دست

بسیاری از جریانها بعضا صادق به یک تبیین صحیح از تضاد اسلام با غرب نرسیده وحتی در این قضیه اشکال دارند که آیا شوروی دشمن اصلی میباشد یا غرب به ظاهرا اهل کتاب

ب- اهداف استراتژیک آمریکا

به نظری رسد که شیطان بزرگ برای نزدیکی اش به ماسه مرحله رامد نظر دارد که در صورت عدم هوشیاری مردم و مسئولین به تدریج و مرحله به مرحله آن راه احسرا درخواهد آورد.

کردن وادار کنند و همینکه پذیرفتیم بسا و معامله شود قدم اول را در نزدیکی بسا و برداشته ایم. حتی امکان دارد ما را با این تفکراغوا کند که میتوان با شیطان معامله کرد وحتی بر سر او کلاه گذاشت و لازمه کلاه گذاشتن این است که خود را به ظاهر تنها حدودی با سیاست های آنها وفق دهیم تا در فرصت مناسب کلاه بر سرشان بگذاریم. این روش به تدریج باعث خواهد شد که حالت ستیز و کینه مقدس خود را به امپریالیسم از دست بدهیم و صداقت انقلابیمان به یک فرصت طلبی سیاسی مبدل شود.

ج- اهداف مرحله ای آمریکا

۱- نزدیکی شدن به خط میانه در ایران

مطلبی که بالاتفاق کلیه جناحهای امپریالیستی بر روی آن وحدت نظر دارند این است که سیاست های ضد آمریکایی امام عوض نخواهد شد. بر این اساس تلاش میکنند زمینه را برای بعد از امام فراهم نمایند وخط میانه روه را بر محنه سیاست ایران حاکم کنند. البته ناگفته نماند که امپریالیسم به این مطلب توجه دارد که این خط نزدیکی به آمریکا در زمان امام مطرح شود تا یک نوع مشروعیت نسبی در رانها ن پیدا کند تا بعدا به مقاومتی برخورد نکند.

۲- جلوگیری از تغییر یافت تسلیحات

آن چیزی که در تحویل سلاحهای آمریکایی جالب توجه به نظرمی رسد، ارائه تسلیحات دفاعی است که صرفا به در جنگ کلاسیک می خورد و نمی توان از آن در جنگ جنگ مردمی و چریکی استفاده کرد. در آن قطعات یه کی فانتومها، لوازم تکمیلی را در اهرها و از این قبیل وسائل نشان میدهد که امپریالیسم تلاش در این جهت است که بافت تسلیحاتی ما تغییر نکند و ما را به سمت جنگ کلاسیک متکی بر سلاحهای مدرن سوق دهد که طبیعتا نزدیکی به غرب را طلب میکند.

۳- کنترل بنیاد گرای در منطقه

رنگان در سخنرانیهش به این مطلب اشاره کرد که اگر ایران به توافق نرسیم نمی توانیم خاور میانه را کنترل نماییم. این اعتراف نشان میدهد که امپریالیسم تلاش میکند تا امامت نهفت های اسلامی را به سسازش بکشاند تا از طریق آن برد بگر جنبش ها فشار وارد کند و آنها را به سمت رکود و انفعال سوق دهد.

۴- تبدیل بحران به ضد بحران

ریچارد کاتم اعتقاد دارد که هر بحران را

دارد و چرخش کاملی به سمت او خواهیم کرد که البته گمان نمی رود در این مرحله امپریالیسم حاکمیتش را به مانند زمان شاه مخلوع اعمال کند، بلکه بطور مسلم به نحو پیچیده تری این کار را انجام خواهد داد. بنان این سه مرحله استراتژیک برای هوشیاری بیشتر نیروهای متعهد و مومنی است که در محنه امور سیاسی فعالند. نباید از یکد شیطان غافل شد چرا که امکان دارد که شیطان از این راه وارد شود که ما را به معامله

بین انقلاب اسلامی و شیطان بزرگ دره عمیقی وجود دارد که مملو از خون شهیدان است.

... اهداف آمریکا از نزدیکی به ایران
"معاظه، همزیستی، وابستگی"

از رون بایستی به ضد بحران تبدیل کرده بدین معنی که باروشی خزننده خطوطی را در بحرانها حاکم کنیم که با ارائه سیاستهای موزیانه انقلاب را از مسیر خود خارج کنند. این شیوه در رابطه با انقلابهای شوروی و چین بوضوح مشاهده میشود چگونه این انقلابات از رون پوسیده شده و به تزهیمزستی مسالمت آمیز و یا تئوری سه جهان رسیدند و به قول کاتم بحران به ضد بحران تبدیل شد. ریگان میگوید در مذاکرات اخیر هدف این بود که به ایران علامت دهیم که ایالات متحده آماده است تا خصومت بین ما جای خود را به روابط متناسبات جدید دهد. این سخن ریگان تابع همان اصولی است که کاتم میگوید و جای بسی تأمل دارد.

انقلاب اسلامی با آمریکا موجب انگیزه نمودن شدن بسیاری از نهفت های آزاد بیخوش در مبارزات ضد استکباری شده است. یکی از انگیزه های اعلام تمایل به نزدیکی با ایران این است که به اصل قهرآمیز بودن رابطه انقلاب اسلامی و امپریالیسم که بعنوان یک ارزش انقلابی و اسلامی در منطقه تثبیت

رابطه با انقلاب اسلامی جوهره قهرآمیز دارد چرا که شیطان بزرگ میدان یکس از دلایل اساسی پیروزی نظامی رزمندگان انگیزه آنها و اعتمادشان به رهبران انقلاب است از این رو سعی میکند با میج گیری از رهبران جمهوری اسلامی اینطور وانمود

است تا برتری روانی ماراد رحنه نیسرد خدشه دار کند.

در پایان باید اشاره کرد بزرگترین خطری که انقلاب اسلامی را تهدید میکند اعطای امتیازات ایدئولوژیک به شیطان بزرگ است. از دیدگاه اصولی رابطه با آمریکا امر صرفاً سیاسی نیست بلکه اساساً ایدئولوژیک میباشد و پذیرفتن این اصل که میتوان با آمریکا که "رویاروی انقلابها و نهفتهاست" به یک تفاهم رسید پایمال کردن یک اصل ایدئولوژیک می باشد.

امپریالیسم به این مطلب توجه دارد که خط نزدیکی به ایران در زمان امام مطرح شود تا یک نوع مشروعیت نسبی در اذهان پیدا کند تا بعداً به مقاصد و متی برخورد نکند.

شده ضربه بزنند و در منطقه اینطور وانمود کنند که انقلاب اسلامی به سازش و تفاهم معتقد شده و بدین وسیله جایی برای مقاومت بقیه نیروها باقی نگذارد.

نماید که آنها نقض اصول کرده اند تا بدین وسیله موجب سلب اعتماد رزمندگان نسبت به مسئولین شوند که بطور مسلم این سلب اعتماد نقش ویژه ای در کاهش مقاومت ها خواهد داشت. با توجه به این مکانیسم میتوان گفت که حرکت های اخیر آمریکا یکی از اهداف بارز از زمین بردن انگیزه مقاومت نظامی بوده است. و اینکه برتری روانی ما را نسبت به نیروهای بعث صهیونیستی از زمین ببرند. مطرح نمودن نقش اسرائیل

در مذاکرات یاد شده و اینکه پول تحویلی ایران به شورشیان نیگاراگوئه را داشته نشات گرفته از خط نظامی و سرکوبگر آمریکا

وضع ما از مسلمانان صدر اسلام بدتر نیست آنها با وضع بسیار بدتری در برابر مشکلات و سختی ها و کمبودها مقاومت کردند تا بالاخره اسلام در دنیا مستقر شد. و روبه پیشرفت گذاشت. در جنگ تیون مسلمانان هر دو نفرشان با یک خرما در روز زندگی می کردند. معذالک تحمّن کردند. هدف ما باید حفظ شعارها و ارزشهای اصلی اسلام و انقلاب که برای آن جوانان عزیز ما خون پاکشان را دادند، باشد نه حفظ مقام و موقعیت خود.

اگر ما تمام نیروهای خود را در این دو امر که عمیاً در دل جنگ به یکدیگر پیوند خورده اند، بسیج نمائیم، موجب رشد و آگاهی ملتها شده و رژیمهای ارتجاعی منطقه یکی پس از دیگری در معرض قیامهای مردمی قرار خواهند گرفت.

زیرا اولاً سازشکاری این گونه رژیمها با اسرائیل آشکار میشود. ثانیاً با ارائه یک اقتصاد خودکفا از سوی ما وابستگی نفتی و غارت منابع ملتها توسط آنها زبر سوال خواهد رفت.

در عین حال برخورد مستقیم ما با رژیمهای نظیر عربستان و کویت میتواند بدین صورت افشاکاری و اعلام جرم علیه وابستگی و مشارکت آنها در توطئه های نظیر نبت و شروع جنگ و حمایت از عراق از طریق دادن اطلاعات و آواکها و وامهای کلان و... ادامه یابد. این افشاکریمها بایستی بمنظور رشد و آگاهی ملتها باشد. نه بمنظور کسب امتیازات سیاسی و اقتصادی.

والسلام

طرح يك سؤال

این سؤال مطرح میشود که چرا در شرایطی که امپریالیسم در فاز نظامی قرار داشته و در لیبی و نیگاراگوئه به صورت نظامی عمل میکند، در رابطه با ایران به شیوه سیاسی دیپلماتیک عمل مینماید؟ در جواب باید گفت عمل سیاسی امپریالیسم در

اسرائیل و شوروی در فرهنگ آنان تروریسم است ولی آنها و سازمان سیا و صهیونیستها هر جنایت و هر غلطی در دنیا می خواهند می کنند و همه جا را به آتش می کشند هیچ مسئله ای هم نیست و اشکال ندارد.

ما از آمریکا و شوروی هیچ خیر ی ندیده ایم و نباید آزادی را فراموش کنیم

بهر حال ما از آمریکا و شوروی هیچ خیری ندیده ایم و نباید ارزشهای اسلامی و انقلاب و همان آزادی و استقلال خود را فراموش کنیم.

مردمی دعوت از آمریکا بپذیرند و یا بعنوان دفاع از مرزهایشان این امر را توجیه نمایند. هر چند که اگر ما به خط مشی اصل خود در جنگ، یعنی آزادی قدس و کربلا ادامه دهیم روزی با لایحه خود این رژیمها و حتی آمریکا با ما وارد نبرد خواهند شد. ولی آنروز ما از موضع مظلومیت و حقانیت و در دفاع از خودمان انجام بیشتری در درون خواهیم داشت و هر چه بهتر میتوانیم توده های منطقه را در حمایت از خودمان بسیج نمائیم.

خط مشی صحیح

مسلم است که امپریالیسم و ارتجاع از دو چیز وحشت دارند، ۱- خط مشی آزادی قدس و ادامه جنگ اسلام و کفر. ۲- بسیج در راه خودکفائی

۵- گرفتن انگیزه مبارزه از مستضعفین

در روشهایی که امپریالیسم برای مبارزه با نهفت های آزاد بیخوش در پیش گرفته است از زمین بردن انگیزه مقاومت به عنوان یکی از این شیوه ها مدنظر است. برای تحقق چنین سیاستی سعی می کند ارزشهایی را که موجب بسیج نیروهای مقاوم میشود از زمین ببرد. بطور مثال در حال حاضر درگیری

بقیه از صفحه ۱۶ ادامه خط امام در ...

ما باید به ملت هاییکه زیر ظلم هستند

کلمه نمائیم

امروز ملت های مصر و اردن، لبنان، فلسطین افغانستان، خلیج فارس و جاهای دیگر که زیر ظلم آمریکا و اسرائیل و شوروی هستند از ما انتظار کمک دارند و ما باید به اندازه قدرت به آنان در راهیکه برای نجات خود پیوسته گرفته اند کمک نمائیم. در حقیقت ایستادن در مقابل امریکا و

بقیه از ص ۳۸ ادامه عربستان ...

با عراق توجه داده و از گسترش بی رویه میدانهای نبرد با توجه به توان محدودمان جلوگیری کردند.

ثانیاً - توجه به تضادهای درونی رژیمهای

منطقه

امپریالیسم برای اینکه بتواند در یک نقطه ای نیرو وارد کند و به مداخله نظامی دست بزند بایستی در خود منطقه جناحی باشد که از حضور او حمایت کنند.

چنانچه در طول مقاله روشن شد، رژیمهای نظیر عربستان و کویت بدلیل شعارها و شکلی که انتخاب کرده اند، حداقل تاکنون نتوانسته اند از ورود نیروهای بیگانه بخصوص آمریکا در منطقه خلیج استقبال کنند. این یک امتیاز برای انقلاب ماست. (فشار افکار عمومی) ما نباید با حرکت های مکانیکی و وودرس آنها را بصورتی متوحش نمائیم که بسادگی خطرات

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم.

۱- در رابطه با سخنرانیهای دکتر میرحسین موسوی در راه مجاهد شماره ۳۴ و ۳۵ مراجعه کنید.

پذیرفتن این اصل که می توان با آمریکا به یک تفاهم رسید پایمال کردن یک اصل ایدئولوژیک است.

بقیه از صفحه ۹ ادامه محکمهات ...

شود و بیعتی ایران نباید طرابلس شود حتی اگر در بعضی جاها اعتقاد اتمان تحقق نیابد. حل اختلافات داخلی تنها در سایه صبر انقلابی و حوصله و برخورد سیاسی ایدئولوژیک و مردم داری است.

اینگونه برخورد، مانع طرابلس شدن ایران میشود. در طرابلس ۱۳۰۰ نفر نیروی بالقوه و بالفعل ضد صهیونیسم شهید شدند. در ایران پتانسیل انقلابی بقدری بالاست که اگر جناحهای راست ایران به عربستان بروند به چند اعدام محکوم خواهند شد. هرگونه درگیری خشن موجب خوشحالی امپریالیسم خواهد شد چون بدون لشکرکشی، نیروهای انقلابی به جان یکدیگر می افتند.

مذاکره از موضع مقاومت

در هر حرکت انقلابی اصل بر مقاومت در مقابل دشمن است. البته در سیر این مقاومت، مذاکره نیز نفی نمیشود. باید متذکر شد که مذاکره با معامله و سازش فرق اساسی دارد. در مذاکره هر دو طرف به پیششاز مقاومت، هر دو طرف به پیششاز مذاکره نیز است. چرا که هر دو طرف مقاومت امتحان خود را در حرکت اصولی خود نشان داده است و مورد امتیاز کامل میباشد. پیششاز مقاومت در سیر انقلاب نشان داده که هیچگاه از اصول انقلاب دست برنداشته و با هیچکس در این مورد به سازش نرسیده است. لذا مذاکره از موضع مقاومت امری اصولی بوده و بهره برداری از تزلزل دشمن در مقابل توده های شدن حرکت انقلاب است. رجوع شود به قسمت سسی از سر مقاله در همین شماره.

جنگ امروز برای همه ما اهمیتش بیشتر از فروع دین است امام خینی

بقیه از ص ۴۴
ادامه پاسخ به ...

موضعگیری کردند و ایشان روشیوه برخورد با آنها رهنمود دادند و شیوه های غلط مشمل توهین به شخصیتها و روحانیون، جلوگیری از اظهار نظر و برخورد آراء و سوء استفاده از پیام امام را مرز بندی نمودند. چرا که با انحراف بایستی با روشهای اسلام برخورد کرد. امام هم قبلا گفته بود که انحراف را با انحراف نمی شود مستقیم کرد.

ثانیا حکایت مشهوری است که قاضی به مامور گفت برو فلان را بیاور. مامور رفت سرش را آورد و متاسفانه عده ای هم در مملکت ماهر تند که همین روش را دارند. بعد از پیام امام در دهه اول محررخون روحانیون در شهرستانها در مخالفت با دولت و خط امام منبر رفتند. برخی برای مقابله و بعنوان اجرای پیام امام به درگیری و حتی کتک کاری با این روحانیون دست زدند. توجه دارید که این شیوه ها همانطور که آیت الله منتظری گفتند بنفیع انقلاب نیست.

بهرتر است با منتقدین و مخالفین که حرفشان را صریح می زنند برخورد فکری شده و با انسجام برتری پاسخ آنها داده شود و انتقادها ایجا پذیرفته شود تا موجب انسجام و استحکام بیشتر انقلاب و هدایت مخالفین گردد. خلاصه صحبت های آیت الله منتظری در رابطه با این شیوه برخورد ها و اتفاقات بود و میدانیم که شیوه های غیر اسلامی بنفع جریانات منحرف تمام می شود نه رهنمود های ایشان لذا سخنان ایشان در تکمیل صحبت امام بود نه در مقابل آن.

سؤال: شما که از خط امام دفاع می کنید بگوئید بینم چرا آقای لاجوردی را که از داستان انقلاب کنار گذاشتند حالا در دفتر امام منصب بهتری داده اند. بعضی هم می گویند در وزارت اطلاعات شغل مهمتری دارد؟ اگر ایشان خلافی نکرده چرا از مسئولیت قبلی کنار گذاشتند آیا این برخورد ناصدقانه یا مردم نیست؟

جواب: تا جائیکه ما اطلاع داریم ایشان بعد از برکناری از داستان هیچ پست و شغلی در نظام ندارند و به کار سابق خودشان در بازار بازگشته اند. خبری که شنیده اید به شایعه بیشتر نزدیک است لذا نتایج هم که می گیرید موضوعیت پیدا نمی کند.

سؤال: چرا شما تجربیات تشکیلاتی خودتان را نمی نویسید تا در جامعه استفاده شود؟ این کار بسیار لازمی است چون از نظر روشهای تشکیلاتی و انقلاب نیاز به کار بیشتری دارد. جواب: در این زمینه مقالاتی قبلا نوشته شده است مثل سلسله مقالات سازماندهی و مکتب شامل: تشکل الهی مهمترین وسیله تقرب به خدا ش ۷ - اصول فطرت و یقین است ش ۸۷ - ایجاد اشتیاق اساس حرکت یک فرد یا سازمان ش ۹ - اول بسیج مستضعفین بعد نفوذ یا اول نفوذ بعد ... ش ۱۱ - نهاد گری اسلامی جوهره تشکیلات الهی ش ۱۲ و ۱۴ مقاله الفتح مجاهدین حزب جمهوری ش ۱ طرح ارگان اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی

ش ۱۴ - حوزه های علمی و حزب جمهوری ش ۲۴ - ریشه باین ۷ تیر و وقانونمندی ش ۲۴ و نیز کتاب سازماندهی و مکتب را در این زمینه منتشر کرده ایم. ما را از پیشنهادات و نظرات تکمیلی خودتان محروم نگذارید.

سؤال: چرا شما درباره مسائل اقتصادی نظر نمی دهید؟ مثلا در رابطه با دولتی کردن یا آزاد کردن تجارت خارجی، در مورد بخش خصوصی و بازار، مسئله احتکار و گران شدن و چرا علیه سرمایه داری مقاله ای نمی نویسید؟ حال آنکه اغلب روزنامه ها در این موارد موضع می گیرند. ولی شما این موضع هستید. این دیگر چه سئری است؟

جواب: اولاً درباره مسائل اقتصادی غیر از خبرنامه اقتصادی مستقیما مقالاتی نداشته ایم که می توانید مراجعه کنید منجمله: اقتصاد قدس ش ۱۱ - اقتصاد اسلامی ش ۱۶ بودجه ش ۲۱ - شهید مطهری و کتاب اقتصاد اسلامی ش ۲۵ - بررسی لایحه ۲۰٪ بنفع کشاورزان ش ۲۶ - چهار استان مولد و مبارز ش ۱۵ - قدس و نفت ش ۲۴ - سیری در نقطه نظرها امیدامت و امام (مالکیت) ش ۱ - ایجاد روحیه قناعت گامی در جهت خود کفایی ش ۱۸ - تجارت خارجی و رساله امام خمینی ش ۲۸

ثانیا: در مقالات گذشته گفته ایم که اصلی ترین مسئله اقتصاد ماتزاد بخش خصوصی و بخش دولتی نیست. بلکه قطع وابستگی به درآمد نفت و واردات و بسیج مردم می بسمت خود کفایی است. با حفظ وابستگی به درآمد نفت و واردات، دعوی بخش خصوصی و دولتی و دو قطبی کاذب است. لذا مقالات اقتصادی ما حول مسئله نفت و خود کفایی است.

در شماره های اخیر مقالاتی در این مورد بود. ثالثا: بنظر ما اقتصاد جدا از سیاست و سیاست جدا از مکتب نیست. در ایران اقتصاد تابع وضعیت نفت و نفت هم تابع وضعیت جنگ است لذا مقالات ما در رابطه با جنگ نیز مستقیما سرنوشت اقتصاد ما را هم نشان می دهد.

رابعا: مسئله سرمایه داری در ایران با شعار و غوغا حل نمی شود. سرمایه داری در ایران یک پشتوانه فلسفی و ایدئولوژیک دارد که آنرا مشروع و اسلامی تلقی می کند. مسئله اصلی نبودن یک ایدئولوژی منسجم و مقاوم در برابر سرمایه داری است. حرکت در این زمینه خود مبارزه بنیادی با سرمایه داری است. نکته دیگر اینکه زمینه حاکمیت سرمایه داری را شیوه های غیر اسلامی فراهم می کند. مثلا شکنجه بمنظور اعتراف یکی از شیوه های جوشیده از نظام سرمایه داری است لذا مبارزه با شیوه های غیر اسلامی مبارزه با حاکمیت سرمایه داری است.

خامسا: در شرایط فعلی که ملت ما با امپریالیسم و صهیونیسم درگیری نظامی دارد و تدویم اصولی آن اصلی ترین کار است. در رابطه با سرمایه داری بایستی روی جهت آن تکیه کرد. سرمایه ما را در جهت تولید داخلی و تقویت اقتصاد ملی سوق داد و نفی مطلق سرمایه داری و بخش خصوصی حرکتی انقلابی و اصولی نیست. و اما در مورد موضعگیری مطبوعات و شخصیت ها خوب است از آنها بخواهید موضعشان را در باره مسئله نفت و خود کفایی و راه رسیدن به آن مشخص کنند.

سؤال: شما که اینقدر از جنگ دفاع می کنید جواب بپردازید. من خودم شاهد بوده ام که افرادی به جبهه می روند که بعد از عنوان جبهه رفتن استفاده کنند یا در اداره تشبیه شوند. آیا باز هم می توان جبهه را محل ایثار و خلاص و لقا الله نامید؟

جواب: برادر شنیده اید که گنه کرد در بلخ آهنگری، بسه شوشتر: دندگردن سگری حالا هم اگر عده ای با انگیزه غلط به جبهه می روند بایستی دگرانی که با انگیزه الهی و انقلابی در جبهه ها هستند زیر سؤال برد. اول انقلاب هم عده ای را کارانه به انقلاب پیوستند در صدر اسلام هم عده ای بانیت سوء استفاده به اسلام روی آوردند ولی اینها نافی پاکی اسلام و جوهر انقلاب و وجود اخلاص در جبهه ها نمی شود.

۲- پدیده ای که شما مشاهده می کنید بیانگر اینست که در جامعه ما معیار شهادت طلبی و رزمندگی تشبیه شده است. لذا حتی آنها که نوبه شیوه ای پارتی بازی و سودجویی عادت دارند مجبورند از این طریق عمل کنند. البته در همین مسیر چه ساعده ای نه تصحیح شده و یاد را انحرافشان تعدیل بوجود آید.

سؤال: اگر خط مسئولین امر، تقویت کشاورزی و روستاهاست چرا در بسیاری موارد منجمله نان و گوشت به شهری اسوسید می دهند و اجناس در شهر فراوانتر و ارزانتر است و در روستا خرج زندگی خیلی گرانتر تمام می شود؟

جواب: برادر یا خواهر سؤال شما را هم داریم و توجه داشته باشید که این سؤال را ابتدا آیت الله منتظری مطرح کردند و گفتند چرا به شهرها سوسید می دهید؟ سوسید را برادر دارید و در جهت تقویت روستاها خرج کنید و ضمنا توجه داشته باشید خود سیاست سوسید زمان شاه وضع شد که در جهت گسترش طبقه متوسط وابسته به درآمد نفت در شهرها و تضعیف روستاها بود. راهش قطع وابستگی به درآمد نفت و این شیوه است. نه تدویم آن و گسترش روستاها.

بقیه از صفحه ۶
ادامه سنت پیامبر (ص) ...

جمهوریت يك تشکل قوی عمل کنند. ما امید داریم که با توجه به سنت قرآنی پیامبر (ص) و برداشتهایی که از این سنت ارائه داده شد این مطلب برای مبارزین عراقی بیشتر مشخص شود که عمل صالح آنها در رابطه با انقلاب عراق چیست؟ و آیا هم نظوری که برخی میگویند و اقتصاد عراق قدرت عمل کردن وجود ندارد و آيا زمان فعلی، هجرت نیروهای عراقی را به خارج از عراق راطلب میکنند؟ و آیا اینکه مقاومت و مبارزه اصولی نیاز مرحله ای انقلاب عراق می باشد؟ به قول نقیه عالیقدر حضرت آیت الله منتظری ملت مسلمان عراق هم در داخل هیچ عذری مبنی بر عدم مبارزه با رژیم صدام ندارند.

۴- آیا بعد از انقلاب بد رفتار با منافع نظام جمهوری اسلامی است؟ جریانی معتقد است اگر در رابطه با

سؤال: اگر مقاله و مطلبی به شما بدهیم در نشریه تان چاپ می کنید یا سانسور می شود؟ جواب: در کار آئین نامه راه مجاهد که برخورد قعال ما با مقالات رسیده است چاپ میکنیم، کما اینکه نامه احسان سراقی را هم چاپ کردیم.

عده ای از خوانندگان راه مجاهد، خواستار معرفی کتب و نشریات ما شده اند. در زیر لیست بعضی از کتب و نشریات را می آوریم. ضمنا متذکر میشویم، بعضی از این کتب و نشریات موجود نیست.

- ۱- مکتب راهنمای عمل
- ۲- مبنا یا وجود
- ۳- سازماندهی و مکتب
- ۴- منطق توحید
- ۵- دانشگاه مدرس یا انقلاب بنیادی در نظام آموزشی
- ۶- تازیانه تکامل (شعای از علل درونسی ضربه خائنانه سال ۵۴)
- ۷- شرحی بر مکتب راهنمای عمل
- ۸- قران راهنمای عمل (محکم و متشابه و از عوامزدگی تا بسیج مستضعفین)
- ۹- ویژگیهای انقلاب اسلامی
- ۱۰- توطئه های که علیه انقلاب صورت گرفت
- ۱۱- جنبش ملی مجاهدین و ارتجاع، دو شیوه برخورد ما و جنبش ملی مجاهدین.
- ۱۲- فرازهایی از زندگی شهید دکتر سید حسین فاطمی
- ۱۳- شیوه های ساواک
- ۱۴- قیام ثبات شکن تبریز
- ۱۵- خود سازی و مکتب
- ۱۶- تحلیلی از تصرف لانه جاسوس
- ۱۷- سیاست گام به گام
- ۱۸- تحلیلی از جنگ ایران و عراق
- ۱۹- توطئه دو قطبی کردن کاذب انقلاب
- ۲۰- بحثی پیرامون انقلاب ایران و فلسطین
- ۲۱- سنه الاولین (شیوه های محمد آقا)
- ۲۲- مراحل رشد خلق و افول امپریالیسم
- ۲۳- تحلیلی بر کودتای ناتو در ترکیه
- ۲۴- استقلال آزادی، حکومت اسلامی

صدور انقلاب و رفع نیازهای جمهوری اسلامی نقش ام القری را دارد. رفع نیازهای جمهوری اسلامی در اولویت قرار میگیرد حتی اگر به قیمت جدا کردن رابطه با نهضت های آزاد بیختر باشد. در صورتیکه باید توجه کرد که یکی از برکات گسترش نهضت های آزاد بیختر در منطقه این است که امپریالیسم نمیتواند تمام نیروی خود را برای سرکوب جمهوری اسلامی بکاربرد چنانچه اگر کشورها ای منطقه خیال لشگر کشی به جمهوری اسلامی داشته باشند تا استقلال و تمامیت ارضی ما را بخطر اندازند، فعالیت این نهضت ها علیه نظام های حاکم کشورهای منطقه گسترش یافته و این توطئه را خنثی میکند.

این پیام خون هریار شهید با صلح به کربلا نخواهیم رسید

پایخ خوانندگان

س: شما چه صلاحیتی دارید که در مورد نظرات آیت ال... آذری قمی، آیت ال... یزدی و آیت ال... راستی اظهار نظر کرده‌اید. سخنی که یک فقیه نظیر آذری قمی در مورد یک حدیث یا یک فتوا می‌دهد، باتکلیف بر اسناد و مدارک از کتب حدیث و روایات است که مطمئن است که شما از خواندن متن عربی آن عاجز هستید. خواهش می‌کنم وارد این وادی عظیم نشوید که اگر به اندازه کافی از علم فقه و اصول مطلع نباشید به راهی می‌روید که کثرت شریعتی و اعوان و انصار او مانند مهدی هاشمی و گودرزی رفتند. بیم از این دارم که عاقبت شما نیز همان باشد چرا که تا در روز مقالات مهدی هاشمی منحرف و مرتد را در نشریه خود چاپ مینمودید.

ج: ضمن تشکر از خیر خواهی و نصیحت برادر که ما را به اصلاح افکار و اندیشه‌های خودمان دعوت کرده‌اند نکاتی بنظر می‌رسد که باید توجه نمایند.

۱- انتظار داریم در مورد همان انتقاداتی که به آقایان فوق شده است اظهار نظر کنید تا متوجه شویم کجای حرفمان غیر واقعی و غلط بوده است. تا جائیکه شنیده‌ایم و خوانده‌ایم رفتار بی‌مرواقتی اینطور نبود که اگر کسی انتقادی مطرح میکرد یا مارک عدم صلاحیت یا بیسواد از تامل و تدبیر در مورد آن طفره برون و طرف مقابل را وادار به انقیاد نمایند. بلکه سفارش کرده‌اند که حتی از اهل باطل هم سخن درست را بگیرند و خود نیز این صداقت و حق جویی را داشتند. در برخورد با ای مستمری که در گذشته با رجوی داشتیم یکی از شیوه‌های آشکار او این بود که هر وقت کسی از او انتقاد میکرد میگفت: تو که صلاحیت نداری، تو که به اندازه ما اصول نمی‌دانی، اصول را ما به تو یاد دادیم، ایدئولوژی از مخ مسعود در می‌آید و... و از این طریق افراد را خود کم بین میکردند و مسعود رجوی را بیت‌

۲- شما ما را دعوت به تقلید کورکورانه از آقایان

کرده‌اید. گویا در مذبح تشیع هدف مقلد پروری نیست، بلکه مجتهد سازی است. وظیفه مجتهد هم تعلیم و آموزش و تفهیم مقلدین است نه به انقیاد کشاندن آنان. امام خمینی هم در این مبحث یکی از وظایف مجتهد را مبارزه با تقلید کورکورانه دانسته‌اند. بنابراین انتقاد به نظرات آقایان در کادر اجتهاد شیعی امری طبیعی و ضروری است و آقایان وظیفه دارند که در توضیح و تفهیم آن بکوشند.

۳- اینگوشه انحراف را عدم آگاهی به علم فقه و اصول گرفته‌اید و فقیه را مضمون از خطا، بنظر می‌رسد به ملاک محکم دست نیافته‌اید. برادر آیت ال... شریعت‌داری به علم فقه و اصول آشنایی نداشت؟ آیت ال... قس که جمهوری اسلامی را از رژیم شاه ظالمتر و بدتر روحانیونی که با دربار شاه همکاری میکردند و در خدمت آنها بودند، فقیه نبودند؟ آیت ال... مین گردانندگان روزنامه رسالت و جامعه مدرسین با وجود تسلط بر فقه و اصول مبری از خطا و انحرافند؟ و آیا توسط امامت به زیر سؤال نرفته‌اند؟

آیا هیچ فکر کرده‌اید چرا موضوع گیرهای این آقایان در مورد انجمن حجتیه، انتخابات مجلس شورای اسلامی، استیضاح دولت و رای اعتماد به دولت، مقالات روزنامه رسالت و... در مقابل موضوع گیرهای امام بود و سرانجام کاری کردند که امام علناً چند بار به آنها اعتراض کردند. در مورد نظر صریح امام راجع به تأیید دولت، در موقع رای اعتماد، این آقایان می‌گفتند: نظر امام ارشادی بوده نه مولوی و علیرغم نظر امام بیش از ۹۰ نفر به دولت رای ندادند. هم اکنون روزنامه رسالت در حال جوسازی است در حالی که ما شنیعه‌ها هنوز برای تکمیل پرونده سید مهدی هاشمی دستگیریهایی ادامه دارد، نظر امام و آیت ال... منتظری در مورد سید مهدی و دوستانش این است که بدون جوسازی، گروهش تعقیب قانونی

و محاکمه شود و امام هیچ نظر ارشادی و یا مولوی در مورد کوبیدن و یا جوسازی در مورد سید مهدی و سید احمد را صادر نکرده‌اند. این برخوردها چگونه تبیین فقهی میشود؟ آیا ملت میتواند چشمها و گوشهایش را بسته و نه ببیند و نه بشنود؟ آیا نتیجه اش این نیست که جامعه بر سر سید مهدی به یک دو قطبی کاذب تبدیل شود؟ مگر سید مهدی ملاک حق، مابطل شده است؟

با این وصف چه تضمینی است که شما ما را دعوت به تقلید کورکورانه از آقایان می‌کنید؟

۴- اینکه گفتید تا در روز مقالات سید مهدی هاشمی را در نشریه چاپ میکردیم خوب است بدانید تا امروز مقاله‌ای از ما بر روی نشریه ما چاپ نشده است تا چه رسد به مقالات صرفاً یک بار چند محور از سخنرانی وی در خبرنامه نشریه آمده است که دال بر تائید و تکذیب کس نیست.

۵- اگر شما به اصالت تخصص م معتقد هستید خوبست فکر کنید آیا آقای آذری قمی در مورد فنون جنگی و در مورد انقلاب مردم عراق و خط مشی جنگ و مراحل آن تخصص و خبریست دارند که جواز موشک زدن به شهرهای عراق را صادر می‌کنند؟

۶- اگر شما آیت ال... را راستی و آیت ال... یزدی در مورد بازجویی و غربت اساساً سنخیت ندارد. چرا این فرهنگ واداره زندان تخصص دارند که نظرمی دهند؟ البته ملاک ما تخصص نیست و بارها تشویق کردیم که روحانیت تبیین فقهی خود را راجع به ادامه جنگ و آزادی قدس و صدورانقلاب و... بدهند.

سؤال: چرا شما اسم "مجاهدین" را روی خودتان گذاشته‌اید؟ در حالی که به آموزشهای مجاهدین اولیه هم انتقاد دارید و نسبت به این اسم هم در جامعه حساسیت وجود دارد. من از این کار شما سردرگم و گیجم. (حضرت علی ع) هم گویند اجتناب مواضع التهم از مواضع که مورد اتهام است بپرهیزید. شما اگر اسم دیگری را انتخاب می‌کردید کسی روی شما حرفی نداشت و در جامعه خیلی بیشتر مقبول می‌شدید.

جواب: ضمن تشکر از دلسوزی و راهنمایی شما نکاتی که در نظر است بعرض می‌رسانیم:

۱- اگر به جریانی انتقاد داریم نباید ارزش و نقاط مثبت آنرا نفی کنیم. مثلاً در شرایط فعلی اگر رهبران انقلاب در مواردی دچار خطا و انتقاد شدند بخدا مات و وارزشهایشان محو نمی‌شود بطوریکه اسعشان را هم به نیکی نبریم

در مورد مجاهدین اولیه ما چنین شیوه‌ای داشتیم ۲- جمع ما از جریان مجاهدین جوشیده‌اند و خود را در ضعفها و انتقادات آن جریان - سینه می‌دانیم. می‌دانیم که با عوف کردن نام و عنوان، صرفاً در ذهن مردم ظاهرین خود را تبرئه می‌کردیم. اما حق این بود که مسئولیت و واقعیت وجودی خود را از زیاد نبریم و در صدر اصلاح محتوی خود برآیم. طبیعتاً "عکس العمل" ای جامعه نیز زمینه اصلاح بیشتری فراهم می‌کند.

۳- هدف را نمی‌توانستیم کسب مقبولیت و جذب عامه بگردانیم که منجر به عوام زدگی و انحراف می‌شد. بلکه هدف برخورد اصولی و عادلانه با قضایا منجمله جریانهای تاریخی کشورمان است.

۴- شاهد بودیم برخی که خود هم فکر و همراه مجاهدین بودند، نام و عنوان را شتابان تغییر دادند، اما در محتوی کار بنیادی انجام نشد. بلکه برخی ارزشهای تاریخی را از دست دادند و تضعیف را ارتکاب کردند.

۵- اسم "مجاهدین" و هم نام "خلق" هر دو کلمه‌ای قرآنی است و تهنید و تمکین اسلام معنی و کاربرد دارد و با فرهنگ مآثر بالیسم آیت ال... را راستی و آیت ال... یزدی در مورد بازجویی و غربت اساساً سنخیت ندارد. چرا این فرهنگ واداره زندان تخصص دارند که نظرمی دهند؟ البته ملاک ما تخصص نیست و بارها تشویق کردیم که روحانیت تبیین فقهی خود را راجع به ادامه جنگ و آزادی قدس و صدورانقلاب و... بدهند.

۶- بنظر من رسد جمله حضرت علی (ع) یعنی فرار از مارک خوردن و ترس از مارک نیست طبیعی است برخی منحرفین به هر موضوع اصولی مارک و تهمت ناروا می‌زنند. خود حضرت نیز در موضعی میگفت از طرف مخالفین مدام مورد افترا و تهمت ناروا واقع می‌شد. بنظر من رسد منظور اجتناب از موارد مبهم است که واقعا "مصادق تهمت" باشد و آنهم از جانب دوستان و حق طلبان نه... گذشته از آن اجتناب از موضع تهمت را هشترزیندی و تصریح در مواضع است نه الزاماً عدم موضعگیری

سؤال: بدنبال پیامی که امام خمینی در رابطه با گروه رسالت داد آیت اله منتظری صحبت با این کردند که بنظر من بنبفع آنها تمام شد. اگر میدانید بگوئید چرا این طور صحبت شد؟

جواب: اولاً صحبتها با ایشان دال بر تائید و تکذیب جریانی نبود که در مقابل صحبت امام باشد. امام خمینی در مقابل خط رسالت بقیه درص ۴۳

ماه مجاهد

نشریه هفت ماهه به مدیریت و تدوین آقایان: سید محمد باقر موسوی همدانی، سید محمد باقر موسوی همدانی، سید محمد باقر موسوی همدانی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهندس لطف الله میثمی

صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ چاپ آشنا

این چهلمین شماره راه مجاهد است که با روش سیاسی ایدئولوژیک، با اهداف مذکور در آئین نامه منتشر شده است.

کلیه انتقادات و پیشنهادات و طرحهای خود را جهت بهتر شدن کیفیت نشریه، هر چه سریعتر در اختیار ما قرار دهید. با تشکر، راه مجاهد

جمهوری اسلامی ایران

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

آقای لطف میثمی

بزرگوار و عزیز خانوادگی محترمانه منسوب ۱۳۳۸.۵.۲۰

پروانه انتشار راه مجاهد به روش سیاسی ایدئولوژیک

تربیت پیشگام فرزندان مسلمانان با روش تربیتی

شماره: ۲۱۵۲ تاریخ: ۱۳۴۵/۲/۲۲ ثبت گردید.

بنابالایه مطبوعه: به طبع نشریات و آئین نامه نشریه

نمونه اشتراک

از کلیه برادران و خواهرانی که علاقه مند به اشتراک نشریه "راه مجاهد" هستند، خواهشمندیم تقاضای کتبی خود را به صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ تهران ارسال دارند بهای اشتراک:

شماره ۱۲ ریال

شماره ۶ ریال

لطفاً وجه اشتراک را در شعب بانک صادرات به حساب پس انداز قرض الحسنه شماره ۴۹۸/۶۰۰۲۹ بانک صادرات میدان قیام به نام لطف الله میثمی حواله نموده و فتوکپی آنرا به آدرس بالا ارسال نمایند.

با گروه‌های دیگری که مسلمان هستند و استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی می‌خواهند تفاهم داشته باشید